

# جهاد با نفس

شیخ حر عاملی قدس سره  
مترجم: علی افراسیابی

-فهرست-

- مقدمه
- (ابواب جهاد النفس و ما یناسبه)
- (بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است).
- 1 باب وجوبه
- 1 باب وجوب با نفس
- 2 باب الفروض علی الجوارح وجوب القيام بها
- 2 باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات
- 3 باب جمله مما ینبغی القيام به من الحقوق الواجبه و المندوبه
- 3 باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است
- 4 باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نبذه منها
- 4 باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها
- 5 باب استحباب التفکر فیما یوجب الاعتبار والعمل
- 5 باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است
- 6 باب استحباب التخلق بمکارم الاخلاق و ذکر جمله منها
- 6 باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو
- 7 باب وجوب الیقین بالله فی الرزق و العمر و النفع و الضر
- 7 باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر
- 8 باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل
- 8 باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی
- 9 باب وجوب غلبه العقل علی الشهوه و تخريم العکس
- 9 باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت برعقل
- 10 باب وجوب الاعتصام بالله
- 10 باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی
- 11 باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه
- 11 باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او
- 12 باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله
- 12 باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا
- 13 باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف
- 13 باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد
- 14 باب وجوب الخوف من الله
- 14 باب وجوب ترس از خدا
- 15 باب استحباب کثره البکا من خشیه الله

- 15- باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا
- 16- باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به
- 16- باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحريم بدگمانی نسبت به خدا
- 17- باب استحباب دم النفس و تاديبها و مقتها
- 17- باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس
- 18- باب وجوب طاعه الله
- 18- باب وجوب فرمانبرداری از خداوند
- 19- باب وجوب الصبر على طاعه الله و الصبر عن معصيه
- 19- باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند
- 20- باب وجوب تقوى الله
- 20- باب وجوب رعایت تقوای الهی
- 21- باب وجوب الورع
- 21- باب وجوب پارسایی
- 22- باب وجوب العفه
- 22- باب وجوب پاکدامنی
- 23- باب وجوب اجتناب المحارم
- 23- باب وجوب خودداری از حرامها
- 24- باب وجوب اداء الفرائض
- 24- باب وجوب ادای واجبات
- 25- باب استحباب الصبر فى جميع الامور
- 25- باب استحباب صبر در تمامی کارها
- 26- باب استحباب الحلم
- 26- باب استحباب بردباری
- 27- باب استحباب الرفق فى الامور
- 27- باب استحباب مدارا نمودن در کارها
- 28- باب استحباب التواضع
- 28- باب استحباب فروتنی نمودن
- 29- باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه
- 29- باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود
- 30- باب تاكد استحباب التواضع للعالم و المتعلم
- 30- باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز
- 31- باب استحباب التواضع فى الماکل و المشرب و نخوهما
- 31- باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها
- 32- باب وجوب ايثار رضا الله على هوى النفس و تحريم العكس
- 32- باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحريم پیروی از هوای نفس
- 33- باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل
- 33- باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل
- 34- باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس
- 34- باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد
- 35- باب انه يجب على المومن ان يحب للمومنين ما يحب لنفسه و ويكره لهم ما يكره لها
- 35- باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین

- دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد
- 36 - باب استحباب اشتغال الانسان بعيب نفسه عن عيب الناس
- 36 - باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران پردازد به عیب خود مشغول باشد
- 37 - باب وجوب العدل
- 37 - باب وجوب عدالت
- 38 - باب انه لايجوز لمن وصف عدلا ان يخالفه الى غيره
- 38 - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند
- 39 - باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر
- 39 - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند
- 40 - باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب
- 40 - باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان
- 41 - باب وجوب اجتناب المعاصي
- 41 - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان
- 42 - باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه
- 42 - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام
- 43 - باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب
- 43 - باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند
- 44 - باب تحريم كفران نعمه الله
- 44 - باب تحريم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند
- 45 - باب وجوب اجتناب الكبائر
- 45 - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره
- 46 - باب تعيين الكبائر التي يجب اجتنابها
- 46 - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است
- 47 - باب صحة التوبه من الكبائر
- 47 - باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره
- 48 - باب تحريم الاصرار على الذنب و وجوب المبادرة بالتوبه و الاستغفار
- 48 - باب تحريم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار
- 49 - باب جمله مما ينبغي تزكته من الخصال المحرمه و المكروهه
- 49 - باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترك شوند
- 50 - باب تحريم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل
- 50 - باب تحريم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی
- 51 - باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التيان بحقوق الاخوان لمن يشق عليه اجتناب مفسد العشره
- 51 - باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند
- 52 - باب تحريم اختلال الدنيا بالدین
- 52 - باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین
- 53 - باب وجوب تسكين الغضب عن فعل الحرام و ما يسكن به
- 53 - باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند
- 54 - باب وجوب ذكر الله عند الغضب
- 54 - باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم

- 55 باب تحريم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه
- 55 باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه
- 56 باب جمله مما عفی عنه
- 56 باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند
- 57 باب تحريم التعصب على غير الحق
- 57 باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق
- 58 باب تحريم التكبر
- 58 باب تحريم خود بزرگ بینی
- 59 باب تحريم التجبر و التيه و الاختيال
- 59 باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی
- 60 باب حد التكبر و التجبر المحرمين
- 60 باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام
- 61 باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها
- 61 باب تحريم دوستی دنیا و وجوب دشمن داشتن دنیا
- 62 باب استحباب الزهد فى الدنيا و حد الزهد
- 62 باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد
- 63 باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضروره من الدنيا
- 63 باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است
- 65 باب كراهه حب المال و الشرف
- 65 باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی
- 66 باب كراهه الضجر و الكسل
- 66 باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن
- 67 باب كراهه الطمع
- 67 باب کراهت طمع ورزیدن
- 68 باب كراهه الخرق
- 68 باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری )
- 69 باب تحريم اساءه الخلق
- 69 باب تحريم بد اخلاقی
- 70 باب تحريم السفه و كون الانسان ممن يتقى شره
- 70 باب تحريم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می

شود

- 71 باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان
- 71 باب تحريم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان
- 72 باب تحريم البذاء و عدم المبالاه بالقول
- 72 باب تحريم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن
- 73 باب تحريم القذف حتى للمشرك مع عدم الاطلاع
- 73 باب تحريم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرك
- 74 باب تحريم البغى
- 74 باب تحريم تعدی و تجاوز
- 75 باب كراهه الافتخار
- 75 باب کراهت به خود بالیدن و مباحات کردن
- 76 باب تحريم قسوه القلب
- 76 باب تحريم قساوت قلب

- 77 - باپ تحریم الظلم
- 77 - باپ تحریم ظلم
- 78 - باپ وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز  
الستغفر الله للمظلوم
- 78 - باپ وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و  
اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز  
بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند
- 79 - باپ اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الی الحق
- 79 - باپ مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به  
سوی حق بازگرداند
- 80 - باپ تحریم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذره
- 80 - باپ تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذراوردن و توجیه کردن  
ظلم او
- 81 - باپ تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع
- 81 - باپ تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است
- 82 - باپ وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب
- 82 - باپ وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان  
خویش و به اینکه مستحق کیفر است
- 83 - باپ وجوب الندم علی الذنوب
- 83 - باپ وجوب پشیمانی بر گناهان
- 84 - باپ وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها
- 84 - باپ وجوب پنهان کردن گناهان و تحریم آشکارا گناه کردن
- 86 - باپ وجوب التوبه من جمیع الذنوب و العزم علی ترك العود ابدا
- 86 - باپ وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد
- 87 - باپ وجوب اخلاص التوبه و شروطها
- 87 - باپ وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن
- 88 - باپ استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب الغسل و  
الصلاه لها
- 88 - باپ استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین  
استحباب غسل و نماز برای توبه
- 89 - باپ جواز تجدید التوبه و صحتها مع الاتیان بشرائطها و ان تکرر نقضها
- 89 - باپ جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای  
آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار گردد
- 90 - باپ استحباب تذکر الذنب و الاستغفار منه کلما ذکره
- 90 - باپ استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد
- 91 - باپ استحباب انتهاز فرص الخیر و المبادره به عند الامکان
- 91 - باپ استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از  
فرصتهای خیر استفاده شود
- 92 - باپ استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و ليله من غیر ذنب و وجوبه مع  
الذنب
- 92 - باپ استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت  
گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد
- 93 - باپ صحه التوبه فی آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاینه و کذا  
الاسلام

- 93 - ✨ با باد صحيح بودن توبه در پايان عمر اگر چه هنگامي باشد كه جان به گلو رسیده باشد پيش از اينكه مرگ را به چشم ببيند و همچنين است اسلام آوردن
- 94 - ✨ با باد استحباب الاستغفار في السحر
- 94 - ✨ با باد استحباب استغفار نمودن در وقت سحر
- 95 - ✨ با باد انه يجب على الانسان ان يتلافى في يومه ما فرط في امسه ولا يوخر ذلك الى غده
- 95 - ✨ با باد اينكه بر انسان واجب است كه در روز آنچه را كه در روز گذشته درباره آن كوتاهي كرده است تلافى كند و اين كار را به فردا موكل نكند
- 96 - ✨ با باد وجوب محاسبه النفس كل يوم و ملاحظتها و حمد الله على الحسنات و تدارك السيئات
- 96 - ✨ با باد وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نيكي ها و جبران نمودن بدبها
- 97 - ✨ با باد وجوب زياده التحفظ عند زياده العمر خصوصا ابنا، الاربعين فصاعدا
- 97 - ✨ با باد وجوب هوشياري و پرهيز بسيار هنگام زياد شدن سن خصوصا كساني كه به چهل سال يا بيشتر رسیده اند
- 98 - ✨ با باد وجوب عمل الحسنه بعد السيئه
- 98 - ✨ با باد وجوب انجام كار نيك پس از ارتكاب گناه
- ترجمه :
- 99 - ✨ با باد صحه التوبه من المرتد
- 99 - ✨ با باد صحيح بودن توبه شخص مرتد
- 100 - ✨ با باد وجوب الاستغال بصالح الاعمال عنالاهل و المال
- 100 - ✨ با باد وجوب مشغول بودن به كارهاي شايسته به جاي اينكه همواره به زن و فرزند و مال پردازد
- 101 - ✨ با باد وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمه عليه السلام
- 101 - ✨ با باد وجوب پرهيز نمودن و ترسيدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه عليه السلام

#### مقدمه

#### به نام خدا

كتاب) جهاد النفس ( مجموعه گرانسنگ حديثي) وسائل الشيعه ( در نزد عالمان اخلاق از اهميت ويژه اي برخوردار بوده است و آن پاك نهادان همواره تشنه كامان اخلاق اسلامي و سالكان طريق را به خواندن و عمل كردن به اين كتاب شريف سفارش مي نموده اند، اين امر ما را بر آن داشت تا به ترجمه اين كتاب كه به حق) زنده كننده دلها (و) شناساننده راه نيكيختي ( است همت گماريم.

#### ويژگيهاي اين اثر

- 1- از آنجا كه اين ترجمه براي استفاده عموم است از ذكر سلسله سند احاديث كه مورد اعتنا و توجه خواص است ، خودداري گرديده است.
- 2- احاديث با دقت فراوان اعراب گذاري و به صورت مسلسل شماره گذاري شده است.
- 3- احاديث در يك طرف و در طرف مقابل دقيقا ترجمه هر يك آورده شده به گونه اي كه به ندرت ترجمه كلمه اي از حديثي در صفحه بعد جاي گرفته است.
- 4- هيچ يك از احاديث كتاب حذف يا تقطيع نگرديده است و تنها در يك مورد از ذكر حديثي كه در همان باب از يك معصوم دوبار تكرر گرديده است خودداري شده است.
- 5- آياتي كه در ضمن احاديث آورده شده با قلمي متمايز مشخص گرديده و نشاني هر آيه در زير صفحه ذكر شده است.

به امید آنکه این ترجمه مایه روشنی چشم دوستداران اهل بیت علیه السلام و شناخت بیشتر راه و تصحیح اعمال گردد، پدر و مادر مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

**غرض نقشی است که کز ما جای ماند**  
**که هستی را نمی بینم بقایی**  
**مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت**  
**کند در حق درویشان دعایی**

قم ، بهار ۱۳۸۰

علی افراسیابی

(ابواب جهاد النفس و ما یناسبه )

(بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است .)

- 1 باب وجوبه

- 1 باب وجوب با نفس

**حدیث:**

- 1 عن ابی عبد الله علیه السلام : ان النبی صلی الله علیه و آله : بعث سربیه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر. فقيل يا رسول الله : ما الجهاد الاکبر؟ قال : جهاد النفس .

ترجمه:

- 1 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای را به جنگ فرستاد، چون از جنگ بازگشتند فرمود: آفرین به گروهی که پیکار کوچکتر را سپری کردند و پیکار بزرگتر بر عهده آنان به جای مانده است ، گفته شد: ای فرستاده خدا پیکار بزرگتر چیست ؟ فرمود پیکار با نفس.

**حدیث:**

- 2 قال ابو عبدالله علیه السلام : احمل نفسك لنفسك فان لم تفعل لم يحملك غيرك .

ترجمه:

- 2 امام صادق علیه السلام فرمود: نفست را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بیانداز زیرا اگر چنین کنی دیگری خودش را برای تو به زحمت نمی افکند.

**حدیث:**

- 3 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : انك قد جعلت طيب نفسك و بين لك الداء و عرفت آبه الصحه و دلت على الداء فانظر كيف قيامك على نفسك .

ترجمه:

- 3 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: تو طیب خود هستی و بیماری برای تو روشن و آشکار گردیده است و نشانه تندرستی و سلامت را دانسته ای و بر داروی دردت نیز راهنمایی شده ای ، پس بنگر که چگونه به کار نفس خویش می پردازی.

**حدیث:**

- 4 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : اجعل قلبك قرينا برا و ولدا و اصلا و اجعل علمك و الدا تتبعه و اجعل نفسك عدوا تجاهده و اجعل مالك عاربه تردها .

ترجمه:

- 4 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: قلبت را (برای خودت ) به مثابه همدمی مهربان و به منزله فرزندی که با تو دوستی خالصانه دارد قرار ده و دانشت را همچون پدری که از او پیروی می کنی و نفست را همانند دشمنی که با او به پیکار برخاسته ای و مال و دارایی ات را امانت و عاریتی بدان که آن را (باید به صاحبش ) برگردانی.

**حدیث:**

- 5 قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الشدید من غلب نفسه .

ترجمه:

- 5 از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: توانمند کسی است که بر نفس خویش چیره شده باشد.

**حدیث:**

- 6 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمكن عدوه من عنقه.

ترجمه:

- 6 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اندرز دهنده ای از درون قلب خود و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد و همدمی ارشادگر با او نباشد دشمنش (که همان هوای نفس و شیطان است ) برگردن او چیره می گردد.

حدیث:

7- عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلي قال : يا علي افضل الجهاد من اصبح لايهم بظلم احد.

ترجمه:

7- از امام صادق عليه السلام و از پدرانش - که بر همگی درود باد - روایت است که فرمود: در سفارش پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی آمده است که فرمود: ای علی! برترین جهاد آن است که کسی صبح کند در حالی که تصمیم ستم نمودن به احدی را نداشته باشد.

حدیث:

8- عن الصادق عليه السلام قال : من ملك نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهى و اذا غضب و اذا رضى حرم الله جسده على النار.

ترجمه:

8- از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در هنگام فریفته شدن به چیزی و هنگام ترس و زمانی که میل به چیزی پیدا می کند و یا خشمگین و یا خوشنود می گردد مالك نفس خویش باشد (خو را نگاه دارد) خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث:

9- عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان رسول الله صلى الله عليه وآله بعث سريه فلما رجعوا قال مرحبا بكم بقضاء الجهاد الاصح و بقى عليهم الجهاد الاكبر قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ فقال جهاد النفس . و قال صلى الله عليه وآله : ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه.

ترجمه:

9- در روایت دیگری از امیرالمؤمنین عليه السلام پس از نقل روایتی شبیه به روایت اول این باب آمده است که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است که با نفس درون خویش مجاهده می کند.

حدیث:

10- و عنه عليه السلام انه قال : المجاهد من جاهد نفسه.

ترجمه:

10- از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت است که فرمود: مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند.

2- باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها

2- باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات

حدیث:

11- عن ابي عبدالله عليه السلام (في حديث طويل ) قال : ان الله فرض الايمان على جوارح ابن آدم و قسمه عليها و فرقه فيها فليس من جوارحه جارحه الا و قد وكلت من الايمان بغير ما وكلت به اختها - الى ان قال - فاما ما فرض على القلب من الايمان فالأقرار و المعرفة و العقد و الرضا و التسليم بان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها و احدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و ان محمدا عبده و رسوله صلى الله عليه وآله و آله الاقرار بما جاء من عند الله من نبي او كتاب فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو قول الله عزوجل (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان ) و قال الا بذكر الله مطمئن القلوب و قال الذين قالوا امنا بافواههم و لم تومن قلوبهم و قال و ان يتدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على اللسان القول و التعبير عن القلب بما عقد عليه و اقره قال الله تبارك و تعالى اسمه . و قولوا للناس حسنا و قال قولوا امنا بالذى انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له مسلمون فهذا ما فرض الله على اللسان و هو عمله و فرض على السمع ان ينتزه عن الاستماع الى ما حرم الله و ان يعرض عما لا يحل له مما نهى الله عزوجل عنه و الاصغاء الى ما اسخط الله عزوجل فى ذلك و قد نزل عليكم فى الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفربها و يستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا فى حديث غيره ثم استثنى موضع النسيان فقال و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين و قال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هم الله و اولئك هم اولوا الالباب و قال تعالى قد افلح المومنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكاه فاعلون و قال و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قال و اذا مروا باللغو مروا كراما فهذا ما فرض الله على السمع من الايمان ان لا يصغى الى ما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان و فرض على البصر ان لا ينظر الى ما حرم الله عليه و ان يعرض عما نهى الله عنه مما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان فقال تبارك و تعالى : (قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ) ان ينظروا الى عوارثهم و ان ينظر المرء الى فرج اخيه و يحفظ فرجه ان ينشر اليه و قال : (قل للمؤمنات يغضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن ) من ان تنظر احدا هن الى فرج اختها و تحفظ فرجها من ان ينظر اليها و قال : كل شئ فى القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآية فانها من النظر ثم نظم ما فرض على القلب و البصر و اللسان فى آيه اخرى فقال : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لاجلودكم ) يعنى بالجلود الفروج و الافخاذ و قال : (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤلا) فهذا ما فرض الله على العينين من غض البصر و هو عملهما و



هو من الايمان و فرض على اليدين ان لا يبیطش بهما الى ما حرم الله و ان يبیطش بهما الى ما امر الله عزوجل و فرض عليهما من الصدقه و صله الرحم و الجهاد فى السبيل الله و الطهور للصلوات فقال تعالى : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين ) و قال : ( فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ) فهذا ما فرض الله على اليدين لان الضرب من علاجهما و فرض على الرجلين ان لا يمشى بهما الى شىء من معاصى الله و فرض عليهما المشى الى ما يرضى الله عزوجل فقال : ( و لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولاً ) و قال : ( و اقص فى مشيك و اعرض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير ) و قال فيما شهدت به الايدي و الارجل على انفسها و على اربابها من تضييعها لما امر الله به و فرضه عليها : ( اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون ) فهذا ايضا مما فرض الله على اليدين و على الرجلين و هو عملها و هو من الايمان و فرض على الوجه الجسود له بالليل و النهار فى مواقيت الصلاه فقال : ( يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير لعلكم تفلحون ) فهذه فريضه جامعه على الوجه و اليدين و الرجلين و قال فى موضع آخر : ( و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا ) الى ان قال : فمن لقي الله حافظا لجوارحه موفيا كل جارحه من جوارحه ما فرض الله عليها لقي الله عزوجل مستكملا لايمانه و هو من اهل الجنه و من خان فى شىء منها او تعدى مما امر الله عزوجل فيها لقي الله ناقص الايمان - الى ان قال : - و بتمام الايمان دخل المومنون الجنه و بالنقصان دخل المفرطون النار.

ترجمه:

- 11 از امام صادق عليه السلام در حديثى طولانى روايت است كه فرمود: خداوند ايمان را بر تمامى اعضاى فرزند آدم واجب ساخت و آن را بر اعضاى او تقسيم و در تمامى آنها پخش نمود. پس هيچ عضوى از اعضاى وي نيست جز اينكه ايمانى بر عهده او نهاده شده كه آن ايمان غير از ايمانى است كه بر عهده عضو ديگر قرار داده شده است . - سخن امام عليه السلام ادامه دارد تا آنجا كه مى فرمايد: اما آن ايمانى كه بر قلب واجب گشته ، اقرار نمودن و معرفت يافتن و پيمان بستن و خوشنودى و تسليم در برابر اينكه هيچ معبودى جز الله نيست او يگانه است و شريكى ندارد معبودى يكتا كه صاحب و فرزندانى ندارد و اينكه محمد صلى الله عليه و آله بنده و فرستاده اوست ، و اقرار نمودن به هر پيامبرى با كتابى از جانب خداوند آمده است و اين همان اقرار و معرفتى است كه خداوند بر قلب واجب ساخته است و عمل قلب همين است و گفتار خداوند عزوجل كه كافران را كاذب مى شمرد) مگر كسى كه به زور و اجبار اظهار كفر نموده در حالى كه دلش به ايمان آرميده است (1) ناظر به همين معنا است. و فرمود: هان آگاه باشيد كه دلها با ياد خدا آرام مى گيرد (2) و فرمود: اى پيامبر! اندوهناك مباش از آنانى كه دهانشان اظهار ايمان مى كند ولى دلهاشان ايمان نياورده است (3) و فرمود: اگر آنچه را كه در درونتان است آشكار يا پنهان كنيد مى بخشايد و هر كه را بخواهد عذاب مى كند (4) پس اين همان اعتراف و معرفتى به منزله سر ايمان است . و خداوند بر زبان ، گفتن و اقرار نمودن به ايمانى را كه قلب نيكي را بر آن پيمان بسته است را واجب نمود، خداوند تبارك و تعالى گويد: و به مردمان نيكي را بگويد (5) و فرمود: بگويد ايمان آورديم به آنكه بر ما و شما فرستاده شد و معبود ما و شما يكي است و ما مطيع فرمانبر او هستيم (6) پس اين گفتن و اقرار نمودن همان چيزى است كه خداوند بر زبان واجب ساخته است و عمل زبان همين است . و خداوند بر گوش واجب ساخت كه از گوش فرا دادن به چيزى كه خداوند آن را حرام نموده است دورى كند و از شنيدن آنچه كه شنيدنش بر او حلال نيست و مورد نهى خداوند عزوجل است خوددارى نمايد و به آنچه كه شنيدنش خداى را خشمگين مى كند گوش مسپارد خداى عزوجل در اين باره فرموده است) : و به تحقيق در كتاب بر شما چنين فرستاد كه هرگاه شنيديد كه به آيات خدا كفر ورزيده مى شود و آيات الهى به استهزا گرفته مى شود پس با آن كافران منشييد تا اينكه به سخن ديگرى بپردازند (7). سپس موردى را كه مومن از روى فراموشى در چنين مجلسى نشسته است را استثنا نموده و فرمود: و اگر شيطان فراموشت ساخت ، پس از ياد آمدنت با چنين گروه ستمكارى منشين (8) و فرمود: پس بشارت ده بندگان مرا آنانى كه به سخن گوش فرا مى دهند و از سخن نيكوتر پيروي مى كنند، اينان كسانى هستند كه خداوند آنان را هدايت فرموده و اينان همان خردمندانند (9) و فرمود: به حقيقت كه مومنان رستگارند همانها كه در نمازشان فروتن و همواره از گفتار و كردار بيهوده گريزانند و زكات مال خويش را مى پردازند (10) و فرمود: آنان هرگاه بيهوده اى را بشنوند از آن دورى مى گزينند (11) و فرمود: و هرگاه بر بيهوده اى گذر كنند از کنار آن كريمانه مى گذرند (12) پس اين همان ايمانى است كه خداوند بر گوش واجب ساخته است كه به آنچه كه بر او حلال نيست گوش ندهد و عمل گوش همين است و اين از ايمان است. و بر چشم واجب ساخت كه به آنچه كه خداوند بر او حرام نموده نظر نكند و از ديدن آنچه كه ديدنش مورد نهى الهى است خوددارى كند و عمل چشم اين است و اين از ايمان است. خداوند تبارك و تعالى فرمود: اى پيامبر! به مومنين بگو كه ديدهانشان را از ديدن حرام فرو بندند و عورتهايشان را حفظ كنند (13) يعنى ديدهگان خود را از ديدن عورتهاى ديگران حفظ كند و به عورت برادر خود نظر نكند و عورت خود را نيز از ديد ديگران محفوظ دارد. و فرمود: به زنان مومن بگو ديدهگان خود را از ديدن حرام بر بندند و عورتهايشان را حفظ كنند (14) يعنى ديدهگان خود را نگه دارند از اينكه يكي به عورت ديگرى نظر كند و عورت خود را از تيررس ديد ديگران دور نگه دارد. راوى گويد: حضرت فرمود: هر جايبى كه در قرآن كريم سخن از حفظ نمودن عورت آمده است مراد حفظ نمودن عورت از زنا است مگر اين آيه كه مراد حفظ نمودن از نظر است ، سپس آنچه را كه خداوند بر

قلب و دیده و زبان واجب نموده در آیه دیگری به رشته کشیده است و فرموده: نمی توانید نهان دارید شهادتی را که گوشه‌ایان و دیدگانتان و پوسته‌ایان بر علیه شما می دهند (15) مراد از جلود (پوستها) در این آیه، عورتها و رانهاست. و فرمود: از آنچه که به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از هر يك از گوش و دیده و دل پرسیده می شود (16) این آن چیزی است که خداوند بر چشمان واجب ساخته که این فرو بستن چشم از حرام، عمل چشم است و این از ایمان است. و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آدمی با دو دست خود به سوی حرام روی نیاورد و به وسیله آن دو در به جای آوردن دستور الهی بکوشد که خداوند بر آن دو اموری را واجب ساخته است از قبیل پرداخت صدقه و ارتباط با خویشاوندان و جهاد در راه خدا و تهیه و استعمال طهور برای نمازها، پس فرمود: ای ایمان آورندگان هرگاه برای نماز بپا خاستید رویها و دستهایان را تا مرفقه بشوید و مسح بر سر بکشید و پایهایان را تا بر آمدگی روی پا مسح کنید (17) و فرمود: پس هرگاه در میدان کار زار با کافران روبرو شدید گردنهایان را بر بنید تا آنگاه که زمین گیرشان سازید آنگاه بندهای اسیرانشان را محکم ببندید پس در برابر آزادی آنان یا منتی بر آنان می نهید و یا فدیة از ایشان می ستانید تا زمانی که جنگ بارهای خود را بر زمین نهد (18) این آن چیزی است که خداوند بر دو دست واجب نموده زیرا زدن کار دستهاست. و خداوند بر دو پا واجب ساخت که به وسیله آن دو به سوی هیچ يك از معاصی نشتابی و واجب کرد که به سوی آنچه که مورد رضایت الهی است گام برداری پس فرمود: بر روی زمین خرامان و با تکبر گام برنذار زیرا تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و در بلندی به کوهها نخواهی رسید (19) و فرمود: و در راه رفتنت میانه رو باش و آوازت را فروکش که ناخوش ترین آوازه‌ها آواز خران است (20) و درباره شهادت دادن دستها و پاها بر علیه خود و صاحب خود که چگونه دستور الهی و واجبات او را ضایع کرده اند فرمود: امروز بر دهانهایان مهر می نهیم و دستان آنها با ما سخن گویند و پایهایان به آنچه که کسب کرده اند گواهی دهند (21) پس آنچه که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر دستها و پاها واجب ساخته و عمل دست و پا همین است و آن از ایمان است. و خداوند بر چهره واجب ساخت که در شب و روز در هنگامه نماز برای او به خاک افتد پس فرمود: ای ایمان آورندگان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید باشد که به رستگاری برسید (22) اینها که گفته شد واجبات چهره و دستان و پاهاست و خداوند در جای دیگری فرموده است که: سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی دیگری را نخوانید (23)

راوی می گوید: حضرت در ادامه فرمود: پس کسی که خداوند را در حالتی ملاقات کند که اعضای خود را حفظ نموده و به واجبات الهی در مورد هر عضوی از اعضایش وفا کرده خداوند عزوجل را با ایمان کامل ملاقات کرده است و او اهل بهشت است اما کسی که در مورد واجبی از واجبات خیانت کرده یا از دستور الهی سر باز زده خداوند را با ایمان ناقص دیدار خواهد کرد. و بدانید که مومنان، با ایمان کامل به بهشت داخل می شوند و کسانی که در انجام واجبات کوتاهی نموده اند با ایمان ناقص به دوزخ وارد می گردند.

**حدیث:**

12- عن الحسن بن هارون قال قال لی ابو عبدالله علیه السلام : ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا قال یسال السمع عما سمع و البصر عما نظر الیه و الفواد عما عقد علیه.

ترجمه:

12- حسن به هارون گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اینکه خداوند فرموده است: همانا از گوش و چشم و دل سوال می شود (24) یعنی از گوش درباره آنچه که شنیده است و از چشم درباره آنچه که دیده است و از دل در مورد ایمانی که بر آن پیمان بسته است پرسیده می شود.

**حدیث:**

13- عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : الایمان لایکون الا بعمل و العمل منه و لایثبت الایمان الا بعمل.

ترجمه:

13- امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان نمی باشد مگر همراه با عمل و عمل نیز برخاسته از ایمان است و ایمان فقط با عمل ثابت می شود.

**حدیث:**

14- عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : من اقر بدین الله فهو مسلم و من عمل بما امر الله به فهو مومن.

ترجمه:

14- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است عمل کند مومن است.

**حدیث:**

15- ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث انه قال له : ان حیثمه اخبرنا انه سالك عن الایمان فقلت : الایمان بالله و التصدیق بکتاب الله و ان لا یعصی الله فقال : صدق حیثمه.

ترجمه:

15- ابی بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: حیثمه به ما خبر داد که از شما درباره ایمان پرسیده است و شما پاسخ داده اید که: ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و تصدیق نمودن به کتاب خدا و نافرمانی نکردن خدا، حضرت فرمود: آری حیثمه درست گفته است.

### حدیث:

- 16 عن جمیل بن دراج قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الايمان فقال : شهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله صلى الله عليه وآله . قال : قلت : اليس هذا عمل قال : بلى قلت : فالعمل من الايمان قال : لا يثبت له الايمان الا بالعمل و العمل منه .

### ترجمه:

- 16 جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ایمان پرسیدم حضرت فرمود: ایمان عبارت است از گواهی داده به اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست . جمیل گوید: عرض کردم: آیا این گواهی دادن ، عمل شمرده می شود؟ حضرت فرمود: آری ، دوباره عرض کردم: پس عمل از ایمان است ؟ حضرت فرمود: ایمان جز به وسیله عمل برای شخص ثابت نمی گردد و عمل نیز برخاسته از ایمان است .

### حدیث:

- 17 محمد بن علی بن الحسین باسناده الی وصیه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمد به الحنفیه انه قال : یا بنی لاتقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله قد فرض علی جوارحك کلها فرائض یحتج بها علیک یوم القیامه و یسالك عنها و ذکرها و وعظها و حذرها و ادبها و لم تتركها سدی فقال الله عزوجل : ( و لا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا ) و قال عزوجل : اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافواهمک ما لیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عندالله عظیم ) ثم استعبدھا بطاعته فقال عزوجل : ( یا ایها الذین آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون ) فهذه فريضة جامعہ واجبه علی الجوارح و قال : ( و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا ) یعنی بالمساجد الوجه و الیدین و الرکبتین و الایها مین و قال عزوجل : ( و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لاجلودکم ) یعنی بالجلود الفروج ثم حض کل جارحه من جوارحك بفرض و نص علیها ففرض علی السمع ان لا یصغی الی المعاصی فقال عزوجل : ( و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم ) و قال عزوجل : ( و اذا رايت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره ) ثم استثنی عزوجل موضع النسیان فقال : ( و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکر مع القوم الظالمین ) و قال عزوجل : ( فبشر عباد الذین یستعمون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب ) و قال عزوجل : ( و اذا مروا باللغو مروا کراما ) و قال عزوجل علی السمع و هو عمله و فرض علی البصر ان لا ینظر به الی ما حرم الله علیه فقال عزوجل : ( قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ) فحرم ان ینظر احد الی فرج غیره و فرض علی اللسان الاقرار و التعبير عن القلب ما عقد علیه فقال عزوجل : ( و قولوا آمنا باذی انزل الینا ) الایه و قال عزوجل : ( و قولوا للناس حسنا ) و فرض علی القلب و هو امیر الجوارح الذی به یعقل و یفهم و ینظر عن امره و رایه فقال عزوجل : ( الا من اکره و قلبه مطمئن بالايمان ) الایه و قال عزوجل حین اخبر عن قوم اعطوا الايمان بافواهم و لم تومن قلوبهم فقال : ( الذین قالوا آمنا بافواهم و لم تومن قلوبهم ) و قال عزوجل : ( الا بذكر الله تطمئن القلوب ) و قال عزوجل : ( و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء ) و یعذب من یشاء و فرض علی الیدین ان لاتمدھما الی ما حرم الله عزوجل علیک و ان تستعملھما بطاعته فقال عزوجل : ( یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاه فاغسلوا و وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا بروسکم و ارجلکم الی الکعبین ) و قال عزوجل : ( فاذا لقیتم الذین کفروا فصر ب الرقاب ) و فرض علی ارجلین ان تفضلھما فی طاعته و ان لا تمشی بهما مشیه عاص فقال عزوجل : ( و لا تمش فی الارض مرحا انک لن تحرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا کل ذلك کان سینته عند ربک مکروها ) و قال عزوجل : ( الیوم نختم علی افواهمهم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ) فاخبر الله عنها انها تشهد علی صاحبها یوم القیامه فهذا ما فرض الله علی جوارحك فائق الله یا بنی و استعملها بطاعته و رضوانه و ایاک ان یراک الله تعالی ذکره عند معصيته او یفقدک عنه طاعته فیکون من الخاسرین و علیک بفراءه القرآن و العمل بما فیہ و لزوم فرائضه و شرائعه خلاله و حرامه و امره و نهیه و التهجذ به و تلاوته فی لیلک و نهارک فانه عهد من الله تبارک و تعالی الی خلقه فهو واجب علی کل مسلم ان ینظر کل یوم فی عهده و لو خمسين آیه و العمر ان درجات الجنه علی عدد آیات القرآن فاذا کان یوم القیامه یقال لقاری القرآن اقرا و ارق فلایکون فی الجنه بعد النبیین و الصدیقین ارفع درجه منه . ( و اوصیه طویلہ احدنا منها موضع الحاجه )

### ترجمه:

- 17 در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است حضرت فرمود: ای پسر دلبندم! چیزی را که نمی دانی مگو بلکه هر چیزی را هم که می دانی بر زبان میاور زیرا خداوند بر تمامی اعضای تو اموری را واجب ساخته که بوسیله آنها در روز قیامت بر علیه تو حجت و دلیلی می آورد و از تو درباره آنها می پرسد و آنها را پند و نصیحت نموده و بیم داده و ادب آموخته و رها و نگذارده پس فرموده است: از آنچه که به علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از گوش و چشم و دل سوال می شود<sup>(25)</sup> و فرمود: هنگامی که آن را با زبانهای خود فرا می گرفتی و آنچه را که به آن علم و آگاهی نداشتی یا دهانتان می گفتی و این را سهل می شمردید در حالی که در نزد خدا بسی بزرگ است<sup>(26)</sup> سپس اعضاء و جوارح را به عبادت و فرمانبرداری خود فرا خوانده و فرموده: ای ایمان آوردگان رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و عمل خیر انجام دهید امید است که به رستگاری برسید<sup>(27)</sup> این پرستش خداوند و انجام خیر فريضة ای است که بر تمامی اعضا واجب گشته

است . و فرمود: سجده گاهها از آن خداست پس همراه با خدا، هیچ کس دیگری از نخوانید (28) مراد از سجده گاهها، صورت و دو دست و زانوها و دو انگشت بزرگ پا است و فرمود: و نمی توانید شهادتی را که گوشهاتان و دیدگانتان و پوستهایتان بر علیه شما می دهند را پنهان سازید (29) مراد از پوستها ) در این آیه عورتها است . سپس خداوند بر هر عضوی از اعضای تو واجبی را اختصاص داده و بر آن تصریح نموده است پس بر گوش واجب ساخت که به معاصی گوش فرا ندهد پس فرمود: و محققا خداوند در کتاب بر شما چنین فرستاد که هر گاه بشنوید که به آیات الهی کفر ورزیده می شود و آیات خدا به مسخره گرفته می شود در اینگونه مجلسی با کافران منشینید تا در سخن دیگری وارد شوند اگر چنین نکنید همانند آنان می باشید (30) و فرمود: هرگاه دیدی کسانی در مورد آیات ما (به انکار و استهزا) غرق در گفتگو شده اند از آنان دوری کن تا درباره سخنی دیگر به گفتگو بنشینند (31) سپس خداوند عزوجل جایی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرموده است: و اگر شیطان فراموشت ساخت پس بعد از یادآوری با چنین گروه ستمکاری منشین (32) و فرمود: پس بشارت دهد بندگان مرا، همان بندگان که سخن را می شنوند و از نیکوترین سخن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان خردمنداند (33) و فرمود: مومنان هر گاه به امری بیهوده برخورد کنند کریمانه از کنار آن می گذرند (34) و فرمود: و هرگاه سخنی بیهوده بشنوند از آن دوری می گزیند (35).

پس این همان چیزی است که خداوند بر گوش واجب ساخته و عمل گوش همین است و خداوند بر چشم نیز واجب نموده که به چیزی که بر او حرام ساخته نظر نیفکند پس فرمود: به مومنان بگو دیدگانتان را از دیدن حرام فرو بندند و عورتهايشان را حفظ کنند (36) پس حرام نمود که کسی به عورت دیگری نگاه کند. و بر زبان واجب نمود که به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود: و بگوئید ایمان آوردیم به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود: و بگوئید ایمان آوردیم به آنچه که بر ما فرو فرستاده شد (37) و فرمود: و به مردم نیکویی را بگوئید (38) و بر قلب که امیر اعضا است و عضوی است که به وسیله آن تعقل و فهم صورت می گیرد و از امر و رای او نتیجه گیری حاصل می گردد نیز واجب ساخت و فرمود: کافران دروغگویند مگر کسی که به اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است (39) و در آنجا که خبر از گروهی می دهد که ایمان زبانی دارند نه قلبی فرمود: آنانکه گفتند ایمان آوردیم در حالی که دلهايشان ایمان نیاورده بود (40) و فرمود: آگاه باشید که دلها پا یاد خدا آرام می گیرد (41) و فرمود: اگر آنچه را که در درون دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند به سبب آن از شما حساب می کشد پس هر که را بخواهد می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند (42) و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آن دو را به سوی آنچه که خداوند بر تو حرام نموده دراز نکنی و دو دست را در راه اطاعت خدا به کارگیری پس فرمود: ای ایمان آورندگان هر گاه برای نماز بر می خیزید رویهایتان و دستهایتان را تا آرنج ها بشوئید و به سرهاتان مسح بکشید و پایهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید (43) و فرمود: هرگاه در میدان کارزار با کافران روبرو شدید گردنهایتان را بزیند (44) و خداوند بر پاها واجب ساخت که آن دو را در راه طاعتش به حرکت درآوری و به وسیله آن دو همچون گام زدن شخص عصیانکار گام بر نداری پس فرمود: با تکبر و خرامان بر روی زمین گام بر ندار زیرا هرگز زمین را نمی توانی بشکافی و در بلندی به کوهها نخواهی رسید همه اینها زشتش در نزد پروردگارت ناپسند است (45) و فرمود: امروز بر دهانهاشان مهر می نهیم و دستانشان با ما سخن می گویند و پایهاشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی خواهند داد (46) پس خداوند خبر داده است که پایها در روز قیامت بر علیه صاحب خود گواهی خواهند داد. پس اینها که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر اعضای تو واجب ساخته است پس از خدا بترس ای فرزندم و اعضای خود را در راه اطاعت و خوشنودی او به کارگیر و بر حذر باش از اینکه خدای تعالی تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا تو را در طاعت خویش نیابد پس در نتیجه از زیانکاران باشی و بر تو باد که به خواندن قرآن پردازی و به آنچه در قرآن است عمل کنی و واجبات و قوانین و حلال و حرام و امر و نهی آن را لازم شمری و با قرآن به شب زنده داری پردازی و در شب و روزت آن را تلاوت کنی زیرا قرآن عهد و پیمانی است از جانب خدای تبارک و تعالی با بندگانش پس بر هر مسلمانی واجب است که در هر روز نظر به این پیمان الهی بیفکند اگر چه به پنجاه آیه آن و بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است پس زمانی که روز قیامت شود به قاری قرآن گفته خواهد شد که بخوان و بالا رو پس در بهشت بعد از پیامبران و صدیقان کسی درجه اش بالاتر از درجه قاری قرآن نیست . (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: این وصیتنامه طولانی است که ما موضع حاجت از آن را انتخاب نمودیم .)

**حدیث:**

- 18 عن علی بن الحسین علیه السلام : قال لیس لك ان تتکلم بما شئت لان الله یقول : ( و لا تقف ما لیس لك به علم ) و لیس لك ان تسمع ما شئت لان الله عزوجل یقول : ( ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولاً )

ترجمه:

- 18 از امام سجاد علیه السلام روایت است که فرمود: بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بگویی زیرا خداوند می فرماید: از آنچه که به آن علم نداری پیروی مکن (47) و بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بشنوی زیرا خدای عزوجل می فرماید: همانا گوش و چشم و دل همه مورد پرسش واقع خواهند شد (48)

- 3 باب جمله مما ينبغي القيام به من الحقوق الواجبه و المندوبه  
- 3 باب حقوق واجب و مستحبى كه قيام به آنها سزاوار است

حديث:

19 عن سيد العابدين على بن الحسين بن على بن ابى طالب عليه السلام قال : حق الله الاكبر عليك ان تعبده و لا تشرك به شيئا فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك على نفسه ان يكفيك امر الدنيا و الاخره و حق نفسك عليك ان تستعملها بطاعه الله عزوجل و حق اللسان اكرامه عن الخنا و تعويده الخير و ترك الفضول التى لافائده لها و الر بالناس و حسن القول فيهم و حق السمع تنزيهه عن سماع الغبه و سماع ما لا يحل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لا يحل لك و تعتبر بالنظر به و حق يدك ان لا تبسطهما الى ما لا يحل لك و حق رجلك ان لا تمشى بهما الى ما لا يحل لك فيهما تقف على الصراط فانظر ان لا تزل بك فتردى فى النار و حق بطنك ان لا تجعله و عاء للحرام و با تزيد على الشبع و حق فرجك عليك ان تحصنه من الزنا و تحفظه من ان ينظر اليه و حق الصلاة ان تعلم انها و فاده الى الله عزوجل و انت فيها قائم بين يدي الله فاذا علمت ذلك فمت مقام العبد الذليل الحقيقير الراجب الراهب الراجى الخائف المستكين المتضرع المعظم لمن كان بين يديه بالسكون و الوقار و تقبل عليها بقلبك و تقيمها بحدوده ها و حقوقها و حق الحج ان تعلم انه وفاده الى ربك و فرار اليه من ذنوبك و فيه قبول توبتك و قضاء الفرض الذى اوجبه الله عليك و حق الصوم ان تعلم انه حجاب ضربه الله عزوجل على لسانك و سمعك و بصرك و بطنك و فرجك يسترك به من النار فان تركت الصوم خرقت ستر الله عليك و حق الصدقه ان تعلم انها ذخرك عند ربك و ديعتك التى لاحتاج الى الاشهاد عليها و كنت بما تستودعه سرا اوثق منك بما تستودعه علانيه و تعلم انها تدفع عنك البلايا و الاسقام فى الدنيا و تدفع عنك النار فى الاخره و حق الهدى ان تريد به الله عزوجل و لا تريد خلقه و لا تريد به الا التعرض لرحمته و نجاه روحك يوم تلقاه و حق السلطان ان تعلم انك جعلت له فتنه و انه مبتلى فيك بما جعل الله له عليك من السلطان و ان عليك ان لاتعرض لسخطه فتلقى بيدك الى التهلكه و تكون شريكا له فيما ياتى اليك من سوء و حق سائسك بالعلم التعظيم له و التوقير لمجلسه و حسن الاستماع اليه و الاقبال عليه و ان لا ترفع عليه صوتك و لا تجيب احدا يساله عن شىء حتى يكون هو الذى يجيب و لاتتحدث فى مجلسه احدا و لا تغتاب عنده احدا و ان تدفع عنه اذا ذكر عندك بسوء و ان تستر عيوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدوا و لاتعدى له و ليا فاذا فعلت ذلك شهد لك ملائكة الله بانك قصدته و تعلمت علمه لله جل اسمه لا للناس و اما حق سائسك بالملك فان تطيعه و لا تعصيه الا فيما يسخط الله عزوجل فانه لا طاعه لمخلوق فى معصيه الخالق و اما حق رعيتك بالسلطان فان تعلم انهم صاروا رعيتك لضعفهم و قوتك فيجب ان تعدل فيهم و تكون لهم كالوالد الرحيم و تغفر لهم جهلهم و لاتعاجلهم بالعقوبه و تشكر الله عزوجل على ما اناك من القوه عليهم و اما حق رعيتك بالعلم فان تعلم ان الله عزوجل انما جعلك فيما عليهم فيما اناك من العلم و فتح لك من خزائنه فان احسنت فى تعليم الناس و لم تخرق بهم لم تضجر عليهم زادك الله من فضله و ان انت منعت الناس علمك او خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عزوجل ان يسلبك العلم و بهاءه و يسقط من القلوب محلك و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلنا لك سكنا و انسا فتعلم ان ذلك نعمه من الله عزوجل عليك فتكرمها و ترفق بها و ان كان حقا عليها اوجب فان لها عليك ان ترحمها لانها اسيرك و تطعمها و تكسوها و اذا جهلت عفوت عنها و اما حق مملوكك فان تعلم انه خلق ربك و ابن ابيك و امك و لحمك و دمك لم تملكه لانك صنعته دون الله و لاخلقت شيئا من جوارحه و لا اخرجت له رزقا و لكن الله عزوجل كفاك ذكرا ثم سخره لك و ائتمنت عليه و استودعك اياه ليحفظ لك ما تاتيه من خير اليه فاحسن اليه كما احسن الله اليك و ان كرهته استبدلت به ولم تعذب خلق الله عزوجل و لاقوه الا بالله و اما حق امك ان تعلم انها حملتك حيث لا يحمل احد احدا و اعطتك من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احدا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تكسوك و تضحى و تظلك و تهجر النوم لاجلك و وقتك الحر و البرد لتكون لها و انك لاتطبق شكرها الا بعون الله و توفيقه و اما حق ابيك فان تعلم انه اصلك فانه لولاه لم تكن فمهما رايت من نفسك ما يعجبك فاعلم ان اباك اصل النعمه عليك فيه فاحمد الله و اشكره على قدر ذلك و لاقوه الا بالله و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك فى عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الاذب و الدلاله على ربه عزوجل و المعونه على طاعته فاعمل فى امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه معاقب على الاساءه اليه و اما حق اخيك فان تعلم انه يدك و عزك و قوتك فلا تتخذة سلاحا على معصيه الله و ال عده للظلم لخلق الله و لا تدع نصرته على عدوه و النصيحه له فان اطاع الله و الا فليكن الله اكرم عليك منه و لاقوه الا بالله و اما حق مولاك المنعم عليك فان تعلم انه انفق فيك ماله و اخرجك من ذل الرق و وحشته الى عزالحرية و انساها فاطلقك من اسر الملكه و فك عنك قيد العبوديه و اخرجك من السجن و ملكك نفسك و فرغك لعباده ربك و تعلم انه اولى الخلق بك فى حياتك و موتك و ان نصرته عليك و اوجبه بنفسك و ما احتاج اليه منك و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك الذى انعمت عليه فان تعلم ان الله عزوجل جعل عتقك له وسيله اليه و حجابا لك من النار و ان ثوابك فى العاجل ميراثه اذا لم يكن له رحم مكافاه لما انفقت من مالك و فى الاجل الجنه و اما حق

ذی المعروف عليك فان تشكره و تذكر معروفه و تكسبه مقاله الحسنه و تخلص له الدعاء فيما بينك و بين الله عزوجل فاذا فعلت ذلك كنت قد شكرته سرا و علانيه ثم ان قدرت على مكافاته يوما كافاته و اما حق المودن ان تعلم انه مذكر لك ربك عزوجل و داع لك الى خطك و عونك على قضاء فرض الله عزوجل عليك فاشكره على ذلك شكر المحسن اليك و اما حق امامك في صلاتك فان تعلم انه تقلد السفاره فيما بينك و بين ربك عزوجل و تكلم عنك و لم تتكلم عنه و دعا لك و لم تدع له و كفاك هول المقام بين يدى الله عزوجل فان كان نقص كان به دونك و ان كان تماما كنت شريكه و لم يكن له عليك فضل فوقى نفسك بنفسه و صلاتك بصلاته فتشكر له على قدر ذلك و اما حق جليسك فان تلين له جانبك و تنصفه في مجاراه اللفظ و لاتقوم من مجلسك الا باذنه و من يجلس اليك يجوز له القيام عنك بغير اذنك و تنسى زلاته و تحفظ خيراتہ و لا تسمعه الا خيرا و اما حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لاتتبع له عوره فان علمت عليه سوءاً سترته عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شديده و تقبل عثرته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمه و لا قوه الا بالله و اما حق صاحب فان تصحبه بالتفضيل و الانصاف و تكرمہ كما يكرمك و لا تدعه يسبق الى مكرمه فان سبق كافاته و توده كما يودك و تزجره عما يهم به من معصيه الله و كن عليه رحمه و لاتكن عليه عذابا و لا قوه الا بالله و اما حق الشريك فان غاب كافيته و ان حضر رعيته و لاتحكم دون حكمه و لاتعمل برباك دون مناظرته و تحفظ عليه ماله و لاتخنه فيما عز اوهان من امره فان يدالله تبارك و تعالى على الشريكين ما لم يتخاونا و لا قوه الا بالله و اما حق مالك فان لا تاخذ الا من حله و لاتنفقه الا في وجهه و لاتوشر على نفسك من لا يحمدك فاعمل به بطاعه ربك و لا تبخل به فتبوء بالحسرہ و الندامه مع التبعه و لاقوه الا بالله و اما حق غريمك الذي يطالبك فان كنت موسرا اعطيته و ان كنت معسرا ارضيته بحسن القول و رددته عن نفسك ردا لطيفا و حق الخليط ان لاتغره و لاتغشه و لا تخدعه و تتقى الله في امره و اما حق الخصم المدعى عليك فان كان ما يدعيه عليك حقا كنت شاهده على نفسك و لم تظلمه و اوفيته حقه و ان كان ما يدعى باطلا رفقت به ولم تات في امره غير الرفق و لم تسخط ربك في امره و لاقوه الا بالله و حق خصمك الذي تدعى عليه ان كنت محقا في دعواك اجملت مقاولته و لم تجحد حقه و ان كنت مبطلا في دعواك اتقيت الله عزوجل و تبت اليه و تركت ادعوى و حق المستشير ان من يعلم و حق المشير عليك ان لاتتهمه فيما لا يوافقك من رايه و ان وافقك حمدت الله عزوجل و حق المستنصح ان تودى اليه النصيحه و ليكن مذهبك الرحمه له و الرفق و حق الناصح ان تلين له جناحك و تصغى اليه بسمعك فان اتى بالصواب حمدك الله عزوجل و ان لم يوافق رحمته و لم تتمه و علمت انه اخطا و لم تواخذه بذلك الا ان يكون مستحقا للتهمه فلا تعبأ بشيء من امره على حال و لاقوه الا بالله و حق الكبير لتوقيره لسنه و اجلاله اتقدمه في الاسلام قبلك و ترك مقابلته عند الخصام و لاتسبقه الى طريق و لاتتقدمه و لاتستجمله و ان جهل عليك احتملته و اكرمته لحق الاسلام و حرمته و حق الصغير رحمته (من نوى) تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونه له و حق السائل اعطاوه على قدر حاجته و حق المسئول ان اعطى فاقبل منه بالشكر و المعرفه بفضله و ان منع فاقبل عذره و حق من سرك لله تعالى ان تحمد الله عزوجل اولا ثم تشكره و حق من اساء اليك ان تغفو عنه و ان علمت ان العفو يضر انتصرت قال الله تعالى : (و لمن انتصر بعد ظلمه فاؤلئك ما عليهم من سبيل) و حق اهل ملتك اضرار السلامه و الرحمه لهم و الرفق بمسيئتهم و تالفهم و استصلاحهم و شكر محسنهم و كف الاذى عن مسيئتهم و تحب لهم ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و ان تكون شيوخهم بمنزله ابيك و شبابهم بمنزله اخوتك و عجائزهم بمنزل امك و الصغار منهم بمنزله اولادك و حق الذمه ان تقبل منهم ما قبل الله عزوجل منهم و لاتظلمهم ما وفوا الله عزوجل بعهدہ.

ترجمه:

- 19 از امام سجاد عليه السلام روايت است كه فرمود: حق خداى بزرگ بر تو اين است كه تنها او را پرستش كنى و چيزى را شريك او به شمار نياورى پس هرگاه از روى اخلاص و صفائى باطن چنين كنى خداى سبحان بر خود لازم مى داند كه امر دنيا و آخرت را كفايت كند. و حق نفست بر تو اين است كه آن را در راه فرمانبردارى از خداى عزوجل به كار وادارى . و حق زبان اين است كه او را بزرگتر و شريف تر از آن بدانى كه ناسزا گويد و او را به خير و ترك سخنان زائد و بى فائده و نيكي به مردم و گفتار نيك دربارہ مردم عادت دهى و حق گوش آن است كه او را از شنيدن غيبت و هر آنچه شنيدنش جايز نيست ، پاك سازى . و حق چشم آن است كه آن را از ديدن هر آنچه ديدنش بر تو حرام است بر بندى و از راه نظر با ديدهاى عبرت گيرى . و حق دستانت اين است كه آنها را به سوى چيزى كه بر تو حلال نيست نگشايى . و حق پايهاى آن است كه به وسيله آنها به سوى چيزى كه بر تو روا نيست گام بر ندارى پس تو با اين دو پا بر صراط (مى ايستى پس بنگر تا نلغزى و در آتش فرو نيفتى . و حق شكم بر تو اين است كه آن را ظرف و جاىگاه حرام قرار ندهى و اضافه بر سيرى نخورى . و حق عورت تو بر تو اين است كه آن را از زنا نگه دارى و از اينكه كسى به آن نظر افكند آن را حفظ كنى و حق نماز اين است كه بدانى نماز ورود بر خداى عزوجل است و تو در نماز در پيشگاه او ايستاده اى پس اگر اين را (از صميم جان) دريابى ايستادنت در برابر او ايستادن بنده اى خوار و كوچك و آرزومند و ترسان و اميدوار و بيمناك و بى چيز و زار خواهد بود و (در اين حال) خداوندى را كه در برابرش با آرامش و وقار ايستاده اى بزرگ مى شمردى و با (تمامى) قلبت به نماز روى مى آورى و حقوق و حدود آن را به پاى مى دارى . و حق حج اين است كه بدانى حج واردشدگان بر پروردگار و گريختن از گناهانت به سوى خدايت است و در حج توبه ات پذيرفته است.

و با به جاى آوردن حج يکى از واجباتى را كه خداوند بر تو واجب ساخته است ادا نموده اى . و حق روزه

آن است که بدانی روزه حجابی است که خداوند عزوجل بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو نهاده است که با این حجاب تو را از گزند آتش دوزخ می پوشاند پس اگر روزه را ترك کنی گویی پوششی را که خدا بر تو گذارده است پاره کرده ای . و حق صدقه این است که بدانی که صدقه ذخیره توست که در نزد پروردگارت می نهی و ودیعه و امانتی است که به او سپرده ای . امانتی که نیازی به شاهد طلبیدن برای آن نداری و در ودیعه گذاردن آن در پنهانی اعتماد و اطمینان بیشتری داری تا اینکه آن را آشکارا به ودیعت گذاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا و آتش دوزخ را در آخرت از تو دفع می کند. و حق قربانی آن است که در قربانی نمودن آن تنها رضای خدای عزوجل را قصد کنی نه مردمان را و از آن جز در مسیر رحمت الهی قرار گرفتن و رهایی روح را در روز ملاقات پروردگار قصد نکنی . و حق سلطان این است که بدانی که تو مایه آزمایش و امتحان او قرار داده شده ای و او نیز به خاطر سلطنتی که بر تو یافته گرفتار توست و نباید در معرض خشم او قرارگیری و با دست خود به هلاکت بیفتی و در نتیجه با او در بدی رساندن به خودت شریک شوی . و حق آن کس که در علم تو را راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنتش را نیک سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدایت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسش می کنی پاسخ نگوئی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او یا کسی سخن نگوئی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی ، اگر در نزد تو از بدی اش گویند از او دفاع کنی و عیبهایش را بیوشانی و فضیلت هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته ای نه به خاطر مردم . و اما حق کسی که مالك توست این است که دستورهایش را اطاعت کنی و نافرمانیش نکنی مگر در مواردی که باعث خشم خدای عزوجل است زیرا فرمانبرداری از مخلوق در نافرمانی خالق سزاوار نیست . و اما حق زیردستان تو این است که بدانی آنها به خاطر ناتوانی خود و توانایی تو رعیت تو گشته اند پس واجب است که در بین آنان به عدل رفتار کنی و برای آنان چون پدری مهربان باشی و نادانی آنان را ببخشایی و در کیفر نمودن آنان شتاب نکنی و خدای عزوجل را بر قدرت و تسلطی که بر ایشان به تو داده است سپاسگزار باشی . و اما حق آنانکه سرپرستی علمی ایشان را به عهده داری این است که بداین خدای عزوجل تو را در آموختن دانشی که به تو عطا فرموده متولی و سرپرست آنان قرار داده و از خزانه علم دری بر تو گشوده پس اگر در تعلیم و آموزش آنان نیک بکوشی و برای آنان دروغ نبافی و از (قدر ناشناسی ) آنان ملول و دلتنگ نگردی خداوند از فضل خود بر تو زیادتی (از علم و ایمان ) را عطا می فرماید و اما اگر دانشت را از مردمان دریغ داشتی یا آنگاه که خواهان دانش تو هستی با دروغ بافی آنان را متحیر و سرگردان سازی بر خدای عزوجل سزاوار است که دانش و درخشندگی آن را از تو بگیرد و جایگاهت را در دلها بی اعتبار سازد. و اما حق همسرت این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آسایش و آرامش تو قرار داده و او نعمتی از جانب خدای عزوجل برای توست پس او را گرمی بداری و با او مدارا کنی اگر چه حقی که تو بر او داری بسی لازم تر است پس بر توست که با او به مهربانی رفتار کنی زیرا او اسیر توست و باید او را اطعام نموده و جامه بپوشانی و هرگاه نادانی نمود مورد بخشش قرارش دهی . و اما حق مملوک تو این است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و فرزند پدر و مادر تو (یعنی فرزند حضرت آدم و حوا است ) و گوشت و خون تو است تو مالکش نیستی به این دلیل که تو او را آفریده باشی نه خدا، و تو هیچ يك از اعضای او را نیافریده ای و روزی او را از دل طبیعت تو بیرون نیاورده ای ولی خداوند عزوجل کار او را به تو واگذاشت سپس او را مسخر تو گرداند و تو را بر او امین قرار داد و او را به امانت نزد تو نهاد تا او آنچه از مال و دارایی که تو به او می دهی برایت نگهداری کند، پس تو نیز به او نیکی کن چنانچه خداوند به تو نیکی نموده است و اگر در نظر تو ناپسند است به جای او مملوک دیگری بگیر و مخلوق خدای عزوجل را عذاب مده و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری خدا. و اما حق مادرت این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرد که با آن وضعیت کسی دیگری را حمل نمی کند و به تو از میوه قلب خود چیزی را که هیچ کس به کسی دیگر نمی بخشد عطا کرد و با تمامی اعضای خود تو را نگهداری نمود و باکی نداشت از اینکه تو گرسنه شوی و غذایت دهد و تشنه نشوی و سیرآبت کند و عریان باشی و تو را بپوشاند و آفتاب بر تو بتابد و او سایه بر تو افکند، و به خاطر تو از خواب کناره گرفت . و تو را از گرما و سرما نگاهداشت تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری از او را نداری مگر به کمک و توفیق الهی . و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل و ریشه توست زیرا اگر او نبود تو نیز نبود پس هرگاه در خود چیزی دیدی که مایه خود پسندی تو شد بدان که پدرت در آن صفت اصل و ریشه توست پس خدای را سپاس گو و شکرش را به جای آور که هیچ نیرو و جنبشی نیست مگر به اراده الهی . و اما حق فرزندت این است که بدانی او از توست و در این دنیا خیر و شرش منسوب به توست و تو در برابر ادب نیکوی او و راهنمایی او به سوی خدای عزوجل و یاری او بر اطاعت پروردگار مسول هستی ، پس در مورد او همانند کسی که می داند بر احسان به فرزند ثواب خواهد برد و بر بدی نمودن به او کیفر خواهد دید عمل کن . و اما حق برادرت این است که بدانی او به منزله دست تو و مایه عزت و قدرت توست بنابراین از او به عنوان اسلحه و وسیله ای برای مصیبت خداوند و همچنین (پشتیبان و) ساز و برگ برای ستم به خلق خدا استفاده مکن ، در مقابل دشمنش او را تنها مگذار و از نصیحت نمودن و خیر خواهی او کوتاهی مکن ، و اینها در صورتی است که او مطیع خداوند باشد و گرنه باید خداوند در نزد تو ارجمندتر از او باشد و هیچ جنبش و قدرتی نیست مگر به کمک خداوند، و اما حق آقای که تو را آزاد کرده این است که بدانی او مالش را در راه تو خرج کرده و تو را از ذلت و وحشت

بندگی به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از اسیری ملکیت تو را رها نموده و بند بندگی را از تو گشوده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالک خودت نموده و به تو برای عبادت پروردگارت فراغت بخشیده و باید بدانی که او در زندگی و مرگت سزاوارترین و نزدیکترین مردمان به توست و یاری رساندن به او بر تو واجب است حال چه خودت به یاریش بشتابی و چه آنچه را که از تو احتیاج دارد در اختیارش قرار دهی و هیچ قدرتی نیست مگر به کمک خداوند. و اما حق بنده ای که تو بر او انعام نموده و آزادش ساخته ای این است که بدانی خداوند عزوجل آزادی او را به دست تو وسیله ای به سوی خودش قرار داده و آن را برای تو مایه حجاب گشتن از آتش دوزخ نموده و ثواب این کار تو در دنیا این است که اگر او خویشاوند نداشته باشد ارث او به خاطر انقافی که بر او نموده ای به تو می رسد و در آخرت نیز بهشت نصیب خواهد شد. و اما حق کسی که به تو احسان و نیکی نموده این است که او را سپاس گویی و نیکی اش را یاد کنی و گفتار نیکو را در مورد او به گوش دیگران برسانی و بین خود و خدای عزوجل و جلیل برای او خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی از او در نهان و آشکار قدردانی کرده ای.

سپس اگر روزی توان عوض دادن و جبران خوبی اش را یافتی چنین کن . و اما حق اذان گو این است که بدانی او پروردگار عزیز و جلیل را به یاد تو می آورد و تو را به سوی بهره ات دعوت می کند و تو را بر انجام فریضه ای که خدای عزوجل بر تو واجب ساخته یاری می کند پس بر این کار از او همانند کسی که به تو نیکی روا داشته قدردانی کن . و اما حق کسی که پیشنماز توست این است که بدانی او سفیر بودن بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته و سخنگوی توست و تو از جانب او سخن نمی گویی و دعاگوی توست و تو دعایش نمی کنی و تو را از هول و هراس ایستادن در پیشگاه پروردگارت کفایت کرده است ، اگر نقصی باشد به گردن اوست نه تو و اگر نمازش کامل و تمام باشد تو نیز با او شریک هستی و بر تو برتری ندارد با سپر خود تو را نگاه داشته و با نماز خود نمازت را حافظ گشته پس باید به اندازه خوبی و خدمتی که به تو دارد قدردان و سپاسگویی باشی . و اما حق همنشینت این است که با نرمی پذیرای او باشی و در گفتگو با وی انصاف را رعایت کنی و جز با اجازه او از جایت بر نخیزی و او می تواند بدون اجازه تو برخیزد، لغزشهایش را به فراموشی سپار و خوبهائیش را حفظ کن و جز خوبی را به گوش او مرسان . و اما حق همسایه ات این است که در نبود او حفظش کنی و در هنگام حضور اکرامش نمایی و زمانی که مورد ستم قرار می گیرد به یاری اش بشتابی ، عیب او را پیگیری مکن و اگر دانستی که بدی ای دارد بدی اش را بیوشان و اگر دانستی که نصیحت را می پذیرد بین خود و او نصیحتش کن و هنگام سختی او را او مگذار و از لغزشش درگذر و گناهش را ببخش و با او به بزرگواری معاشرت کن و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق همدم و همصحبت این است که با او به مهربانی و انصاف مصاحبت کنی و چنانکه گرامی ات می دارد گرامی اش داری و او را او مگذار که در کرم نمودن بر تو پیشی گیرد و اگر پیشی گرفت پاداشش را ده و دوستش بدار چنانکه دوستت می دارد و اگر همت به ارتکاب معصیت خدا گماشت بازش دار و برای او مایه رحمت باش نه عذاب و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز به کمک خدا. و اما حق شریک این است که اگر غایب شد کارش را تو انجام ده و اگر حاضر باشد رعایت حالش را کن و بدون نظر او تصمیم مگیر (یا در مقابل حکم او، حکم مده ) و بدون مشورت او به رای خود عمل مکن و مالش را نگهداری کن و در کار او چه با ارزش باشد و چه بی ارزش خیانت روا مدار زیرا دست خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که دو شریک به یکدیگر خیانت نکرده اند بر سر آنان است و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق مال و دارایی ات این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای صحیح خرج نکنی و به کسی که از تو قدردانی نمی کند در صورتی که خود نیاز به مالت داری ندهی و او را بر خوبستن مقدم نداری پس به وسیله دارائی ات به طاعت پروردگارت بهر داز و درباره مالت بخل نوز که اگر چنین کنی با حسرت و پشیمانی قرین شوی بعلاوه اینکه عقوبت آن بر گردن تو می ماند و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی الهی . و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری به او پرداخت کنی و اگر در سختی هستی او را با سخن خوش راضی کنی و با لطافت و نرمی از پیش خود برگردانی . و حق شریک در حقوق ملک آن است که او را فریب ندهی و خلاف آنچه در دل داری اب او ظاهر نسازی و به او خیانت روا نداری و در مورد او از خدا بترسی . و اما حق طرفی که بر علیه تو ادعایی نموده است این است که اگر ادعای او حق است تو خود نیز باید به نفع او و بر علیه خودت شاهد او باشی و به او ستم نکنی و حق او را به طور کامل به او بدهی و اگر ادعای او باطل است با او مدارا کنی و در مورد او جز مدارا کار دیگری نکنی و پروردگارت را به خشم نیاوری و هیچ نیرویی جز به نیروی الهی نیست . و حق طرفی که ادعایی بر او داری این است که اگر در ادعایت حق با تو باشد در گفتگو با وی آرامش را رعایت کن و حق او را انکار مکن و اگر در ادعایت بر حق نیستی ، از خدای عزوجل بترس و به سوی او توبه کن و دعوا را ترك کن . و حق کسی که با تو مشورت می کند این است که اگر دانستی که او رای نیکویی دارد او را به صواب رهنمون باش و اگر نظر او را نیک ندانستی او را به سوی آنچه که می دانی ارشاد کن . و حق کسی که در مشورت تو را راهنمایی می کند این است که او را در نظری که موافق نظر تو نیست متهم نسازی و اگر هم رای تو بود خدای عزوجل را سپاس گویی . و حق کسی که از تو طلب نصیحت کند این است که اندرزش دهی و باید روش تو مهربانی و مدارای با او باشد. و حق نصیحت کننده تو این است که در برابر او متواضع و نرم باشی و به سخنش گوش فرا دهی اگر سخن صوابی با تو گفت ، خدای عزوجل را سپاس گوی و اگر سخنش موافق صواب نبود با او مهربان باش و او را متهم نساز و او را بر خطایش مواخذه نکن مگر اینکه مستحق تهمت باشد به هر حال به سخنش اعتنا مکن و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی خدا. و حق آنکه بزرگتر است این است که او را به خاطر سنش احترام کنی



و او را به خاطر اینکه بر تو در مسلمانی پیشی داشته بزرگ شمردی و در هنگام مرافعه و مجادله ، مقابله نمودن با او را ترك نمایی و در راه ، در راه رفتن بر او پیشی نگیری و جلو نیفتی و با او نادانی نکنی و اگر با تو نادانی کرد تحملش کنی و او را به خاطر حق مسلمانی و حرمتش اکرام نمایی . و حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشش دهد با او مهر ورزد و از خطایش در گذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد. و حق سائل این است که به قدر نیازش به او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی درخواست نموده ای این است که اگر عطا کرد از او با سپاس و قدردانی بپذیر و اگر خودداری کرد عذرش را بپذیرا باش . و حق کسی که به خاطر خدای تعالی تو را شادمان نموده این است که اولاً خدای عزوجل را سپاس گویی و سپس از او تشکر کنی . و حق کسی که به تو بدی نموده این است که از او درگذری و اگر دانستی که عفو نمودن او ضرر دارد از او انتقام بگیر خدای تعالی فرموده) : و کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که بر او شده مسئولیتی ندارد (49) . و حق همکیشان تو به طور عموم این است که نسبت به آنان حسن نیت و مهربانی داشته باشی و با خطا کارشان مدارا کنی و او را با مهربانی به خویش متمایل سازی و به راه اصلاح در آوری و از نیکو کارشان قدردانی کنی و گنه کارشان را آزار ندهی و آنچه را که برای خود دوست داری برای آنان دوست بداری و آنچه را که برای خود ناپسند می شمردی برای آنان نیز ناپسند بشمردی و پیرمردانشان به منزله پدر تو و جوانانشان به منزله برادرت و پیرزنانشان به منزله مادرت و کودکانشان به منزله فرزندان باشند. و حق اهل ذمه این است که آنچه را که خدای عزوجل از آنان پذیرفته تو نیز از آنان بپذیری و تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا دارند به خاطر خدای عزوجل به آنان ستم روا مداری .

- 4 باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نیده منها  
- 4 باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها  
حدیث:

- 20 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله خص رسوله صلى الله عليه و آله بمكارم الاخلاق فامتحنوا انفسكم فان كانت فيكم فاحمدوا الله و ارغبوا اليه فيه الزيادة منها فذكرها عشرة : اليقين و القناعة و الصبر و الشكر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغيره و الشجاعه و المروءه.

ترجمه:

- 20 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بزرگواری های اخلاقی را به رسول خود اختصاص داد پس خو را بیازمایید اگر آن مکارم در وجود شما باشد خدای را سپاس گوید و در طلب زیادی آنها به سوی خدا زاری کنید. پس عدد آنها را ده عدد ذکر کرده است : یقین و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی .

حدیث:

- 21 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلى عليه السلام يا على اوصيك في نفسك بخصال فاحفظها ثم قال : اللهم اعنه . اما الاولى فالصدق لا يخرجن من فيك كذبه ابدًا و الثانيه الورع لا تجترثن على خيانه ابدًا و الثالثه الخوف من الله كانك تراه و الرابعه كثره البكاء من خشيه الله عزوجل بيني لك بكل دمعه بيت في الجنه و الخامسه بذل مالك و دمك دون دينك و السادسه الاخذ بسنتي في صلاتي و صيامي و صدقتي اما الصلاه فالخمسون ركعه و اما الصوم فثلاثه ايام في كل شهر خميس في اوله و اربعاء في وسطه و خميس في آخره و اما الصدقه فجهدك حتى يقال اسرفت و لم تسرف و عليك بصلاه و الليل و عليك بصلاه الليل و عليك بصلاه الزوال و عليك بقراءه القرآن على كل حال و عليك برفع يديك في الصلاه و تقلبيهما عليك بالسواك عند كل صلاه عليك بمحاسن الاخلاق فاركبها عليك بمساوي الاخلاق فاجتنبها فان لم تفعل فلا تلومن الا نفسك.

ترجمه:

- 21 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی ! تو را درباره خودت به داشتن چند خصلت سفارش می کنم اینها را حفظ کن ، سپس فرمود: خداوندا او را یاری کن . اما خصلت اول راستگویی است مبدا هرگز دروغی از دهان تو بیرون آید، دوم پارسایی است مبدا هرگز بر خیانت نمودن دلیر گردی ، سوم ترس از خداست گوئیا تو او را می بینی ، چهارم زیاد گریستن از خوف خدای عزوجل که به خاطر هر قطره اشکی خانه ای در بهشت برایت ساخته می شود، پنجم مال و جانت را در مقابل دینت عطا کنی ، ششم در نماز و روزه و صدقه به سنت من رفتار کنی اما نماز پنجاه رکعت در هر شبانه روز و اما روزه سه روز در ماه ، پنجشنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنجشنبه آخر هر ماه ، و اما صدقه تا می توانی در پرداخت آن بکوش تا جایی که گفته شود زیاد روی می کنی و تو زیاد روی مکن . بر تو باد به نماز شب ، نماز شب ، نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر اول وقت و بر تو باد به قرائت قرآن در هر حال و بر تو باد به بالا بردن دستانت در نماز و برگرداندن دو کف به طریقه دعا و بر تو باد به مسواک زدن در هنگام هر نماز و بر تو باد به کسب اخلاق نیک و بر تو باد به دوری از اخلاق ناپسند، اگر این اموری را که بر تو شمردم به جای نیاوری پس جز خودت کسی دیگر را سرزنش مکن.

حدیث:

- 22 عن جعفر بن محمد عن أبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلى عليه السلام انه قال : يا على ثلاث من مكارم الاخلاق في الدنيا و الآخرة ان تعفو عن ظلمك و تصل من قطعك و تحلم عن جهل عليك.

ترجمه:

22 امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیه السلام روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام چنین آمده است : ای علی ! سه خصلت است که در دنیا و آخرت از بزرگواری های اخلاقی شمرده می شود : اینکه از کسی که به تو ستم نموده در گذری و با کسی که از تو بریده پیوند برقرار کنی و در برابر کسی که با تو نادانی نموده بردباری به خرج دهی .

**حدیث:**

23 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المکارم عشر فان استطعت ان تكون فيك فلتكن فانها تكون في الرجل و لاتكون في ولده و تكون في ولده و لاتكون في ابيه و تكون في العبد و لاتكون في الحر صدق الناس و صدق اللسان و اداء الامانه و صله الرحم و اقرء الضيف و اطعم السائل و المكافاه على الصنائع و التذمم للجار و التذمم للصاحب و راسهن للحياء.

**ترجمه:**

23 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگواری های اخلاقی ده چیز است ، پس اگر توانایی آن داری که این اخلاق در تو باشد پس اقدام کن زیرا این مکارم گاه باشد که در مرد هست ولی در فرزندش نیست و گاه در فرزند هست و در پدرش نیست و گاه در بنده هست و در آزاد نیست و آنها عبارتند از: راستی با مردمان و راستگویی زبان و امانتداری و پیوند با خویشان و مهمان دوستی و نیکویی نمودن با او و طعام دادن به سائل و پاداش دادن به خاطر انجام کارها و خودداری از سرزنش همسایه و همنشین ، و سر همه این بزرگواری ها حیا است .

**حدیث:**

24 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لانسین الاسلام نسبه لم ینسبه احد قبلی و لاینسبه احد بعدی الا بمثل ذکل ان الاسلام هو التسليم و التسليم هو الیقین و الیقین هو التصدیق و التصدیق هو الاقرار و الاقرار هو العمل و العمل هو الاداء ان المومن لم یأخذ دینه عن رایه و لکن اتاه من ربه فآخذبه.

**ترجمه:**

24 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جوهره و اصل اسلام را چنان ترسیم و بیان می کنم و که کسی پیش از من چنین بیان نموده و پس از من نیز جز به همین گونه ای که می گویم کسی (بهتر از) آن را بیان نخواهد کرد: همانا اسلام همان تصدیق نمودن است و تصدیق ، اقرار و اعتراف آوردن (به عبودیت و حقانیت رسول) است و اقرار همان عمل و کردار است و عمل همان به جای آوردن (و به ظهور رسانیدن) است . به راستی که مومن دین خود را از رای و اندیشه خود بر نمی گیرد بلکه به آنچه که از پروردگارش به او رسیده است تمسک جوید .

**حدیث:**

25 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الاسلام : عریان فلباسه الحياء و زینته الوفاء و مروءته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شیء اساس و اساس الاسلام حینا اهل البيت.

**ترجمه:**

25 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام برهنه است و لباس و پوشش آن حیاست و زیور آن وفا و مردانگی آن کار شایسته نمودن و پایه و ستون آن پارسایی است و هر چیز بنیاد و ریشه ای دارد و ریشه اسلام دوستی ما اهل بیت است.

**حدیث:**

26 عن ابی جعفر الثانی علیه السلام عن ابيه عن جده قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله خلق الاسلام فجعل له عرصه و جعل له نورا و جعل له حصنا و جعل له ناصرًا فاما عرصته فالقرآن و اما نوره فالجکمه و اما حصنه فالمعروف و اما انصاره فانا و اهل بیتی و شیعتنا.

**ترجمه:**

26 امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از جدش روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند اسلام را آفرید و برای آن میدان و روشنایی و قلعه استوار و یاری کنندگانی قرار داد اما میدان آن قرآن و روشنایی آن حکمت و قلعه آن احسان است و یاری کنندگان اسلام ، من و اهل بیتم و شیعیان ما می باشیم.

**حدیث:**

27 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انکم لاتکونون صالحین حتی تعرفوا و لاتعرفون حتی تصدقوا و لاتصدقون حتی تسلّموا ابوابا اربعه لایصلح اولها الا باخرها.

**ترجمه:**

27 امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیکوکار نمی باشید مگر اینکه شناخت پیدا کنید و شناخت پیدا نمی کنید مگر اینکه تصدیق کنید و تصدیق نمی کنید مگر اینکه تسلیم شوید و اینها چهار باب است (صلاح ، عرفان ، تصدیق و تسلیم) که اولین آنها به سامان نمی آید مگر به سبب آخرین آنها.

**حدیث:**

28 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ینبغی للمومن ان یکون فیه ثمان خصال : و قورا عند الهزاهز، صبورا عند البلاء، شکورا عند الرخاء، قانعا بما رزقه الله ، لا یظلم الاعدا، و لایتجامل للاصدقاء، بدنه منه فی تعب و الناس منه فی راحة ، ان العلم خلیل المومن و الحلم و زیره و العقل امیر جنوده و الرفق اخوه و البر والده.

ترجمه:

28 امام صادق علیه السلام فرمود: بر مومن سزاوار است که دارای هشت خصلت باشد، در هنگام فتنه ها با وقار و بردبار باشد، هنگام نزول بلا شکبیا باشد، در هنگام فراخی و ناز و نعمت شکرگزار باشد، به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد، به دشمنان ستم نکند و به دوستان جفا نکند، بدنش از او در سختی و مردم از او در آرامش باشند، همانا دانش دوست مومن و بردباری وزیر اوست و عقل فرمانده لشکریان او و مدارا برادر او و نیکی پدر اوست .

حدیث:

29 قال امیرالمؤمنین علیه السلام له ارکان اربعه ، التوکل علی الله و تفویض الامر الی الله و الرضا بقضاء الله و التسليم لامر الله عزوجل.

ترجمه:

29 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام دارای چهار رکن است : توکل بر خدا و واگذاری کار به خداوند و راضی بودن به قضای الهی و تسلیم بودن در مقابل امر خدای عزوجل.

حدیث:

30 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الایمان فقال : ان الله عزوجل جعل الایمان علی اربع دعائم : علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد فالصبر من ذلك علی اربع شعب : علی الشوق و الاشفاق و الزهد و الترقیب - الی ان قال - و الیقین علی اربع شعب : تبصره الفطنه و تاویل الحکمه و معرفه العبره و سنه الاولین و العدل علی اربع شعب : علی غامض الفهم و غمر العلم و زهره الحکم و روضه الحلم - الی ان قال - : و الجهاد علی اربع شعب : علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی المواطن و شنان الفاسقین.

ترجمه:

30 امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایمان سوال شد و حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند عزوجل ایمان را بر چهار پایه نهاد: بر صبر و یقین و عدل و جهاد. اما صبر خود بر چهار شاخه است : بر شوق (به بهشت) و ترس (از جهنم) و بی رغبتی به دنیا و انتظار کشیدن (مرگ) - تا آنجا که فرمود - : و یقین نیز بر چهار شاخه است : بر بینا شدن در زیرکی و بازگرداندن (امور) به سوی (حکمت و شناختن عبرت و روش پیشینیان) . و عدل نیز بر چهار شاخه است : بر فهم دشوار و فرو رفتن در علم و حکم نیکو و (وارد شدن در) سبزه زار بردباری - (50) تا آنجا که فرمود: - و جهاد نیز بر چهار شاخه است : بر امر به معروف و نهی از منکر و صداقت و راستی در مواضع و دشمنی با نابکاران .

حدیث:

31 عن علی به الحسین علیه السلام قال : المومن من ینصت لیسلم و ینطق لیغتم لایحدث امانته الاصدقاء و لایکنم شهادته من البعداء و لایعمل شیئا من الخیر زیاء و لا یترکه حیاء . ان زکی خاف ما یقولون و یستغفر الله لما لا یعلمون ، لایغره قول من جهله و یخاف احضاء ما عمله.

ترجمه:

31 امام سجاد علیه السلام فرمود: مومن سکوت می کند تا سالم و سلامت بماند و سخن نگوید تا (از گفتگو با دیگران) غنیمت گیرد و شهادتش را از افراد دور (و آشنا) کتمان نمی کند و هیچ کار خیری را ریاکارانه انجام نمی دهد و هیچ کار خوبی را به خاطر حیا ترک نمی کند، اگر ستوده شود از آنچه که درباره اش می گویند بیمناک است و از خداوند به خاطر آنچه که درباره اش نمی دانند طلب مغفرت می کند، گفتار کسی که نسبت به او جاهل است او را نمی فریبد و از اینکه یکایک عملش حفظ و نگاهداری می شود بیمناک است.

حدیث:

32 عن هشام به الحکم عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام فی حدیث طویل قال یا هشام کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول:

ما عبدالله بشیء افضل من العقل و ما تم عقل امری حتی تكون فیه خصال شتی : الکفر و الشر منه مامونان و الرشده و الخیر منه مامولان و فضل ماله مبذول و فضل قوله مکفوف ، نصیبه من الدنیا القوت ، لا یشبع من العلم دهره ، الذل احب الیه مع الله من العزم مع غیره و یستقل کثیر المعروف من نفسه و یری الناس کلهم خیرا منه و انه شرهم فی نفسه و هم تمام الامر.

ترجمه:

32 هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: ای هشام! امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: خداوند به هیچ چیز برتر از عقل پرستش نشده است و عقل کسی تمام و کامل نمی شود مگر اینکه در وی چند خصلت باشد، از کفر و بدی او ایمنی حاصل باشد و امید پایداری در راه راست و خیر از او می رود و زیادی مالش بذل و بخشش می شود و زیادی گفتارش باز داشته می شود، بهره اش از دنیا همان طعامی است که می خورد، در تمام عمرش از علم سیر نمی شود، ذلتی که در راه خدا باشد از عزتی که در راه غیر خدا باشد نزد او دوست داشتنی تر است و فروتنی در نزد او از بلندپایگی محبوبتر است ، احسان کمی را که دیگران انجام می دهند زیاد می شمرد و احسان زیاد خودش را کم به حساب می آورد و همه مردم را از خود بهتر می بیند و خودش را در نفس خود بدترین مردم می داند و اینها تمام آن خصال است .

حدیث:

33 - عن عده من اصحابنا رفعه الى ابي عبدالله عليه السلام قال : المومن له قوه فى دين و حزم فى لين و ايمان فى يقين و حرص فى فقه و نشاط فى هدى و بر فى استقامه و علم فى حلم و كيس فى رفق و سخاء فى حق و قصد فى غنى و تحمل فى فاقه و عفو فى قدره و طاعه لله فى نصيحه و انتهاء فى شهوه و ورع فى رغبه و حرص فى جهاد و صلاه فى شغل و صبر فى شده و فى الهزاهز و قور و فى المكاره صبور و فى الرخاء شكور و لا يفتاب و لا يتكبر و لا يقطع الرحم و ليس بواهن و لا لافظ و لا غليظ و لا يسبقه بصره و لا يفضحه بطنه و لا يغليه فرجه و لا يحسد الناس ، يعير و لا يعير و لا يسرف ، ينصر المظلوم و يرحم المسكين ، نفسه منه فى عناء و الناس منه فى راحة ، لا يرغب فى عز الدنيا و لا يجزع من ذلها ، للناس هم قد اقبلوا عليه و له هم قد شغله ، لا يرى فى حلمه نقص و لا فى رابه و هن و لا فى دينه ضياع ، يرشد من استشاره و يساعد من ساعده و يكيع عن الخناء الجهل.

ترجمه:

33 - از امام صادق عليه السلام روايت است که فرمود: مومن داراي توانايى در ديندارى و ثبات در نرمى و ايمان در يقين و حرص در دريافت دانش و نشاط در هدايت و نيکى در پايدارى و دانش در بردبارى و زيرکى در مدارا و سخاوت در مسير حق و ميانه روى در هنگام ثروتمندى و تحمل در زمان ندارى و عفو در وقت قدرت و فرمانبردارى خدا در پند و اندرز دادن و باز ايستادن از شهوترانى و پارسايى در هنگام خواهش نفس و حرص در جهاد و نماز در وقت گرفتارى و صبر در سختى است و در فتنه ها با وقار و در دشواري ها صبور و در فراخى شکرگزار است و غيبت و درشتخورى و خشن نيست و چشمش بر او پيشى نمى گيرد (يعنى اينگونه نيست که ابتدا نگاه کند و سپس از نگاه خود پشيمان شود بلکه از آغاز نگاه نمى کند) و شکمش او را رسوا نمى کند و عورتش بر او چيره نمى شود و بر مردم حسد نمى ورزد، سرزنش مى شود و سرزنش نمى کند و اهل اسراف نيست ، ستمديده را يارى مى کند و بر بيچاره رحم مى آورد، نفس او از او در سختى است و مردم از او در راحتى اند، ميل به عزت و ارجمندى دنيا ندارد و از ذلت دنيا بى تاپى نمى کند، مردم مى کوشند که روى آورند و کوشش او در اين است که به کار خود (و تهذيب نفس خود) مشغول باشد، در بردبارى اش کمبودى نيست و در راي و نظرش سستى راه ندارد و در دينش زيان و خسارت نباشد، کسى را که از او مشورت خواهد راهنمايى مى کند و کسى را که از او درخواست کمک کند کمک مى کند و از فحش و نادانى ترسان است.

حديث:

34 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام فى حديث انه سال رسول الله صلى الله عليه و آله عن صفة المومن . فقال : عشرون خصله فى المومن فان لم تكن فيه لم يكمل ايمانه . ان من اخلاق المومنين يا على الحاضرون الصلاه و المسارعون الى الزكاه و المطعمون للمسكين ، الماسحون لراس اليتيم ، المطهرون الطمازمهم ، المتزرون على اوساطهم ، الذين ان حدثوا لم يكذبوا و ان وعدوا لم يخلفوا و ان اوتمنوا لم يخونوا و ان تكلموا صدقوا، رهبان الليل ، اسد بالنهار، صائمون النهار قائمون الليل ، لا يوذون جاراً و لا يتاذى بهم جار، الذين مشيهم على الارض هون و خطاهم الى بيوت الارامل و على اثر الجنائز، جعلنا الله و اياكم من المتقين.

ترجمه:

34 - در حديثى از اميرالمؤمنين عليه السلام روايت است که حضرت از رسول خدا صلى الله عليه و آله در مورد اوصاف مومن سوال کرد و پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: بيست خصلت در مومن هست که اگر اين خصلتها در او نباشد ايمانش کامل نيست . اى على ! از اخلاق مومنين اين است : به نماز (جماعت ) حاضر مى شوند و به پرداخت زکات شتاب کننده اند و مسكين را طعام دهند، دست بر سر يتيم کشند، جامه هاى کهنه خويش را پاکيزه مى کنند دروغ نمى گویند و اگر وعده دهند به وعده عمل مى کنند و اگر در کارى آنان را امين شمرند خيانت نمى کنند و اگر سخن گویند راست خواهند گفت ، پارسايان شب و شيران روزاند، روز را به روزه و شب را به قيام مى گذرانند، همسايه را آزار نمى دهند و همسايه اى از آنان رنجيده خاطر نمى شود، به آرامى بر روى زمين قدم بر مى دارند و براى کمک به زنان بى سرپرست و براى تشييع جنازه ها قدم پيش مى گذارند. خداوند ما و شما را از پرهيزکاران قرار دهد.

حديث:

35 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان شيعه على عليه السلام كانوا خمض البطون ، ذبل الشفاء، اهل رافه و علم و حلم ، يعرفون بارهبانية فاعينوا على ما انتم عليه بالورع و الاجتهاد.

ترجمه:

35 - امام صادق عليه السلام : همانا شيعيان على عليه السلام شکمهايشان تهى و لبهايشان خشکيده بود، اهل مهربانى و علم و بردبارى بودند، به پارسايى شناخته مى شدند پس با پرهيزکارى و تلاش ما را بر شيعه بودتتان يارى کنيد.

حديث:

36 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : المومن حلیم لايجهل ، و ان جهل عليه يحلم ، و لا يظلم و ان ظلم غفر و لا يبخل و ان بخل عليه صبر.

ترجمه:

36 - امام صادق عليه السلام فرمود: مومن بردبارى است که بردبارى اش از روى نادانى نيست و اگر با او از روى نادانى و حماقت رفتار شود او بردبارى به خرج مى دهد و به کسى ستم نمى کند و اگر به او ستمى شد مى بخشايد و بخل نمى ورزد و اگر به او بخل ورزيده شد صبر پيشه مى کند.

**حدیث:**

37 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن من طاب مکسبه و حسنت خلیفته و صحت سریره و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من کلامه و کفی الناس شره و انصف الناس من نفسه.  
ترجمه:

37 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن کسی است که محل کسب روزی اش پاکیزه و خلق و خوی او نیکوست و درویش بی عیب و نقص است و زیادی دارایی اش را اتفاق می کند و جلو زیاد سخن گفتن خو را می گیرد و شرش را از مردم باز می دارد و در مورد خودش با مردم به انصاف و عدالت رفتار می کند.

**حدیث:**

38 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ، شیعتنا المتبازلون فی ولایتنا ، المتحابون فی مودتنا ، المتزاورون فی احیاء امرنا ، الذین اذا غضبوا لم یظلموا و ان رضوا لم یسرفوا ، برکه علی من جاووا سلم لمن خالطوا.  
ترجمه:

38 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در سایه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشش می کنند، یکدیگر را در راه دوستی ما دوست می دارند، در زنده نمودن امر ما با یکدیگر دید و بازدید می کنند، آنان زمانی که به خشم آیند ستم نمی کنند و اگر خشنود باشند زیاده روی نمی کنند، آنان مایه برکت برای همسایگانشان و مایه صلح و سلامت معاشران خود هستند.

**حدیث:**

39 عن فاطمه بنت الحسین بن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال من کن فیہ استکمل خصال الایمان : اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه الغضب من الحق و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له.  
ترجمه:

39 از فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت است که کسی که این سه خصلت در او باشد خصلت‌های ایمان را به طور کامل داراست: هنگامی که خشنود است خوشنودی اش او را در باطل داخل نمی کند و هنگامی که خشمگین است خشمش او را از راه حق بیرون نمی برد و هنگامی که قدرت و توانایی دارد آنچه را که از آن نیست به ناحق نمی گیرد.

**حدیث:**

40 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان لاهل الدین علامات یعرفون بها: صدق الحدیث و اداء الامانه و وفاء العهد و صله الارحام و رحمه الضعفاء و قله المواقفه للنساء - او قال و قله المواته للنساء - و بذل المعروف و حسن الجوار و سعه الخلق و اتباع العلم و ما یقرب الی الله - الی ان قال - ان المومن نفسه منه فی شغل و الناس منه فی راحه ، اذا جن علیه اللیل افترش وجهه و سجد لله بمکارم بذنه یناجی الذی خلقه فی فکاک رقبته ، الا فهکذا فکونوا.  
ترجمه:

40 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا اهل دین نشانه هایی دارند که به آن نشانه ها شناخته می شوند: راستی در گفتار و امانتداری و وفای به پیمان و پیوند با خویشان و مهربانی با ناتوانان و کمی معاشرت و مخالطت با زنان (با اینکه فرمود: کمی جماع با زنان) و بذل احسان و حسن همسایگی و وسعت خلق و پیروی از علم و آنچه که به خدا نزدیک می کند تا اینکه فرمود: همانا مومن نفسش از دست او گرفتار است و مردم از او در راحتی اند، هنگامی که شب بر او می رسد صورتش را بر زمین می گذارد و برای خدا با گرمی ترین اعضای بدن خود به خاک می افتد و با پروردگاری که او را آفریده مناجات می کند که او را از آتش برهاند، آگاه باشید که چنین باشید.

**حدیث:**

41 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سنل النبی صلی الله علیه و آله عن خیار العباد فقال : الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا بتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.  
ترجمه:

41 امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوال شد که بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند شاد می شوند و هنگامی که بدی کنند مغفرت می کنند و هنگامی که به آنان عطا شود قدردانی می کنند و زمانی که به بلایی دچار شوند صبر پیشه کنند و هنگامی که خشمگین شوند ببخشایند.

**حدیث:**

42 قال النبی صلی الله علیه و آله : ان خیارکم اولو النهی قیل یا رسول الله : من اولو النهی ؟ قال : هم اولو الاخلاق الحسنه و الاحلام الرزینه و صله الارحام و البرره بالامهات و الالباء و المتعاهدون للجیران و الینامی و یطعمون الطعام و یفشون السلام فی العالم و یصلون و الناس نیام غافلون.  
ترجمه:

42 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما خردمنداند. گفته شد: ای رسول خدا چه کسانی خردمنداند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو و عقلهای گرانمایه و اهل پیوند با خویشاوندان و نیکی به

مادران و پدران و رسیدگی کننده به همسایگان و یتیمان اند و (به مسکینان) طعام می خوراند و به صورت آشکار به همگان سلام می کنند و نماز می گذرانند در حالی که مردم در خواب و غافلند.

**حدیث:**

- 43 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ان المعرفه بکمال دین المسلم ترکه الکلام فیما یعنیه و قله مرأه و حلمه و صبره و حسن خلقه.

**ترجمه:**

- 43 امام صادق علیه السلام می فرماید امام سجاد علیه السلام می فرمود: همانا شناختن اینکه دین مسلمان به کمال رسیده است به چند امر است : ترك سخن نمودنش در امور بیهوده و بی مربوط و کم جدال نمودنش و بردباری اش و شکیبایی اش و خوش خلقی اش .

- ۳ -

**حدیث:**

- 44 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من اخلاق المومن الانفاق علی قدر الاقتار و التوسع علی قدر التوسع و انصاف الناس و ابتداوه اياهم بالسلام علیهم.

**ترجمه:**

- 44 امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمود: از اخلاق مومن انفاق نمودن به اندازه نیازمندی و توسعه دادن (به زندگی نیازمندان) به اندازه فراخی (زندگی خود) و رفتار عادلانه با مردم و آغاز نمودن به سلام بر مردم .

**حدیث:**

- 45 عن ابی جعفر علیه السلام قال : انما المومن من الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و ان سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و الذی اذا قدر لم یخرجه قدرته الی التعدی الی ما لیس له بحق.

**ترجمه:**

- 45 امام باقر علیه السلام فرمود: مومن کسی است که در هنگام خشنودی ، خوشنودی اش او را در گناه و باطل داخل نکند و اگر به خشم آمد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و در زمانی که قدرت دارد قدرتش او را به تجاوز نمودن به سوی چیزی که حقی در آن ندارد نکشاند.

**حدیث:**

- 46 قال ابو عبدالله علیه السلام : یا مهزم شیعتنا من لایعدو صوته سمعه و لا شحناوه یدیه و لا یمتدح بنا معلنا و لایجالس لنا عائبا و لا یخاصم لنا قالیا و ان لقی مومنا اکرمه و ان لقی جاهلا هجره - الی ان قال - شیعتنا من لا یهر هریر الکلب و لا یطمع طمع الغراب و لا یسال عدونا و ان مات جوعا.

**ترجمه:**

- 46 امام صادق علیه السلام فرمود: این مهزم! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش تجاوز نکند و کینه و دشمنی اش از دستانش تعدی نکند (کینه اش را عملاً ابراز و اعمال نکند) و (در زمان تقیه) ما را آشکارا مدح و ثنا نگوید، و در مجالست و همنشینی با ما زبان به عیبجویی نگشاید و یا بی مهری و کینه با ما به مخاصمه و جدال بر نخیزد و اگر با مومنی دیدار کرد او را اکرام کند و اگر با نادانی برخورد نمود از او دوری کند، - تا آنجا که فرمود - : شیعه ما کسی است که همچون بانگی که سگ از سوز سرما بر می آورد بانگ بزند و حرص و طمعش همچون حرص و طمع کلاغان نداشته باشد و از دشمن ما درخواست و گدایی نکند اگر چه از گرسنگی بمیرد .

**حدیث:**

- 47 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله الا اخبرکم باشبهکم بی ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : احسنکم خلقا و الینکم کنفا و ابرکم بقرايته و اشدکم حبالا خوانه فی دینه و اصبرکم علی الحق و اکظمکم للغیظ و احسنکم عفوا و اشدکم من نفسه انصافا فی الرضا و الغضب.

**ترجمه:**

- 47 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما در مورد کسی که شبیه ترین شما به من است خبر دهم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: کسی که اخلاقش نیکوتر و نرمخوتر و نیکی کننده تر به خویشاوندانش باشد و دوستی اش نسبت به برادران دینی از همه بیشتر باشد و صبورترین شما بر حق و فرو خورنده ترین شما خشمش را و نیکوترین شما از نظر عفو و بخشایش باشد و از همه شما در هنگام خوشنودی و خشم انصاف را بیشتر رعایت کند.

**حدیث:**

- 48 عن ابی عبدالله علیه السلام قال المومن حسن المعونه ، خفیف المئونه ، جید التذییر لمعیشته و لا یلسع من حجر مرتین.

**ترجمه:**

- 48 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن یاری اش نیکو و روزی اش سبک و کم است ، تدبیرش برای زندگی نیکوست و از يك سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود .

**حدیث:**

- 49 عن الدلهات مولى الرضا عليه السلام قال : سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون المومن مومنا حتى يكون فيه ثلاث خصال - الحديث و ذكر فيه - كتمان سره و مداراه الناس و الصبر فى البساء و الضراء.

**ترجمه:**

- 49 دلهاث غلام امام رضا علیه السلام روایت کند که از حضرت شنیدم که می فرموده : مومن مومن نیست مگر اینکه در او سه خصلت باشد - سپس حدیث ما قبل را آورده است و در آن اضافه نموده است : رازش را می پوشاند و با مردمان مدارا می کند و در سختی ها و مشکلات صبر پیشه می سازد.

**حدیث:**

- 50 فى حدیث مرفوع الى النبى صلى الله عليه و آله قال : جاء جبرئيل فقال : يا رسول الله ان الله ارسلنى اليك بهديه لم يعطها احدا قبلك قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما هى ؟ قال : الصبر و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الرضا و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الزهد و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الاخلاص و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : اليقين و احسن منه قلت : و ما هو يا جبرئيل ؟ قال : ان مدرجه ذلك التوكل على الله عزوجل فقلت : و ما التوكل على الله ؟ قال : العلم بان المخلوق لا يضر و لا ينفع و لا يعطى و لا يمنع و استعمال الياس من الخلق فاذا كان العبد كذلك لا يعمل لاحد سوى الله و لم يرحم و لم يخف سوى الله و لم يطمع فى احد سوى الله فهذا هو التوكل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الصبر؟ قال : تصبر فى الضراء كما تصبر فى العافيه فلا يشكو حاله عند المخلوق بما يصيبه من البلاء قلت : فما تفسير القناعه ؟ قال : يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل و يشكر اليسير قلت فما تفسير الرضا؟ قال الراضى لايسخط على سيده اصاب من الدنيا (ام لا يصيب ) منها و لايرضى لنفسه باليسير من العمل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الزهد؟ قال : يحب من يحب خالقه و يبغض من يبغض خالقه و يتحرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتحرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتحرج من الكلام كما يتحرج من الميته التى قد اشتد تننها و يتحرج عن حطام الدنيا و زينتها كما يتجنب النار ان يغشاها و ان يقصر امله و كان بين عينيه اجله قلت ، يا جبرئيل فما تفسير الاخلاص ؟ قال : المخلص الذى الاسبال الناس شيئا حتى يجد و اذا وجد رضى و اذا بقى عنده شىء اعطاه فى الله ، فان لم يسأل المخلوق فقد اقر الله بالعبوديه و اذا وجد فرضى فهو عن الله راض و الله تبارك و تعالى عنه راض و اذا اعطى الله عزوجل فهو على حد الثقة بربه قلت : فما تفسير اليقين ؟ قال : المومن يعمل لله كانه يراه فان لم يكن يرى الله فان الله يراه و ان يعلم يقينا ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ما اخطاه لم يكن ليصيبه و هذا كله اغصان التوكل و مدرجه الزهد.

**ترجمه:**

- 50 در حدیثی از پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله روایت شده است که : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر خدا صلى الله عليه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا با هدیه ای نزد تو فرستاده که این چنین هدیه ای به هیچ کس پیش از تو نداده است رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: آن هدیه چیست ؟ عرض کرد: صبر و نیکوتر از صبر . فرمود: نیکوتر از صبر چیست ؟ عرض کرد: رضا و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از رضا چیست ؟ عرض کرد: زهد و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از زهد چیست ؟ عرض کرد: اخلاص و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از اخلاص چیست ؟ عرض کرد: یقین و نیکوتر از یقین . پیامبر می فرماید گفتم : ای جبرئیل ! نیکوتر از یقین چیست ؟ گفت : راه رفتن به آن توکل نمودن بر خدای عزوجل است گفتم : توکل بر خدا چیست ؟ گفت : آگاهی به اینکه ضرر و نفع و عطا و منع هیچ يك به دست مخلوق نیست و نومیدی از مخلوق را در عمل رعایت کند پس هرگاه بنده ای چنین باشد برای هیچ کس غیر از خدا کار نمی کند و امید و بیم ندارد جز از خدا و به هیچ کس جز خدا چشم نمی دوزد پس این معنای توکل است . گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر صبر چیست ؟ گفت : در سختی شکیبایی کند چنانکه در شادی و در تنگدستی شکیبایی کند چنانکه در ثروتمندی و در بلا شکیبایی کند چنانکه در وقت عافیت و تندرستی پس از بلایی که به او رسیده به نزد مخلوق شکوه و شکایت نبرد . گفتم : تفسیر قناعت چیست ؟ گفت : به آنچه از دنیا نصیب او گردیده قانع باشد به کم قانع باشد و شکر آن را به جای آورد . گفتم : تفسیر رضا چیست ؟

گفت : شخص رضایتمند بر مولای خود خشم نمی گیرد چه به دنیا رسیده باشد چه نرسیده باشد و بر نفس خود به عمل کم خوشنود نیست .  
گفتم : ای جبرئیل تفسیر زهد چیست ؟ گفت : اینکه دوست بدارد آن کس را که آفریننده اش را دوست دارد و دشمن بدارد آن کس را که آفریننده اش را دشمن می دارد و از حلال دنیا بر خود تنگ بگیرد و به حرام آن توجهی نکند زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش موجب عقابت است و به همه مسلمانان مهربانی کند چنانکه نسبت به خود مهربان است و آنچه آنکه از مرداری که بوی گندش زیاد شده است پرهیز می کند از سخن گفتن بپرهیزد و همچنانکه از آتشی که او را فرا گیرد دوری می کند از چیزهای پوچ و فانی دنیا و زینت دنیا پرهیز کند و آرزویش را کوتاه کند و اجلس را پیش رو داشته باشد . گفتم :

ای جبرئیل ! تفسیر اخلاص چیست ؟ گفت : مخلص کسی است که هیچ چیز را از مردم درخواست نکند تا خود بیابد و آنگاه که یافت خوشنود باشد و اگر چیزی در نزد او باقی ماند آن را در راه خدا عطا کند پس اگر از مخلوق درخواست نکند به عبودیت خداوند اقرار کرده است . و اگر خواسته خود را یافت و خوشنود بود چنین کسی از خدا خوشنود است و خداوند تبارک و تعالی نیز از او خوشنود است و هنگامی که به خاطر خدای عزوجل عطا می کند چنین کسی در حد اعتماد به پروردگار خویش است. گفتم : تفسیر یقین چیست ؟ گفت : مومن برای خدا به گونه ای عمل کند گوئیا او را می بیند که اگر او خدا را نمی بیند خداوند او را می بیند و از روی یقین و باور بداند که آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او برسد و به خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده است نمی شد که به او برسد. همه اینها که گفته شد شاخه های توکل و راه رفتن به سوی زهد است.

- 5 باب استحباب التفکر فیما یوجب الاعتبار والعمل  
- 5 باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است

حدیث:

- 51 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : نیه بالفکر قلبک و جاف عن اللیل جنبک و اتق الله ربک.

ترجمه:

- 51 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: با تفکر نمودن قلب خود را آگاه کن و شبانگاه پهلوی خود را از بستر خواب دور گردان و تقوای خداوند که پروردگار توست را پیشه ساز.

حدیث:

- 52 عن الحسن الصیقل قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عما یروی الناس تفکر ساعه خیر من قیام لیلہ ( قلت : کیف یتفکر؟ قال : یمر بالخریبه او بالدار فیقول : این ساکنوک؟ این بانوک؟ ما لك لاتتکلمین؟

ترجمه:

- 52 حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آنچه که مردم روایت می کنند که ( ساعتی تفکر از قیام يك شب بهتر است ) پرسیدم که چگونه باید تفکر کند؟ فرمود: به ویرانه یا خانه گذر کند و بگوید: کجایند ساکنان تو؟ کجایند سازندگان تو؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

حدیث:

- 53 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افضل العبادہ ادمان التفکر فی الله و فی قدرته.

ترجمه:

- 53 امام صادق علیه السلام فرمود، برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره خداوند و قدرت اوست .

حدیث:

- 54 عن معمر بن خلاد قال : سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام یقول : لیس العبادہ کثره الصلاه و الصوم انما العبادہ التفکر فی امر الله عزوجل.

ترجمه:

- 54 معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: عبادت نماز و روزه زیاد نیست بلکه عبادت تفکر نمودن در کار خدای عزوجل است.

حدیث:

- 55 قال ابو عبدالله علیه السلام : التفکر یدعو الی البر و العمل به.

ترجمه:

- 55 امام صادق علیه السلام فرمود: تفکر آدمی را به سوی نیکی و عمل به آن فرا می خواند .

حدیث:

- 56 کتب هارون الرشید الی ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام : عطنی و اوجز. قال : فکتب الیه : ما من شیء تراه عینک الا و فیه موعظه.

ترجمه:

- 56 هارون الرشید به امام موسی بن جعفر علیه السلام نوشت که : مرا موعظه کن و کوتاه سخن گو . - راوی گوید: - حضرت برای او نوشت : هیچ چیز نیست که چشم تو آن را ببیند جز اینکه در آن موعظه ای نهفته است .

حدیث:

- 57 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اکثر عبادہ ابی ذر رحمه الله التفکر و الاعتبار.

ترجمه:

- 57 امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین عبادت ابوذر - که خدایش رحمت کند - تفکر نمودن و عبرت گرفتن بود.

حدیث:

- 58 من کتاب ابی عبدالله السیاری صاحب موسی و الرضا علیه السلام قال : سمعته یقول : لیس العبادہ کثره الصیام و الصلاه و انما العبادہ الفکر فی الله تعالی.

ترجمه:



- 58 از کتاب ابی عبدالله سیاری که مصاحب دو امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام بود روایت است که گوید: از امام معصوم شنیدم که فرمود: عبادت ، زیاد روزه گرفتن و خواندن نماز فراوان نیست بلکه عبادت تفکر نمودن درباره خدای تعالی است .

**حدیث:**

- 59 عن الحسين الصيقل قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : تفكر ساعه خير من قيام ليله فقال : نعم قال رسول الله صلى الله عليه و آله تفكر ساعه خير من قيام ليله قلت : كيف يتفكر؟ قال : يمر بالدار و الخربه فيقول اين بانوك اين ساكنوك مالك لا تتكلمين.

**ترجمه:**

- 59 حسین بن صقیل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ساعتی تفکر، از برخاستن و عبادت يك شب با ارزش تر است؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: ساعتی تفکر نمودن از يك شب قیام نمودن برتر است عرض کردم: چگونه باید تفکر کرد؟ فرمود: باید به خانه و ویرانه گذر کند و بگوید: سازندگان تو و ساکنان تو کجایند؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی؟

- 6 باب استحباب التخلق بكمال الاخلاق و ذکر جمله منها  
- 6 باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

**حدیث:**

- 60 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لنحب من كان عاقلا فهما فقیها حلیمما مداریا صبوراً صدوقاً و فیا ان الله عزوجل خص الانبياء بكمال الاخلاق فمن كانت فيه فليحمد الله على ذلك و من لم تكن فيه فليتضرع الى الله عزوجل و ليساله اياها قال قلت جعلت فداك و ما هن ؟ قال : هن الورع و القناعه و الصبر و الشكر و الحلم و الحياء و السخاء و الشجاعه و الغيره و البر و صدق الحديث و اداء الامانه.

**ترجمه:**

- 60 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما کسی را دوست می داریم که خردمند، فهمیده ، دارای فهم عمیق در دین ، بردبار، مداراکننده ، صبور، راستگو و وافادار باشد، خداوند عزوجل اخلاق نیکو را به پیامبران اختصاص داده پس کسی که دارای اخلاق پسندیده است خداوند را بر داشتن آن اخلاق سپاس گوید و کسی که چنین اخلاقی در وجودش نیست باید به درگاه خدای عزوجل تضرع و زاری کند و اخلاق نیکو را از خداوند درخواست کند.

- راوی گوید: - عرض کردم: فدایت شوم آن اخلاق نیک چیست؟ حضرت فرمود: پارسایی ، قناعت ، صبر و شکر، بردباری ، حیا سخاوت ، شجاعت ، غیرت ، نیکو کاری ، راستگویی ، امانتداری.

**حدیث:**

- 61 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الا اخبركم بخير رجالكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال : ان خير رجالكم التقى التقى السمح الكفين التقى الطرفين البر بوالديه و لايحلى عياله الى غيره.

**ترجمه:**

- 61 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما خبر دهم که بهترین مردان شما چه کسانی هستند؟ گفتیم: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بهترین مردان شما کسانی هستند که پرهیزکار، پاکیزه ، دارای دستانى بخشنده و با سخاوت ، از طرف پدر و مادر پاکیزه نژاد باشد، نیکی کننده به پدر و مادرش باشد و خانواده اش را مجبور نکند که به دیگری پناه برد.

**حدیث:**

- 62 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل ارتضى لكم الاسلام دينا فاحسنوا صحبتة بالسخاء و حسن الخلق.

**ترجمه:**

- 62 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا خداوند عزوجل اسلام را به عنوان دین برای شما پسندید پس این دین را با سخاوت و خوش خلقی همراهی و یاری نیکو کنید .

**حدیث:**

- 63 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الايمان اربعة ارکان الرضا بقضاء الله و التوكل على الله و تفويض الامر الى الله و التسليم لامر الله.

**ترجمه:**

- 63 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ایمان چهار رکن دارد : خوشنودی به قضای الهی و توکل بر خدا و سپردن امر زندگی به خداوند و تسلیم در برابر امر خدا.

**حدیث:**

- 64 عن رجل من بنی هاشم قال اربع من كن فيه كمال اسلامه و ان كان من قرنه الى قدمه خطايا لم ينقصه الصدق و الحياء و حسن الخلق و الشكر.

**ترجمه:**

- 64 از مردی از بنی هاشم چنین روایت است که فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل است و اگر چه از سر تا قدمش گناه باشد از قدر و منزلتش کاسته نمی شود: راستی و حیا و خوش خلقی و شکر.

**حدیث:**

65- عن حماد بن عثمان قال جاء رجل الى الصادق عليه السلام فقال : يا ابن رسول الله اخبرني عن مكارم الاخلاق فقال : العفو عن ظلمك و صلته من قطعك و اعطاء من حرمك و قول الحق و لو على نفسك.

ترجمه:

65- حماد بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! اخلاق نیک را به من خبر ده ، حضرت فرمود: چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته و پیوند با کسی که از تو بریده و عطا کردن به کسی که تو را محروم داشته و حق گویی اگر چه بر علیه خودت باشد.

حدیث:

66- عن جراح المدائنی قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : الا احدثک بمکارم الاخلاق ؟ الصفح عن الناس و مواساه الرجل اخاه فی ماله و ذکر الله کثیرا.

ترجمه:

66- جراح مدائنی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا جوانمردی ها و خوبی های اخلاقی را برایت بگویم ؟ چشم پوشی و در گذشتن از خطای مردمان و یاری دادن به برادر دینی از نظر مالی و یاد کردن زیاد از خداوند.

حدیث:

67- عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام انه قال : علیکم بمکارم الاخلاق فان الله عزوجل یحبها و یاکم و مدام الافعال فان الله عزوجل یبغضها و علیکم بتلاوه القرآن الی ان قال و علیکم بحسن الخلق فانه یبلغ بصاحبه درجه الصائم القائم و علیکم بحسن الجوار فان الله جل جلاله امر بذک و علیکم بالسواک فانه مطهره و سنه حسنه و علیکم بفرائض الله فادوها و علیکم بمحارم الله فاجتنبوها.

ترجمه:

67- امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به بزرگواری های اخلاقی زیرا خداوند عزوجل اخلاق پسندیده را دوست دارد و از اخلاق نکوهیده بپرهیزد زیرا خداوند عزوجل آنها را دشمن می دارد و بر شما باد به تلاوت قرآن ، - تا آنجا که فرمود بر شما باد به خوش خلقی زیرا خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه داری که شبها را به عبادت قیام می کند می رساند و بر شما باد به نیکی با همسایگان زیرا خداوند به این امر نموده است و بر شما باد به مسواک زدن زیرا مسواک زدن پاکیزه کننده دهان و سنتی نیکو است و بر شما باد به انجام واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب نمودن از حرامهای خداوند .

حدیث:

68- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل وجوها خلقهم من خلقه و ارضه لقضاء حوائج اخوانهم یرون الحمد مجدا و الله سبحانه یحب مکارم الاخلاق و کان فیما خاطب الله نبيه صلی الله علیه و آله (انک لعلی خلق عظیم ) قال : السخاء و حسن الخلق.

ترجمه:

68- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا برای خداوند بندگان برجسته و شایسته ای وجود دارد که خداوند آنها را همین آفرینش و زمین خود آفریده است و آنان را برای برطرف کردن نیازهای برادران دینی آفریده ، آنان حمد و سپاس را مایه مجد و بزرگی می دانند و خداوند سبحان بزرگواری های اخلاقی را دوست می دارد و در خطاب نمودن به پیامبرش فرموده است) : همانا تو بر اخلاقی بزرگ هستی ( <sup>51</sup>) که این اخلاق بزرگ همان سخاوت و خوش خلقی است .

- 7 باب وجوب یقین بالله فی الرزق و العمر و النفع و الضر

- 7 باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

حدیث:

69- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : لایجد عبد طعم الايمان حتى یعلم ان ما اصابه لم یکن لیخطئه و ان ما اخطاه لم یکن لیصیبه و ان الضار النافع هو الله عزوجل.

ترجمه:

69- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست به او نرسد و خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده نمی شد که به او برسد و بداند که زیان رساننده و سوددهنده فقط خدای عزوجل است .

حدیث:

70- عن صفوان الجمال قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و اما الجدار فکان لغلामین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما (فقال : اما انه ما کان ذهابا و لافضه و انما کان اربع کلمات لا اله الا الله انا من ایقن بالموت لم یضحک سنه و من ایقن بالحساب لم یفرح قلبه و من ایقن بالفقر لم یخش الا الله.

ترجمه:

70- صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی در داستان حضرت خضر علیه السلام پرسیدم که می فرماید) : و اما آن دیوار (که تعمیر نمودم ) متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و در زیر آن دیوار گنجی برای آنان نهفته بود (حضرت فرمود: به راستی که آن گنج طلا و نقره نبود

بلکه آن گنج چهار کلمه حکمت بود: هیچ معبودی جز من نیست ، کسی که مرگ را باور داشته باشد در عمر خود نمی خندد، و کسی که حساب را باور داشته باشد دلش شادمان نخواهد بود، و کسی که قضا و قدر الهی را باور کند جز از خدا از هیچ چیز نمی ترسد.

**حدیث:**

71- عن ابی عبدالله علیه السلام ان امیرالمؤمنین علیه السلام جلس الی حائط مائل یقضی بین الناس فقال بعضهم لا تقع تحت هذا الحائط فانه معور فقال امیرالمؤمنین علیه السلام : حرس امرا اجله فلما قام سقط الحائط و كان امیرالمؤمنین علیه السلام مما یفعل هذا و اشباهه و هذا الیقین.

**ترجمه:**

71- امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در زیر دیوار گنجی نشسته بود و در بین مردمان حکم می فرمود، پس برخی از مردم گفتند: در زیر این دیوار منشین که به خاطر رخنه ای که دارد ترسناک است . حضرت فرمود: مرد را اجلس حفظ و نگاهبانی می کند پس از آنجا برخاست و دیوار فرو ریخت.

امیرالمؤمنین علیه السلام این کار و کارهایی شبیه به انی را انجام می داد و این یقین و باور است .

**حدیث:**

72- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لیس شیء الا و له حد قلت : جعلت فداك فما حد التوکل ؟ قال : الیقین . قلت : فما حد الیقین ؟ قال : ان لا تخاف مع الله شیئا.

**ترجمه:**

72- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه برای آن حدی است - روای گوید - : عرض کردم فدایت شوم حد توکل چیست ؟ فرمود: یقین . عرض کردم : حد یقین چیست ؟ فرمود : حد یقین آن است که با وجود خداوند از هیچ چیز نترسی .

**حدیث:**

73- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من صحه یقین المرء المسلم ان لا یرضی الناس بسخط الله و لایلومهم علی ما لم یوته الله فان الرزق لایسوقه حرص حریص و لایرده کراهیه کاره و لو ان احدکم فر من رزقه کما یفر من الموت لادرکه رزقه کما یدرکه الموت - ثم قال : - ان الله بعدله و قسطه جعل الروح و الراحه فی الیقین و الرضا جعل الهم و الحزن فی الشک و السخط.

**ترجمه:**

73- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: نشانه سالم بودن یقین شخص مسلمان این است که مردم را با به خشم آوردن خداوند خوشنود نسازد و آنان را بر آنچه که خداوند به آنان عطا نکرده است سرزنش نکند زیرا رزق و روزی را نه حرص حریص به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن شخص از او باز می دارد و (بدانید که ) اگر کسی از شما از روزی خود بگریزد چنانکه از مرگ می گریزد روزی اش او را در می یابد چنانکه مرگ او را در می یابد - سپس فرمود: - همانا خداوند به عدل و انصاف خود آرامش و راحتی را در یقین و رضا (به داده الهی ) قرار داد و اندوه و حزن را در شک و ناخشنودی (از قضا الهی ) قرار داد.

**حدیث:**

74- عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان العمل القلیل الدائم علی الیقین افضل عند الله من العمل الكثير علی غیر یقین.

**ترجمه:**

74- هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است .

**حدیث:**

75- عن سعید بن قیس الهمدانی قال نظرت یوما فی الحرب الی رجل علیه ثوبان فحرت فرسی فاذا هو امیرالمؤمنین علیه السلام فقلت یا امیرالمؤمنین : فی مثل هذا الموضع فقال نعم یا سعید بن قیس انه لیس من عبد الا و له من الله عزوجل حافظ و واقیه معه ملک ان یحفظانه من ان یسقط من راس جبل او یقع فی بئر فاذا نزل القضاء خلیا بینه و بین کل شیء .

**ترجمه:**

75- سعید بن قیس همدانی گوید: روزی در هنگام جنگ چشمم به مردی افتاد که دو جامه بر داشت (و در هیئت جنگجویان زره بر تن نداشت ) اسیم را به سوی او راندم ناگاه دیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام است عرض کردم : ای امیرمومنان ! آیا در مثل چنین مکانی ؟ ! اینگونه حاضر می شوید) حضرت فرمود: آری ای سعید بن قیس ! هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از جانب خدای عزوجل نگاهبان و نگاهداری هست ، همراه با او دو فرشته است که او را از فرو افتادن از کوه یا افتادن در چاه نگهداری می کنند پس زمانی که قضا الهی فرود می آید آن دو فرشته از بین او و هر چیز به کنار می روند .

**حدیث:**

76- عن علی بن اسباط قال : سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام یقول : کان فی الكنز الذی قال الله : (و کان تحته کنز لهما) کان فیه بسم الله الرحمن الرحیم ، عجت لمن ایقن بالموت کیف یفرح ؟ و عجت لمن ایقن بالقدر کیف یحزن ؟

**ترجمه:**

- 76 علی بن اسباط گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خداوند در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام در قرآن از زبان حضرت خضر بیان نمود (که) در زیر آن دیوار گنجی بود متعلق به دو کودک یتیم (چنین آمده است: به نام خداوند مهرورز مهربان، در شگفتم از کسی که مرگ را باور کرده است چگونه شادمانی می کند و در شگفتم از کسی که به قضا و قدر الهی یقین دارد چگونه غمگین می شود).

حدیث:

- 77 قبیل للرضا علیه السلام انک تتکلم بهذا الکلام و السیف یقطر دما فقال : ان لله و ادیا من ذهب حماه باضعیف خلقه النمل فلو رامه الیخاتی لم تصل الیه.

ترجمه:

- 77 به امام رضا علیه السلام گفته شد: شما این سخن را می گوید (52) در حالی که از آن شمشیر خون می چکد (یعنی مردم در طلب روزی سخت می کوشند) حضرت فرمود: برای خداوند وادایی از طلاست که با ضعیف ترین آفریدگانش که مورچه است از آن نگاهبانی می کند که اگر شخص صاحب بخت و اقبال هم آن را طلب کند به آن نخواهد رسید.

حدیث:

- 78 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : کفی بالاجل حارسا.

ترجمه:

- 78 امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: اجل به عنوان نگاهبان برای آدمی بس است.

- 8 باب وجوب طاعة العقل و مخالفه الجهل

- 8 باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی

حدیث:

- 79 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل ثم قال له : ادبر فادبر ثم قال : و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منک و لا اکملتک الا فیمن احب اما انی ایاک امر و ایاک انهی و ایاک اعاقب و ایاک اثیب.

ترجمه:

- 79 امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن گوید، سپس به او فرمود: پیش آی، پس عقل پیش آمد. سپس فرمود: برگرد، پس او پشت نموده و برگشت، سپس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را نیافریدم که در نزد من از تو محبوبتر باشد و تو را به صورت کامل قرار نمی دهم مگر در وجود کسی که دوستش دارم. آگاه باش که من تو را امر و نهی می کنم و تو را کیفر و پاداش می دهم.

حدیث:

- 80 عن علی علیه السلام قال : هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال : یا آدم انی امرت ان اخیرک واحده من ثلاث فاخترها و دع اثنتین فقال له آدم : یا جبرئیل و ما الثلاث فقال : العقل و الحیاء و الدین فقال آدم : انی قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحیاء و الدین : انصرفا و دعاه فقالا: یا جبرئیل انا امرنا ان نکون مع العقل حیث کان قال : فشانکما و عرج.

ترجمه:

- 80 از علی علیه السلام روایت است که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام فرود آمد و عرض کرد: ای آدم! از جانب خدای به من دستور داده شده که تو را بین یکی از سه چیز مخیر گردانم آن را اختیار کن و آن دو دیگر را واگذار. پس آدم علیه السلام به او گفت: ای جبرئیل! آن سه چیست؟ جبرئیل علیه السلام گفت: عقل، حیا، دین. آدم علیه السلام فرمود: من عقل را انتخاب می کنم. پس جبرئیل علیه السلام به حیا و دین گفت: برگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل! به ما دستور داده شده که همواره هر جا که عقل هست همراه او باشیم. جبرئیل گفت: خودتان می دانید و عروج کرد و به آسمان رفت.

حدیث:

- 81 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما العقل ؟ قال : ما عید به الرحمن و اکتسب به الجنان قال : قلت : فالذی کان فی معاویه ؟ قال : تلك النکراء تلك الشیطنه و هی شبیهه بالعقل و لیست بالعقل.

ترجمه:

- 81 راوی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عقل چیست؟ فرمود: آنچه که به سبب آن پروردگار مهربان عبادت می شود و به وسیله آن بهشت به دست می آید. عرض کردم: پس آنچه که در معاویه وجود داشت چه بود؟ فرمود: آن زیرکی و شیطنت بود که به عقل شبیه است و عقل نیست.

حدیث:

- 82 عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا علیه السلام یقول : صدیق کل امری عقله و عدوه جهله.

ترجمه:

- 82 حسن بن جهم گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: دوست هر کسی عقل اوست و دشمن هر کس نادانی اوست.

حدیث:

- 83 قال ابو عبدالله عليه السلام : من كان عاقلا كان له دين و من كان له دين دخل الجنة .  
ترجمه:

- 83 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که عاقل باشد دین دارد و کسی که دین دارد وارد بهشت خواهد شد .

حدیث:

- 84 قال ابو الحسن موسى به جعفر عليه السلام : يا هشام ان الله بشر اهل العقل و الفهم فى كتابه فقال فيبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب - الى ان قال - يا هشام ان لقمان قال لابنه تواضع للحق تكن اعقل الناس وان الكيس لدى الحق يسير يا بنى ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلنكن سفينتك فيها تقوى الله و حشوها الايمان و شراعها التوكل و قيمها العقل و دليلها العلم و سكانها الصبر يا هشام ان لكل شىء دليلا و دليل العقل التفكير و دليل التفكير الصمت و لكل شىء مطية و مطية العقل التواضع و كفى بك جهلا ان تركب ما نهيب عنه الى ان قال يا هشام ان لله على الناس حجتين حجه ظاهره و حجه باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبياء و الائمة و اما الباطنه فالعقول الى ان قال يا هشام كيف يزكو عند الله عملك و انت قد شغلت قلبك عن امر ربك و اطعت هواك على غلبه عقلك يا هشام ان العاقل رضى بالدون من الدنيا مع الحكمة و لم يرض بالدون من الحكمة مع الدنيا فلذلك رحبت تجارتهم ان العقلاء تركوا فضول الدنيا فكيف الذنوب و ترك الدنيا من الفضل و ترك الذنوب من الغرض يا هشام ان العاقل نظر الى الدنيا و الى اهلها فعلم انها لاتنال الا بالمشقه و نظر الى الاخره فعلم انها لاتنال الا بالمشقه فطلب بالمشقه ابقاها .

ترجمه:

- 84 امام موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: این هشام! خداوند در کتابش عاقلان و فهمیدگان را بشارت داد و فرمود: پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می شنوند و از نیکوترین آن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و آنان خردمنداند (53) ای هشام! لقمان به پسرش گفت: در مقابل حق تواضع و فروتنی کن تا عاقل ترین مردمان باشی و همانا کسی که در برابر حق زیرک باشد کم است. ای پسر! دنیا دریایی عمیق است که عالمی بسیار در آن غرق گشته اند پس باید در پان دریای ژرف کشتی تو تقوای الهی و دورن آن کشتی ایمان و بادبان آن توکل و متصدی و متولی آن عقل و راهنمای آن دانش و سکان آن شکیبایی می باشد. ای هشام! هر چیزی راهنمایی دارد و راهنمای عقل تفکر است و راهنمای تفکر سکوت است و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل تواضع و فروتنی است و برای نادانیت همین بس که بر چیزی سوار شوی که از سوار شدن بر آن نهی شده ای - تا آنجا که فرمود: ای هشام! خداوند بر مردمان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی اما حجت ظاهری همان رسولان و پیامبران هستند و اما حجت باطنی عقلهای مردمان است - تا آنجا که فرمود: ای هشام! چگونه عمل تو در نزد پروردگارت باز داشته ای و پیرو هوایت که بر عقلت چیره گشته است گردیده ای. ای هشام! همانا خردمند به اندک از دنیا همراه با حکمت باشد خوشنود می گردد و به اندک از حکمت که همراه با دنیا باشد خوشنود نمی گردد پس به همین خاطر تجارت آنان سودمند است. همانا خردمندان زیادی های دنیا را ترك گفته اند تا چه رسد به گناهان و ترك دنیا ناشی از فضل و برتری است و ترك گناهان واجب است. ای هشام! همانا شخص خردمند به دنیا و اهلش می نگرد پس در می یابد که جز با تحمل سختی به دنیا نمی توان رسید و به آخرت می نگرد باز می بیند که جز با تحمل سختی به آن نمی توان رسید پس از بین این دو آن را که باقی تر و ماندگارتر است با مشقت طلب می کند .

حدیث:

- 85 قال امير المؤمنين عليه السلام : العقل غطاء ستير و الفضل جمال ظاهر فاستر خلل خلقك بفضلك و قاتل هواك بعقلك تسلم لك الموده و تظهر لك المحبه .

ترجمه:

- 85 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عقل پوششی پوشاننده است و شایستگی زیبایی ای آشکار است پس رخنه هاس طبیعی خودت را با شایستگی ات بپوشان و به کمک عقل خویش با هوان نفست مبارزه کن تا دوستی سالم و خالصانه برایت حاصل و محبت نیز برایت آشکار گردد.

حدیث:

- 86 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : العقل دليل المومن .

ترجمه:

- 86 امام صادق عليه السلام فرمود: عقل راهنمای مومن است .

حدیث:

- 87 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يا على لا فخر اشد من الجهل و لامال اعود من العقل .

ترجمه:

- 87 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است: ای علی! هیچ فخری بدتر از نادانی نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

حدیث:

- 88 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل فقال له : ادبر فادبر فقال : و عزتى و جلالى ما خلقت خلقا هو احب الى منك بك اخذ و بك اعطى و عليك اثيب .

ترجمه:

88 امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن بگوید سپس به او فرمود: پیش آی ، پس او پیش آمد پس فرمود: برگرد و او پشت نموده و برگشت ، پس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را که در نزد من دوست داشتنی تر از تو باشد نیافریدم ، به سبب تو می گیرم و به سبب تو عطا می کنم و بر اساس تو ثواب و پاداش می دهم .

حدیث:

89 عن ابی عبدالله علیه السلام : قال خمس من لم یکن فیہ لم یکن فیہ کثیر مستمتع قلت : و ما هی ؟ قال : العقل و الادب و الدین و الجود و حسن الخلق.

ترجمه:

89 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پنج چیز هست که هر کس این پنج چیز در او نیست لذت برخورداری زیادی در وجودش نخواهد بود.  
-راوی می گوید: - عرض کردم: آنها چه هستند؟ حضرت فرمود: عقل و ادب و دین و بخشش و خوش خلقی .

9 باب وجوب غلبه العقل علی الشهوه و تخریم العکس

9 باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

حدیث:

90 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : من عرضت له فاحشه او شهوه فاجتنبها مخافه الله عزوجل حرم الله علیه النار و آمنه من الفزع الاکبر و انجز له ما و عده فی کتابه فی قوله تعالی (و لمن خاف مقام ربه جنتان ) الا و من عرضت له دنیا و آخره فاختار الدنيا علی الاخره لقی الله عزوجل یوم القیامه و لیست له حسنه یتقی بها النار و من اختار الاخره و ترک الدنيا رضی الله عنه و غفر له مساوی عمله.

ترجمه:

90 از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی روایت کنند که فرمود: هر کس که گناهی یا امر شهوانی بر او عرضه شود و او از ترس خدای عزوجل از ارتکاب آن خودداری کند خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می گرداند و از بی تابی بزرگ روز قیامت او را ایمن می کند و در مورد او به آنچه که در کتابش وعده داده است وفا خواهد کرد خداوند در کتابش فرمود: و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت باشد (54) آگاه باشید کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند در روز قیامت خدای عزوجل را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به سبب آن از آتش محفوظ بماند ندارد و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را واگذارد خداوند از او خشنود خواهد شد و بادهای کردارش را بر او ببخشد .

حدیث:

91 عن عبدالله بن سنان قال : سالت ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فقلت : الملائکه افضل ام بنو آدم ؟ فقال : قال امیرالمؤمنین علی به ابی طالب علیه السلام : ان الله رکب فی الملائکه عقلا بلا شهوه و رکب فی البهائم شهوه بلا عقل و رکب فی بنی آدم کلتیهما فمن غلب عقله شهوته فهو خیر من الملائکه و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم.

ترجمه:

91 عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: آیا فرشتگان برترند یا فرزندان آدم؟ حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خداوند در وجود فرشتگان عقل بدون شهوت و در وجود حیوانات شهوت بدون عقل و در وجود انسان هر دو را ترکیب نمود پس کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات بدتر خواهد بود .

حدیث:

92 عن جعفر بن محمد الصادق عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن ترک شهوه حاضره لموعده لم یره.

ترجمه:

92 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدرانش: روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که خواهش نفسانی حاضر را به خاطر وعده گاه قیامت که آن را ندیده است ترک کند .

حدیث:

93 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا.

ترجمه:

- 93 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار خواهش نفسانی لحظه ای که اندوه طولانی و درازی را در پی دارد .

حدیث:

- 94 و قال علیه السلام : کم من اكله منعت اكلات.

ترجمه:

- 94 و نیز فرمود: چه بسیار يك بار خوردن که آدمی را از خوردن ها باز می دارد .

حدیث:

- 95 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تعالى : انما اقبل الصلاه لمن تواضع لعظمتی و یکف نفسه عن الشهوات من اجلی و یقطع نهاره بذکرى و لا یتعاطم علی خلقی و یطعم الجائع و یکسو العاری و یرحم المصاب و یووی الغریب فذلک یشرف نوره مثل الشمس اجعل له فی الظلمات نورا و فی الجهاله حلما اكلوه یعزتی و استحفظه ملائکتی یدعونی فالیه و یسالنی فاعطیه فمثل ذلک عندی کمثل جنات عدن لا یسمو ثمرها و لا تتغیر عن حالها.

ترجمه:

- 95 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی فرموده است : من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر عظمت من فروتنی کند و به خاطر من نفس خود را از شهوات باز دارد و روز خود را به یاد من سپری کند و بر خلق من خودنمایی و بزرگی نکند و گرسنه را طعام دهد و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت زده ترحم آورد و غریب را جای دهد چنین کسی نورش همانند نور خورشید می تابد و من در تاریکی ها نور و در وقت نادانی حلم و بردباری برایش قرار می دهم ، به عزتم او را نگهداری می نمایم و به وسیله فرشتگانم او را حفظ می کنم ، چنین بندگانی مرا می خوانند و من اجابت می کنم و از من درخواست می کنند و من عطا می کنم مثل آنان در نزد مانند مثل بهشت جاودان است که میوه هایش علو و ارتفاع ندارد (اشاره است به تواضع و فروتنی آنان ) و دگرگونی در حالت آن راه ندارد.

- 10 باب وجوب الاعتصام بالله

- 10 باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی

حدیث:

- 96 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما عبد اقبل قبل ما یحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما یحب و من اعتصم بالله عصمه الله و من اقبل الله قبله و عصمه لم یبال لو سقطت السماء علی الارض او کانت نازله نزلت علی اهل الارض فشملتهم بلیه کان فی حزب الله بالتقوی من کل بلیه الیس الله یقول : (ان المتقین فی مقام امین)

ترجمه:

- 96 امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که به سوی چیزی که خدای عزوجل دوست می دارد روی بیاورد خداوند نیز به سوی چیزی که او دوست می دارد روی می آورد و کسی که چنگ زند خداوند او را حفظ می کند و کسی که خداوند به سوی او روی آورد و او را نگاهداری کند باکی ندارد اگر آسمان بر زمین افتاد یا بلای سختی بر اهل زمین فرود آید و همگی را در برگیرد چنین کسی به سبب پرهیزگاری اش در حزب خدا جای دارد و از هر بلایی در امان است ، آیا خداوند نمی گوید: همانا پرهیزگاران در مقام امن الهی جای دارند (55).

حدیث:

- 97 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : او حی الله عزوجل الی داود: ما اعتصم بی عبد من عبادی دون احد من خلقی عرفت ذلک من نیته ثم یکیده السماوات و الارض و من فیهن الا جعلت له المخرج من بینهن و ما اعتصم عبد من عبادی باحد من خلقی عرفت ذلک من نیته الا قطعت اسباب السماوات یدیه و اسخت الارض من تحته و لم ابال بای واد یهلك.

ترجمه:

- 97 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی داود علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ بنده ای از بندگان من به من چنگ نزده است که این را از نیتش دانسته باشم سپس تمامی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست به مکر و کید با او بپردازد، جز اینکه راه خروج از کید و مکر آنها را برایش قرار می دهم و هیچ بنده ای از بندگان من به یکی از مخلوق من چنگ نزده است که این را از نیت او دانسته باشم جزء اینکه همه وسیله های آسمانها را از پیش روی او قطع می کنم و زمین را از زیر پای او فرو می برم و باکی ندارم که او در چه دره ای هلاک گردد .

- 11 باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه

- 11 باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او

حدیث:

- 98 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : خرجت حتی انتهیت الی هذا الحائط فاتکات علیه فاذا رجل علیه ثوبان ابيضان ینظر فی تجاه وجهی ثم قال : یا علی بن الحسین ما لی اراک کتیبیا حزینا؟ - الی ان قال - ثم قال : یا علی بن الحسین علیه السلام هل رایت احدا دعا الله فلم یجبه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا توکل علی الله فلم یکفه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا سال الله قلم یعطه ؟ قلت : لا ثم غاب غنی.

ترجمه:

98- امام سجاد علیه السلام فرمود: بیرون آدم تا اینکه به این دیوار رسیدم پس بر آن تکیه زدم ناگاه مردی که دو جامه سفید در برداشت در برابر روی من به من می نگریست . سپس گفت : ای علی به الحسین ! چه شده است مرا که تو را افسرده و غمگین می بینم ؟ - تا آنجا که گفت : - علی بن الحسین ! آیا کسی را دیده ای که خدای را بخواند و خدا او را اجابت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و خداوند به او عطا نکند؟ گفتم : نه . سپس از جلو چشمان من غائب شد.

حدیث:

99- ابی عبدالله علیه السلام قال : ان العنی و العز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا.

ترجمه:

99- امام صادق علیه السلام فرمود: ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می گیرند .

حدیث:

100- عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : سألته عن قول الله عزوجل : (و من یتوکل علی الله فهو حسبه ) فقال : التوکل کل علی الله درجات منها ان تتوکل علی الله فی امورك کلها فما فعل بك کنت عنه راضیا تعلم انه لایالوک خیرا و فضلا و تعلم ان الحکم فی ذلك له فتوکل علی الله بتفویض ذلك الیه و ثق به فیها و فی غیرها.

ترجمه:

100- راوی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید:

(و کسی که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است ) (56) حضرت فرمود: توکل نمودن بر خدا دارای درجاتی است یکی از آنها این است که در تمامی کارهایت بر خدا توکل کنی پس هر چه خداوند با تو کند از او خوشنودی زیرا می دانی که او در رساندن خیر و فضل بر تو کوتاهی نمی کند و می دانی که حکم در تمامی امور از آن اوست پس با سپردن تمامی کارهایت به خداوند بر او توکل کن و در همه امور به او اعتماد کن .

حدیث:

101- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اعطی ثلاثا لم یمنع ثلاثا: من اعطی ادعاء اعطی الاجابه و من اعطی الشکر اعطی الزیاده و من اعطی التوکل اعطی الکفایه ثم قال : اتلوت کتابه الله عزوجل ؟ (و من یتوکل علی الله فهو حسبه ) و قال : (لئن شکرتم لازیدنکم ) و قال : (ادعونی استجب لکم).

ترجمه:

101- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه چیز به او داده شده از سه چیز بی بهره نمانده است : کسی که به او دعا عطا شده اجابت هم به او عطا گردیده و کسی که به او شکر داده شده و زیادت هم به او بخشیده شده و کسی که توکل به او عطا گردیده کفایت هم به او عطا شده . سپس فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را تلاوت کرده ای ؟ (و کسی که بر خدا توکل کند پس خداوند او را بس است ) (57)

(اشاره به فقره سوم ) (و اگر شکر کنید بر شما زیادتی می بخشیم ) (58) اشاره به فقره دوم ) (و مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم ) (59) اشاره به فقره اول .

12- باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله  
12- باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا

حدیث:

102- عن ابی عبدالله علیه السلام : انه قرأ فی بعض الکتب ان الله تبارک و تعالی یقول : و عزتی و جلالی و مجدی و ارتفاعی علی عرشی لاقطعن کل مومل من الناس غیری بالیاس و لاکسونه ثوب المذله عند الناس و لانحینه من قریبی و لایعدنه من فضلی . ایومل غیری فی الشدائد و الشدائد بیدی و یرجو غیری و یقرع بالفکر باب غیری و بیدی مفاتیح الابواب و هی مغلقه و بابی مفتوح لمن دعانی ؟ فمن ذا الذی املنی لنائبه فقطعته دونها؟ و من الذی رجانی لعظیمه فقطعت رجاءه منی ؟ جعلت امل عبادی عندی محفوظه فلم یرضوا بحفظی و ملات سماواتی ممن لایمل من تسبیحی و امرتهم ان لایعلقوا الابواب بینی و بین عبادی فلم یتقوا بقولی الم یعلم من طرفته نائبه من نوابی انه لا یملك کشفها احد غیری الا من بعد اذنی ؟ فما لی اراه لاهیا عنی ؟ اعطیته بجدی ما لم یسالنی ثم انتزعتہ عنه فلم یسالنی رده و سال غیری . افترانی ابدا بالعطاء قبل المساله ثم اسال فلا اجیب سائلی ؟ ابخیل انا فیخلی عبیدی ؟ او لیس الجود و الکریم لی ؟ او لیس العفو و الرحمه بیدی ؟ او لیس انا محل الامال ؟ فمن یقطعها دونی ؟ افلا یخشی الموملون ان یوملوا غیری ؟ فلو ان اهل سماواتی و اهل ارضی املوا جمیعا ثم اعطیت کل واحد منهم مثل ما امل الجمیع ما انتقص من ملکک عضو ذره و کیف ینقص ملکک انا قیمه ؟ فیا بوسا للقائطین من رحمتی و یا بوسا لمن عصانی و لم یراقبنی.

ترجمه:

102- از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت در برخی از کتابها چنین خوانده است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: سوگند به عزت و جلالم و بزرگواری ام و بلندی من بر عرشم که آرزوی هر که را چشم آرزوی به مردم است با نومید نمودنش قطع می کنم و در نزد مردمان جامه ذلت بر او می پوشانم و او را از نزدیکی خودم به کنار می زنم و از فضل خود او را دور می کنم . آیا در سختی ها



چشم آرزویش به غیر من دوخته می شود در حالی که سختی ها به دست من است و آیا به غیر من امید دارد و با فکر خود در غیر مرا می گوید در حالی که کلید درهای بسته به دست من است و درگاه من به روی هر که مرا بخواند باز است ؟ پس کیست که در حادثه ای چشم آرزویش به من دوخته بوده و من او را از آرزویش جدا کرده ام ؟ و کیست آنکه در بلا سختی به من امید بسته و من امیدش را از خود بریده ام ؟ من آرزوهای بندگانم را در نزد خود نگه داشته ام و آنان به نگهداری من راضی نیستند و آسمانهایم را از فرشتگانی که تسبیح من خسته نمی شوند پر کرده ام و به آنان امر کرده ام که درهای بین من و بندگانم را نبندند با این وجود بندگانم به گفتار من اعتماد نمی کنند.

آیا کسی که مصیبتی از از مصائب من بر او وارد شده نمی داند که هیچ کس غیر من نمی تواند آن را بر طرف کند مگر بعد از اینکه من اجازه دهم ؟

پس چه شده است که او را می بینم که از من غافل گشته است ؟ یا جود و بخشش خودم چیزی را که از من درخواست نکرده است به او عطا کرده ام سپس آن را از او گرفته ام پس او بازگشت آن را از من نخواست و از غیر من آن را درخواست می کند، آیا در مورد من می پنداری که منی که پیش از درخواست عطا می کنم اگر از من درخواست شود سائل خود را اجابت نمی کنم ؟ آیا من بخیل هستم که بنده ام مرا بخیل پندارد؟ آیا جود و کرم از آن من نیست ؟ آیا عفو و رحمت به دست من نیست ؟ آیا من محل (برآورده شدن ) آرزوها نیستم ؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا من محل (برآورده شدن ) آرزوها نیستم ؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا آرزو کنندگان از اینکه به غیر من چشم آرزو بسته اند نمی ترسند؟ پس اگر همه اهل آسمانها و زمین من آرزو کنند و من آرزوی همه را برآورده سازم از ملك من به اندازه ذره ای کم نمی شو و چگونه ملکی که من متولی و متصدی آن هستم کم می شود؟ پس ای تیره بختی باد بر نومیدان از رحمت من و ای تیره بختی باد بر کسی که مرا عصیان کند و مراقبت من نباشد .

**حدیث:**

103 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون ) قال : هو قول الرجل لو لا فلان لهلکت و لو لا فلان ما اصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی الا تری انه قد جعل لله شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه قلت : فیقول ما ذا؟ یقول : لو لا ان من الله علی بفلان لهلکت قال : نعم لا باس بهذا او نحوه.

**ترجمه:**

103 از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزوجل) و اکثر آنان به خداوند ایمان نمی آورند جز اینکه مشرکند (60) روایت است که فرمود: مشرک بودن مومن به این است که مردی بگوید: اگر فلانی نبود من هلاک می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان نمی رسیدم و اگر فلانی نبود خانواده ام تلف می شد. آیا در این سخنان نمی نگری که برای خداوند شریک قرار داده است شریکی که به او روزی می دهد و از او دفع بلا می کند - روای می گوید: - عرض کردم: پس چه بگوید؟ آیا بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی نهاد هلاک می شدم؟ حضرت فرمود: آری باکی نیست اگر اینگونه یا شبیه آن را بگوید .

13 باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یرجو و یخاف

13 باب وجوب جمع بین خوف و رجاء وعمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد

**حدیث:**

104 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما کان فی وصیه لقمان ؟ قال : کان فیها الاعاجیب و کان اعجب ما کان فیها ان قال لابنه : خف الله خیفه لو جنته ببر الثقلین لعذیبك و ارج الله رجاء لو جنته بذنوب الثقلین لرحمک : ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : کان ابی یقول : لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نو خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

**ترجمه:**

104 راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در وصیت لقمان به فرزندش چه جملاتی هست؟ حضرت فرمود: در آن جمله های عجیبی است و از همه عجیب تر آن است که ایشان به فرزندش سفارش کرده: از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری بر تو رحم آورد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر با آن و آن به این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتى ندارد .

**حدیث:**

105 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : قوم یعملون بالمعاصی و یقولون : نرجو، فلا یزالون کذلک حتی یاتیهم الموت فقال : هولاء قوم یترجحون فی الامانی کذبوا الیسوا براجین من رجاء شیئا طلبه و من حاف من شیء هرب منه.

**ترجمه:**

105 راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی هستند که گناه می کنند و می گویند: امید (به بخشش الهی) داریم، پس اینان پیوسته چنین اند تا اینکه مرگ به سراغشان می آید. حضرت فرمود: اینها گروهی هستند که به آرزوها گرایش دارند، دروغ می گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند زیرا کسی که به چیزی امید دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می

گریزد .

**حدیث:**

106 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی یقول : انه لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نور خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا .

ترجمه:

106 - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر این با آن و آن با این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد .

**حدیث:**

107 - ابا عبدالله علیه السلام یقول : لایکون المومن مومنا حتی یکون خائفا راجیا و لایکون خائفا راجیا حتی یکون عاملا لما یخاف و یرجو .

ترجمه:

107 - امام صادق علیه السلام می فرمود: مومن مومنی نیست مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نمی باشد مگر اینکه آنچه را که از آن می ترسد و آنچه را که به آن امید دارد در عمل رعایت کند .

**حدیث:**

108 - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما اوصی به لقمان لابنه ان قال یا بین خف الله خوفا لو جنته ببر الثقلین خفت ان یعذیک الله و ارج الله رجاء لو جنته بذنوب الثقلین رجوت ان یغفر الله لك .

ترجمه:

108 - امام صادق علیه السلام فرمود: در وصیت لقمان به پسرش آمده است که : ای پسرکم ! از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو را شامل مغفرت خود گرداند .

**حدیث:**

109 - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : ارج الله رجاء لایجرئك علی معصیه و خف الله خوفا لایوبسك من رحمته .

ترجمه:

109 - امام صادق علیه السلام فرمود: به خداوند امیدوار باش امیدوی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند .

**حدیث:**

110 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : فی خطبه له : یدعی بزعمه انه یرجو الله ، کذب و العظیم ، ما له لا یتبین رجاءه فی عمله ؟ و کل راج عرف رجاءه فی عمله الا رجاء الله فانه مدخول و کل خوف محقق الا خوف الله فانه معلول ، برجو الله فی الکبیر و یرجو العباد فی الصغیر ، فیعطی العبد ما لا یعطی الرب ، فما بال الله جل ثناوه یقصر به عما یصنع لعباده ؟ اتخاف ان تکون فی رجائك له کاذبا او یکون لایراه للرجاء موضعا؟ و كذلك ان هو خاف عبدا من عبیده اعطاه من خوفه ما لا یعطی ربه فجعل خوفه من العباد نقدا و خوفه من خالقه ضمارا و وعدا .

ترجمه:

110 - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود : کسی به گمان خود ادعا دارد که به خداوند امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می گوید. او را چه شده که امیدواری اش در عملش آشکار نیست؟! هر امید دارنده ای اثر امیدش در عملش پیداست مگر امیدوی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای عیب و ناخالص است ، و هر ترسی (اثرش ) مسلم و ثابت است مگر ترس از خدا که این ترس (در بیشتر مردم ) ناقص و بیمار است ، در کار بزرگ (آخرت ) به خدا امید دارد و در کار کوچک (دنیا) به بندگان خدا امیدوار است ، پس با بنده خدا به گونه ای رفتار می کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس چگونه است شان خداوند جل ثنائه که در حق او نسبت به آنچه که با بندگان رفتار می شود کوتاهی می گردد؟ آیا می ترسی که در امیدواریت به خدا دروغگو باشی یا اینکه او را شایسته امیدواری نمی بینی ؟ همچنین اگر از بنده ای بترسد چنان از او می ترسد که از پروردگارش به این اندازه نمی ترسد . پس ترس از بندگان را نقد و ترس از آفریننده اش را به منزله وامی که امید برگشت آن نیست و وعده ای که به آن عمل نشود می پندارند .

14 - باب وجوب الخوف من الله

14 - باب وجوب ترس از خدا

**حدیث:**

111 - عن حمزه بن حرمان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان مما حفظ من خطب رسول الله صلی الله علیه و آله انه قال : ایها الناس ان لکم معالم فانتهوا الی معالمکم و ان لکم نهایه فانتهوا الی نهایتکم . الا ان المومن یعمل بین مخالفین : بین اجل قد مضی لایدری ما الله صانع فیہ ؟ و بین اجل قد بقی لا یدری ما الله قاض فیہ فلیاخذ العبد المومن من نفسه لنفسه و من دنایه لآخرته و فی الشبیه قبل الکبر و فی الحیاه قبل الممات فو الذی نفس محمد بیده ما بعد الدنیا من مستعتب و ما بعدها من دار الا الجنه او النار .

ترجمه:

111 حمزه بن حمران گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بخشی از خطبه های رسول خدا صلی الله علیه و آله که حفظ شده است این است که حضرت فرمود: ای مردم! همانا برای شما نشانه هایی است پس از آن نشانه ها باخبر شوید و همانا برای شما نهایت و پایانی است پس آنجا باز ایستید (یا پس آن نهایت را بشناسید و از آن آگاه باشید)، آگاه باشید که مومن بین دو ترس عمل می کند: یکی بین زمانی که سپری شده است و او نمی داند که خداوند درباره زمان گذشته با او چه می کند و دیگری بین زمانی که باقی مانده است و او نمی داند که خداوند چه حکمی در آن روا می دارد پس باید بنده مومن از نفس خود برای خود و از دنیای خود برای آخرتش (توشه) گیرد و در جوانی پیش از پیری و در زندگانی پیش از مرگ) زاد و توشه فراهم کند، پس سوگند به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست بعد از این دنیا باز گشتنی نیست و خانه ای جز بهشت یا دوزخ پس از این وجود ندارد .

حدیث:

112 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن بین مخافتین ذنب قد مضی لایدی ما صنع الله فیه و عمر قد بقی لایدی ما یکتسب فیه من المھالك فلا یصبح الا خائفا و لا یصلح الا الخوف.

ترجمه:

112 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن همواره بین دو ترس گرفتار است: یکی گناهی که گذشته است و او نمی داند که خداوند در مورد آن گناه با او چه می کند و دیگری عمری که مانده است و او نمی داند که چه چیزی از مهالك را در آن کسب می کند پس مومن صبح نمی کند مگر با حالت خوف و جز خوف نیز او را اصلاح نخواهد کرد .

حدیث:

113 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : ( و لمن خاف مقام ربه جنتان ) قال : من علم ان الله براه و یسمع ما یقول و یعلم ما یعمله من خیر او شر فیحجزه ذلك عن القبیح من الاعمال فذلك الذی خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی.

ترجمه:

113 در مورد قول خدای عزوجل) و برای آن کس که از مقام و مرتبه الهی ترسان است دو بهشت خواهد بود (61). امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بداند خداوند او را می بیند و سخن او را می شنود و اعمال خیر و شر او را می داند این آگاهی او را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد پس وی همان کسی است که از مقام پروردگارش ترسان است و نفس خود را از پیروی خواهش نفسانی از داشته است .

حدیث:

114 عن الهیثم بن واقد قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من خاف الله اخاف الله منه کل شیء و من لم یخف الله اخافه الله من کل شیء .

ترجمه:

114 هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خدا ترس باشد خداوند خوف و هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند .

حدیث:

115 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام مثله و زاد: یا علی ثلاث منجیات خوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه:

115 از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش علیه السلام شبیه حدیث گذشته در ضمن وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام روایت شده است با اضافه ای که عبارت است از: ای علی! سه چیز نجات بخش است: ترس از خداوند در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی، و سخن عادلانه در هنگام خوشنودی و خشم.

حدیث:

116 قال ابو عبدالله علیه السلام : یا اسحاق خف الله کانک تراه و ان کنت لا تراه فانه یراک و ان کنت تری انه لایرک فقد کفرت و ان کنت تعلم انه یراک ثم برزت له بالمعصیه فقد جهلته من اهون الناظرین علیک.

ترجمه:

116 امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق! از خدا چنان بترس که گویی او را می بینی و اگر تو را نمی بینی او به طور حتم تو را می بیند، و اگر معتقدی که او تو را نمی بیند پس کافر گشته ای و اگر می دانی که تو را می بیند ولی با این وجود باز آشکارا معصیتش را مرتکب می شوی پس او را حقیرترین و سبک ترین بیننده بر خود انگاشته ای .

حدیث:

117 قال ابو عبدالله علیه السلام : من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت نفسه عن الدنیا.

ترجمه:

117 امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را بشناسد ترس او در دلش می افتد و هر که از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا طیبی باز می ماند .

**حدیث:**

118 قال ابو عبدالله علیه السلام ان من العباده شده الخوف من الله عزوجل يقول الله عزوجل) : انما يخشى الله من عباده العلماء) و قال جل ثناوه : ( فلا تخشوا الناس و اخشون ) و قال تبارك و تعالى ( و من يتق الله يجعل له مخرجا) قال : و قال ابو عبدالله علیه السلام : ان حب الشرف و الذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب.

**ترجمه:**

118 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ترس شدید از خدای عزوجل از عبادت شمرده می شود، خدای عزوجل گوید) : به راستی که از بندگان خدا تنها دانشمندان از خدا خوف و خشیت دارند (62) و همچنین می گوید) : از مردمان نترسید و از من بیم داشته باشید (63) و نیز می گوید) : هر که تقوای الهی را پیشه کند خداوند برای او راه خروج (از دشواریها را) قرار می دهد (64) - راوی گوید: - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا حب و دوستی بلند پایگی و فخر در قلب شخص ترسان بیمناک راه ندارد .

**حدیث:**

119 عن محمد به علی بن الحسين علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه و آله : راس الحكمه مخافه الله عزوجل.

**ترجمه:**

119 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که فرمود: ترس از خدای عزوجل سر حکمت و دانایی است .

**حدیث:**

120 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من خلا بذنب فراقب الله تعالى فيه و استخيا من الحفظه غفرالله عزوجل له جميع ذنوبه و ان كانت مثل ذنوب الثقلين.

**ترجمه:**

120 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی مرتکب گناهی شود پس از خدای تعالی بترسد و از فرشتگان نگاهبان و ثبت کننده اعمال شرم کند خداوند عزوجل تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به اندازه گناهان جن و انس باشد .

**حدیث:**

121 عن ابي عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : الخائف من لم تدع له الرهبه لسانا ينطق به.

**ترجمه:**

121 راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ترسان کسی است که ترس برای او زبانی که با آن سخن گوید وانگزارده است .

**حدیث:**

122 عن ابي جعفر علیه السلام في حديث قال : و اما المنجيات فخوف الله في السر و العلانية و القصد في الغنى و الفقر و كلمه العدل في الرضا و السخط.

**ترجمه:**

122 امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: و اما چیزهایی که مایه نجات و رستگاری اند: ترس از خدا در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی و عادلانه رفتار نمودن در هنگام خوشنودی و خشم .

**حدیث:**

123 عن ابي عبدالله علیه السلام قال : ان قوما اصابوا ذنوبا فخافوا منها و اشفقوا فجاءهم قوم آخرون فقالوا : ما لكم ؟ فقالوا: انا اصبنا ذنوبا فخفنا منها و اشفقنا فقالوا لهم : نحن نحملها عنكم فقال الله تعالى : يخافون تجترءون على ؟ فانزل الله عليهم العذاب.

**ترجمه:**

123 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گروهی مرتکب گناهانی شدند سپس از گناه خویش ترسیدند و بیمناک شدند پس از آن گروهی دیگر بر آنان وارد شدند و گفتند: شما را چه شده است که چنین بیمناکید؟ گفتند: ما مرتکب گناهانی شدیم و از گناه خویش ترسانیم . گفتند : ما گناه شما را از شما بر می داریم و به دوش می گیریم . پس خدای تعالی فرمود: آیا می ترسند که شما بر من دلیر گردید؟ پس عذاب را بر آنان فرستاد .

**حدیث:**

124 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان المومن لا يصبیح الا خائفا و ان كان محسنا و لا يمسی الا خائفا و ان كان محسنا لانه بين امرين بين وقت قد مضى لا يدري ما الله صانع به و بين اجل قد اقترب لا يدري ما يصيبه من الهلكات الا و قولوا خيرا تعرفوا به و اعملوا به تكونوا من اهله صلوا ارحامكم و ان قطعوكم و عودوا بالفضل على من حرمكم و ادوا الامانه الى من ائتمنكم و اوفوا بعهد من عاهدتم و اذا حكمتهم فاعدلوا.

**ترجمه:**

124 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مومن صبح نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد و

شب نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد زیرا او همواره بین دو چیز است : بین زمانی که سپری شده و او نمی داند که خدا با او چه می کند و بین مرگی که نزدیک است و نمی داند که چه خطراتی (پس از مرگ) متوجه او می شود، آگاه باشید و سخن خیر گوید تا به خیر گویی شناخته شوید و کردار نیکو داشته باشید تا از اهل خیر شوید، با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید اگر چه آنان از شما ببرند، با کسی که شما را محروم ساخته با فضل و بزرگواری رفتار کنید و درباره کسی که شما را امین شمرده امانتدار باشید و به پیمان کسی که با شما پیمان بسته پایند باشید و هرگاه حکم می کنید عادلانه قضاوت کنید .

- 15 باب استحباب کثرت البکا من خشیه الله  
- 15 باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا

حدیث:

- 125 عن الصادق عن آباءه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال : و من ذرفت عیناه من خشیه الله کان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر فی الجنه مکمل بالدر و الجوهر فیه ما لا عین رات و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر.

ترجمه:

- 125 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که مشتمل بر ذکر امور مورد نهی است روایت فرمود: و کسی که اشک چشمانش از ترس خدا روان گردد در برابر هر قطره از قطرات اشکش قصری در بهشت نصیبش می گردد که با در و گوهر پوشانده شده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده .

حدیث:

- 126 عن ابی عبدالله الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : کان فیما وعظ الله به عیسی ابن مریم علیه السلام ان قال : یا عیسی انا ربك و رب آباءك الاولین - الی ان قال - یا عیسی بن البکر البتول ابك علی نفسک بکاء من قد ودع الاهل قلی الدنيا و ترکها لاهلها و صارت رغبته فیما عندالله.

ترجمه:

- 126 امام صادق علیه السلام فرمود: در رازگویی خداوند با عیسی بن مریم علیه السلام آمده است که فرمود: ای عیسی! من پروردگار تو و پروردگار پیشینیان تو ام . ای عیسی! ای فرزند آن بانویی که باکره بود و میل و حاجتش را از مردان بریده بود، بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی مهری دنیا را در دل دارد و آن را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتش تنها به چیزی است که در نزد خداست .

حدیث:

- 127 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح علیه السلام عبد الغفار و انما سمی نوحا لانه کان ینوح علی نفسه.

ترجمه:

- 127 امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالغفار بود ولی چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد .

حدیث:

- 128 ابی عبدالله علیه السلام قال : اسم نوح عبدالملك و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائنه سنه.

ترجمه:

- 128 امام صادق علیه السلام فرمود: نام نوح علیه السلام عبدالملك بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد .

حدیث:

- 129 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح عبد الاعلی و انما سمی نوحا لانه بکی خمسمائنه عام.

ترجمه:

- 129 امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالاعلی بود ولی چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد .<sup>(65)</sup>

حدیث:

- 130 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لیس شیء الا اوله شیء ۛ یعدله الا الله فانه لا یعدله شیء ۛ و لا اله الا الله لا یعدله شیء ۛ و دمعته من خوف الله فانه لیس لها مثقال فان سالت علی وجهه لم یرهقه قتر و لاذله بعدها ابدا.

ترجمه:

- 130 امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند: هیچ چیزی نیست جز اینکه معادلی دارد مگر خداوند که هیچ چیز معادل او نیست ، و هیچ سخنی معادل و برابر لا اله الا الله نیست ، و اشکی که از خوف خدا ریخته شود هم وزنی ندارد پس اگر بر چهره شخص جاری گردد پس از آن هرگز آن روی را گرفتگی و تیرگی فرا نمی گیرد .

حدیث:

- 131 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله طوبی لصوره

نظر الله اليها تبكى على ذنب من خشية الله لم يطلع على ذلك الذنب غيره.

ترجمه:

- 131 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند به او نظر دارد، آن چهره ای که بر گناهی که هیچکس جز خدا بر آن اطلاعی ندارد از خوف خدا می گیرد .

حدیث:

- 132 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كل عين باكية يوم القيامة الا ثلاثة اعين : عين بكت من خشية الله و عين غضت عن محارم الله و عين باتت ساهرة في سبيل الله.

ترجمه:

- 132 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر چشمی که در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمی که (از دیدن ) حرامهای الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند .

حدیث:

- 133 عن الرضا عليه السلام قال : كان فيما ناجى الله به موسى عليه السلام : انه ما تقرب الى المتقربون بمثل البكاء من خشيتي و ما تعبد لى المتعبدون بمثل الورع عن محارمي و لاتزين لى المتزينون بمثل الزهد فى الدنيا عما يهم الغنى عنه . فقال موسى : يا اكرم الاكرمين فما اثبتهم على ذلك ؟ فقال : يا موسى اما المتقربون لى بالبكاء من خشيتي فهم فى الرفيق الاعلى لايشركهم فيه احد و اما المتعبدون لى بالورع عن محارمي فانى افنش الناس عن اعمالهم و لاافتشهم حياء منهم و اما المتزينون لى بالزهد فى الدنيا فانى ابيحهم الجنه بحذافيرها يتبوءون منها حيث يشاءون.

ترجمه:

- 133 امام رضا عليه السلام فرمود: در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام چنین آمده است : کسانی که به من نزدیک گشته اند به واسطه هیچ عملی همانند گریستن از خوف من به من نزدیک نشده اند و آنانکه طوق بندگی مرا در گردن دارند به واسطه هیچ عملی همانند باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی ننموده اند و آنانکه خود را آراسته اند به واسطه هیچ عملی همانند پیشه نمودن زهد و بی رغبتی نسبت به آنچه که بی نیازی از آن در دنیا مورد اهمیت است ، خود را برای من نیاراسته اند. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای گرامی ترین گرامیان ! چه چیزی آنان را در این راه ثابت قدم و پابرجا نموده ؟ خداوند فرمود: ای موسی ! اما آنانکه به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته اند آنان در مرتبه همجواری با رفیق اعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچکس در این مقام با آنان شریک نیست و اما آنانکه به واسطه باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند من در قیامت از آن شرم دارم که در مورد اعمالشان کنجکاو و دقت به خرج دهم در حالی که اعمال همه مردمان را به دقت واریسی خواهم کرد و اما آنانکه خود را به واسطه بی رغبتی به دنیا برایم آراسته اند تمامی بهشت را برای آنان مباح و روا می سازم که در هر جای بهشت خواستند جای گیرند .

حدیث:

- 134 قال الصادق عليه السلام : ان الرجل ليكون بينه و بين الجنه اكثر مما بين الثرى الى العرش لكثرة ذنوبه فما هو الا ان يبكى من خشية الله عزوجل ندما عليها حتى يصير بينه و بينها اقرب من جفنه الى مقلته.

ترجمه:

- 134 امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی که (گاه باشد) بین آدمی و بهشت به خاطر گناهان زیادش فاصله ای بیش از فاصله زمین تا عرش باشد پس چنین کسی را چاره ای نیست جز اینکه از خوف خدای عزوجل بگرید و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله او و بهشت نزدیکتر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود .

حدیث:

- 135 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ما من شىء الا و له كيل وزن الا الدموع فان القطره تطفى بحارا من نار فاذا اغرورقت العين بمائها لم يرهق وجهه قتر و لا ذله فاذا فاضت حرمها الله على النار و لو ان باکیا بکی فی امه لرحموا.

ترجمه:

- 135 امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمان و وزنی دارد مگر اشکها زیرا يك قطره اشک دریاهایی از آتش را خاموش می کند پس هرگاه چشم پر آب شد و در اشک خود غرق گشت چنین چهره ای را کدورت و تیرگی فرا نمی گیرد و هرگاه اشک آن جاری شود خداوند آن دیده را بر آتش حرام می گرداند و اگر در بین يك امت يك نفر (با اخلاص و از خوف خدا) بگرید آن امت همگی مورد رحمت الهی واقع می شوند .

حدیث:

- 136 عن ابى عبدالله عليه السلام نحوه و زاد فى اوله : ما من عين الا و هى باكية يوم القيامة الا علينا بكت من خوف الله و ما اغرورقت عين بمائها من خشية الله عزوجل الا حرم الله سائر جسده على النار.

ترجمه:

- 136 از امام صادق علیه السلام مانند حیث گذشته روایت شده است با این تفاوت که در آغاز آن آمده است : هیچ چشمی نیست مگر اینکه در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزوجل پر آب نشده است مگر اینکه خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می گرداند .

**حدیث:**

- 137 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من قطره احب الی الله عزوجل من قطره دموع فی سواد اللیل مخافه من الله لا یراد بها غیره.

**ترجمه:**

- 137 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند عزوجل دوست داشتنی تر و محبوب تر از قطره اشک هابی که در تاریکی شب و از خوف خدا با اخلاص کامل ریخته می شود نیست .

**حدیث:**

- 138 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثه عین غصت عن محارم الله و عین سهرت فی طاعه الله و عین بکت فی جوف اللیل من خشیه الله.

**ترجمه:**

- 138 امام صادق علیه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : یکی چشمی که از دیدن آنچه خداوند دیدنش را بر او حرام نموده فرو بسته شود و دیگری چشمی که در طاعت خدا بیدار بماند و دیگری چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.

**حدیث:**

- 139 قال ابو عبدالله علیه السلام اوحی الله الی موسی علیه السلام ان عبادی لم یتقربوا الی بشیء احب الی من ثلاث خصال قال موسی : یا رب و ما هی ؟ قال : یا موسی ! الزهد فی الدنیا و الورع عن معاصی و البکاء من خشیتی قال موسی یا رب فما لمن صنع ذا؟ فاوحی الله الیه یا موسی اما الزاهدون فی الدنیا ففی الجنه و اما البکاءون من خشیتی ففی الرفیع الاعلی لا یشارکهم فیہ احد و اما الورعون عن معاصی فانی افتنش الناس و لا افتنشهم.

**ترجمه:**

- 139 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که بندگان من به سوی من تقرب نمی یابند به چیزی که در نزد من محبوبتر باشد از سه خصلت ، حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من آن سه چیست ؟ فرمود: ای موسی ! یکی بی رغبتی به دنیا و دیگری پرهیز از نافرمانی من و دیگری گریستن از خوف من . موسی عرض کرد : ای پروردگار من ! کسی که چنین باشد چه چیزی نصیبش خواهد شد؟ خداوند وحی فرستاد که : ای موسی ! اما بی رغبتان به دنیا در بهشت جای خواهند گرفت و اما آنانکه از خوف من گریانند در مقامی رفیع و برترند که هیچ کس با آنان در آن مقام شریک نیست و اما آنانکه از نافرمانی من پروا دارند من نیز مردمان را سخت بازرسی خواهم کرد ولی در کار آنان موشکافی به خرج نمی دهم .

## - ۵ -

- 16 باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به

- 16 باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحريم بدگمانی نسبت به خدا

**حدیث:**

- 140 عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بی ان خیرا فخیرا و ان شرا فشر.

**ترجمه:**

- 140 امام رضا علیه السلام فرمود: به خداوند گمان نیکو داشته باش زیرا خداوند عزوجل گوید: من در نزد گمانی که بنده ام به من دارد حاضر اگر گمان خیر به به من دارد پس پاداش خیر می بیند و اگر گمان بد به من دارد پس کیفری بد در انتظار اوست .

**حدیث:**

- 141 عن ابی الحسن الرضا فی حدیث قال : فاحسن الظن بالله فان ابا عبدالله علیه السلام کان يقول : من حسن ظنه بالله کان الله عند ظنه به و من رضی بالقلیل من الرزق قبل منه الیسیر من العمل.

**ترجمه:**

- 141 امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا گمان نیک داشته باش زیرا امام صادق علیه السلام می فرمود: کسی که به خداوند گمان نیکو داشته باشد خداوند در نزد گمان او حاضر است و کسی که به روزی کم قانع و خوشنود باشد خداوند نیز عمل کم را از او می پذیرد .

**حدیث:**

- 142 عن ابی جعفر علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال علی منبره : و الذی لا اله الا هو ما اعطی مومن قط خیر الدنیا و الاخره الا بحسن ظنه

بالله و رجائه له و حسن خلقه و الكف عن اغتياب المومنين و الذی لا اله الا هو لا يعذب الله مومنا بعد التوبه و الاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصير من رجائه له و سوء خلقه و اغتياب المومنين و الذی لا اله الا هو لايحسن ظن عبد مومن بالله الا كان الله عند ظن عبده المومن لان الله كريم بيده الخير يستحي ان يكون عبده المومن قد احسن به الظن ثم يخلف ظنه و رجاء فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا اليه.

ترجمه:

- 142 امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود: سوگند به آن خدایی که جز او معبودی نیست به هیچ مومنین هرگز خیر دنیا و آخرت عطا نشده است مگر به خاطر چند خصلت: گمان نیکو به خداوند و امیدواری به عطا و بخشش خدا و خوش خلقی و باز ایستادن از غیبت مومنان و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست خداوند هیچ مومنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سبب چند خصلت: بدگمانی اش به خداوند و کوتاهی نمودن در امید داشتن به خدا و بد اخلاقی و غیبت نمودن از مومنین و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست هیچ بنده مومنی گمان نیکو به خدا نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نیکوی او حاضر است (و پاداش نیکو به او می دهد) زیرا خداوند بخشنده است و تمامی خیر در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده مومنش به او گمان نیکی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به خدا رود پس به خداوند گمان نیکو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری کنید.

حدیث:

- 143 عن سفیان بن عیینة قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: حسن الظن بالله ان لاترجو الا الله و لاتخاف الا ذنبك.

ترجمه:

- 143 سفیان بن عیینة گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودن گمان نیکو به خداوند داشتن این است که امید به هیچکس جز او نداشته باشی و از هیچ چیز جز گناهت ترسی.

حدیث:

- 144 عن سنان بن طریف قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: ينبغي للمومن ان يخاف الله خوفا كانه مشرف على النار و يرجوه رجاء كانه من اهل الجنة. ثم قال: ان الله تبارك و تعالی عند ظن عبده به ان خيرا فخيروا و ان شرا فئسروا.

ترجمه:

- 144 سنان بن طریف گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر مومن سزاوار است که چنان از خداوند بترسد که گوئیا نزدیک است که به آتش افکنده شود و چنان به رحمت او امیدوار باشد که گوئیا از اهل بهشت است. سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالی در نزد گمان بنده اش به خود حاضر است اگر گمانش به او خیر باشد خداوند هم خیر برایش پیش می آورد و اگر گمانش بد باشد خداوند هم بد برایش پیش می آورد.

حدیث:

- 145 محمد به علی بن الحسین علیه السلام باسناده الی وصیه علی علیه السلام لمحمد بن الحنفیه قال: و لا یغلبن عليك سوء الظن بالله عزوجل فانه لن يدع بينك و بين خليلك صلحا.

ترجمه:

- 145 امام باقر علیه السلام فرمود: در وصیت علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است که: مبادا بدگمانی به خداوند عزوجل بر تو غالب شود زیرا این بدگمانی بین تو و دوستت که خداوند است صلح و آشتی باقی نمی گذارد.

حدیث:

- 146 عن ابي عبدالله عليه السلام قال: ان آخر عبد يومر به الى النار فيلتفت فيقول الله جل جلاله: اعجلوه فاذا اتى به قال له: عبي لم التفت؟ فيقول: يا رب ما كان ظني بك هذا فيقول الله جل جلاله: عبي ما كان ظنك بي؟ فيقول: يا رب كان ظني بك ان تغفر لي خطيئتي و تدخلني جنتك قال: فيقول الله جل جلاله: ملائكتي و عزتي و جلالتي و آلتی و ارتفاع مكاني ما ظن بي هذا ساعه من حياته خيرا قط و لو ظن بي ساعه من حياته خيرا وما روعته بالنار اجيزوا له كذبه و ادخلوه الجنة ثم قال ابو عبدالله عليه السلام: ما ظن عبد بالله خيرا الا كان له عند ظنه و ما ظن به سوءا الا كان الله عند ظنه به و ذلك قول الله عزوجل: (و ذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم ارداكم فاصبحتم من الخاسرين).

ترجمه:

- 146 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آخرین بنده ای که در روز قیامت دستور داده می شود که به سوی آتش دوزخ رود به چپ و راست خود می نگرد پس خداوند جل جلاله می فرماید: با شتاب بیاوریدش. پس چون به محضر پروردگار آورده می شود خداوند می فرماید: ای بنده من! چرا به چپ و راست خود می نگری؟ عرض می کند: ای پروردگار من! من چنین گمانی به تو نداشتم، خداوند جل و جلاله می فرماید: ای بنده من! چه گمانی به من داشتی؟ عرض می کند: ای پروردگار من! گمان من به تو این بود که از گناه در می گذری و مرا به بهشت وارد می کنی. خداوند جل جلاله می فرماید: ای فرشتگان من! سوگند به عزت و بزرگی و نعمتها و بلندی جایگاهم که این بنده در زندگی اش هرگز ساعتی چنین گمان خوبی به من نداشت و اگر در تمام زندگی اش ساعتی چنین گمان خیری به من داشت او را با آتش نمی ترساندم و لرزه بر اندامش نمی افکندم حال که چنین گفت این دروغش را بر او روا دارید و او را به بهشت داخل کنید. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای به خدا



خوش گمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمانش حاضر است (و با او به خوبی رفتار می کند) و هیچ بنده ای به خداوند بدگمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمان وی حاضر است (و او را به بدی کیفر می دهد) و این همان معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاک شما شد پس از زیانکاران گردیدید (66)

**حدیث:**

147- عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : قال لی احسن الظن بالله فان الله عزوجل یقول : انا عند ظن عبیدی بی فلا یظن بی الا خیرا.

**ترجمه:**

147- راوی از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: گمان نیکو به خداوند داشته باش زیرا خدای عزوجل می فرماید: من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد .

**حدیث:**

148- عن ابی رثاب قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : یوتی یوم القیامه ظالم لنفسه فیقول الله : الم امرک بطاعتی الم انھک عن معصیتی ؟ فیقول : بلی یا رب و لکن غلبت علی شهوتی فان تعذبتنی فبذبتنی لم تظلمنی فیامر الله به الی النار فیقول ما کان هذا ظنی بک فیقول ما کان ظنک بی ؟ قال : کان ظنی بک احسن الظن فیامر الله به الی الجنة فیقول الله تبارک و تعالی : لقد نفعک حسن ظنه بی الساعه.

**ترجمه:**

148- ابن رثاب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت بنده ای که به خویشتن ستم نموده آورده می شود پس خداوند می فرماید: آیا تو را به طاعت و فرمانبرداری ام امر نکردم؟ آیا تو را از نافرمانی ام نهی نکردم؟ بنده گنهگار گوید: درست است ای پروردگار من! ولی شهوتم بر من چیره شد پس اگر مرا کیفر دهی به خاطر گناهی است که مرتکب شده ام و به من ستم روا نداشته ای. پس خداوند دستور می دهد که او را به سوی آتش برند. بنده گنهگار می گوید: ای خدای من! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی؟ می گوید: خدایا من به تو نیکوترین گمان را داشتم. پس خداوند امر می کند که او را به سوی بهشت برند و می فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به من امروز به تو سود بخشید .

17- باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتها

17- باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس

**حدیث:**

149- عن الحسن بن الجهم قال سمعت اباالحسن علیه السلام یقول : ان رجلا فی بنی اسرائیل عبدالله اربعین سنه ثم قرب قربانا فلم یقبل منه فقال : لنفسه ما اتیت الا منك و ما الذنب الا لك قال : فاوحی الله عزوجل الیه ذمک لنفسک افضل من عبادتک اربعین سنه.

**ترجمه:**

149- حسن به جهم گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت کرد سپس قربانی ای به درگاه خدا نمود و قربانی او پذیرفته نشد پس با نفس خود چنین گفت: ای نفس! آنچه که به من رسیده نیست مگر از جانب تو و گناهی نیست مگر از آن تو. پس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که: این نکوهشی که از نفس خود نمودی از عبادت چهل ساله ات برتر است .

**حدیث:**

150- عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا اسری الرغبه اقصروا فان المعرج علی الدنیا ما لا یروعه منها الا صریف انیاب الحدثان ایها الناس تولوا من انفسکم تادیبها و اعدلوا بها عن ضراوه عاداتها.

**ترجمه:**

150- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای اسیران خواهش نفسانی! میل نفس را کوتاه کنید زیرا کسی را که به دنیا دل بسته است بجز صدای دندانهای حوادث دنیا چیز دیگری او را نمی ترساند، ای مردم از درون خود عهده دار ادب کردن نفس های خود شوید و نفس هاتان را از درنده خوبی و حریص بودن بر عادات دنیا بازگردانید .

**حدیث:**

151- قال رسول الله صلی الله علیه و آله من مقت نفسه دون مقت الناس آمنه الله من فرع یوم القیامه

**ترجمه:**

151- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به جای اینکه مردم را دشمن گیرد نفس خود را دشمن دارد خداوند او را از بی تابی روز قیامت ایمن دارد .

18- باب وجوب طاعه الله

18- باب وجوب فرمانبرداری از خداوند

**حدیث:**

152- عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا تذهب بکم المذاهب فو الله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل.

ترجمه:

152 امام باقر علیه السلام فرمود: راه و روشهای مختلف شما را (از حق) دور نگرداند و با خود نبرد که سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که خدای عزوجل را اطاعت کند.

حدیث:

153 عن ابی جعفر علیه السلام (فی حدیث) ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : انه لا یدرك ما عند الله الا بطاعته.

ترجمه:

153 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که: حقیقتا آنچه (از نعمتها و رضوان) که در نزد خداوند است جز با طاعت و فرمانبرداری از او به دست نمی آید.

حدیث:

154 عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال لی : یا جابر ایکنفی من ینتحل التشیع ان یقول یحبنا اهل البیت ؟ فو الله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه و ما کانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و البر بالوالدین و التعاهد للجیران من الفقراء و اهل المسکنه و الغارمین و الایتام و صدق الحدیث و تلاوه القرآن و کف الالسن عن الناس الا من خیر و کانوا امناء عشائرتهم فی الاشیاء - الی ان قال : - احب العباد الی الله عزوجل الا بالطاعه و ما معنا براءه من النار و لا علی الله لاحد من حجه من کان لله مطیعا فهو لنا ولی و من کان لله عاصیا فهو لنا عدو و ما تنال و لایتنا الا بالعمل و الورع.

ترجمه:

154 جابر از امام باقر علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که نسبت شیعه بودن را به خود می دهد همین که قائل به دوستی ما اهل بیت باشد کفایتش می کند؟ سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی را پیشه سازد و خدای را اطاعت کند، و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر به فروتنی و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تنگدست و رسیدگی به ناتوانان و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان خود درباره مردم مگر در خیرگویی و شیعیان باید در همه چیز امین قوم و قبیله خود باشند - تا آنجا که فرمود: - دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خدای عزوجل آنانند که پرهیزکارتر و عمل کننده تر به طاعت خداوند. ای جابر! سوگند به خدا که ما جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری از خداوند عزوجل نمی توانیم به او نزدیک شویم و جواز رهایی از آتش همراه ما نیست و هیچکس حجت و برهانی بر علیه خداوند ندارد، هر کس مطیع و فرمانبر خداوند باشد او دوست ماست و هر کس عصیان خدا را کند دشمن ماست و به ولایت و دوستی ما کسی نمی رسد مگر به وسیله عمل شایسته و پارسایی .

حدیث:

155 عن ابی جعفر علیه السلام قال : فی حدیث و الله ما معنا من الله براءه و لابیننا و بین الله قرابه و لا لنا علی الله حجه و لانتقرب الی الله الا بالطاعه فمن کان منکم مطیعا لله تنفعه و لایتنا و من کان منکم عاصیا لله لم تنفعه و لایتنا و یحکم لاتغتروا و یحکم لاتغتروا.

ترجمه:

155 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: سوگند به خداوند که از جانب خداوند برای ما جواز رهایی از آتش نیست و بین ما و خداوند خویشاوندی برقرار نیست و ما حجت و برهانی بر خداوند نداریم و جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری اش به او نزدیک نمی شویم پس هر کدام از شما که مطیع خداوند باشد ولایت و دوستی ما به او سود می بخشد و هر کدام شما که در برابر خداوند عصیان کند دوستی ما به او سودی نمی بخشد. وای بر شما مبادا فریب بخورید، وای بر شما مبادا فریب بخورید .

حدیث:

156 عن الصادق عن آباءه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : قال الله جل جلاله : یا ابن آدم اطعنی فیما امرتک و لاتعلمنی ما یصلحک.

ترجمه:

156 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند جل جلاله فرمود: ای فرزند آدم! در آنچه که به تو دستور داده ام مرا اطاعت کن و آنچه را که تو را به صلاح می رساند به من نیاموز (که من خود می دانم که چه چیزی به صلاح توست).

حدیث:

157 عن ابی عبدالله علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : قال الله عزوجل : ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیری و ایما عبد عصانی و کنته الی نفسه ثم لم ابال فی الی واد هلك.

ترجمه:

157 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به سوی غیر خود وا نمی گذارم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به سوی خودش وا می گذارم پس از آن دیگر باکی ندارم

که در چه راهی به هلاکت برسد .

**حدیث:**

158 عن ابی بصیر قال سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (اتقوا الله حق تقاته ) قال : يطاع فلا يعصى و يذكر فلا ينسى و يشكر فلا يكفر .

**ترجمه:**

158 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدا که می فرماید: تقوای الهی را پیشه کنید حق تقوایش را (67) پرسیدم . حضرت فرمود: (حق تقوا این است که ( اطاعت خداوند صورت گیرد و نافرمانی اش نشود، و همواره یاد شود و فراموش نگردد، و شکر او به جای آورده شود و ناسپاسی اش نشود .

**حدیث:**

159 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله جعل الطاعة غنیمه الا کیاس عند تفریط العجزه .

**ترجمه:**

159 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند طاعت خود را در زمانی که ناتوانان در آن کوتاهی می کنند غنیمتی برای زیرکان قرار داد (که زیرکان از طاعت خدا توشه ای برای آخرت غنیمت گیرند).

19 باب وجوب الصبر علی طاعة الله و الصبر عن معصیه

19 باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند

**حدیث:**

160 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا كان يوم القيامة يقوم عنق من الناس فیاتون باب الجنة فیقال : من انتم ؟ فیقولون : نحن اهل الصبر فیقال لهم : علی ما صیرتم ؟ فیقولون : كنا نصبر علی طاعة الله و نصبر عن معاصی الله فیقول الله عزوجل : صدقوا ادخلوهم الجنة و هو قول الله عزوجل : (انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب).

**ترجمه:**

160 امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود جماعتی از مردم بر می خیزند و به در بهشت می آیند به آنان گفته می شود: شما چه کسانی هستید؟ گویند: ما اهل صبر هستیم . به آنان گفته می شود: بر چه چیزی صبر کردید؟ گویند: ما در دنیا بر طاعت و معاصی خداوند صبر می نمودیم . در اینجا خداوند عزوجل گوید: راست می گویند آنان را به بهشت وارد کنید. و این است معنای گفتار خداوند که می فرماید: پاداش صابران به طور کامل و بدن حساب به آنان داده می شود (68)

**حدیث:**

161 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : الصبر صیران : صبر عند المصیبه حسن جمیل و احسن من ذلك الصبر عند ما حرم الله عليك و الذکر ذکران : ذکر الله عزوجل عند المصیبه و افضل من ذلك ذکر الله عند ما حرم الله عليك فیکون حاجزا .

**ترجمه:**

161 امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر در هنگام مصیبت که این نیکو و زیباست و نیکوتر از آن ، صبر نمودن در هنگام روبرو شدن با چیزهایی است که خداوند بر تو حرام نموده و یاد خدا نیز بر دو گونه است : یاد نمودن خداوند عزوجل در هنگام مصیبت و برتر از آن ، یاد خداوند در هنگام مواجهه با حرام الهی است که این مانع و بازدارنده آتش دوزخ است .

**حدیث:**

162 قال ابو جعفر علیه السلام : لما حضرت علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمنی الی صدره و قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباه اوصاه به یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا .

**ترجمه:**

162 امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم! تو را به چیزی سفارش می کنم که پدرم امام حسین علیه السلام در هنگام وفات مرا به آن سفارش فرمود و فرمود که پدرش علی علیه السلام او را به این وصیت سفارش فرموده است : ای پسرم! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد .

**حدیث:**

163 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الصبر صیران : صبر علی البلاء حسن جمیل و افضل الصبرین الورع عن المحارم .

**ترجمه:**

163 امام باقر علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر بر بلا که نیکو و زیباست و برترین دو قسم صبر پرهیز نمودن از حرامهای الهی است .

**حدیث:**

164 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصبروا علی الدنيا فانما هی ساعه فما مضی منه لاتجد له الما و لاسرورا و ما لم یجی فلا تدری ما هو؟ و انما هی ساعتک التی انت فیها فاصبر فیها علی طاعة الله و اصبر فیها عن معصیه الله .

ترجمه:

164 امام صادق علیه السلام فرمود، بر دنیا صبر کنید که دنیا ساعتی بیش نیست پس آنچه از دنیا سپری شده برای آن رنجی و سروری نمی یابی (رنج و شادمانی آن تمام شدنی است) و آنچه نیامده است نمی دانی چیست؟ دنیا همان ساعتی است که تو در آن هستی پس در آن بر طاعت و فرمانبرداری خدا صبر کن و در مقابل معصیت خداوند نیز شکستیا باش.

حدیث:

165 قال رسول الله صلى الله عليه و آله الصبر ثلاثه : صبر عند المصيبة و صبر عند الطاعة و صبر عن المعصية ، فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين السماء و الارض و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش و من صبر عن المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما بين درجة الى الدرجة كما بين تخوم الارض الى منتهى العرش.

ترجمه:

165 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در هنگام معصیت و صبر در طاعت خداوند و صبر در برابر معصیت و گناه، پس کسی که بر مصیبتی صبر کند تا آنجا که آن مصیبت را به تسلی و آرامشی نیکو باز گردانند برای او سیصد درجه می نویسد که بین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه بین زمین و آسمان فاصله است و کسی که بر طاعت خدا صبر کند خداوند برای او ششصد درجه می نویسد که مابین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حدود مرز زمین تا انتهای عرش الهی فاصله است و کسی که در برابر معصیت و گناه صبر کند خداوند برای او نهصد درجه می نویسد که مابین يك درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حد و مرز زمین تا انتهای عرش فاصله است.

حدیث:

166 عن ابي الحسن موسى به جعفر عليه السلام انه قال لبعض ولده : يا بني اياك ان يراك الله في معصيه نهاك عنها و اياك ان يفقدك الله عند طاعه امرك بها.

ترجمه:

166 از امام موسی به جعفر علیه السلام روایت است که به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرکم! بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در حال گناهی که تو را از انجام آن نهی نموده است ببیند و بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در انجام طاعتی که به انجام آن فرمان داده است غائب ببیند.

حدیث:

167 عن ابي حمزه الثمالي قال : قال لي ابو جعفر عليه السلام : لما حضرت ابي الوفاء ضمنى الى صدره و قال : يا بنى اصبر على الحق و ان كان مرا توف اجرک بغير حساب.

ترجمه:

167 ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد تا خداوند پاداش تو را بدون حساب و به طور کامل دهد.

حدیث:

168 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : الصبر صبران : صبر على ما تحب و صبر على ما تكره ثم قال عليه السلام : ان ولى محمد من اطاع الله و ان بعدت لحمته و ان عدو محمد من عصى الله و ان قربت قرابته.

ترجمه:

168 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است: صبر نمودن بر آنچه دوست می داری و صبر نمودن بر آنچه که آن را ناپسند می شمری. سپس فرمود: همانا دوست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خداوند را اطاعت کند اگر چه قرابت و خویشاوندی اش دور باشد و همانا دشمن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خدای را نافرمانی کند اگر چه خویشاوندی اش نزدیک باشد.

حدیث:

169 و قال عليه السلام : شتان بين عمليين عمل تذهب لذته و تبقى تبعته و عمل تذهب مؤنته و يبقى اجره.

ترجمه:

169 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چقدر بین دو عمل فاصله است یکی عملی که لذتش می رود و عاقبت بدش باقی می ماند و دیگری عملی که سختی آن می رود و پاداشش می ماند.

حدیث:

170 و قال عليه السلام : اتقوا معاصى الله فى الخلوات فان الشاهد هو الحاكم.

ترجمه:

170 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از ارتکاب معصیتهای الهی (حتی) در نهان خودداری کنید زیرا آن خدای که شاهد است خود نیز حاکم است.

حدیث:

171 و قال عليه السلام : ان الله وضع الثواب على طاعته و العقاب على معصيته ذيادة لعباده عن نعمته و حياشه لهم الى جنته.

ترجمه:

171- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند پاداش را بر طاعتش نهاد و کفر را بر معصیتش تا بندگانش را از خشم و عقوبت خود دور سازد و آنان را به سوی بهشت تشویق و تحریص گرداند .

حدیث:

172- و قال علیه السلام : احذر ان یراک الله عند معصيته او یفقدک عند طاعته فتکون من الخاسرين فاذا قويت فاقو علی طاعه الله فاذا ضعفت فاضعف عن معصيه الله.

ترجمه:

172- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در هنگام معصیتش ببیند یا در هنگام طاعتش تو را نیابد اگر چنین باشی از زیانکاران خواهی بود پس هرگاه توانایی می یابی ، بر انجام طاعت خدا توانا شو و هرگاه ناتوان می شوی ، از ارتکاب معصیت خدا ناتوان شو .

حدیث:

173- اتی رجل ابا عبدالله علیه السلام فقال له یا ابن رسول الله اوصنی فقال : لا یفقدک الله حیث امرک و لا یراک حیث نهاک قال : زدنی قال : لا اجد.

ترجمه:

173- مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: در جایی که خداوند تو را فرمان داده غائب نبیند و در جایی که نهی فرموده حاضر نیابد. عرض کرد: بیش از این برایم بگو. حضرت فرمود: بیش از این چیزی نمی یابم .

حدیث:

174- عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : اذا کان يوم القيامة نادى مناد عن الله یقول : این اهل الصبر؟ قال : فیقوم عنق من الناس فنستقبلهم زمرة من الملائکه فیقولون لهم : ما کان صبرکم هذا الذی صیرتم ؟ فیقولون : صبرنا انفسنا علی طاعه الله و صبرناها عن معصيه الله قال : فینادی مناد من عند الله صدق عبادی خلوا سبیلهم لیدخلوا الجنة بغير حساب.

ترجمه:

174- امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که روز قیامت بر پا می شود ندا دهنده ای از جانب خدا ندا در می دهد که : کجايند اهل صبر؟ پس جماعتی از مردم بر می خیزند و گروهی از فرشتگان به استقبال آنان می آیند و به آنان می گویند: آن صبری که پیشه نمودید چه صبری بود؟ گویند: ما خود را بر طاعت خداوند به صبر روا داشتیم و نیز خود را در مقابل معصیت خداوند به صبر وادار نمودیم . پس ندا دهنده ای از جانب خداوند ندا در می دهد که : بندگانم راست می گویند از جلو راه آنها به کنار روید تا بدون حساب وارد بهشت شوند .

- 20 باب وجوب تقوی الله

- 20 باب وجوب رعایت تقوای الهی

حدیث:

175- عن ابی جعفر علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : لا یقل عمل مع تقوی و کیف یقل ما یتقبل ؟

ترجمه:

175- امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: کم شمرده نمی شود عملی که همراه با تقواست و چگونه کم شمرده می شود چیزی که پذیرفته می گردد؟

حدیث:

176- عن مفصل بن عمر قال : کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فذکرنا الاعمال فقلت انا: ما اضعف عملی فقال : مه استغفر الله ثم قال لی : ان لقلیل العمل مع التقوی خیر من کثیر بلا تقوی . قلت : کیف یکون کثیر بلا تقوی ؟ قال علیه السلام : نعم مثل الرجل یطعم طعامه و یرفق جیرانه و یوطی رحله فاذا ارتفع له الباب من الحرام دخل فیہ فهذا العمل بلا تقوی و یکون الاخر لیس عنده فاذا ارتفع له الباب من الحرام لم یدخل فیہ.

ترجمه:

176- مفصل بن عمر گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از اعمال به میان آمد پس من عرض کردم : وه که چقدر عمل من ناچیز است . حضرت فرمود: ساکت باش و از خدا طلب مغفرت کن . سپس فرمود: عمل کم که همراه با تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است . عرض کردم : عمل زیاد بدون تقوا چگونه است ؟ حضرت فرمود: آری مثل مردی که مردمان را طعام می دهد و با همسایگانش مدارا می کند و توشه اش را آماده و مهیا می سازد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش باز می شود از آن در وارد می شود و این عمل بدون تقواست و دیگری چنین اعمالی ندارد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش گشوده می شود وارد نمی شود .

حدیث:

177- عن یعقوب بن شعیب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما نقل الله عبدا من ذل المعاصی الی عز التقوی الا اغناه من غیر مال و اعزه من غیر عشیره و انسه من غیر بشر.

ترجمه:

177- یعقوب بن شعیب گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بنده ای را از

ذلت گناه به سوی عزت تقوا نرساند جز اینکه او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و عشیره عزتمند ساخت و بدون (معاشرت با) بشری او را انس و آرامش بخشید .

**حدیث:**

- 178 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه وآله خير الزاد التقوى.

**ترجمه:**

- 178 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلى الله عليه وآله این است : بهترین توشه تقوا است .

**حدیث:**

- 179 عن الهيثم بن واقد قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول : من اخرجه الله عزوجل من ذل المعاصي الى عز التقوى اغناه الله بلامال و اعزه بال عشيره و آنسه بلا انيس و من خاف الله اخاف الله منه كل شىء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شىء و من رضى من الله باليسير من الرزق رضى منه باليسير من العمل و من لم يستحى من طلب المعاش خفت مئنته و نعم اهله و من زهد فى الدنيا اثبت الله الحكمة فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا داءها و دواءها و اخرجه من الدنيا سالما الى دارالسلام.

**ترجمه:**

- 179 الهيثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خداوند او را از ذلت گناهان به سوی عزت و ارجمندی تقوا فرستاد او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و قبیله عزت داد و بدون مونس آرامش بخشید و کسی که از خدا بترسد خداوند هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا بترسد خداوند او را از همه چیز بیمناک می سازد و کسی که از خداوند به روزی کم خوشنود باشد خداوند هم از او به عمل کم خوشنود می گردد و کسی که به دنیا بی اعتنا باشد خداوند حکمت و دانایی را در دلش پدید می آید و زیارتش را به حکمت گویا می سازد و او را نسبت به دردها و داروهای عیوب دنیا بی نیاز می گرداند و او را سالم و بی نقص از دنیا به سرای سلامت آن جهان منتقل می کند .

**حدیث:**

- 180 عن الوليد بن عباس قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الحسب الفعال و الشرف المال و الكرم التقوى.

**ترجمه:**

- 180 ولید بن عباس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گوهر مرد و بزرگی او اعمال او است و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست .

**حدیث:**

- 181 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : فى خطبه له عليه السلام الا و ان الخطايا خيل شمس حمل عليها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فى النار الا و ان التقوى مطايا ذلل حمل عليها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة.

**ترجمه:**

- 181 امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای چنین فرمود: آگاه باشید که گناهان اسبان سرکشى هستند که گنهکاران بر آنها بار شده اند و دهنه آن اسبان رها شده پس آن اسبان سرکش سواران خود را در آتش سرنگون کنند و آگاه باشید که تقوی مرکبی رام را می ماند که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکبها به دست آنان است و مرکبها آنان را به بهشت وارد کنند.

**حدیث:**

- 182 و قال عليه السلام : اتق الله بعض التقى و ان قل و اجعل بينك و بين الله سترا و ان رق.

**ترجمه:**

- 182 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کن تقوایی اگر چه کم و بین خود و خدایت پرده ای قرار ده اگر چه نازک .

- 21 باب وجوب الورع

- 21 باب وجوب پارسایی

**حدیث:**

- 183 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : انا لاعد الرجل مومنا حتى يكون لجميع امرنا متبعا مريدا، الا و ان من اتباع امرنا و ارادته الورع فتزيناوا به يرحمكم الله و كيدوا اعداءنا به ينعشكم الله.

**ترجمه:**

- 183 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما مردی را مومن نمی شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است ، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

**حدیث:**

- 184 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : اوصيك بتقوى الله و الورع و الجتهاد و اعلم انه لاينفع اجتهاد لاورع فيه.

ترجمه:

184 امام صادق علیه السلام فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بدان که کوششی که پارسایی در آن نباشد سودی نخواهد داشت .

حدیث:

185 عن حفص بن غیاث قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الروع فقال : الذی یتورع عن محارم الله عزوجل.

ترجمه:

185 حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره ورع و پارسا سوال کردم حضرت فرمود: پارسا کسی است که از ارتکاب حرامهای خدای عزوجل باز ایستد .

حدیث:

186 عن یزید بن خلیفه قال : وعظنا ابو عبدالله علیه السلام فامر و زهد ثم قال : علیکم بالورع فانه لاینال ما عند الله الا بالورع.

ترجمه:

186 یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه نمود پس به ما امر کرد و ما را بر بی رغبتی به دنیا تشویق و تحریک نمود سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا (آدمی) جز به وسیله پارسایی به آنچه که در نزد خداست دست نمی یابد .

حدیث:

187 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لاینفع اجتهاد لا ورع فیه.

ترجمه:

187 امام صادق علیه السلام فرمود: کوششی که پارسایی در آن رعایت نشود سودی نخواهد داشت .

حدیث:

188 قال ابو جعفر علیه السلام : ان اشد العباده الروع.

ترجمه:

188 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است .

حدیث:

189 عن حدید بن حکیم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اتقوا الله و صونوا دینکم بالورع.

ترجمه:

189 حدید بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و دین خود را با ورع (باز ایستادن از گناه) حفظ کنید .

حدیث:

190 قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث : انما اصحابی من اشدت ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه به هولاء اصحابی.

ترجمه:

190 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یاران من کسانی هستند که : پارسایی آنان زیاد است و برای (رضای) آفریننده خود کار می کنند و امید ثواب او را دارند، اینان یاران من هستند .

حدیث:

191 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل ابن آدم اجتنب ما حرمت علیک تکن من اورع الناس.

ترجمه:

191 امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است : ای فرزند آدم! از آنچه که بر تو حرام نموده ام دوری کن تا از پارساترین مردم باشی .

حدیث:

192 عن ابی اسامه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : علیک بتقوی الله و الروع و الاجتهاد و صدق الحدیث و اداء الامانه و حسن الخلق و حسن الجوار و کونوا دعاه الی انفسکم بغیر السننکم و کونوا زینا و لانتکونوا شینا و علیکم بطول الركوع و السجود فان احدکم اذا اطال الركوع و السجود هتف ابلیس من خلفه و قال : یا ویله اطاع و عصیت و سجد و ابیت.

ترجمه:

192 ابی اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و حسن همسایگی و اینکه با غیر زیانتان (کردارتان) دیگران را به سوی خودتان دعوت کنید و (برای ما) مایه زینت باشید نه مایه ننگ و رسوایی و بر شما باد به رکوع و سجود طولانی زیرا اگر کسی از شما رکوع و سجودش را طول دهد شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: ای وای که او فرمانبری کرد و من نافرمانی و او سجده کرد و من از سجده خودداری کردم .

حدیث:

193 عن علی بن ابی زید عن ابیه قال کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فدخل علیه عیسی بن عبدالله القمی فرحب به و قرب مجلسه ثم قال یا عیسی بن عبدالله لیس منا و لاکرامه من کان فی

مصر فيه مائه او يزيدون و كان في ذلك المصرا احد اورع منه.

ترجمه:

193- علی بن ابی زید از پدرش روایت کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبدالله قمی وارد شد حضرت به او خوش آمد گفت و او را نزدیک خود نشانید سپس فرمود: ای عیسی بن عبدالله! از ما نیست و بزرگواری ندارد کسی که در شهری باشد که در آن یکصد نفر یا بیشتر باشند و در آن شهر کسی با ورع تر و پارساتر از او باشد.

حدیث:

194- عن ابی جعفر علیه السلام قال : اعینونا بالورع فانه من القی الله عزوجل منکم بالورع کان له عند الله عزوجل فرجا.

ترجمه:

194- امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسا بودنتان یاری کنید زیرا کسی از شما که خدای عزوجل را با پارسایی دیدار کند برای او در نزد خدای عزوجل گشایشی هست.

حدیث:

195- قال ابو عبدالله علیه السلام : کونوا دعاه للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاه و الخیر فان ذکل داعیه.

ترجمه:

195- امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را با غیر زبانتان (یعنی با کردارتان) بخوانید تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند زیرا این امور آنان را (به سوی حق) فرا می خواند.

حدیث:

196- عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : کثیرا ما کنت اسمع ابی یقول : لیس من شیعتنا من لا تتحدث المخدرات بورعه فی خدورهن و لیس من اولیائنا من هو فی قریه فیها عشره الاف رجل فیهم خلق الله اورع منه.

ترجمه:

196- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: بسیاری از مواقع از پدرم می شنیدم که می فرمود: شیعه ما نیست کسی که سخن گفتنش با زنان پرده نشین از روی پارسایی (یعنی همراه با اجتناب از نگاه) نباشد و از دوستان ما شمرده نمی شود کسی که در قریه ای که ده هزار نفر در آن زندگی می کنند باشد و در بین آنان پارساتر از او هم وجود داشته باشد.

- ۶ -

حدیث:

197- عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی ثلاثه من لقی الله عزوجل بهن فهو من افضل الناس : من اتی الله عزوجل بما افترض علیه فهو من اعبد الناس و من ورع عن محارم الله فهو من اورع الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس ثم قال یا علی ثلاث من لم یکن فیهم لم یتم عمله : ورع یحجزه عن معاصی الله و خلق یداری به الناس و حلم یرد به جهل الجاهل الی ان قال یا علی الاسلام عریان و لباسه الحیاء و زینته العفاف و مروءته العمل الصالح و عماده الورع.

ترجمه:

197- از امام صادق علیه السلام و او از پدران بزرگوارش روایت است که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است: ای علی! سه چیز است که هر کس خدای عزوجل را همراه با این سه دیدار کند او از بدترین مردم است: کسی که همراه با آنچه که بر او واجب بوده بر خدای عزوجل وارد شود پس او از عابدترین مردمان است، و کسی که از ارتکاب حرامهای الهی خودداری کند که چنین کسی از پارساترین مردمان است، و کسی که به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد که این کس از بی نیازترین مردم است. سپس فرمود: ای علی! سه چیز است که اگر در کسی نباشد عملش کامل نیست: پارسایی ای که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد و اخلاقی که به کمک آن با مردم مدارا کند و بردباری ای که به کمک آن نادانی نادان را برگرداند - تا آنجا که فرمود: - ای علی! اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زیور او پاکدامنی است و جوانمردی اش کردار شایسته است و پایه و ستون آن اجتناب از گناه است.

حدیث:

198- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : لا یجمع الله لمومن الورع و الزهد فی الدنیا الا رجوت له الجنه.

ترجمه:

198- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند برای مومنی در دنیا پارسایی و زهد را جمع نمی کند مگر اینکه من امید بهشت را برای او دارم.



حدیث:

- 199 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : لاتنال و لایتنا الا بالعمل و الورع.

ترجمه:

- 199 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل (شایسته) و خودداری از گناه .

حدیث:

- 200 عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : لیس من شیعتنا من یكون فی مصر یكون فیہ مائه الف و یكون فی المصر اورع منه.

ترجمه:

- 200 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان (واقعی) ما شمرده نمی شود کسی که در شهری باشد که در آنجا صد هزار نفر زندگی می کنند و در بین آنان پارسا تر از او وجود دارد .

حدیث:

- 201 قال ابو عبدالله علیه السلام : لیس من شیعتنا من قال بلسانه و خالفنا فی اعمالنا و آثارنا و لكن شیعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئك شیعتنا.

ترجمه:

- 201 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان (از دوستی ما) دم زند اما در اعمال و اخبار ما با ما مخالفت کند ولیکن شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش با ما توافق باشد و از اخبار ما پیروی کند و همانند ما عمل کند .

حدیث:

- 202 عن کلیب بن معاویه الاسدی قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اما و الله انکم لعلی دین الله و ملائکته فاعینونا علی ذلك بورع و اجتهاد، علیکم بالصلاه و العباده ، علیکم بالورع.

ترجمه:

- 202 کلیب بن معاویه اسدی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آگاه باشید که سوگند به خدا شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس ما را بر این دین به وسیله پارسایی و کوشش یاری کنید، بر شما بد به نماز و عبادت ، بر شما باد به خودداری از گناه .

حدیث:

- 203 عن الامام علی بن محمد علیه السلام عن آبائه عن الصادق علیه السلام انه قال : علیکم بالورع فانه الدین الذی نلازمه و ندین الله تعالی به و نریده ممن یوالینا لاتتعبونا بالشفاعه.

ترجمه:

- 203 امام دهم امام علی النقی علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش از امام صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا پارسایی همان دینی است که ما به آن وابسته ایم و خداوند را به وسیله آن دینداری می کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می دارند می خواهیم تا ما را با شفاعت به رحمت نیفکنند .

حدیث:

- 204 عن علی بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : دخل سماعه بن مهران علی الصادق علیه السلام فقال له : یا سماعه و ذکر الحدیث الی ان قال : و الله یدخل النار منکم احد فتنافسوا فی الدرجات و اکمدوا عدوکم بالورع.

ترجمه:

- 204 امام دهم امام علی النقی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: سماعه بن مهران بر امام صادق علیه السلام وارد شد امام به او فرمود:

ای سماعه ! - و حدیث گذشته را بیان نمود - تا آنجا که فرمود: - به خدا سوگند که کسی از شما به دوزخ نمی رود پس در ( یافتن ) درجات (بهشت) با یکدیگر رقابت کنید و دشمنانتان را با خودداری از گناه افسرده خاطر سازید .

- 22 باب وجوب العفه

- 22 باب وجوب پاکدامنی

حدیث:

- 205 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عبادہ افضل عندالله من فہ بطن و فرج .

ترجمه:

- 205 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی در نزد خدا برتر از ترك شهوات شکم و فرج نیست .

حدیث:

- 206 قال ابو جعفر علیه السلام : ان افضل العبادع عفه البطن و الفرج.

ترجمه:

- 206 امام باقر علیه السلام فرمود: بهترین عبادت رعایت پاکي شکم و پاکي دامن است .

حدیث:

- 207 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما عبدالله بشیء افضل من عفه بطن و فرج.

ترجمه:

- 207 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به هیچ عبادتی برتر از رعایت پاکي شکم و پاکي دامن

عبادت نشده است.

**حدیث:**

- 208 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اكثر ما تلج به امتی النار الاجوفان البطن و الفرج.

ترجمه:

- 208 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بیشترین چیزی که به سبب آن امت من وارد دوزخ می شوند دو چیز میان تهی است یکی شکم و دیگری فرج .

**حدیث:**

- 209 قال رسول الله صلى الله عليه و آله ثلاث اخافهن بعدى على امتى : الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج.

ترجمه:

- 209 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سه چیز است که پس از خودم از این سه بر امتم ترسانم : گمراهی بعد از معرفت و فتنه های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج.

**حدیث:**

- 210 عن ابی بصیر قال : قال رجل لابی جعفر علیه السلام : انى ضعيف العمل قليل الصيام ولكنى ارجو ان لا اكل الا حلالا قال : فقال له : اى الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج ؟

ترجمه:

- 210 ابی بصیر گوید: مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من در عمل سست هستم و روزه ام کم است ولی امید این دارم که جز حلال نخورم . حضرت فرمود: کدام تلاش و کوششی از پاکی شکم و پاکی دامان برتر است ؟

**حدیث:**

- 211 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان اميرالمؤمنين عليه السلام يقول : افضل العباده العفاف.

ترجمه:

- 211 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: برترین عبادت پاکدامنی است .

**حدیث:**

- 212 عن ميمون القداح قال سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول : ما من عباده افضل من عفه بطن و فرج.

ترجمه:

- 212 ميمون بن قدها گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی برتر از پاکی شکم و پاکی دامان نیست.

**حدیث:**

- 213 عن اميرالمؤمنين عليه السلام فى وصيته لمحمد بن الحنفية قال : و من لم يعط نفسه شهوتها اصاب رشده.

ترجمه:

- 213 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: و کسی که به نفس خود خواسته نفس را عطا نکند به رشد خود رسیده است .

**حدیث:**

- 214 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ضمن لى اثنتين ضمانت له على الله الجنة : من ضمن لى ما بين لحييه و ما بين رجليه ضمانت له على الله الجنة يعنى ضمن لى لسانه و فرجه.

ترجمه:

- 214 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که برای من دو چیز را ضمانت کند من نیز در پیشگاه خداوند بهشت را برای او ضمانت خواهم کرد: کسی که برای من ضمانت آنچه که بین ریش و سبیلش و آنچه بین دو پایش هست باشد من نیز در پیشگاه خدا ضمانت بهشت برای اویم یعنی برای من ضمانت زبان و فرج خود باشد .

**حدیث:**

- 215 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله الصادق عليه السلام يقول : من كف اذاه عن جاره اقاله الله عثرته يوم القيامة و من عف بطنه و فرجه كان فى الجنة ملكا محبورا و من اعتق نسمة مومنه بنى له بيت فى الجنة.

ترجمه:

- 215 ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که آزار خود را از همسایه اش باز دارد خداوند در روز قیامت لغزش او را جبران خواهد کرد و کسی که شکم و دامان خود را پاک نگهدارد در بهشت فرشته ای شادمان خواهد شد و کسی که برده مومنی را آزاد سازد در بهشت خانه ای برایش ساخته می شود .

**حدیث:**

- 216 عن رسول الله صلى الله عليه و آله فى خطبه له : و من قدر على امراه او جارية حراما فتركها مخافة الله حرم الله عليه النار و آمنه من الفزع الاكبر و ادخله الجنة فان اصابها حراما حرم الله عليه الجنة

## و ادخله النار.

ترجمه:

- 216 از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای از آن حضرت روایت است که فرمود: کسی که بر زنی یا کنیزی به حرام دست یابد و از خوف خدا از ارتکاب حرام باز ایستد خداوند آتش را بر او حرام می گرداند و او را از بی تابی بزرگ روز قیامت ایمن می کند و او را وارد بهشت می سازد ولی اگر به حرام افتاد خداوند نیز بهشت را بر او حرام و او را به دوزخ می افکند.

حدیث:

- 217 قال ابو عبدالله : انما شيعه جعفر من عف بطنه و فرجه و اشتد جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رايت اولئك فاولئك شيعه جعفر.

ترجمه:

- 217 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیعه جعفری کسی است که شکم و دامن خود را پاک نگاه دارد و کوشش او زیاد باشد و برای (کسب رضای) آفریدگار خود عمل کند و امید به پاداش او و ترس از کیفر او داشته باشد پس هرگاه چنین کسانی را دیدی آنان شیعه جعفری اند .

حدیث:

- 218 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : قدر الرجل على قدر همته و صدقه على قدر مروءته و شجاعته على قدر انفته و عفته على قدر غيرته.

ترجمه:

- 218 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و مرتبه مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی اوست و دلیری او به اندازه عار و ننگی است که از زشتی دارد و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست .

- 23 باب وجوب اجتناب المحارم

- 23 باب وجوب خودداری از حرامها

حدیث:

- 219 عن ابي جعفر عليه السلام قال : كل عين باكية يوم القيامة غير ثلاث : عين سهرت في سبيل الله و عين فاضت من خشية الله و عين غضت عن محارم الله.

ترجمه:

- 219 امام باقر علیه السلام فرمود: همه چشمها در روز قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که در راه خدا بیدار بماند و چشمی که از ترس خدا اشک بریزد و چشمی که از دیدن حرامهای الهی فرو بسته شود.

حدیث:

- 220 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من اشد ما فرض الله على خلقه ذكر الله كثيرا، ثم قال : لا اعنى سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و ان كان منه و لكن ذكر الله عند ما احل و حرم فان كان طاعه عمل بها و ان كان معصيه تركها.

ترجمه:

- 220 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر پندگانش واجب ساخته این است که او را فراوان یاد کنند، سپس فرمود: مقصود من گفتن) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (نیست اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد از ذکر، یاد نمودن خداوند در نزد حلال و حرام الهی است ، پس اگر به طاعتی برخورد به آن عمل کند و اگر با معصیتی مواجه شد آن را ترك کند .

حدیث:

- 221 عن سليمان بن خالد قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (و قدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال : اما و الله ان كانت اعمالهم اشد بياضا من القباطى و لكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه.

ترجمه:

- 221 سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: (و به سوی اعمالی که انجام داده اند پیشی گرفتیم و آن اعمال را همچون گردی پراکنده گردانیدیم) (69) پرسیدم حضرت فرمود: آگاه باش ، سوگند به خدا اگر اعمال آنها از کتان سفید هم سفیدتر باشد ولی در هنگامی که حرام به آنان عرضه می شده آن را وا نمی گذارده اند باز هم خداوند اعمال آنها را هیچ می کند.

حدیث:

- 222 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ترك معصيه لله مخافه الله تبارك و تعالى ارضاء يوم القيامة.

ترجمه:

- 222 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که معصیت الهی را از خوف خدای تبارک و تعالی ترك کند خداوند او را در روز قیامت خوشنود می سازد.

حدیث:

- 223 عن ابي عبدالله عليه السلام في رسالته الى اصحابه قال : و اياكم ان تشره انفسكم الى شى

ء حرم الله عليكم فان من انتهك ما حرم الله عليه هاهنا فى الدنيا حال الله بينه و بين الجنة و نعيما و لذتها و كرامتها القائمه الدائمه لاهل الجنة ابد الابدى - الى ان قال : - و اياكم و الاصرار على شىء مما حرم الله فى القرآن ظهره و بطنه و قد قال : ( و لم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون ).  
ترجمه:

223 امام صادق عليه السلام در رساله اى به سوى اصحابش فرمود: و بر حذر باشيد از اينكه نفس شما به سوى چيزى كه خداوند بر شما حرام نموده مایل و حريص شود زيرا كسى كه در اين دنيا دربارۀ حرام الهى پرده درى كند خداوند بين او و بهشت و نعمتها و لذتها و ارجمندى هميشگى كه براى اهل بهشت است براى هميشه حائل و مانع مى شود - تا آنجا كه فرمود: - بر حذر باشيد از اصرار نمودن بر ارتكاب چيزى كه خداوند در قرآن حرام نموده . خداوند در قرآن فرموده) : و اصرار نوزند بر آنچه كه انجام داده اند در حالى كه مى دانند (70)

حديث:

224 عن على عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : يقول الله تبارك و تعالى لابن آدم : ان نازعك بصرك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطيقين فاطبق و لا تنتظر و ان نازعك لسانك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطيقين فاطبق و لا تتكلم و ان نازعك فرجك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطيقين فاطبق و لا تات حراما.

ترجمه:

224 على عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند تبارك و تعالى به فرزند آدم مى گويد: اگر چشم تو در مورد بعضى از چيزهاى كه بر تو حرام كرده ام با تو به نزاع و كشمكش پردازد پس من تو را به وسيله دو سرپوش (كه پلكهاى توست ) يارى مى كنم پس فرو بند و نظر مكن و اگر زبان تو در مورد برخى از چيزهاى كه بر تو حرام كرده ام با تو به ستيز پردازد من تو را به وسيله دو لب يارى مى كنم پس فرو بند و سخن مگو و اگر دامان تو دربارۀ بعضى از چيزهاى كه بر تو حرام كرده ام با تو به جنگ برخيزد من تو را به وسيله اطراف دامانت يارى مى كنم پس بر هم نه و مرتكب حرام مشو.

حديث:

225 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه و آله لعل على عليه السلام قال : يا على ثلاث لا تطيقها هذه الامه : المواساه للاخ فى ماله و انصاف الناس من نفسه و ذكر الله على كل حال و ليس هو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لكن اذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله عزوجل عنده و تركه.

ترجمه:

225 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله در وصيتش به على عليه السلام فرمود: اى على ! سه چيز است كه اين امت طاقت و توان آن را ندارد: يارى نمودن به برادر دينى از نظر مالى و به عدل و راستى با مردم رفتار نمودن و در هر حالى به ياد خدا بودن و ياد خدا اين است كه هرگاه بر حرامى وارد شد در برابر آن حرام از خداى عزوجل بترسد و آن را ترك كند.

حديث:

226 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تزال امتى بخير ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و قروا الصيغو اقاموا الصلاه و اتوا الزكاه فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنين.

ترجمه:

226 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت كند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: پيوسته امت من در خير و خوبى اند تا زمانى كه يكدیگر را دوست دارند و به يكدیگر هديه مى دهند و امانتداری مى كنند و از ارتكاب حرام خودداری مى كنند و از مهمان پذيرايى مى كنند و نماز را به پاى مى دارند و زكات مى پردازند پس هنگامى كه چنين نكنند به خشكسالى و آفت دچار مى شوند .

حديث:

227 قال ابو عبدالله عليه السلام : ما ابتلى المومن بشىء اشد عليه من خصال ثلاث يجرمها قيل : و ما هى ؟ قال : المواساه فى ذات يده و الانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا اما انى لا اقول لكم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لكن ذكر الله عند ما احل له و عند ما حرم عليه.

ترجمه:

227 امام صادق عليه السلام فرمود: مومن به چيزى كه سخت تر بر او باشد از محروم ماندن وى از سه خصلت ، گرفتار نشده است ، گفته شد : آن سه خصلت كدامند؟ فرمود: يارى رساندن به ديگران با همه امكاناتى كه در دست دارد و منصفانه رفتار كردن و بسيار ياد كردن خداوند نمى گويم (فقط ) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (گويد) بلكه مراد من ياد كردن خدا در هنگام برخورد با حلال و حرام است .

حديث:

228 عن حسين البزاز قال : قال لى ابو عبدالله عليه السلام : الا احذئك باشد ما فرض الله عزوجل على خلقه ؟ قلت : بلى قال : انصاف الناس من نفسك و مواساتك لايخيك و ذكر الله فى كل موطن اما انى لا اقول سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و ان كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله فى كل

موطن اذا هجمت على طاعه او معصيه.

ترجمه:

228- حسين بزاز گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا درباره سخت ترین چیزی که خداوند عزوجل بر بندگانش واجب ساخته با تو سخن بگویم؟ عرض کردم: آری. حضرت فرمود: منصفانه رفتار کردنت با دیگران و یاری رساندنت به برادرت و در هر جا یاد خدا کردن، آگاه باش که نمی گویم) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (گفتن اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد من یاد کردن خدا در همه جا است. آنگاه که بر طاعت یا معصیتی روی می آوری.

حدیث:

229- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اشد الاعمال ثلاثه : انصاف الناس من نفسك حتى لاترضی لها منهم بشیء الا رضیت لهم منها بمثلہ و مواساتك الاخ فی المال و ذکر الله علی کل حال لیس سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر فقط و لكن اذا ورد عليك شیء امر الله به اخذت به و اذا ورد عليك شیء نهی عنه تركته.

ترجمه:

229- امام صادق علیه السلام فرمود: سخت ترین اعمال سه تاست: یکی منصفانه رفتار کردن با مردم در مورد خود به گونه ای که برای خود به چیزی خوشنود نشوی جز اینکه برای مردم نیز به مثل همان چیز خوشنود گردی، و دیگری یاری مالی نمودن به برادر دینی ات، و یاد و ذکر خدا در هر حال نه تنها) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر (گفتن، بلکه هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند به آن امر نموده به آن عمل کنی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند از آن نهی فرموده، آن را ترك کنی.

حدیث:

230- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان یحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمه:

230- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از روی اخلاص) لا اله الا الله (گوید به بهشت داخل شود و اخلاص او این است که گفتن) لا اله الا الله (او را از ارتکاب آنچه که خداوند بر او حرام نموده باز دارد.

حدیث:

231- عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن و من عصی الله فقد نسی الله و ان كثرت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن.

ترجمه:

231- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فرمان خدای را برد و او را اطاعت کند خداوند را یاد نموده است اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد و کسی که خدای را نافرمانی کند خداوند را فراموش نموده اگر چه نماز و روزه قرآن خواندنش زیاد باشد.

حدیث:

232- عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان یحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمه:

232- روایت شماره ۲۳۰ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است.

حدیث:

233- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما عمل العباد انصاف المرء من نفسه و مواساه المرء اخاه و ذکر الله علی کل حال قال : قلت : اصلحك الله و ما وجه ذکر الله علی کل حال؟ قال : یذكر الله عند المعصیه یهم بها فیحول ذکر الله بینه و بین تلك المعصیه و هو قول الله) : ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون.

ترجمه:

233- امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین اعمال بندگان یکی منصفانه رفتار کردن مرد درباره خود و دیگری یاری کردن مرد به برادر دینی اش و دیگری یاد نمودن خداوند در همه حالات، راوی گوید: عرض کردم: یاد نمودن خداوند در همه حالات چگونه است؟ فرمود: هرگاه آهنگ ارتکاب معصیتی را نمود خدای را یاد کند پس یاد خدا بین او و بین آن معصیت حائل می شود و این همان گفتار خداوند است که می فرماید: همانا آنانکه پرهیزکارند هرگاه رهگذری از شیطان آهنگ آنان کند یاد آور شوند پس ناگاه بینا گردند (71)

حدیث:

234- قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من اقام فرائض الله و اجتنب محارم الله و احسن الولایه لاهل بیت نبی الله و تبرا من اعداء الله فلیدخل من ای ابواب الجنة الثمانیه شاء.

ترجمه:

234- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که واجبات الهی را به پای دارد و از حرامهای خداوند

دوری کند و اعتقادی نیکو به ولایت اهل بیت پیامبر خدا داشته باشد و از دشمنان خدا دوری و بیزاری جوید پس ، از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که می خواهد داخل شود .

**حدیث:**

- 235 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس و من اجتنب ما حرم الله علیه فهو من اعبد الناس و من قنع بما قسم الله له فهو من اغنی الناس.

**ترجمه:**

- 235 امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته است عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه که خداوند بر او حرام نموده دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده قانع باشد از بی نیازترین مردمان است .

**حدیث:**

- 236 عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : احذروا سطورات الله باللیل و النهار فقلت : و ما سطوات الله ؟ قال : اخذه علی المعاصی.

**ترجمه:**

- 236 زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از حمله ها و سختگیری های خداوند در شب و روز بپرهیزید، عرض کردم : سختگیریهای خداوند چیست ؟ فرمود: اینکه او بنده اش را بر معصیتهايش بگیرد .

- 24 باب وجوب اداء الفرائض

- 24 باب وجوب اداى واجبات

**حدیث:**

- 237 قال علی بن الحسین علیه السلام : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس.

**ترجمه:**

- 237 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است.

**حدیث:**

- 238 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل اصبروا و صابروا و رابطوا قال : اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمة علیه السلام.

**ترجمه:**

- 238 امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل) : شکیبایی کنید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر ببیونید (72). فرمود: شکیبیا باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را در معصیتها به صبر سفارش کنید و بر محور امامان علیه السلام به یکدیگر، ببیونید.

**حدیث:**

- 239 قال الكلینی و فی روایه ابن محبوب عن ابی السفاتج : و اتقوا الله ربکم فیما افترض علیکم.

**ترجمه:**

- 239 مرحوم کلینی ( ره ) گوید: روایت قبل از طریق ابن محبوب نیز روایت است و در آن اضافه دارد: و از پروردگارتان در مورد آنچه که بر شما واجب ساخته پروا داشته باشید .

**حدیث:**

- 240 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تبارك و تعالی : ما تحبب الی عبدی باحب مما افترضت علیه.

**ترجمه:**

- 240 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارك و تعالی فرمود: بنده من با من به دوست داشتنی تر از (انجام ) آنچه که بر او واجب کرده ام دوستی نکرده است .

**حدیث:**

- 241 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (اصبروا و صابروا و رابطوا) قال : اصبروا علی الفرائض.

**ترجمه:**

- 241 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل) : شکیبیا باشید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر ببیونید (73). فرمود: شکیبیا باشید بر (انجام ) واجبات .

**حدیث:**

- 242 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تكن اتقى الناس.

**ترجمه:**

- 242 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزگارترین مردمان باشی .

**حدیث:**

- 243 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من اعبد الناس.

**ترجمه:**

- 243 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از

عابدترین مردمان است.

**حدیث:**

244 - عن امیر المؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله فرض علیکم فرائض فلا تضیعوها و حد لکم حدودا فلا تعدوها و نهاکم عن اشیاء فلا تنتهکوها و سکت لکم عن اشیاء و لم یدعها نسیانا فلا تتکلفوها.

**ترجمه:**

244 - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند واجباتی را بر شما واجب ساخته پس آنها را مهمل مگذارید و حدودی را برای شما معین فرموده پس از آن چیزها پرده دری نکنید و از چیزهایی سکوت نموده و این سکوت از روی فراموشی نیست پس خود را در آن مورد به زحمت نیفکنید.

**حدیث:**

245 - عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تكن من اتقى الناس و ارض بقسم الله تكن من اغنى الناس و كف عن محارم الله تكن من اورع الناس و احسن مجاوره من یجاورك تكن مومنا و احسن مصاحبه من صاحبك تكن مسلما.

**ترجمه:**

245 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا از پرهیزگارترین مردمان باشی ، و به قسمت الهی راضی باش تا از بی نیازترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و با کسی که در همسایگی توست خوب همسایگی کن تا مومن باشی ، و با همدم خود خوب همدمی کن تا مسلمان باشی .

- 25 باب استحباب الصبر فی جمیع الامور

- 25 باب استحباب صبر در تمامی کارها

**حدیث:**

246 - قال ابو عبد الله علیه السلام : یا حفص ان من صبر صبرا قليلا و ان من جزع جزع قليلا - ثم قال : - عليك بالصبر فی جمیع امورك فان الله عزوجل بعث محمدا صلی الله علیه و آله فامرہ بالصبر و الرفق فقال : ( و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرا جمیلا و ذرنی و المکذبین اولی النعمه ) و قال : ( ادفع بالتي هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوه کانه ولی حمیم و ما یلقاها الا الذین صبروا و ما یلقاها الا ذو حظ عظیم ) فصبر حتی نالوه بالعظام و رموه بها فضاقت صدره فانزل الله علیه ( و لقد نعلم انک یضیق صدرك بما یقولون فسیح یحمد ربک و کن من الساجدین ) ثم کذبوه و رموه فحزن لذلك فانزل الله ( قد نعلم انه لیحزنک الذی یقولون فانهم لا یكذبونک و لكن الظالمین بأیات الله یجحدون و لقد کذبت رسل من قبلك فصبروا علی ما کذبوا و اودوا حتی اناهم نصرنا ) فالزم النبی صلی الله علیه و آله نفسه الصبر فنعذوا فذکروا الله تبارک و تعالی و کذبوه فقال : قد صبرت فی نفسی و اهلی و عرضی و لاصبر لی علی ذکر الهی فانزل الله عزوجل ( فاصبر علی ما یقولون ) فصبر فی جمیع احواله ثم بشر فی عترته بالائمہ علیه السلام و وصفوا بالصبر فقال جل ثناؤه : ( و جعلنا منهم ائمه یتبعون بامرنا لما صبروا و كانوا بآیاتنا یوقنون ) فعند ذلك قال النبی صلی الله علیه و آله الصبر من الایمان کالراس من الجسد. فشکر الله ذلك له فانزل الله ( و تمت کلمه ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما كانوا یعرضون ) فقال : انه بشری و انتقام فاباح الله له قتال المشرکین فانزل الله ( فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقعدوا لهم کل مرصد ) و اقتلوهم حیث ثقفتموهم ( فقتلهم الله علی یدی رسول الله صلی الله علیه و آله و احبائه و جعل له ثواب صبره مع ما ادخر له فی الآخرة فمن صبر و احتسب لم یخرج من الدنیا حتی یقر الله له عینه فی اعدائه مع یدخر له فی الآخرة.

**ترجمه:**

246 - امام صادق علیه السلام فرمود: ای حفص! به راستی کسی که صبر پیشه کند (در مقایسه با صبری که باید بر آتش داشته باشد) صبر کمی نموده و کسی که بی تابی کند (در مقایسه با جزع و بی تابی روز قیامت) بی تابی کمی نموده است - سپس فرمود: - بر تو باد که در تمامی کارهایت صبر را پیشه خود سازی زیرا خداوند عزوجل محمد صلی الله علیه و آله را بر انگیخت و او را به صبر و مدارا نمودن امر نمود و فرمود: بر آنچه که می گویند صبر کن و از آنان دوری گزین دوری گزیدن نیکو و مرا با تکذیب کنندگان دارنده نعمت واگذار (74) - و فرمود: دو رکن به طریقه ای که نیکوتر است پس ناگاه آنکه بین تو و او دشمنی وجود دارد گوئیا دوستی نزدیک است و این داده نشود مگر به آنانی که صبر نمودند و داده نشود مگر به کسی که دارای بهره بزرگی است (75) پس پیامبر صلی الله علیه و آله صبر نمود تا آنجا که او را به بلاهای سخت رساندند و او را در بلاها افکندند پس سینه اش از غم و اندوه تنگ شد و خداوند این آیه را بر او نازل کرد: و محققا که ما می دانیم سینه ات به سبب آنچه می گویند تنگ می گردد پس تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت و از سجده کننده گان باش (76) سپس او را تکذیب کردند و دشنام دادند پس او غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد) به تحقیق می دانیم آنچه می گویند غمگینت می کند زیرا آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را انکار می کنند و محققا که رسولان پیش از تو نیز تکذیب شدند پس بر آنچه که تکذیب شدند صبر کردند و آزار کشیدند تا اینکه یاری ما فرا رسید (77) پس پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به صبر واداشت ولی کافران از حد خود تجاوز نمودند و خداوند تبارک و تعالی را تکذیب نمودند در اینجا پیامبر فرمود: من درباره خود و خانواده و آبرویم صبر کردم اما بر اینکه خدایم را (به بدی) یاد کنند صبر ندارم پس خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: بر آنچه که می گویند صبر کن (78) پس پیامبر در همه حالاتش صبر پیشه نمود سپس

از جانب خداوند فرمود: و قرار دادیم از آنان پیشوایانی که به فرمان ما راهنمایی می کنند زیرا آنان صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند<sup>(79)</sup> در آن هنگام بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است . خداوند نیز پیامبرش را ثنای نیکو گفت و این آیه را نازل فرمود : (و سخن نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تمام شد زیرا آنان صبر کردند و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند و بر می افراشتند واژگونه ساختیم )<sup>(80)</sup> پس پیامبر فرمود: این هم بشارت است و هم انتقام . خداوند نیز جنگ با مشرکان را بر او مباح ساخت و این آیه را نازل فرمود: پس بکشید مشرکان را هر کجا که آنان را یافتید و دستگیرشان کنید و بر آنان تنگ گیرید و در هر کمینگاهی برای آنان بنشینید<sup>(81)</sup> و آنان را هر جا که بیابید بکشید<sup>(82)</sup> پس خداوند آنان را به دست رسول الله و دوستانش به قتل رساند و این پیروزی را ثواب صبر او قرار داد بعلاوه ثوابی که برای او در آخرت ذخیره کرده است . پس کسی که صبر کند و امید ثواب داشته باشد از این دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه خداوند چشمانش را (به نابودی دشمنانش ) روشن می کند (او را درباره دشمنانش دلشاد می کند) بعلاوه اینکه برای او در آخرت ثوابی ذخیره می سازد .

**حدیث:**

- 247 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : سیاتی علی الناس زمان لا ینال فیہ الملك الا بالقتل - الی ان قال : - فمن ادرك ذلك الزمان فصبر علی الفقر و هو یقدر علی الغنی و صبر علی البغضه و هو یقدر علی المحبه و صبر علی الذل و هو یقدر علی العز آتاه الله ثواب خمسين صديقا ممن صدق بی.

**ترجمه:**

- 247 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی زمانی بر مردمان خواهد آمد که در آن زمان کسی به پادشاهی نمی رسد مگر با کشتن - تا آنجا که فرمود: - پس کسی که آن زمان را دریابد باید بر تنگدستی صبر کند با اینکه توانایی ثروتمند شدن را دارد و باید بر دشمنی صبر کند با اینکه توانایی محبت را دارد و بر خواری صبر کند با اینکه می تواند عزیز باشد، در این صورت خداوند به او پاداش پنجاه صدیقی که مرا تصدیق نموده اند را عطا می کند .

**حدیث:**

- 248 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : الق عنك واردات الهموم بعزائم الصبر عود نفسك الصبر فنعم الخلق الصبر و احملها علی ما اصابك من احوال الدنيا و همومها.

**ترجمه:**

- 248 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: با اراده های آهین صبر غمهایی را که بر تو وارد می شوند دور بیفکن ، نفس خود را به شکیبایی عادت ده که شکیبایی اخلاقی نیکوست و آن را در ترسها و اندوه های دنیا که به تو رسیده است به مشقت بیفکن .

**حدیث:**

- 249 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان استطعت ان تعمل بالصبر مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فان فی الصبر علی ما تكره خيرا كثيرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب (فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا)

**ترجمه:**

- 249 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور<sup>(83)</sup> داشته باشی چنین کن و اگر توان آن را نداری (باز هم ) صبر کن زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایند توست خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است) همانا با سختی آسانی و گشایشی هست همانا با سختی گشایشی است<sup>(84)</sup>.

**حدیث:**

- 250 عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : انی لاصبر من غلامی هذا و من اهلی علی ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصیره درجه الصائم القائم و درجه الشهید الذی قد ضرب بسیفه قدام محمد صلی الله علیه و آله.

**ترجمه:**

- 250 امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: من از (کارهای ) این غلام و (کارهای ) خانواده خود بر اموری صبر می کنم که از حنظل (هندوانه ابوجهل ) برای من تلخ تر است (ولی با این وجود در برابر کارها و سخنان آن صبر می کنم ) زیرا کسی که صبر پیشه کند به خاطر صبرش به درجه روزه داری که به عبادت ایستاده و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر زده نائل می شود .

**حدیث:**

- 251 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان.

**ترجمه:**

- 251 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد .

**حدیث:**

- 252 و قال علیه السلام : من لم ینجه الصبر اهلکه الجزع.



ترجمه:

252- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که صبر وی را نجات نبخشد جزع و بی تابی او را از پای در می آورد .

حدیث:

253- وقال علیه السلام : الصبر يناضل الحدثان و الجزع من اعوان الزمان.

ترجمه:

253- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر به سوی سختی های زمانه تیر می افکند و بی تابی از یاری کنندگان زمانه است .

حدیث:

254- عن الصادق علیه السلام : انه جاءت اليه امراه فقالت : ان ابني سافر عني و قد طالت غيبته غني و اشتد شوقى اليه فادع الله لي فقال لها: عليك بالصبر فاستعملته ثم جاءت بعد ذلك ففشكت اليه طول غيبه ابنها فقال لها: الم اقل لك عليك بالصبر؟ فقالت : يا ابن رسول الله كم الصبر؟ فو الله لقد فنى الصبر فقال : ارجعى الى منزلك تجدى ولدك قد قدم من سفره فنهضت فوجدته قد قدم فانت به اليه فقالت : اوحى بعد رسول الله صلى الله عليه و آله ؟ قال : لا و لكن عند فناء الصبر ياتى الفرج فلما قلت : فنى الصبر عرفت ان الله قد فرج عنك بقدم ولدك.

ترجمه:

254- روایت است که زنی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: پسر من از نزد من به سفر رفته و غیبتش طولانی شده و شوق بسیاری به دیدنش یافته ام ، در درگاه خداوند برآیم دعا کن . حضرت فرمود: بر تو باد صبر پس صبر را در زندگی ات به کار گیر. پس از چندی باز آن زن آمد و نزد آن حضرت از طولانی شدن غیبت پسرش شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا نگفتم که صبر را پیشه کنی ؟ زن عرض کرد: ای فرزند رسول خدا چقدر صبر؟ به خدا سوگند که صبر به سر آمد حضرت فرمود: به منزلت برگردد. می بینی که فرزندت از سفر بازگشته ، زن برخاست و رفت و دید که فرزندش بازگشته پس همراه با او نزد حضرت آمدند و عرض کرد: آیا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می آید؟ حضرت فرمود: خیر ولی هنگام به سر آمدن صبر گشایش می رسد چون تو گفتی که : صبرم تمام شد دانستم که خداوند با آمدن فرزندت گشایشی برایت حاصل نموده .

26- باب استحباب الحلم

26- باب استحباب بردباری

حدیث:

255- عن محمد بن عبدالله ( عبيدالله ) قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون الرجل عابدا حتى يكون حليما و ان الرجل كان اذا تعبد في بنى اسرائيل لم يعد عابدا حتى يصمت قبل ذلك عشر سنين.

ترجمه:

255- محمد بن عبدالله یا عبيدالله گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: مرد عابد شمرده نمی شود مگر اینکه بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که هرگاه مردی مدتی به عبادت می پرداخت عابد شمرده نمی شد مگر اینکه پیش از آن ده سال را در سکوت به سر برده باشد.

حدیث:

256- عن ابى جعفر عليه السلام قال : كان على بن الحسين عليه السلام يقول : انه ليعجبني الرجل ان يدرکه حلمه عند غضبه.

ترجمه:

256- امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن حسین علیه السلام می فرمود: همانا مردی که بردباری اش در هنگام خشمش او را درآید مرا شگفت زده می کند .

حدیث:

257- عن ابى جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله يحب الحيى الحليم العفيف المتعفف.

ترجمه:

257- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دوست می دارد کسی را که با حیا، بردبار، پاکدامن و باز ایستنده از حرام باشد .

حدیث:

258- عن حفص بن ابى عايشه قال : بعث ابو عبدالله عليه السلام غلاما له في حاجه فابطا فخرج على اثره لما ابطاه فوجده نائما فجلس عند راسه يروحه حتى انتبه فقال له ابو عبدالله عليه السلام يا فلان و الله ما ذلك لك تمام الليل و النهار لك الليل و لنا منك النهار.

ترجمه:

- 258 حفص بن ابی عایشه گوید : امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکاران را در پی حاجتی فرستاد، خدمتکار کندی نموده و دیر کرد پس حضرت به دنبال او روانه شد پس او را یافت در حالی که به خواب رفته بود حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن او نمود تا اینکه خدمتکار بیدار شد، حضرت فرمود: ای فلانی ! به خدا که درست نیست که هم شب و هم روز بخوابی بلکه شب برای خودت ولی روز را برای ما باش .

**حدیث:**

- 259 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله يحب الحیى الحلیم.

**ترجمه:**

- 259 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند انسان با حیا و بردبار را دوست می دارد .

**حدیث:**

- 260 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما اعز الله بجهل قط و لا اذل بحلم قط.

**ترجمه:**

- 260 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هرگز خداوند کسی را به خاطر نادانی اش عزیز نگردانده و کسی را به خاطر بردباری اش ذلیل و خوار نکرده است .

**حدیث:**

- 261 قال ابو عبدالله عليه السلام : كفى بالحلم ناصرا و قال : اذا لم تكن حليما فتحلم.

**ترجمه:**

- 261 امام صادق علیه السلام فرمود: بردباری به عنوان یاری کننده کافی است . و فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار .

**حدیث:**

- 262 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اذا وقع بين رجلين منازعه نزل ملكان فيقولان للسفيه منهما: قلت و قلت و انت اهل لما قلت و ستجزي بما قلت و يقولان للحلم منهما: صبرت و حلمت سيغفر لك ان اتممت ذلك و ان رد الحليم عليه ارتفع الملكان.

**ترجمه:**

- 262 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بین دو نفر نزاع و کشمکش صورت می گیرد دو فرشته فرود می آیند پس آن دو فرشته به نفری که نادان است می گویند: (تو به برادر دینی ات ) گفتی و گفتی در حالی که تو خود سزاوار حرفهایی که گفته ای هستی و به زودی به سبب آنچه که گفته ای جزا می بینی و به نفری که بردبار است گویند: صبر و بردباری نمودی به زودی اگر تا پایان نزاع چنین باشی مشمول غفران الهی قرار خواهی گرفت و اگر شخص بردبار پاسخ نادان را بدهد (و با او مقابله به مثل کند) آن دو فرشته (باز می گردند و) بالا می روند .

**حدیث:**

- 263 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلي عليه السلام قال : يا علي الا اخبركم باشبهكم بي خلقا؟ قالوا بلى يا رسول الله : قال : احسنكم خلقا و اعظمكم حلما و ابركم بقرايته و اشدكم من نفسه انصافا.

**ترجمه:**

- 263 امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر صلى الله عليه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آیا شما را نسبت به کسی که از نظر اخلاق از همه شما به من شبیه تر است آگاه سازم ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: آنکه خلقش از همه نیکوتر و بردباری اش از همه بیشتر و نسبت به خویشاوندانش از همه نیکوکارتر و انصافش درباره خود از همه سخت تر باشد .

**حدیث:**

- 264 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كلمتان غريبتان فاحتملوهما كلمة حكمه من سفیه فاقبلوها و كلمة سفه من حكيم فاغفروها.

**ترجمه:**

- 264 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: دو سخن ، نادر و شگفت انگیز است آن دو را برداشته و تحمل کنید یکی سخن حکمت آموزی که نادانی صادر شود به این سخن روی آورید و دیگری سخن نابخردانه ای که از حکیمی صادر شود از این سخن چشم پوشی کنید .

**حدیث:**

- 265 عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده عليه السلام عن علی عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما جمع شیء الى شیء افضل من حلم الى علم.

**ترجمه:**

- 265 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از جدش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هیچ چیزی با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان از جمع بردباری و دانش برتر باشد .

**حدیث:**

- 266 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام عن علی عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله

عليه و آله : و الذي نفسى بيده ما جمع شىء الى شىء افضل من حلم الى علم.

ترجمه:

- 266 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از على عليه السلام روايت كند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سوگند به خدايى كه جانم در دست اوست هيچ چيزى كه با چيز ديگر جمع نشده كه جمعشان برتر از جمع بردبارى و علم باشد .

حديث:

- 267 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : اول عوض الحليم من حلمه ان الناس انصاره على الجاهل.

ترجمه:

- 267 امير المؤمنين عليه السلام فرمود: اولين عوضى كه شخص بردبار از بردبارى اش مى برد اين است كه مردم بر عليه نادان يارى كننده او مى شوند.

حديث:

- 268 و قال عليه السلام : ان لم تكن حليما فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا و اوشك ان يكون منهم.

ترجمه:

- 268 امير المؤمنين عليه السلام فرمود: اگر بردبار نيستى خود را به بردبارى وادار زيرا كم اتفاق مى افتد كه كسى خود را شبیه گروهى سازد جز اينكه نزيك است كه جزء آنان شود.

- 27 باب استحباب الرفق فى الامور

- 27 باب استحباب مدارا نمودن در كارها

حديث:

- 269 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الرفق يمن و الخرق شوم.

ترجمه:

- 269 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: مدارا نمودن مایه برکت و درشتى كردن مایه شومى است .

حديث:

- 270 عن ابى جعفر عليه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق و يعطى على الرفق ما لا يعطى على العنف.

ترجمه:

- 270 امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند نرم رفتار است و نرمى را دوست دارد و بر مدارا و نرمى پاداشى عطا مى كند كه بر سخت گيرى و درشتى چنين پاداشى نمى دهد .

حديث:

- 271 عن ابى جعفر عليه السلام قال : ان لكل شىء قفلا و قفل الايمان الرفق.

ترجمه:

- 271 امام باقر عليه السلام فرمود: هر چيزى قفلى دارد و قفل ايمان مدارا كردن و نرمى است (يعنى همچنانكه قفل باعث محفوظ ماندن است مدارا هم مایه حفظ ايمان است .)

حديث:

- 272 قال ابو جعفر عليه السلام : من قسم له الرفق قسم له الايمان.

ترجمه:

- 272 امام باقر عليه السلام فرمود: كسى كه برايش مدارا تقسيم شده ايمان براى وى تقسيم گرديده .

حديث:

- 273 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ايما اهل بيت اعطوا حظهم من الرفق فقد وسع الله عليهم فى الرزق و الرفق فى تقدير المعيشه خير من السعه فى المال و الرفق لا يعجز عنه شىء و التبذير لا يبقى معه شىء ان الله عزوجل رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 273 امام صادق عليه السلام فرمود: هر اهل خانه اى كه بهره اى از نرمى و مدارا نصيبشان گشته خداوند روزى آنان را وسعت دهد و مدارا در تدبير زندگانى بهتر از وسعت در مال است و هيچ چيز از مدارا عاجز و وامانده نمى شود و با اسراف چيزى باقى نمى ماند و خداوند عزوجل مدارا كننده است و مدارا را دوست مى دارد .

حديث:

- 274 عن ابى جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لو كان الرفق خلقا یری ما كان مما خلق الله شىء احسن منه.

ترجمه:

- 274 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: اگر مدارا مخلوقى بود كه دیده مى شد هيچ مخلوقى از مخلوقات خدا از او نيكوتر نبود .

حديث:

- 275 عن ابى الحسن عليه السلام قال : الرفق نصف العيش.

ترجمه:

- 275 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مدارا (به منزله) نیمی از خوشگذرانی است .

حدیث:

- 276 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 276 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث:

- 277 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان لم يوضع على شىء الا زانه و لانزع من شىء الا شانه.

ترجمه:

- 277 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا مدارا بر چیزی نهاده نشد جز اینکه به آن زینت بخشید و از چیزی جدا نشد جز اینکه آن را زشت نمود .

حدیث:

- 278 عن النبي صلى الله عليه وآله قال : ان فى الرفق الزيادة و البركه و من يحرم الرفق يحرم الخير.

ترجمه:

- 278 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در مدارا کردن زیادت و برکت وجود دارد و کسی که از مدارا محروم است از خیر و خوبی محروم است .

حدیث:

- 279 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما زوى الرفق عن اهل بيت الازوى عنهم الخير.

ترجمه:

- 279 امام صادق علیه السلام فرمود: سازگاری و مدارا از اهل هیچ خانه ای باز داشته نشده جز اینکه آنان از خیر و خوبی محروم و بی بهره گشته اند .

حدیث:

- 280 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال لى - و جرى بينى و بين رجل من القوم كلام - فقال لى : ارفق بهم فان كفر احدهم فى غضبه و لاخیر فيمن كان كفره فى غضبه.

ترجمه:

- 280 راوی گوید: بین من و مردی از قوم سخنی در گرفت امام رضا علیه السلام به من فرمود: با آنان مدارا کن زیرا از آنان کسی هست که در حال خشم کارش به کفر می انجامد و کسی که در حال خشم کافر شود خیری در او نیست .

حدیث:

- 281 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله رفيق يحب الرفق و يعين عليه.

ترجمه:

- 281 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد و (آدمی را) بر مدارا یاری می کند .

حدیث:

- 282 و قال صلى الله عليه وآله : ما اصطحب اثنان الا كان اعظمهما اجرا و احبهما الى الله ارفقهما بصاحبه.

ترجمه:

- 282 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو نفر با یکدیگر مصاحبت نکرده اند جز اینکه آن کس که با دیگری مدارا کننده تر است در نزد خداوند پاداشش بزرگتر و محبوبتر است .

حدیث:

- 283 عن احدهما علیه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 283 امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست دارد .

حدیث:

- 284 عن الفضيل بن عثمان قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من كان رفيقا فى امره نال ما يريد من الناس.

ترجمه:

- 284 فضیل بن عثمان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که در کارش اهل مدارا باشد به آنچه از مردم می خواهد نائل می شود .

- 28 باب استحباب التواضع

- 28 باب استحباب فروتنی نمودن

حدیث:

- 285 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فى السماء ملكين موكلين بالعباد فمن تواضع لله رفعا و من تكبر و ضعا.

ترجمه:

- 285 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در آسمان دو فرشته اند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر که برای خدا فروتنی کند بالایش می برند و هر که تکبر ورزد فرودش آورند .

**حدیث:**

- 286 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فیما اوحی الله عزوجل الی داود علیه السلام یا داود: کما ان اقرب الناس من الله المتواضعون كذلك ابعده الناس من الله المتکبرون.

**ترجمه:**

- 286 امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه که خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمود آمده است : ای داود! همچنانکه نزدیکترین مردمان به خدا فروتنان هستند دورترین مردم از خدا متکبرانند .

**حدیث:**

- 287 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث قال : فاوحی الله الی الجبال انی واضع سفینه نوح عبیدی علی جبل منکن فتطاولت و شمخت و تواضع الجودی و هو جبل عندکم فضربت السفینه بجوجوها الجبل.

**ترجمه:**

- 287 امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند به کوهها وحی فرستاد که من کشتی بنده خود نوح را بر کوهی از کوهها خواهم نهاد پس کوهها گردنکشی و تکبر نمودند و تنها کوه جودی که کوهی در نزد شماست فروتنی نمود پس آن کشتی نیز سینه خود را بر همان کوه نهاد.

**حدیث:**

- 288 عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یذکر انه اتی رسول الله صلی الله علیه و آله ملک فقال : ان الله یخیرک ان تكون عبدا رسولا متواضعا او ملکا رسولا قال : فنظر الی جبرئیل و اوما بیده ان تواضع . فقال : عبدا متواضعا رسولا فقال الرسول : مع انه لا ینقصک مما عند ربک شیئا قال : و معه مفاتیح خزائن الارض.

**ترجمه:**

- 288 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فرشته ای به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خداوند تو را مخیر ساخته که بنده ای و رسولی متواضع باشی یا فرشته ای رسول باشی . پس حضرت نگاهی به جبرئیل افکند (که چه جوابی به این فرشته دهم ؟) جبرئیل علیه السلام با دست خویش اشاره کرد که تواضع و فروتنی را اختیار کن ، پس پیامبر فرمود: می خواهم بنده ای متواضع و رسول خدا باشم . آن فرشته پیام آور گفت : با این همه هیچ چیز از آنچه در نزد پروردگارت (برای تو) وجود دارد کاسته نمی شود حضرت فرمود: (آری می دانم که ) کلیدهای تمامی خزائن زمین در اختیار پروردگارم می باشد .

**حدیث:**

- 289 عن ابی الحسن علیه السلام قال : التواضع ان تعطی الناس ما تحب ان تعطاه.

**ترجمه:**

- 289 امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع آن است که آنچه را که دوست می داری مردم به تو عطا کنند تو به مردم عطا کنی .

**حدیث:**

- 290 فی حدیث آخر قال علیه السلام : التواضع درجات منها ان يعرف المرء قدر نفسه فینزلها منزلتها بقلب سلیم لایحب ان یاتی الی احد الا مثل ما یوتی الیه ان رای سیئه دراهها بالحسنه کاظم الغیظ عاف عن الناس و الله یحب المحسنین.

**ترجمه:**

- 290 در حدیث دیگری فرمود: تواضع درجات و مراتبی دارد یکی از آن مراتب این است که شخص قدر خود را بشناسد و با دلی سالم نفس خود را در منزلت و مقام واقعی اش جاری دهد (چنین کسی دوست نمی دارد که برای کسی چیزی پیش آید مگر همانند همان چیزی که برای خودش پیش می آید، اگر بدی ای ببیند آن را با خوبی دفع می کند، فرو خورنده خشم است ، چشم پوشی کننده از (بدی ) مردمان است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

**حدیث:**

- 291 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی و الله لو ان الوضیع فی قعر بئر لبعث الله عزوجل الیه ریحاً ترفعه فوق الاخیار فی دولة الاشرار.

**ترجمه:**

- 291 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! به خدا سوگند که اگر شخص فروتن در ته چاهی باشد خداوند عزوجل بادی را به سوی او می فرستد تا او را بالا بیاورد و در دولت نابکاران او را در منزلتی بالاتر از نیکان جای دهد .

**حدیث:**

- 292 عن الحسن بن الجهم قال سألت الرضا علیه السلام فقلت له : جعلت فداک ما حد التوکل ؟ فقال لی : ان لاتخاف مع الله احدا قال : قلت : جعلت فداک فما حد التواضع ؟ فقال : ان تعطی الناس من

نفسك ما تحب ان يعطوك مثله قلت : جعلت فداك اشتهى ان اعلم كيف انا عندك ؟ فقال : انظر كيف انا عندك ؟

ترجمه:

292- حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که: فدایت شوم حد توکل چیست؟ حضرت فرمود: اینکه با وجود خدا از هیچ نترسی، عرض کردم: فدایت شوم حد تواضع چیست؟ حضرت فرمود: اینکه از جانب خود به مردم چیزی عطا کنی که دوست داری همانند آن را به تو عطا کند. عرض کردم: فدایت شوم دوست دارم که بدانم من در نزد تو چگونه ام؟ حضرت فرمودن بنگر که من در نزد تو چگونه ام؟

حدیث:

293- عن ابی عبدالله علیه السلام عن آباءه علیه السلام قال : ان من التواضع ان یرضی بالمجلس دون المجلس و ان یسلم علی من یلقى و ان یترك المرء و ان کان محقا و لاتحب ان تحمد علی التقوی.

ترجمه:

293- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: همانا از تواضع شمرده می شود اینکه شخص به جایگاهی نه جایگاه دیگر خوشنود باشد (یعنی در وارد شدن به مجلسی برای نشستن به همان جای خالی خوشنود باشد و هوس جای بالاتر را در سر نداشته باشد) و دیگر اینکه به هر کس که برخورد می کند سلام کند و جدال را ترك کند اگر چه حق با او باشد و دوست نداشته باشی که به خاطر تقوا و پرهیز کاریت مورد حمد و ستایش قرار بگیری.

29- باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه

29- باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می شود

حدیث:

294- عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث جعفر بن ابی طالب مع النجاشی ملك الحبشه ان النجاشی قال : انا نجد فیما انزل الله علی عیسی علیه السلام ان مع حق الله علی عباده ان یحدثوا لله تواضعا عند ما یحدث لهم من نعمه فلما بلغ النبی صلی الله علیه و آله قال لاصحابه : ان الصدقه تزيد صاحبه رفعة فتواضعوا یرفعکم الله و ان العفو یزید صاحبه عزا فاعفوا یعزکم الله.

ترجمه:

294- امام صادق علیه السلام درباره واقعه دیدار و گفتگوی جعفر بن ابی طالب با نجاشی پادشاه حبشه، فرمود: نجاشی گفت: ما مسیحیان در کتابی که خداوند بر عیسی علیه السلام نازل فرموده یافته ایم که یکی از حقوق خداوند بر بندگانش این است که هرگاه نعمتی جدید به آنان می بخشد آنان نیز در برابر او تواضع و فروتنی جدیدی داشته باشند (زمانی که این سخن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید حضرت به اصحاب خود فرمود: همانا صدقه ماهه زیادت (مال و عمر) برای صدقه دهنده می گردد پس صدقه پردازید تا خدای بر شما رحم آورد و همانا تواضع ماهه زیادت مقام و مرتبه شخص متواضع می گردد پس تواضع کنید تا خدای شما را بلندمرتبه گرداند و همانا عفو و بخشش به عفو کننده عزت می بخشد پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

30- باب تاكد استحباب التواضع للعالم و المتعلم

30- باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز

حدیث:

295- عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لاتکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم.

ترجمه:

295- معاویه بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دانش بجوید و همراه با دانش، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش نباشید که در نتیجه، کار باطل شما (عمل و گفته) حق شما را از بین می برد.

حدیث:

296- قال عیسی ابن مریم علیه السلام للحواریین : لی الیکم حاجه اقصوها لی فقالوا: قضیت حاجتک یا روح الله فقام فغسل اقدامهم فقالوا کنا احق بهذا منك فقال : ان احق الناس بالخدمه العالم انما تواضعت هكذا لکیما تتواضعوا بعدی فی الناس کتواضعی لکم ثم قال عیسی علیه السلام : بالتواضع تعمر الحکمه لا بالتکبر و كذلك فی السهل ینبت الزرع لا فی الجبل.

ترجمه:

296- عیسی بن مریم علیه السلام به اصحاب و حواریون خود فرمود: من از شما خواسته ای دارم خواسته ام را برایم برآورده سازید. گفتند: ای روح الله! خواسته ات رواست. پس حضرت برخاست و پاهای آنان را شست، آنان گفتند: ما به این کار سزاوارتریم از شما (و ما باید پاهای مبارک تو را بشوئیم) حضرت فرمود: همانا سزاوارترین مردم در خدمتگزار بودن، شخص عالم است و من در برابر شما اینگونه تواضع نمودم تا شما نیز پس از من همانند تواضع مرا در میان مردم داشته باشید. سپس فرمود: علم و حکمت به وسیله تواضع آباد می شود نه با تکبر و همچنین است که در دشت گیاه می روید نه در کوه سخت.

- 31 باب استحباب التواضع فى الماكل و المشرب و نخوهما  
- 31 باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها

حدیث:

- 297 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افطر رسول الله صلى الله عليه و آله عشيہ خمیس فی مسجد قبا فقال : هل من شراب ؟ فاتاه اوس بن خولی الانصارى بعس مخيض بعسل فلما وضعه علی فیه نجاه ثم قال : شرابان یکتفی باحدهما من صاحبه لا اشربه و لا احرمه و لكن اتواضع لله فانه من تواضع لله رفعه الله و من تكبر خفضه الله و من اقتصد فی معیشته رزقه الله و من بذر حرمه الله و من اكثر ذكر الموت احبه الله.

ترجمه:

- 297 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله در شبانگاه پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار می نمود پس فرمود: آیا نوشیدنی ای هست ؟ پس اوس بن خولی انصاری کاسه ای بزرگ شیر آمیخته شده با عسل را به خدمت حضرت آورد. حضرت کاسه را به دهان مبارك نزدیک فرمود و سپس آن را کنار گذاشت و فرمود: این دو نوشیدنی است که می توان به یکی از این دو اکتفا نمود: من نه آن را می نوشم و نه تحریم می کنم ولی به خاطر خدا تواضع می کنم زیرا کسی که به خاطر خدا تواضع کند خداوند او را بالا می برد و کسی که تکبر ورزد خداوند او را به زیر می کشد و کسی که در زندگانی بین میانه روی پیشه کند خداوند روزی اش می بخشد و کسی که اسراف کند خداوند محرومش می سازد و کسی که زیاد مرگ را یاد کند خداوند او را دوست می دارد.

حدیث:

- 298 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مر علی بن الحسین علیه السلام علی المجذمین و هو راكب حماره و هم يتغدون فدعوه الى الغداء فقال : اما لو لا انی صائم لفعلت فلما صار الى منزله امر بطعام فصنع و امر ان يتنوقوا فیه ثم دعاهم فتغدوا عنده و تغدى معهم.

ترجمه:

- 298 امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در حالی که بر الاغی سوار بود به گروهی که بیماری خوره داشتند و در حال چاشت خوردن بودند گذر کرد آنان حضرت را به چاشت دعوت کردند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم دعوت شما را اجابت می کردم . (حضرت از آنان خداحافظی نمود) و وقتی که به منزل رسید دستور داد غذایی آماده کردند و فرمود که آن را نیکو بپزند سپس آن بیماران جذامی را به طعام دعوت کرد و همراه آنان به خوردن نشست.

حدیث:

- 299 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : القناعه مال لا ینفد.

ترجمه:

- 299 علی علیه السلام فرمود: قناعت مالی است که تمام شدنی نیست .

- 32 باب وجوب ایثار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس

- 32 باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی از هوای نفس

حدیث:

- 300 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و عظمتی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هوی نفسه الا کففت علیه ضیعته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و کنت له من رواء تجاره کل تاجر.

ترجمه:

- 300 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه حرفه و پیشه اش را برایش فراهم می سازم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش قرار می دهم و من برای او برتر از تجارت هر تاجر خواهم بود .

حدیث:

- 301 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل : و عزتی و جلالی و عظمتی و بهائی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد مومن هوای علی هواه فی شیء من امر الدنيا الا جعلت غناه فی نفسه و همته فی آخرته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و کنت له من رواء تجاره کل تاجر.

ترجمه:

- 301 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و خوبی و نیکویی ام و بلندی مرتبه ام که هیچ بنده مومنی خواسته مرا در هیچیک از امور دنیایی بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه بی نیازی را در نفس او قرار می دهم و همتش را متوجه آخرتش می کنم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش می گردانم و مافوق تجارت هر تاجر بی نفع او خواهم بود.

حدیث:

- 302 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : یقول الله عزوجل : و عزتی و جلالی و کبریائی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا شئت علیه امره و لبست علیه دیناه و شغلت قلبه بها و لم آت منها الا ما قدرت له و عزتی و جلالی و عظمتی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا استحفطته ملائکتی و کفلت السماوات و

الارضين رزقه و كنت له من وراء تجاره كل تاجر و اتته الدنيا و هي راغمه.

ترجمه:

302 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی منشی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواهش نفسانی خویش را بر خواسته من مقدم نمی دارد جز اینکه کارش را پریشان و پراکنده می سازم و دنیایش را بر او مشتبه و درهم بر هم می گردانم و قلبش را به دنیایش مشغول می سازم و (با این همه) به او از دنیا به همان اندازه ای که برایش مقدر نموده ام می دهم و سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خویش مقدم نمی دارد مگر اینکه فرشتگانم را برای حفظ و نگاهداری اش بر می گمارم و آسمانها و زمین را ضامن و عهده دار روزی او قرار می دهم و برای او از (سود) تجارت هر تاجری برتر خواهم بود و چنین کسی دنیا به سراغش می آید در حالی که او دنیا را ناپسند می داند.

حدیث:

303 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : انی لست کل کلام الحکمه اتقیل ، انما اتقیل هواه و همه فان کان هواه و همه فی رضای جعلت همه تقدیسا و تسبیحا.

ترجمه:

303 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: به راستی که اینگونه نیست که من هر سخن حکمت آمیزی را بپذیرم بلکه میل او (گوینده) و همت او را می پذیرم پس اگر میل و همت او در جهت خوشنودی من باشد همت او را (به منزله) تقدیس و تسبیح خود قرار می دهم (تقدیس و تسبیح: به پاکی منسوب کردن، به پاکی یاد کردن).

حدیث:

304 عن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : جاهد هواك كما تجاهد عدوك.

ترجمه:

304 امام باقر علیه السلام فرمود: با هوای نفسانی خود مبارزه کن همانگونه که با دشمنت مبارزه می کنی.

حدیث:

305 عن ابی حمزه قال : سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول : ان الله جل جلاله يقول : و عزتی و جلالی و عظمتی و جمالی و بهائی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا جعلت همه فی آخرته و غناه فی قلبه و کففت عنه ضیعته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و اتته الدنيا و هي راغمه.

ترجمه:

305 ابی حمزه گوید: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرموده: به درستی که خداوند جل جلاله می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و زیبایی و نیکویی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خود مقدم نمی دارد مگر اینکه همت او را متوجه امر آخرتش می گردانم و بی نیازی اش را در درون قلبش جای می دهم و کار و پیشه اش را برایش فراهم می آورم و آسمانها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و دنیا به سوی او می آید در حالی که او نسبت به دنیا بی میل و ناخشنود است.

حدیث:

306 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فی خطبه له : ایها الناس ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان اتباع الهوی و طول الامل فاما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره.

ترجمه:

306 امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: ای مردم! به درستی که ترسناکترین چیزی که از آن بر شما بیمناکم دو چیز است: پیروی هوای نفس و درازی آرزو، اما پیروی از هوای نفس آدمی را از حق باز می دارد و اما درازی آرزو باعث فراموشی آخرت می گردد.

- 33 باب وجوب تدبیر العاقبه قبل العمل

- 33 باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

حدیث:

307 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان رجلا اتی النبی صلی الله علیه و آله فقال له : یا رسول الله اوصنی فقال له : فهل انت مستوص ان انا اوصیتك ؟ حتی قال له ذلك ثلاثا و فی کلها يقول الرجل نعم یا رسول الله فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته فان ینک رشدا فامضه و ان ینک غیا فانتبه عنه.

ترجمه:

307 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت تا سه مرتبه فرمود: آیا اگر تو را سفارشی نمایم سفارشم را می پذیری و به آن عمل می کنی؟

و مرد در هر مرتبه عرض کرد: آری ای رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس من تو را سفارش می کنم که هرگاه آهنگ انجام کاری را نمودی در عاقبت و پایان آن کار اندیشه کن پس اگر انجامش درست و صواب بود انجام بده و اگر ناصواب بود از انجام آن باز ایست.



حدیث:

308 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء و من تورط فی الامور غیر ناظر فی العواقب فقد تعرض لمفطعات النوائب و التدبیر قبل ناظر العمل یومئذ من الندم و العاقل من وعظه التجارب و فی التجارب علم مستانف و فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال.

ترجمه:

308 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: کسی که با نظرات و افکار مختلف روبرو می شود مواضع و جایگاههای خطا را شناسایی می کند و کسی که بدون عاقبت اندیشی خود را گرفتار کارها کند محققا که خود را در معرض کارهای ترسناک و دشوار قرار داده است و عاقبت اندیشی پیش از عمل تو را از پشیمانی ایمن می سازد و خردمند کسی است که تجربه ها او را پند و اندرز دهند و در تجربه ها آگاهی نو و تازه ای وجود دارد و در دگرگونی حالات نسبت به جوهره مردان علم و آگاهی حاصل می شود .

حدیث:

309 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه.

ترجمه:

309 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان شخص عاقل در پشت قلب اوست (ابتدا روی سخن فکر می کند و آن را از قلب می گذراند و سپس بر زبان جاری می کند) و قلب شخص نادان در پشت زبان اوست (پس از سخن گفتن روی آن فکر می کند که آیا ناصواب بوده یا نه).

حدیث:

310 و عنه علیه السلام انه قال : قلب الاحمق فی لسانه و لسان العاقل فی قلبه.

ترجمه:

310 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب شخص نادان در زبان اوست و زبان شخص خردمند در قلب اوست.

حدیث:

311 و قال علیه السلام من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطا.

ترجمه:

311 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که با آراء و نظرات مختلف روبرو باشد به مواضع خطا شناخت پیدا می کند .

حدیث:

312 قال ابو عبد الله علیه السلام : ليس لحاقن رای و لالملول صدق و لا لحسود غنى و ليس بحازم من لا ينظر فی العواقب و النظر فی العواقب تليق للقلوب.

ترجمه:

312 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با بول به او فشار آورده رای (قابل اعتنا و بی نقص) ندارد و کسی که افسرده است دوستی ندارد و حسود بی نیاز نمی شود و کسی که در عاقبت کارها نمی اندیشد دور اندیش و محتاط نیست و اندیشیدن در عاقبت کارها مایه باروری دلها است.

حدیث:

313 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : علمنی یا رسول الله قال : عليك بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنی الحاضر قال : زدنی یا رسول الله صلى الله عليه و آله قال : ایاك و الطمع فانه الفقر الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : اذا هممت بامر فتدبر عاقبته فان يك خيرا و رشدا فاتبعه و ان يك غیا فاجتنبه.

ترجمه:

313 امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا مرا دانشی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد به نومیدی نسبت به آنچه که در دستان مردمان است زیرا این روحیه بی نیازی و ثروتی حاضر و آماده است . عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این بفرما. حضرت فرمود: بر حذر باش از طمع زیرا طمع و آزمندی فقری حاضر و آماده است ، عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این برایم بفرما. حضرت فرمود: هرگاه قصد انجام دادن کاری را نمودی با دقت در عاقبت آن کار اندیشه کن پس اگر خیر و هدایت در آن باشد آن را پی گیری کن و اگر مایه گمراهی باشد از انجام آن خودداری نما.

34 باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس

34 باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد

حدیث:

314 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : من انصف الناس من نفسه رضی به حکما لغیره.

ترجمه:

314 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مردم درباره خود به انصاف رفتار کند مردم درباره او به داور و میانجی بودن برای دیگران خوشنودند .

حدیث:

315 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : سيد الاعمال انصاف

الناس من نفسك و مواساه الاخ في الله و ذكر الله على كل حال.

ترجمه:

- 315 امام صادق عليه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سید و سرور همه کارها سه چیز است: به انصاف رفتار کردن با مردم درباره خود و یاری نمودن برادر دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در هر حال.

حدیث:

- 316 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی کلام له : الا انه من ینصف الناس من نفسه لم یزده الله الا عزا.

ترجمه:

- 316 امام باقر علیه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هر کس درباره خود با مردم به انصاف رفتار کند خداوند چیزی جز عزت و سربلندی به او نمی افزاید.

حدیث:

- 317 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاث هم اقرب الخلق الی الله یوم القیامه حتی یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدره فی حال غضبه ان یحیف علی من تحت یده و رجل مشی بین اثین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال بالحق فیما له و علیه.

ترجمه:

- 317 امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت نزدیکترین کسان به خداوند می باشند تا زمانی که خداوند از حساب مردمان فارغ شود: یکی کسی که قدرت و توانایی اش او را در حال خشم به سوی ستم نمودن به زیر دستانش نمی خواند و دیگری کسی که بین دو نفر رفت و آمد می کند ولی حتی به اندازه يك دانه جو به یکی از آن دو بر علیه دیگری تمایل پیدا نمی کند و دیگری کسی که حق را می گوید خواه به نفع او یا ضرر او باشد.

حدیث:

- 318 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من واسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا.

ترجمه:

- 318 امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مومن حقیقی کسی است که به فقیر کمک مالی کند و درباره خود با مردم به انصاف رفتار کن.

حدیث:

- 319 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی آخر خطبته : طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجیته و صلحت سریرته و حسنت علانیته و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من قوله و انصف الناس من نفسه.

ترجمه:

- 319 امام سجاد علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در آخر خطبه اش می فرمود: خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه و خوی و طبیعتش پاک و باطنش با صفا و ظاهرش نیکو باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از زیاد سخن گفتن خودداری کند و درباره خود با مردمان منصفانه برخورد کند.

حدیث:

- 320 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من یضمن لی اربعه باربعه ابیات فی الجنه ؟ انفق و لاتخف فقرا و افش السلام فی العالم و اترك المراء و ان کنت محقا و انصف الناس من نفسك.

ترجمه:

- 320 امام صادق علیه السلام فرمود: کیست که چهار چیز را در برابر چهار خانه بر من ضمانت کند؟ انفاق کن و از فقر نترس ، و سلام را آشکارا بر زبان آور، و جدال را ترك کن اگر چه حق با تو باشد، و درباره خودت با مردم به انصاف رفتار کن.

حدیث:

- 321 عن یوسف البزاز قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما تدارا اثنان فی امر قط فاعطی احدهما النصف صاحبه فلم یقبل منه الا ادیل منه.

ترجمه:

- 321 یوسف بزاز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگز دو نفر با یکدیگر در کاری به خصومت بر نخاسته اند که یکی در مورد دیگری جانب انصاف را رعایت کند و او نپذیرد جز اینکه خداوند شخص منصف را بر دیگری چیره می گرداند.

حدیث:

- 322 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لله جنه لا یدخلها الا ثلاثه احدهم من حکم فی نفسه بالحق.

ترجمه:

- 322 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند بهشتی هست که جز سه کس به آن بهشت داخل نشوید یکی از آنان کسی است که در مورد خود به حق حکم کند.

حدیث:

323 - عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام قال : الاخبرك باشد ما افترض الله علی خلقه ؟ انصاف الناس من انفسهم و مواساه الاخوان فی الله عزوجل و ذكر الله عزوجل علی كل حال فان عرضت له طاعه عمل بها و ان عرضت له معصیه تركها.  
ترجمه:

323 امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به تو در مورد سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخت خبر دهم؟ منصفانه رفتار کردن درباره خود با مردمان و یاری رساندن به برادران در راه خدا عزوجل و به یاد خدا بودن در هر حالی، پس اگر طاعتی به وی عرضه گردید به آن عمل کند و اگر گناهی به او عرضه شد آن را ترك گوید.

حدیث:

324 - عن علی بن میمون الصائغ قال : سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام یقول : من اراد ان یسکنه الله جنته فلیحسن خلقه و لیعط النصفه من نفسه و لیرحم الیتیم و لیعن الضعیف و لیتواضع لله الذی خلقه.

ترجمه:

324 - علی بن میمون صائغ (زرگر) گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که می خواهد که خداوند او را در بهشتش جای دهد پس باید اخلاقش را نیکو سازد و درباره خود منصفانه رفتار کند و به یتیم ترحم آورد و ناتوان را یاری دهد و برای خداوندی که او را آفریده است فروتنی و تواضع کند.



حدیث:

325 - عن معاویه عن ابیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ناصح الله عبد فی نفسه فاعطى الحق منها و اخذ الحق لها الا اعطى خصلتین رزقا من الله یسعه و رضا عن الله یغنیه.

ترجمه:

325 - معاویه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای خالصانه در درون خود به خداوند روی نیاورده است تا در نتیجه حق نفس را به او عطا کند و حقی را که از آن نفس است برای او بستاند جز اینکه (اگر چنین باشد) دو خصلت به او بخشیده می شود: یکی روزی ای از جانب خداوند که وی را در فراخی (و آسایش) قرار می دهد و دیگری رضایت و خوشنودی از خداوند که او را (از همه چیز) بی نیاز می سازد.

حدیث:

326 - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من واسی الفقیر و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا.

ترجمه:

326 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به فقیر کمک مالی کند و در مورد خود با مردم منصف باشد چنین کسی مومن حقیقی است.

35 باب انه یحب علی المومن ان یحب للمومنین ما یحب لنفسه و ویکره لهم ما یکره لها  
35 باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد

حدیث:

327 - جاء اعرابی الی النبی صلی الله علیه و آله فقال : یا رسول الله علمنی علما ادخل به الجنة فقال : ما احببت ان یاتیه الناس الیک فاته الیهم و ما کرهت ان یاتیه الناس الیک فلا تاته الیهم.

ترجمه:

327 - عربی به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا عملی بیاموز که به سبب آن به بهشت داخل شوم. حضرت فرمود: آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آور و آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آورند درباره آنان به جای نیاور.

حدیث:

328 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوحی الله الی آدم علیه السلام انی ساجم لك الکلام فی اربع کلمات - الی ان قال : - و اما التی بینک و بین الناس فترضی للناس ما ترضی لنفسک و تکره لهم ما تکره لنفسک.

ترجمه:

328 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به حضرت آدم علیه السلام وحی فرستاد که من تمامی سخنی را که با تو دارم در چهار سخن جمع می کنم - تا آنجا که فرمود: - و اما آنچه که بین تو و بین

مردمان باید باشد این است که برای مردم به چیزی خوشنود شوی که برای خودت به آن خشنود می گردی و برای آنان چیزی را ناپسند شمی که برای خودت آن را ناپسند می شمی .

- 36 باب استحباب اشتغال الانسان بعيب نفسه عن عيب الناس  
- 36 باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران بپردازد به عیب خود مشغول باشد  
حدیث:

- 329 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ثلاث خصال من كن فيه او واحده منهن كان في ظن عرش الله يوم لا ظل الا ظله رجل اعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم و رجل لم يقدم رجلا و لم يوخر رجلا حتى يعلم ان ذلك لله رضا و رجل لم يعب اخاه المسلم بعيب حتى ينفي ذلك العيب عن نفسه فانه لا ينفي منها عيبا الا بداله عيب و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس

ترجمه:

- 329 امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت وجود دارد که هر کس این سه خصلت یا یکی از آنها در او باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست در زیر سایه عرش الهی خواهد بود: یکی کسی که به مردم از جانب خود چیزی را عطا کند که خود نیز درخواست کننده آن چیز از مردمان است و دیگر کسی که قدمی از قدمی بردارد مگر اینکه بداند که این قدم برداشتنش رضایت و خوشنودی خداوند را در پی دارد و دیگر کسی که از برادر مسلمان خود عیبجویی نکند مگر زمانی که آن عیب دیگری برایش ظاهر می شود (پس همواره مشغول به بر طرف کردن عیوب خویش است و با عیب دیگران کاری ندارد) و همین برای مرد کافی است که به خود مشغول باشد نه مردمان .

حدیث:

- 330 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعت جابر بن عبدالله الانصاری يقول : ان رسول الله صلى الله عليه و آله مرينا فوقف و سلم ثم قال : ما لي ارى حب الدنيا قد غلب على كثير من الناس ؟ - الی ان قال : - طوبى لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس ، طوبى لمن منعه عيبه عن عيوب المومنين من اخوانه.

ترجمه:

- 330 امام باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما گذر می کرد که ایستاد و سلام کرد و فرمود: چه شده است که می بینم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده است ؟ - تا آنجا که فرمود: - خوشا به حال کسی که بیم از خدا او را به خود مشغول ساخته و از مردم بیم و هراسی ندارد، خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیب جوی برادران مومنین باز داشته است .

حدیث:

- 331 عن ابی جعفر علیه السلام قال : كفى بالمرء عيبا ان يتعرف من عيوب الناس ما يعمي عليه من امر نفسه او يعيب على الناس امرا هو فيه لا يستطيع التحول عنه الی غیره او یوذي جلیسه بما لا يعنيه.

ترجمه:

- 331 امام باقر علیه السلام فرمود: همین عیب برای شخص کافی است که از عیوب مردم عیبی را تشخیص دهد که در مورد خودش آن عیب بر او پوشیده مانده (و تشخیص نمی دهد که این عیب در خود او نیز وجود دارد) یا اینکه عیبی را بر مردم بگیرد که در خود او آن عیب هست و او توانایی بازگشتن از آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان یا کارهای بیهوده آزار دهد .

حدیث:

- 332 عن ابی ذر عن رسول الله صلى الله عليه و آله فی حدیث قال ن قلت : يا رسول الله اوصني قال : اوصيك بتقوى الله فانه راس الامر كله قلت : زدني قال : عليك بتلاوة القرآن و ذكر الله كثيرا قلت ، زدني قال : عليك بطول الصمت قلت : زدني قال : اياك و كثرة الضحك قلت : زدني قال : عليك بحب المساكين و مجالستهم قلت : زدني قال : قل للحق و ان كان مرا قلت : زدني قال : لاتخف فی الله لومه لائم قلت : زدني قال : ليحجزك عن الناس ما تعلم من نفسك و لاتجد عليهم فيما تاتي مثله ثم قال : كفى بالمرء عيبا ان يكون فيه ثلاث خصال : يعرف من الناس ما يجهل من نفسه و يستحیی لهم مما هو فيه و یدذي جلیسه فيما لايعنيه ثم قال : يا ابا ذر لا عقل كالتدبير و لاورع كالكف و لاحسب كحسن الخلق.

ترجمه:

- 332 ابوذر گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوی سر همه کارها(ی شایسته) است ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و زیاد به یاد خدا بودن ، عرض کردم : بیش از این بفرما .فرمود: بر تو باد به سکوت طولانی . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد که فقیران را دوست داشته باشی و با آنان همنشینی کنی ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: حق را بگو اگر چه تلخ باشد. عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس نداشته باش . عرض کردم : بیش از این بفرما .فرمود: باید آن عیبی که از خود سراغ داری تو را از عیبجویی مردم باز دارد، زیرا در آنچه که مثل آن را خود انجام می دهی حجتی بر علیه مردم نمی یابی . سپس فرمود : برای عیناک بودن مرد کافی است که در او سه خصلت باشد:

یکی اینکه عیبی را از مردم بدانند در حالی که (آن عیب در خود او وجود دارد و او) از آن عیب در خود جاهل است و دیگر اینکه از مردم شرم کردن درباره چیزی را درخواست کند که آن چیز در خود او نیز هست و دیگر اینکه همنشین خود را در چیزهای بیهوده آزار دهد. سپس فرمود: ای ابوذر! هیچ عقلی همچون عاقبت اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری ای همچون دست کشیدن (از گناه) نیست و هیچ اصل و تباری مانند خوش خلقی نیست .

**حدیث:**

- 333 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان موسى عليه السلام لما اراد ان يفارق الخضر قال : اوصني فكان فيما اوصاه ان قال له : اياك و اللجاجة و ان تمشي في غير حاجة و ان تضحك من غير عجب و اذكر خطيئتك و اياك و خطايا الناس .

**ترجمه:**

- 333 امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که حضرت موسی علیه السلام می خواست از حضرت خضر علیه السلام جدا شود گفت : مرا سفارشی فرما. حضرت خضر علیه السلام در ضمن توصیه هایش فرمود: از سرسختی و خیره سری بر حذر باش و از اینکه بدون نیاز و حاجتی به دنبال چیزی روی حذر کن و از اینکه بدون تعجب بخندی پرهیز کن و گناهت را یاد کن و از اینکه گناهان مردم را یاد آور شوی بر حذر باش .

**حدیث:**

- 334 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال في النهي عن عيب الناس : و انما ينبغي لاهل العصمه و المصنوع اليهم في السلامه ان يرحموا اهل الذنوب و المعصيه و يكون الشكر هو الغالب عليهم و الحاجز لهم عنهم فكيف بالعائب الذي عاب اخاه و غيره ببلواه؟! اما ذكر موضع ستر الله عليه من ذنوبه ما هو اعظم من الذنب الذي عاب به ؟ فكيف يذمه بذنب قد ركب مثله ؟ فان لم يكن ركب ذلك الذنب بعينه فقد عصى الله فيما سواه مما هو اعظم منه و ايم الله لو لم يكن عصاه في الكبير لقد عصاه في الصغير و لجراته على عيب الناس اكبر يا عبدالله لاتعجل في عيب عبد بذنبه فلعله مغفور له و لا تامن على نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكشف من علم منكم نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكشف من علم منكم عيب غيره لما يعلم من عيب نفسه و ليكن الشكر شاغلا له على معافاته مما ابتلى به غيره .

**ترجمه:**

- 334 اميرالمؤمنين عليه السلام درباره زهی نمودن از عیبجویی مردمان فرموده است : بر کسانی که خود نگهدار و پاکند و سلامت از گناه به آنان بخشیده شده است سزاوار است که به حال گناهکاران و نافرمانان رحمشان آید و شکرگزاری (نعمت سلامت از گناه) بر آنان چیره و مسلط باشد و این شکرگزاری آنان را از بیان عیب مرم باز دارد، پس چگونه است حال آن عیبجویی که از برادر خود عیب گیرد و او را بر گرفتاری اش سرزنش کند؟! آیا این شخص عیبجو به یاد نمی آورد آن جایی را که خداوند گناهانی از او را پوشاند که به مراتب بزرگتر از گناهی بودند که او اکنون بر آن از برادر خود خرده گیری می کند؟ پس چگونه برادرش را به گناهی سرزنش می کند که خود همانند آن را مرتکب شده است؟ اگر هم عین آن را مرتکب نشده خداوند را در بزرگتر و بدتر از آن نافرمانی نموده ، و سوگند به خدا که اگر هم این شخص مرتکب گناه بزرگ نشده حتما گناه کوچک انجام داده است و این جرأتی که در عیب گیری از مردم به خرج داده خود از هر گناهی بزرگتر است . ای بنده خدا! در عیبجویی از بنده ای که مرتکب گناهی شده شتاب مکن شاید گناه او بخشیده شود و بر نفس خویش ایمن مباش که گناه کوچکی انجام داده ای شاید بر همان گناه عذاب شوی . پس هر کس از شما به عیب دیگری آگاهی یافت باید از عیبجویی او خودداری کند زیرا به عیب خود نیز آگاه است . و باید شکرگزاری بر پاک بودنش از گناهی که دیگری مرتکب آن است او را از پی گیری گناه دیگران به خود مشغول دارد .

**حدیث:**

- 335 و قال عليه السلام : من نظر في عيب نفسه اشتغل عن عيب غيره و من رضى رزق الله لم يحزن على مافاته - الى ان قال - و من نظر في عيوب الناس ثم رضيه لنفسه فذلك الاحمق بعينه .

**ترجمه:**

- 335 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: کسی که در عیب خویش اندیشه کند از عیب جویی دیگران باز می ماند و کسی که به روزی خداوند خوشنود باشد بر آنچه که از دست داده است غمگین نمی شود - تا آنجا که فرمود: - و کسی که در عیب های مردمان بنگرد سپس آن عیوب را برای خویش بپسندد چنین کسی نادان واقعی است .

**حدیث:**

- 336 و قال عليه السلام : اكبر العيب ان تعيب ما فيك مثله .

**ترجمه:**

- 336 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود توست عیب بشمري .

**حدیث:**

- 337 عن محمد بن اسماعيل عن بعض رجاله قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : اذا رايتم العبد متفقدا لذنوب الناس ناسيا لذنوبه فاعلموا انه قد مكر به .

**ترجمه:**

337 محمد بن اسماعیل از یکی از مردانش نقل می کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب خورده و مورد مکر (شیطان) واقع شده است .

**حدیث:**

338 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كان بالمدينة اقوام لهم عيوب فسكتوا عن عيوب الناس فاسكت الله عن عيوبهم الناس فماتوا و لاعيوب لهم عند الناس و كان بالمدينة اقوام لا عيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس فاظهر الله لهم عيوباً لم يزالوا يعرفون بها الى ان ماتوا.

**ترجمه:**

338 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: در شهر گروهی بودند که عیوبی داشتند اما از بیان عیوب دیگران ساکت ماندند خداوند نیز مردم را از بیان عیوب آنها ساکت کرد پس آنان مردند در حالی که در نزد مردم عیبی برای ایشان وجود نداشت و در شهر گروهی بودند که عیبی نداشتند اما در مورد عیوب مردم سخن می گفتند خداوند نیز برای آنان عیبهایی ظاهر ساخت که پیوسته تا زمانی که مردند به آن عیبا شناخته می شدند .

**حدیث:**

339 عن ابي عبيدة الحذاء قال سمعت ابا جعفر محمد به علي الباقر عليه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان اسرع الخير ثوابا البر و ان اسرع الشر عقابا البغي و كفى بالمرء عيباً ان يبصر من الناس ما يعمى عنه من نفسه و ان يعير الناس بما لا يستطيع تركه و ان يوذي حليسه بما لا يعنيه.

**ترجمه:**

339 ابي عبيدة خدا گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرماید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا خیری که ثوابش سریعتر از هر خیر دیگری به آدمی می رسد نیکی کردن است و شری که کیفرش سریعتر از هر شر دیگری نصیب آدمی می شود ستم نمودن است و برای عیبناک بودن مرد همین بس که در مردم عیبی را ببیند که از دیدن آن عیب در وجود خود نابینا است و مردم را به عیبی سرزنش کند که خود توان ترك آن را ندارد و همنشین خود را به خاطر چیزی پوچ و بیهوده آزار دهد .

- 37 باب وجوب العدل

- 37 باب وجوب عدالت

**حدیث:**

340 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اتقوا الله و اعدلوا فانكم تعيرون على قوم لا يعدلون.

**ترجمه:**

340 از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: از خدا بترسید و عدالت را پیشه خود سازید زیرا شما خود بر قومی که عدالت نمی ورزند خرده گیری می کنید.

**حدیث:**

341 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : العدل احلى من الماء يصيبه الظمان ، ما اوسع العدل اذا عدل فيه و ان قل.

**ترجمه:**

341 امام صادق عليه السلام فرمود: عدل از آب گوارایی که تشنه به آن برخورد می کند شیرین تر است ، چه فراخ و گسترده است عدالت زمانی که جانب انصاف و تعادل در آن رعایت شود اگر چه کم باشد .

**حدیث:**

342 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : العدل احلى من الشهد و الين من الزيد و اطيب ريحا من المسك.

**ترجمه:**

امام صادق عليه السلام فرمود: عدل شیرین تر از عسل و نرم تر از کف و خوشبوتر از مشک است .

**حدیث:**

343 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الله جعل لمن جعل له سلطانا اجلا و مده من ليال و ايام و سنين و شهر فان عدلوا في الناس امر الله صاحب الفلك ان يبطى بادارته ايامهم و لياليهم و سنينهم و شهرهم و ان جاروا في الناس فلم يعدلوا امر الله صاحب الفلك فاسرع بادارته فقصرت لياليهم و ايامهم و سنينهم و شهرهم و قد وفى الله عزوجل بعدد الليالي و الشهور.

**ترجمه:**

343 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که خداوند برای کسی که به او سلطنتی بخشیده است سرآمد و مدت معینی از شبها و روزها و سالها و ماهها قرار داده است پس اگر آنان در بین مردم به عدل رفتار کنند خداوند به فرشته ای که گرداننده روزگار است دستور می دهد که کندتر بگرداند تا روزها و شبها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به مردم ستم کنند و به عدالت رفتار نکنند خداوند آن فرشته اش را امر می کند که در گرداندن شتاب کند پس شبها و روزها و سالها و ماههایشان کوتاه می شود و خداوند عزوجل آن شبها و ماههایی را که برای آنان مقدر فرموده به اتمام می رساند .

حدیث:

344 عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال : ثلاثه هم اقرب الخلق الى الله عزوجل يوم القیامه حتى یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدرته فی حال غضبه الى ان یحیف علی من تحت یدیه و رجل مشی بین اثین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال الحق فیما علیه.

ترجمه:

344 امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ شود نزدیکترین کسان به خداوند اند: یکی کسی که قدرت و توانایی اش در حال خشم او را به سوی ستم کردن به زیردستان فرا نخوانده است و دیگری کسی که (برای اصلاح و حکم کردن) بین دو نفر رفت و آمد کند ولی حتی به اندازه يك دانه جو به یکی از آنها بر علیه دیگری تمایل پیدا نکند و دیگری کسی که در جایی که به ضرر اوست حق را بر زبان آورد.

- 38 باب انه لایجوز لمن وصف عدلا ان یخالفه الی غیره

- 38 باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند

حدیث:

345 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اعظم الناس حسره يوم القیامه من وصف عدلا ثم خالفه الی غیره.

ترجمه:

345 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که حسرتش از دیگران بیشتر است کسی است که راستی و درستی ای را ستوده است ولی درباره دیگری خلاف آن را عمل نموده است .

حدیث:

346 عن ابی عبدالله قال : ان اشد الناس حسره يوم القیامه من وصف عدلا ثم عمل بغيره.

ترجمه:

346 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت حسرت کسی از همه بیشتر است که درستی ای را ستوده است اما در عمل خلاف آن را به کار بسته است .

حدیث:

347 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اشد الناس عذابا يوم القیامه من وصف عدلا و عمل بغيره.

ترجمه:

347 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که عذابش از دیگران سخت تر است کسی است که درستی و عدالتی را ستوده است اما به غیر آن عمل کرده است .

حدیث:

348 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی قول الله عزوجل (فکبکبوا فیها هم و الغاوون ) فقال یا ابا بصیر هم قوم وصفوا عدلا بالسنتهم ثم خالفوه الی غیره.

ترجمه:

348 از امام صادق علیه السلام روایت است که درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: پس آنان و گمراهان به روی در دوزخ افکنده شوند (85) فرمود: ای ابا بصیر! آنان گروهی هستند که عدل و راستی ای را به زبان می ستایند ولی به غیر آن عمل می کنند.

حدیث:

349 عن خیمه قال قال لی جعفر علیه السلام : ابلغ شیعتنا انه لن ینال ما عند الله الا بعمل و ابلغ شیعتنا ان اعظم الناس حسره يوم القیامه من وصف عدلا ثم یخالفه الی غیره.

ترجمه:

349 خیمه گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: به شیعیان ما برسان که هرگز کسی به رضوان و خوشنودی که در نزد خداست نخواهد رسید مگر با عمل و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت کسی که حسرتش از دیگران بیشتر است آن کس است که عدالت و درستی ای را ستوده است سپس به غیر آن عمل کرده است .

- 39 باب وجوب اصلاح النفس عند میلها الی الشر

- 39 باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند

حدیث:

350 عن ابی خدیجه قال دخلت علی ابی الحسین علیه السلام فقال لی : ان الله تبارک و تعالی اید المومن بروح منه یحضره فی کل وقت یحسن فیهِ و یتقی و یرغب عنه فی کل وقت یدنب فیهِ و یعتدی فیهی معه تهتز سرورا عند احسانه تسبیح فی الثری عند اساءته فتعاهدوا عباد الله نعمه باصلاحکم انفسکم تزاد و ایقینا و تریجوا نفیسا ثمینا رحم الله امرأهم بخیر فعمله او هم بشر فارتدع عنه - ثم قال : نحن نزید الروح بالطاعه لله و العمل له.

ترجمه:

350 ابی خدیجه گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: خداوند تبارک و تعالی مومن را با روحی از خود تقویت و پشتیبانی می کند و این روح الهی در هر زمانی که مومن نیکی می

کند و تقوا را رعایت می نماید در نزد او حاضر است و زمانی که گناه کند و از حق تجاوز کند آن روح الهی غایت می شود پس آن روح الهی همراه با مومن است و در هنگام نیکو کاری مومن به نشاط در می آید و در هنگام بدی نمودنش به زمین می رود پس ای بندگان خدا با اصلاح نمودن خود نعمتهای خداوند را محافظت کنید تا بر باورتان افزوده شود و بر سود زیادی عایدتان شود خداوند رحمت کند مردی را که قصد خیر کند و آن را به جای آورد یا اینکه (اگر) قصد عمل بدی نمود از انجام آن خودداری کند. - سپس فرمود: - ما با فرمانبرداری از خداوند و عمل برای او بر این روح الهی می افزایشیم .

**حدیث:**

- 351 قال ابو عبدالله عليه السلام : اقصر نفسك عما يضرها من قبل ان تفارقك و اسع في فكاكها كما تسعى في طلب معيشتك فان نفسك رهينة بعملك.

**ترجمه:**

- 351 امام صادق علیه السلام فرمود: نفس خود را پیش از آنکه از تو جدا شود از هر آنچه که به آن ضرر می رساند باز نگاهدار و همچنانکه در طلب روزی ات کوشش می کنی در رهایی و خلاص نمودن نفست بکوش زیرا نفس تو در گرو عمل و کردار توست .

**حدیث:**

- 352 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : كانت الفقهاء والعلماء اذا كتب بعضهم الى بعضي كتبوا بثلاث ليس معهن رابعه من كانت همته آخرته كفاه الله همه من الدنيا و من اصلح سريرته اصلح الله علانيته و من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس.

**ترجمه:**

- 352 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : دانشمندان و عالمان چنین بودند که هرگاه برای یکدیگر نامه می نوشتند سه جمله می نوشتند که چهارمی نداشت (و سخنانشان از این سه جمله تجاوز نمی کرد): ۱ - کسی که همت و تلاشش در امر آخرتش باشد خداوند دنیای او را کفایت می کند.

- 2 کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد.

- 3 کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

**حدیث:**

- 353 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس و من اصلح امرا آخرته اصلح الله له دنياه.

**ترجمه:**

- 353 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیایش را برایش به سامان می رساند .

**حدیث:**

- 354 و قال عليه السلام : من اصلح سريرته اصلح الله علانيته و من عمل لدينه كفاه الله دنياه و من احسن فيما بينه و بين الله كفاه الله ما بينه و بين الناس.

**ترجمه:**

- 354 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد و کسی که برای دینش کار کند خداوند دنیایش را کفایت می کند و کسی که بین خود و خدایش را نیکو کند خداوند خود بین او و مردم را کفایت می کند.

**حدیث:**

- 355 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : من اصلح فيما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس.

**ترجمه:**

- 355 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش ، از علی علیه السلام روایت فرمود: کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد .

- 40 باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب

- 40 باب وجوب دوري نمودن از لغزشها و گناهان

**حدیث:**

- 356 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اما انه ليس من عرق يضرب و لا نكبه و لاصداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله عزوجل في كتابه : ( و ما اصابكم من مصيبه فما كسبت ايديكم و يعفوا عن كثير ) قال : ثم قال : و ما يعفو الله اكثر مما يواخذ به.

**ترجمه:**

- 356 امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هیچ رنگی نمی زند و هیچ مصیبت و سر درد و مرضی پیش نمی آید مگر به خاطر گناهی و این است معنای گفتار خداوند عزوجل در کتابش که فرمود : (مصیبتی که به شما رسیده است به سبب چیزی است که دستهایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری (از خطاهای شما) در می گذرد (86) سپس حضرت فرمود: آنچه که خداوند از آن در می گذرد بیشتر است از آنچه که به سبب آن مردمان را مواخذه می کند.

**حدیث:**



357 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (فما اصبرهم علی النار) فقال : ما اصبرهم علی فعل ما یعلمون انه یصیرهم الی النار.

ترجمه:

357 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: پس چه چیز آنها را بر آتش شکبیا کرد (87) فرمود: یعنی چه چیز آنها را بر انجام کاری که می دانند آنها را به سوی آتش می برد شکبیا کرد؟!

حدیث:

358 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الذنوب کلها شدیدة و اشدھا ما نبت علیہ اللحم و الدم لانه اما مرحوم و اما معذب و الجنة لا یدخلها الا طیب.

ترجمه:

358 امام باقر علیه السلام فرمود: همه گناهان سخت اند و سخت ترین آنها گناهی است که (در طول انجام آن) گوشت و خون بر اساس آن بر بدن شخص روییده باشد زیرا گناهکار یا مورد رحمت حق قرار می گیرد و یا عذاب می شود و بهشت جایگاهی است که تنها کسی که پاکیزه است به آن داخل می گردد.

حدیث:

359 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان العبد لیحبس علی ذنب من ذنوبه مائه عام و انه لینظر الی ازواجه فی الجنة یتنعمن.

ترجمه:

359 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: به راستی که بنده به خاطر گناهی از گناهانش یکصد سال محبوس و زندانی می شود و او از درون زندان خود به همسرانی که در بهشت برای او وجود دارند می نگرد که چگونه آنان مشغول تنعم و بهره بردن هستند.

حدیث:

360 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لاتبدین عن واضحه و قد عملت الاعمال الفاضله و لا تامن البیات و قد عملت السيئات.

ترجمه:

360 امام رضا علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در حالی که اعمال ننگین و رسوا کننده ای را به جای آورده ای دندان را به خنده آشکار مکن و زمانی که مرتکب بدیها شده ای از عذاب شبانگاهی ایمن مباش.

حدیث:

361 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من نكبه تصیب العبد الا بذنب و ما یغفو الله اکثر.

ترجمه:

361 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ مصیبتی به بنده نمی رسد مگر به خاطر گناهی، و آنچه خدا از آن در می گذرد بیشتر است.

حدیث:

362 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی علیه السلام یقول ما من شیء افسد للقلب من خطیئه ان القلب لیواقع الخطیئه فما تزال به حتی تغلب علیه فیصیر اعلاہ اسفله.

ترجمه:

362 امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ چیزی مانند گناه قلب را تباه نمی کند زیرا قلب پیوسته به گناه تن در می دهد تا جایی که گناه بر قلب چیره و غالب می شود و قلب را دگرگون می سازد.

حدیث:

363 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق.

ترجمه:

363 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که بنده گناه می کند پس در نتیجه، رزق و روزی او از او دور می شود و کناره می گیرد.

حدیث:

364 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الذنب یحرم العبد الرزق.

ترجمه:

364 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که گناه باعث محروم شدن بنده از روزی می شود.

حدیث:

365 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدرا عنه الرزق و تلا هذه الایه (اذ اقسما لیصرمنها مصبحین و لا یستثنون فطاف علیها طائف من ربك و هم نائمون.)

ترجمه:

365 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مرد گناه می کند در نتیجه رزق و روزی از او دور می شود، و سپس این آیه را تلاوت فرمود: آنگاه که سوگند یاد نمودند که آن باغ را صبحگاهان می پریم و آن شاء الله نگفتند پس در حالی که ایشان در خواب بودند طواف کننده ای از جانب پروردگارت بر آن باغ طواف

نمود (و آن را نابود ساخت ) (88)

حدیث:

366 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا اذنب الرجل خرج في قلبه نكته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتى تغلب على قلبه فلا يفلح بعدها ابدا.

ترجمه:

366 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گنااهش افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلبش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد .

حدیث:

367 عن ابی جعفر عليه السلام قال : ان العبد يسأل الله الحاجه فيكون من شانها قضاؤها الى اجل قريب او الى وقت بطى ء فيذنب العبد ذنبا فيقول الله تبارك و تعالى للملك : لا تقض حاجته و احرمه فانه تعرض لسخطى و استوجب الحرمان منى.

ترجمه:

367 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد) بنده ای از خداوند حاجتی را در خواست می کند و (در آن مورد) قصد خداوند این است که تا زمانی نزدیک یا تا درنگی اندک حاجت او را برآورده سازد پس در این فاصله آن بنده مرتکب گناهی می شود پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته خود می فرماید: حاجتش را برآورده مساز و او را محروم گردان زیرا او (با گناه خویش) خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب بی بهرگی از رحمت من گشت .

حدیث:

368 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاه الليل و ان العمل السیى اسرع فى صاحبه من السكين فى اللحم.

ترجمه:

368 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتیجه از (انجام نماز شب محروم می ماند و حقا که کردار زشت از چاقویی که در آن گوشت فرو می رود سریعتر در صاحب خود اثر می گذارد.

حدیث:

369 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : من هم بالسینة فلان يعملها فانه ربما عمل العبد السینة فیراه الرب تبارك و تعالی و تعالی و عزی و جلالی لا اغفر لك بعد ذلك ابدا.

ترجمه:

369 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قصد نمود که کار بدی انجام دهد (از قصد خود برگردد و) و چنین نکند زیرا چه بسا که بنده ای مرتکب کار بدی می گردد پس پروردگار تبارک و تعالی به او می نگرد و می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام که پس از این هرگز تو را نمی بخشایم .

حدیث:

370 عن ابی جعفر عليه السلام قال : ما من عبد الا و فى قلبه نكته بيضاء فاذا اذنب دنیا خرج فى النكته سوداء فان تاب ذهب ذلك السواد و ان تمادى فى الذنوب زاد ذلك السواد حتى يغطى البياض فاذا غطى البياض لم يرجع صاحبه الى خير ابدا و هو قول الله عزوجل : (بل ران على قلوبهم ماكانوا يكسبون).

ترجمه:

370 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه ای سفید است پس هرگاه مرتکب گناهی شود در درون آن نقطه سفید نقطه ای سیاه نمایان شود پس اگر توبه نمود آن نقطه سیاه از بین می رود ولی اگر (ادامه داد و) گناهانش به درازا کشید آن سیاهی افزوده می شود تا جایی که تمام سفیدی را می پوشاند پس هرگاه سیاهی روی سفیدی را پوشاند دیگر آن گناهکار هرگز به سوی خیر باز نمی گردد و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرمایند: بلکه آنچه را که کسب می کردند زنگاری بر دلهایشان می شد (89)

حدیث:

371 عن ابی عمرو المدائنی عن ابی عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : كان ابی يقول : ان الله قضی قضاء حتما لا ينعم على العبد بنعمه فيسلبها اياه حتى يحدث العبد ذنبا يستحق بذلك النقمه .

ترجمه:

371 ابی عمر مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی که خداوند حکم و قضای حتمی اش بر این قرار گرفته که نعمتی را به بنده ای نبخشد و سپس آن را از او بگیرد (بلکه اگر نعمتی را به او بخشید آن را از وی سلب نمی کند) مگر اینکه آن بنده گناهی کند و در نتیجه سزاوار خشم الهی گردد (پس در واقع خود بنده با گنااهش نعمت را از خود سلب می کند).

حدیث:

372 عن سماعه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما انعم الله على عبد نعمه فسلبها اياه

حتى يذنب ذنبا يستحق بذلك السلب.

ترجمه:

- 372 سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند نعمتی را به بنده اش نمی بخشد که آن را از او بگیرد مگر اینکه مرتکب گناهی شود و به سبب آن سزاوار سلب نعمت گردد.

حدیث:

- 373 عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : ان احدکم لیکثر الخوف من السلطان و ما ذلک الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم و لا تمادوا فیها.

ترجمه:

- 373 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که کسی از شما بسیار از سلطان می ترسد و این ترسش فقط به خاطر گناهان است پس ، از گناهان تا می توانید پرهیز کنید و در گناهان فرو نمانید.

حدیث:

- 374 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لاوجع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و کفی بما سلف تفکرا و کفی بالموت و اعظا.

ترجمه:

- 374 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ دردی برای دلها دردناکتر از گناهان نیست و هیچ ترسی سخت تر از مرگ نیست و آنچه که سپری گشته است برای اندیشیدن کافی است و مرگ به عنوان اندرز دهنده کفایت می کند .

حدیث:

- 375 عن العباس بن هلال الشامی قال سمعت الرضا علیه السلام یقول : کلما احدث العیاد من الذنوب ما لم یکنوا یعملون احدث لهم من البلاء ما لم یکنوا یعرفون.

ترجمه:

- 375 عباس بن هلال شامی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه بندگان گناهی را انجام دهند که پیش از آن مرتکب چنین گناهی نمی شدند بلاهایی برای آنها پیش می آید که پیش از آن چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

حدیث:

- 376 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحک دخل النار و هو باک.

ترجمه:

- 376 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرتکب گناهی شود در حالی که خندان است (در روز قیامت) با چشم گریان به آتش دوزخ در افتد .

حدیث:

- 377 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یا مفضل ایاک و الذنوب و حذرهما شیعتنا فو الله ما هی الی احد اسرع منها الیکم ان احدکم لتصیبه المعره من السلطان و ما ذلک الا بذنوبه و انه لیصیبه السقم و ما ذلک الا بذنوبه و انه لیحبس عنه الرزق و ما هو الا بذنوبه و انه لیشدد علیه عند الموت و ما ذلک الا بذنوبه حتی یقول من حضره لقد غم بالموت - فلما رای ما قد دخلنی قال : - ادری لم ذاک ؟ قلت : لا . قال ذاک و الله انکم لاتواخذون بها فی الاخره و عجلت لکم فی الدنیا.

ترجمه:

- 377 امام صادق علیه السلام فرمود: ای مفضل ! از گناهان بپرهیز و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناهان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آنکه به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما را از ناحیه سلطان رنج سختی می رسد و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما دچار بیماری می شود و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما رزق و روزی اش از او باز داشته می شود و این نیست مگر به دلیل گناهانش و کسی از شما هنگام مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: او به خاطر مرگ دلتنگ و غمگین شده است و این نیست مگر به خاطر گناهانش . روای گوید: در اینجا من از سخنان حضرت به فکر فرو رفتم که چرا باید شیعیان به چنین بلاهایی دچار شوند؟ و حضرت چون مرا به این حال دید فرمود: آیا می دانی که چرا چنین است ؟ عرض کردم : خیر. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این به خاطر آن است که شما به سبب گناهانتان در آخرت مورد مواخذه قرار نگیرید و در عقوبت و کیفرتان در این دنیا تعجیل شده است (تا پاک به آن دنیا کوچ کنید).

- 41 باب وجوب اجتناب المعاصی

- 41 باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

حدیث:

- 378 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعوذوا بالله من سطوات الله باللیل و النهار قلت : و ما سطوات الله ؟ قال : الاخذ علی المعاصی.

ترجمه:

- 378 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت گرفتن ها و چیره گشتن های خداوند در شبانه روز به خدا پناه برید. روای گوید: عرض کردم : سخت گرفتن های خداوند چیست ؟ حضرت فرمود: گرفتن بندگان بر نافرمانی هایشان .

حدیث:

- 379 عن ابی الحسن علیه السلام قال : حق علی الله ان لایعصی فی دار الا اضحاهما للشمس حتی تطهرها.

ترجمه:

- 379 امام رضا علیه السلام فرمود: بر خداوند سزاوار است که در هیچ خانه ای نافرمانی اش نشود جز اینکه درون آن خانه را برای خورشید نمایان کند (یعنی سقف آن خانه را بردارد تا خورشید به درون آن بتابد) تا خورشید آن خانه را پاک سازد.

## - ۹ -

**حدیث:**

- 380 عن الهیثم بن واقد الجزری قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل بعث نبیا من انبیائه الی قومه و اوحی الیه ان قل لقومك : انه لیس من اهل قریه و لاناس كانوا علی طاعتی فاصبهم فیها سرء فتحولوا عما احب الی ما اكره الا تحولت لهم عما یحبون الی ما یكرهون و لیس من اهل قریه و لا اهل بیت كانوا علی معصیتی فاصبهم فیها ضراء فتحولوا عما اكره الی ما احب الا تحولت لهم عما یكرهون الی ما یحبون و قل لهم : ان رحمتی سبقت غضبی فلا تقنطوا من رحمتی فانه لا یتعظم عندی ذنب اغفره و قل لهم : لایتعرضوا معانیدن لسخطی و لایستخفوا باولیائی فان لی سطوات عند غضبی لایقوم لها شیء من خلقی.

ترجمه:

- 380 هیثم بن واقد جزری گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل پیامبری از پیامبرانش را به سوی قومش مبعوث ساخت و به او وحی فرستاد که به قومت بگو: هیچ اهل قریه ای و هیچ مردمی نبودند که بر طاعت و فرمانبرداری من باشند پس در آن حال به آنان خوشی و شادمانی برسد و آنان از آنچه که مورد پسند من است به سوی آنچه که در نظر من ناپسند است برگردند چنانچه من نیز از آنچه که آنان دوست می دارند به سوی آنچه که ناپسند می شمرند باز می گردم و هیچ اهل قریه ای و هیچ اهل خانه ای نبودند که بر نافرمانی من باشند پس در آن حال به آنان ناخوشی برسد و آنان از آنچه که ناپسند من است به سوی آنچه که مورد پسند من است باز گردند جز اینکه من نیز از آنچه که برای آنان خوشایند است به سوی آنچه که دوست می دارند باز می گردم. و به آنان بگو: رحمت من بر خشم من پیشی دارد بنابراین از رحمت من نومید نشوید زیرا گناهی که از آن چشم پوشی می کنم در نزد من بزرگ نیست و به آنان بگو: در مورد کسانی که با خشم من سر ستیزه دارند پادرمیانی نکنند و دوستان مرا کوچک نشمرند زیرا در هنگام خشم من برای من قهر و غلبه ای است که هیچیک از مخلوقات من در برابر آن تاب ایستادگی ندارد.

**حدیث:**

- 381 عن الرضا علیه السلام قال : اوحی الله عزوجل الی نبیء من الانبیاء: اذا اطعت رضیت و اذا رضیت بركت و لیس لبرکتی نهایه و اذا عصیت غضبت و اذا غضبت لعنت و لعنتی تبلغ السابغ من الوری

ترجمه:

- 381 امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که: هرگاه اطاعت شوم خوشنود می گردم و هرگاه خوشنود باشم برکت می بخشم و برای خیر و برکت من نهایت و پایانی نیست و هرگاه نافرمانیم شود خشمگین می گردم و هرگاه خشمگین شوم لعنت می فرستم و از رحمت خود دور می کنم و لعنت من تا هفت نسل را فرا می گیرد و به آنان می رسد.

**حدیث:**

- 382 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یقول الله عزوجل اذا عصانی من یعرفنی سلطت علیه من لایعرفنی.

ترجمه:

- 382 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی که مرا می شناسد نافرمانی ام کند کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم.

**حدیث:**

- 383 عن ابی الحسن علیه السلام قال : ان الله عزوجل فی کل یوم و لیله مناد یا بنادی مهلا مهلا عباد الله عن معاصی الله فلو لایهائم رتع و صبیه رضع و شیوخ رقع لصب علیکم العذاب صبا ترضون به رضا.

ترجمه:

- 383 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند عزوجل در هر روز و شب ندا دهنده ای هست که ندا در می دهد: ای بندگان خدا دست نگه دارید و درنگ کنید از بجای آوردن معصیتهای الهی، پس اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند عذابی بر شما فرو می ریخت که به سبب آن کوبیده و ریزه ریزه می شدید.

**حدیث:**

384 - محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله جل جلاله ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیرى و ایما عبد عصانى و کلته الی نفسه ثم لم ابال فی الی واد هلك.

ترجمه:

384 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند جل و جلاله می فرماید: هر بنده ای که از من فرمان برد او را به غیر خودم وا نمى گذارم و هر بنده ای که نافرمانی ام کند او را به خودش وا می گذارم سپس باکی ندارم که در کجا به هلاکت برسد.

حدیث:

385 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله عزوجل : اذا عصانى من خلقى من يعرفنى سلطت علیه من خلقى من لا يعرفنى.

ترجمه:

385 - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هرگاه کسی از مخلوقات من که مرا می شناسد نافرمانی ام کند من نیز از مخلوقات خود کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث:

386 - عن ابن ابی عمیر عن سمع ابا عبدالله الصادق علیه السلام یقول : ما احب الله من عساه ، ثم تمثل:

تعصى الاله و انت تظهر حبه

هذا محال فى الفعال بديع

لو كان حبك صادقا لاطعته

ان المحب لمن يحب مطيع

ترجمه:

386 - ابن ابی عمیر از کسی که از حضرت صادق علیه السلام شنیده است روایت کند که حضرت فرمود: کسی که نافرمانی خدا را کند خداوند را دوست ندارد. سپس حضرت این شعر را مثال آورد:

خداوند را عصیان می کنی و دوستی اش را اظهار  
می کنی

این کاری ناممکن و شگفت است

اگر دوستی ات صادقانه است فرمانبرداری اش کن

به راستی که محب فرمانبردار محبوب است

حدیث:

387 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لا يعصى شكرا لنعمه.

ترجمه:

387 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: (حتی ) اگر خداوند هم بر معصیتش وعید دوزخ را نداده بود باز هم به خاطر شکر نعمتهایش واجب بود که معصیت نشود.

حدیث:

388 - قال علیه السلام : من العصمه تعدر المعاصی.

ترجمه:

388 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از (اسباب ) پاکدامنی دشواری و محال گردیدن (انجام ) گناهان است (زیرا اگر انجام گناهی دشوار یا محال گردید آدمی از آن گناه به دور می ماند و این خود سبب پاکی می گردد).

حدیث:

389 - قال علیه السلام فى بعض الاعیاد: انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم تعصى الله فيه فهو یوم عید.

ترجمه:

389 - امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از عیدها فرمود: این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را پذیرفته از نمازش تشکر به جای آورده است و هر روزی که در آن مرتکب معصیت خدا نشوی آن روز، روز عید است .

- 42 باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه  
- 42 باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام

حدیث:

- 390 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الجنه محفوفه بالمکاره و الصبر فمن صبر علی المکاره فی الدنيا دخل الجنه و جهنم محفوفه باللذات و الشهوات فمن اعطی نفسه لذتها و شهوتها دخل النار.

ترجمه:

- 390 امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت با سختی ها و صبر پوشیده است پس کسی که بر سختی های دنیا صبر کند به بهشت وارد می شود. و دوزخ با لذتها و شهوتها پوشیده است پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت نفسانی را ببخشد به آتش داخل می گردد .

حدیث:

- 391 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ترك الخطیئه ایسر من طلب التوبه و کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا و الموت فضح الدنيا فلم یترك لذی لب فرحا.

ترجمه:

- 391 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترك گناه از طلب توبه آسانتر است و چه بسا ساعتی به شهوت گذراندن باعث اندوه طولانی شود، و مرگ ، دنیا را رسوا می کند و برای خردمند شادی نمی گذارد.

حدیث:

- 392 عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طویبی لمن ترك شهوه حاضره لموعده لم یره.

ترجمه:

- 392 امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که میل نفسانی حاضر و آماده را به خاطر وعده ای که آن را ندیده است ترك کند .

- 43 باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب

- 43 باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند

حدیث:

- 393 قال ابو عبدالله علیه السلام : اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لاتغفر قلت : و ما المحقرات ؟ قال : الرجل یذنب الذنب فیقول : طویبی لی ان لم یکن لی غیر ذلك.

ترجمه:

- 393 امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند بترسید زیرا آنها بخشیده نمی شوند. روای گوید: عرض کردم : گناهان کوچک کدامند؟ حضرت فرمود: اینکه مرد گناهی کند و بگوید :خوشا به حال من اگر جز این گناه گناهی دیگر نداشتم .

حدیث:

- 394 عن سماعه قال سمعت ابا الحسن علیه السلام یقول : لاتستکثرو اکثر الخیر و لاتستقلوا قلیل الذنوب فان قلیل الذنوب یجتمع حتی یكون کثیرا و خافوا الله فی السر حتی تعطوا من انفسکم النصف.

ترجمه:

- 394 سماعه گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: کارهای خیر زیاد را زیاد نشمرید و گناهان کم را کم ندانید زیرا گناهان کم جمع می شوند و زیاد می گردند و از خداوند در پنهانی بترسید تا آنجا که خودتان درباره خود به انصاف رفتار کنید .

حدیث:

- 395 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بارض فرعاء ما بها من حطب فقال صلی الله علیه و آله : فلیات کل انسان بما قدر علیه فجاءوا به حتی رموا بین یدیه بعضه علی بعض فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : هکذا یجتمع الذنوب ثم قال : ایاکم و المحقرات من الذنوب فان لكل شیء طالبا الا و ان طالبها یکتب ما قدموا و اثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین.

ترجمه:

- 395 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله (با یاران خود) در زمین بی گیاه فرود آمدند، حضرت به یاران خود فرمود: مقداری هیزم بیاورید، عرض کردند: ای رسول خدا ما در مکانی بی گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست . حضرت فرمود: هر کدام از شما به اندازه ای که می توانید بیاورید، (چیزی نگذشته بود که ) هر کدام مقداری هیزم آوردند و در مقابل پیامبر روی هم ریختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان نیز اینگونه جمع می شوند سپس فرمود: از گناهان کوچک حذر کنید زیرا هر چیز جوینده ای دارد و همانا جوینده گناهان (که فرشته است ) آنچه را که (مردم ) پیش فرستاده اند و اثرهای آنها را می نویسد) و هر چیز را در پیشوایی آشکار فراهم کرده ایم (90)

حدیث:

- 396 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتقوا المحقرات من الذنوب فان لها طالبا: یقول احدکم : اذنب و استغفر ان الله عزوجل یقول) : و نکتب ما قدموا و اثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین ) و قال عزوجل : (انها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن او فی السماوات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر.)

ترجمه:

- 396 امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهایی که کوچک شمرده می شوند پرهیز کنید زیرا آن گناهان (نیز) فرشته ای جوینده دارد، کسی از شما می گوید: گناه می کنم و (پس از آن) استغفار می کنم، به راستی که خدای عزوجل می فرماید: و ما آنچه را که پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم و هر چیزی را در پیشوایی آشکار گرد آورده ایم (91) و می فرماید: به درستی که اگر آن به اندازه دانه خردلی در دل سنگی بزرگ و یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند بیاردش همانا که خداوند باریک بین و آگاه است (92)

حدیث:

- 397 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایصغر ما ینفع یوم القیامه و لایصغر ما یضر یوم القیامه فکونوا فیما اخبرکم الله عزوجل کمن عاین.

ترجمه:

- 397 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: چیزی که در روز قیامت سودمند است کوچک نیست و چیزی که در روز قیامت زیانبار است ناچیز نیست پس در آنچه که خداوند عزوجل به شما خبر داده است مانند کسی باشید که به چشم خود همه آنها را دیده است.

حدیث:

- 398 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اشد الذنوب ما استهان به صاحبه.

ترجمه:

- 398 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن، آن را ناچیز بشمرد.

حدیث:

- 399 و قال علیه السلام : اشد الذنوب ما استخف به صاحبه.

ترجمه:

- 399 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن، آن را سبک بشمارد.

حدیث:

- 400 عن الصادق علیه السلام عن آباءه علیه السلام فی حدیث المناهی ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : لاتحرقوا شیئا من الشر و ان صغر فی اعینکم و لا تستکتروا شیئا من الخیر و ان کثر فی اعینکم فانه لا کبیر مع الاستغفار و لاصغیر مع الاصرار.

ترجمه:

- 400 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که از امور مورد نهی سخن به میان آمده است روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بدی و شری را اگر چه در نظر شما کوچک باشد کوچک نشمرید و هیچ خیری را اگر چه در چشم شما زیاد باشد زیاد مشمرید زیرا با وجود استغفار (دیگر گناه) بزرگ وجود ندارد و با اصرار و پافشاری (بر گناه دیگر گناه) کوچک نیست (زیرا با استغفار می توان از گناه بزرگ طلب آمرزش نمود و با اصرار بر گناه، گناه کوچک تبدیل به گناه بزرگ می شود).

حدیث:

- 401 عن محمد بن علی علیه السلام انه قال لمحمد بن مسلم فی حدیث : لا تستصغرن حسنه ان تعملها فانك تراها حیث تسرك و لا تستصغرن سیئه تعملها فانك تراها حیث تسووک الحدیث.

ترجمه:

- 401 امام باقر علیه السلام در حدیثی به محمد بن مسلم فرمود: کار نیکی را که به جای می آوری کوچک مشمار زیرا کار نیک را در جایی می بینی که شادمانت می کند و عمل زشتی را که انجام می دهی کوچک مشمار زیرا آن را در جایی می نگری که بد حالت می کند (مراد از آن جا صحنه قیامت است).

حدیث:

- 402 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من الذنوب التی لاتغفر قول الرجل لیتنی لا واخذ الا بهذا.

ترجمه:

- 402 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از گناهایی که بخشیده نمی شود این است که کسی (گناهی کند و) بگوید: ای کاش تنها فقط به همین گناه مواخذه می شدم.

حدیث:

- 403 و قال علیه السلام : ایاکم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجتمع علی المرء حتی تهلكه.

ترجمه:

- 403 امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهایی که کوچک شمرده می شوند پرهیزید زیرا آن گناهان (نیز) از جانب خداوند جوینده ای دارد (یعنی فرشته ای که طلب کننده و پی گیری کننده گناهان کوچک است) و به راستی که گناهان کوچک بر آدمی جمع می شوند تا آنجا که او را به هلاکت می افکنند.

حدیث:

- 404 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله کتم ثلاثه فی ثلاثه کتم رضاه فی طاعته و کتم

سخطه فی معصيته و کتم و ليه فی خلقه فلا يستخفن احدکم شيئا من الطاعات فانه لايدري فی ايها رضی الله و لا يستقلن احدکم شيئا من المعاصی فانه لايدري فی ايها سخط الله و لايزرين احدکم باحد من خلق الله فانه لايدري ايهم ولی الله.

ترجمه:

404 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است: رضایت و خوشنودی اش را در طاعتش و خشمش را در معصیت و مافرمانی اش و ولی خود را در میان خلقش پنهان ساخته است پس مبادا کسی از شما یکی از طاعات را سبک بشمرد زیرا او نمی داند که رضایت و خوشنودی خداوند در کدام طاعت او پنهان است و مبادا یکی از معصیتها را کم بشمرد زیرا او نمی داند که خشم خدا در کدامیک از گناهان نهان است و مبادا یکی از خلق خدا را بی قدر و ارزش بداند زیرا نمی داند که کدامیک از آنها ولی خداوند است.

حدیث:

405 قال و من کلامه صلی الله علیه و آله : لا تنظروا الی صغیر الذنب و لکن انظروا الی ما اجتراتم.

ترجمه:

405 و از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله است که: به کوچکی گناه نکنید بلکه به چیزی که بر آن جرات یافته اید بنگرید. (بنگرید به اینکه بر نافرمانی خدا دلیر گشته اید و این بسیار بزرگ است.)

حدیث:

406 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من هم بالسيئه فلا يعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فیراه الرب فيقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لك ابدا.

ترجمه:

406 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که قصد انجام دادن گناهی را نمود نباید آن را انجام دهد زیرا چه بسا بنده گناهی را مرتکب می شود و پروردگارش او را می بیند و می گوید: سوگند به عزت و بزرگی ام که دیگر هرگز تو را نمی بخشایم.

44 باب تحریم کفران نعمه الله

44 باب تحریم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند

حدیث:

407 عن سدیر قال : سال رجل ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (فقالوا ربنا باعد بین اسفارنا و ظلموا انفسهم ) الايه فقال : هولاء قوم کانت لهم قرى متصله ينظر بعضها الی بعض و انهار جاریه و اموال ظاهره فکفروا نعم الله و غيروا ما بانفسهم من عافیه الله فغیر الله ما بهم من نعمه و (ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ) فارسل الله علیهم سیل العرم فغرق قراهم و خرب دیارهم و ذهب باموالهم و ابدلهم مکان جناتهم جنتین ذواتی اکل خمط و اثل و شیء من سدر قلیل ثم قال : (ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الا الکفور).

ترجمه:

407 سدیر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدای عزوجل پرسید که می فرماید: پس گفتند: ای پروردگار ما، بین سفرهای ما دوری بیفکن، و بر خود ستم کردند و ما هم آنها را را حکایت گردانیدیم و پراکنده شان ساختیم (93) حضرت فرمود: آنها گروهی بودند که روستاهای متصل و به هم پیوسته ای داشتند به گونه ای که ساکنان روستاهای مجاور را می دیدند و دارای جویهای جاری و اموال آشکار بودند پس نعمتهای خداوند را ناسپاسی کردند و سلامت و عافیتی را که خداوند به آنان داده بود دگرگون ساختند خداوند نیز نعمتی را که به آنان بخشیده بود دگرگون ساخت و خداوند وضعیت قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند (94) پس خداوند سیل سختی را بر آنان فرستاد و روستاهایشان را به زیر آب برد و خانه هایشان را ویران ساخت و اموالشان را از بین برد و به جای باغهایشان دو باغ که دارای میوههای تلخ و درخت شورگز و مقدار کمی سدر بودند برای آنها بر جای گذاشت سپس فرمود: این جزایی که به آنان دادیم به سبب کفران آنان بود و آیا جز ناسپاس را جزا می دهیم؟ (95)

حدیث:

408 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مکتوب فی التوراه اشکر من انعم علیک و انعم علی من شکرت فانه لا زوال للنعماء اذا شکرت و لا بقاء لها اذا کفرت ، الشکر زیاده فی النعمه و امان من الغیر.

ترجمه:

408 امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است: شکر کسی را که به تو نعمت بخشیده است به جای آور و به کسی که از تو قدردانی می کند نعمت ببخش زیرا اگر سپاس نعمتها به جای آورده شود نعمتها زائل نمی شوند و اگر ناسپاسی شود نعمتی باقی نمی ماند. پس شکرگزاری مایه زیادت نعمت و باعث ایمنی از تغییر نعمت است.

45 باب وجوب اجتناب الکبائر

45 باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

حدیث:

409 عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول : (و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا) قال : معرفه الامام و اجتناب الکبائر التي اوجب الله علیها النار.

ترجمه:



409 - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره این آیه که می فرمود: به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده (96) فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آنها واجب ساخته است .

**حدیث:**

410 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : ( ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا ) قال : الکبائر التی اوجب الله عزوجل علیها النار .

**ترجمه:**

410 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: اگر خودداری کنید از کبیره هایی که از آنها نهی شده اید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم (97) فرمود: مراد از کبیره ها، گناهانی هستند که خدای عزوجل بر انجام آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است.

**حدیث:**

411 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما من عبد الا و علیه اربعون جنه حتی یعمل اربعین کبیره فاذا عمل اربعین کبیره انکشف عنه الجن .

**ترجمه:**

411 - امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه بر او چهل پرده (یا سپر) هست تا اینکه مرتکب چهل گناه کبیره شود که اگر چنین کند این پرده ها (یا سپرها) کنار می رود. (در این صورت گناه در نزد او زشتی ندارد و به قساوت قلب دچار می گردد.)

**حدیث:**

412 - قال الصادق علیه السلام : من اجتنب الکبائر یغفرالله جمیع ذنوبه و ذلك قول الله عزوجل ( ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا ) .

**ترجمه:**

412 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از گناهان کبیره دوری کند خداوند همه گناهانش را می بخشد و این معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم (98) .

**حدیث:**

413 - عن ابی الحسن علیه السلام فی قول الله عزوجل : ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم ) قال : من اجتنب الکبائر ما اوعده الله علیه النار اذا کان مومنا کفر الله عنه سیئاته .

**ترجمه:**

413 - امام رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم (99) فرمود: کسی که از کبیره هایی که خداوند وعده آتش دوزخ بر آنها داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهان او چشم پوشی می کند .

**حدیث:**

414 - عن عباد بن کثیر النواء قال : سألت ابا جعفر علیه السلام عن الکبائر فقال : کل ما اوعده الله علیه النار .

**ترجمه:**

414 - عباد بن کثیر (که هسته خرما فروش بود) گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که کبائر کدام گناهان هستند؟ حضرت فرمود: هر گناهی که خداوند بر انجام آن وعده آتش دوزخ را داده است .

**حدیث:**

415 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قد سمی الله المومنین بالعمل الصالح مومنین و لم یسم من ركب الکبائر و ما وعدالله عزوجل علیه النار مومنین فی قرآن و لائثر و لانسهمم بالايمان بعد ذلك الفعل .

**ترجمه:**

415 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند مومنین را به خاطر عمل شایسته آنان مومن نامیده است و کسانی را که گناهان کبیره و گناهانی که خداوند عزوجل وعده آتش بر آنها داده است را مرتکب می شوند را نه در قرآن و نه در هیچ اثری مومن نامیده است و ما هم آنان را پس از انجام چنین گناهانی مومن نمی نامیم.

**حدیث:**

416 - عن الرضا علیه السلام قال : من اقر بالتوحید و نفی التشبیه الی ان قال و اقر بالرجعه بالیقین و اجتنب الکبائر فهو مومن حقا و هو من شیعتنا اهل البيت .

**ترجمه:**

416 - امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که به یگانگی خداوند و مثل و مانند نداشتن خداوند اقرار کند و اعتراف کند که به رجعت یقین دارد و از انجام کبائر خودداری کند چنین کسی مومن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت است .

**حدیث:**

- 417 عن زراره قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : ارايت قول رسول الله صلى الله عليه و آله : لايزنى الزانى و هو مومن قال : ينزع منه روح الايمان.

ترجمه:

- 417 زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: درباره گفتار رسول خدا صلى الله عليه و آله که فرمود: «شخص زناکار در حالی که مومن است زنا نمی کند (به من خبر ده حضرت فرمود: (زیرا وقتی که زنا می کند) روح ایمان از او جدا می شود.

- 46 باب تعیین الكبائر التي يجب اجتنابها

- 46 باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است

حدیث:

- 418 عن ابن محبوب قال كتب معي بعض اصحابنا الى ابي الحسن عليه السلام يساله عن البكائر كم هي و ما هي ؟ فكتب الكبائر من اجتنب ما وعد الله عليه النار كفر عنه سيئاته اذا كان مومنا و السبع الموحيات قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجرة و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 418 ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب ما همراه با من به امام رضا علیه السلام نوشتیم که: کبائر چند ناست و کدامند؟ حضرت در پاسخ نوشت: هر کس از گناهانی که خداوند بر آنها وعده آتش دوزخ را داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهانش چشم پوشی می کند و هفت گناهی که موجب آتش است عباتند از:

کشتن نفسی که کشتنش حرام است و آزدن پدر و مادر و ربا خواری و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت نمودن (به دار الايمان) و نسبت زنا دادن و متهم کردن زن شوهر دار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث:

- 419 عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى قال : حدثني ابو جعفر الثاني عليه السلام قال : سمعت ابي يقول : سمعت ابي موسى بن جعفر عليه السلام يقول : دخل عمرو بن عبيد على ابي عبدالله عليه السلام فلما سلم و جلس تلا هذه الايه ( و الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش ) ثم امسك فقال له ابو عبدالله عليه السلام : ما اسكتك ؟ قال : احب ان اعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال : نعم يا عمرو اكبر الكبائر الاشرار بالله يقول : الله من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة و بعذه الايايس من روح الله لان الله عزوجل يقول (لايباس من روح الله الا القوم الكافرون ) ثم الامن من مكر الله لان الله عزوجل يقول ( فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون ) و منها عقوق الوالدين لان الله سبحانه جعل العاق جبارا شقيا و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق لان الله عزوجل يقول : ( فجزاوه جهنم خالدا فيها (الى آخر الايه و قذف المحصنه لان الله عزوجل يقول : ( لعنوا فى الدنيا و الاخرة و لهم عذاب عظيم ) و اكل مال اليتيم لان الله عزوجل يقول : ( انما ياكلون فى بطونهم نارا و سيصلون سعيرا) و الفرار من الزحف لان الله عزوجل يقول : ( و من يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بنس المصير) و اكل الربا لان الله عزوجل يقول : ( الذين ياكلون الربا لايقومون الا كما يقوم الذى يتخبطه الشيطان من المس ) و السحر لان الله عزوجل يقول : ( و لقد علموا لمن اشتراه ما له فى الاخرة من خلاق ) و الزنا لان الله عزوجل يقول : ( و من يفعل ذكلك يلقى اثاما يضاعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهانا) و اليمين الغموس الفاجره لان الله عزوجل يقول : ( ان الذين يمشرون بعهد الله و ايمانهم ثمنا قليلا اولئك لاخلاق لهم فى الاخرة ) و الغلول لان الله عزوجل يقول : ( و من يغلل يات بما غل يوم القيامة ) و منع الزكاه المفروضه لان الله عزوجل يقول : ( فتكوى بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم ) و شهاده الزور و كتمان الشهاده لان الله عزوجل يقول : ( و من يكتمها فانه اثم قلبه ) و شرب الخمر لان الله عزوجل نهى عنها كما نهى عن عباده الاوثان و ترك الصلاه متعمدا او شيئا مما فرض الله عزوجل لان رسول الله صلى الله عليه و آله قال : من ترك الصلاه متعمدا افقد برى من ذمه الله و ذمه رسوله و نقض العهد و قطيعه الرحم لان الله عزوجل يقول : ( لهم اللعنه و لهم سوء الدار) قال : فخرج عمرو و له صراخ من بكائه و هو يقول : هلك من قال برايه و نازعكم فى الفضل و العلم.

ترجمه:

- 419 جناب عبدالعظيم حسنى از امام جواد علیه السلام روایت کند که فرمود: از پدرم امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم موسى بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق علیه السلام وارد شد پس چون سلام کرد و نشست این آیه را تلاوت کرد) و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی ها خودداری می کنند (سپس خاموش شد. امام صادق علیه السلام فرمود: چه چیزی باعث شد که ساکت شوی و ادامه ندهی ؟ عرض کرد: دوست دارم بدانم که مراد از کبائر در کتاب خدای عزوجل چیست ؟ حضرت فرمود: آری ای عمر! بزرگترین گناهان کبیره شرك و زریدن به خداوند است ، خداوند می فرماید: هر کس به خدا شرك بورزد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند. و بعد از شرك ، نومید شدن از رحمت خداست زیرا خداوند عزوجل می فرماید) : از رحمت خداوند نومید نمی شوند مگر گروه کافران ( <sup>100</sup>) پس از آن ، ایمن بودن از مکر خدا است زیرا خدای عزوجل می فرماید) : از مکر خداوند ایمن نمی گردند مگر گروه زیانکاران ( <sup>101</sup>) و یکی دیگر از گناهان کبیره آزار رساندن به پدر و مادر است زیرا خداوند سبحان آزاردهنده به پدر و مادر را ستمگر و تیره بخت گردانده است . و دیگری کشتن نفسی است که خداوند به ناحق کشتن او را حرام کرده است ، زیرا

خداوند عزوجل می فرماید: جزای کسی که قتل نفس کند جهنم است و در جهنم جاویدان می ماند (102) و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: کسانی که نسبت ناروا به زنان شوهردار می دهند در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و عذاب بزرگی برای آنان است (103) و دیگری خوردن مال یتیم زیرا خداوند عزوجل می فرماید: خوردگان مال یتیم در شکم‌هایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند (104) و دیگری فرار از جهاد زیرا خدای عزوجل می فرماید: و هر که در آن روز به آنان پشت کند جز اینکه به کناری برای جنگیدن رفته باشد یا برای جا گرفتن در میان گروهی از بازگشتگاهی است (105) و دیگری رباخواری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید: آنانکه ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را از روی دیوانگی به بیراهه می برد (106) و دیگری جادوگری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید: و به حقیقت دانستند که هر کس آن را خرید در آخرت هیچ بهره ای برای او نیست (107)

و دیگری زنا است زیرا خدای عزوجل می فرماید: و کسی که مرتکب زنا شود عقوبت می شود و عذاب او در روز قیامت دو چندان می شود و با خواری در عذاب جاوید می ماند (108) و دیگری سوگند دروغ نابکارانه است زیرا خدای عزوجل می فرماید: به درستی که آنان که بهای اندکی را در عوض پیمان الهی و سوگندهایشان می گیرند بهره ای برای آنان در آخرت نیست (109) و دیگری خیانت و ناراستی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: و کسی که خیانت کند در روز قیامت با آنچه که خیانت کرده است می آید (110) و دیگری خودداری کردن از پرداخت زکارت واجب، زیرا خدای عزوجل می فرماید: - پس پیشانی‌ها و پشت‌هایشان داغ کرده می شود (111) و دیگری شهادت دروغ و کتمان نمودن شهادت است زیرا خدای عزوجل می فرماید: و کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است (112) و دیگری نوشیدن شراب است زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده است همچنانکه از عبادت بتها نهی نموده است و دیگری ترك نمودن عمدی نماز یا یکی از چیزهایی که خداوند عزوجل واجب ساخته است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نماز را از روی عمد ترك کند از کفالت و حمایت خداوند و رسولش خارج شده است (113) ، و دیگری پیمان شکنی و بریدن پیوند خویشاوندی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: برای چنین کسانی دوری از رحمت و سرای بدی خواهد بود (113) امام موسی بن جعفر علیه السلام در اینجا فرمود: وقتی سخن پدرم امام صادق علیه السلام به اینجا ختم شد (عمر بن عبید برخاست و بیرون رفت در حالی که از گریه اش بانگ و فریادی برپا بود و می گفت: هر کس به رای خود سخن گوید و با شما خاندان پیامبر در فضیلت و دانش به خصومت برخیزد هلاک خواهد شد .

**حدیث:**

- 420 عن الاصبغ بن نباته قال : جاء رجل الى اميرالمؤمنين عليه السلام فقال : يا اميرالمؤمنين ان ناسا زعموا ان العبد لايزنى و هو مومن و لايسرق و هو مومن و لايشرب الخمر و هو مومن و لا ياكل الربا و هو مومن و لايسفك الدم الحرام و هو مومن فقال اميرالمؤمنين عليه السلام : صدقت سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول و الدليل كتاب الله و ذكر الحديث الى ان قال و قد تاتي عليه حالات فيهم بالخطيئه فتشجعه روح القوه و يزین له روح الشهوده و تقوده روح البدن حتى يواقع الخطيئه فاذا لامسها نقص من الايمان و تفصى منه فليس يعود فيه حتى يتوب فاذا تاب تاب الله عليه و ان عاد ادخله نار جهنم.

**ترجمه:**

- 420 اصبغ بن نباته گوید: مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! همانا برخی از مردم معتقدند که بنده در حالی که مومن باشد نه زنا می کند نه دزدی و نه شراب می نوشد و نه ربا می خورد و نه خوبی را به حرام می ریزد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفتی (زیرا) من همین حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و دلیل بر درستی آن کتاب خداست، و گاهی برای مومن حالاتی پیش می آید که در آن حالات قصد می کند که مرتکب گناه شود پس روح قوت و توانایی او را بر این کار جرات می بخشد و روح شهوت آن کار را برای او زینت داده و زیبا جلوه می دهد و روح بدن او را رهبری می کند تا آنکه به گناه تن در می دهد پس زمانی که با گناه تماس حاصل کرد از ایمانش کاسته می شود از ایمان رها می گردد و ایمانش باز نمی گردد مگر اینکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه اش را می پذیرد و اگر به گناهکاری بازگشت خداوند او را به آتش دوزخ داخل می کند .

**حدیث:**

- 421 عن عبید بن زراره قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الكبائر فقال : هن في كتاب علي عليه السلام سبع الكفر بالله و قتل النفس و عقوق الوالدين و الك الربا بعد البينه و اكل مال اليتيم ظلما و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجرة قال : فقلت ، هذا اكبر المعاصي فقال : نعم قلت : فاكل الدرهم من مال اليتيم ظلما اكبر ام ترك الصلاة قال : ترك الصلاة قلت : فما عدت ترك الصلاة في الكبائر قال : اي شئ ء اول ما قلت لك قلت : الكفر قال : فان تارك الصلاة كافر يعنى من غير عله.

**ترجمه:**

- 421 عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم حضرت فرمود: گناهان کبیره چنانکه در کتاب علی علیه السلام آمده است هفت گناه است: کفر به خداوند و کشتن نفس (محترم) و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن ربا بعد از آشنایی و آگاهی از آن و مال یتیم را به ستم خوردن و فرار از جهاد و پس از هجرت به دارالایمان دوباره به حالت اعرابی بودن بازگشتن، عبید

بن زرارہ گوید: عرض کردم: آیا اینها بزرگترین گناهانند؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم: پس آیا یک درهم از مال یتیم را به ستم خوردن بزرگتر است یا ترک نمودن نماز؟ حضرت فرمود: ترک نمودن نماز. عرض کردم: پس چرا ترک نماز را در شمار گناهان کبیره نیاوردی؟ حضرت فرمود: اولین چیزی که از گناهان کبیره برایت بر شمردم چه بود؟ عرض کردم: کفر. حضرت فرمود: به راستی کسی که بدون علت (موجهی) نماز خود را ترک کند کافر است.

**حدیث:**

- 422 عن ابی عبدالله علیہ السلام فی القنوت فی الوتر الی ان قال و استغفر لذنبك العظیم ثم قال کل ذنب عظیم.

**ترجمه:**

- 422 امام صادق علیہ السلام به روای فرمود: در قنوت نماز شب (فلان دعا و فلان دعا را بخوان - ) تا آنجا که فرمود: - و برای گناه بزرگ از درگاه خداوند طلب بخشایش کن. سپس فرمود: تمامی گناهان بزرگ اند.

**حدیث:**

- 423 عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : الكبائر سبع قتل المومن متعمدا و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و التعرف بعد الهجرة و اكل مال الیتیم ظلما و اكل الربا بعد البینه و كل ما اوجب الله علیه النار.

**ترجمه:**

- 423 امام صادق علیہ السلام فرمود: گناهان کبیره هفت گناه است: کشتن مومنی از روی عمد و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و فرار از روی ستم و ربا خواری بعد از آشنایی و آگاهی و هر گناهی که خداوند آتش دوزخ را بر (انجام دهنده) آن واجب ساخته است.

**حدیث:**

- 424 عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیہ السلام یقول : ان من الكبائر عقوق الوالدين و الیاس من روح الله و الامن من مکر الله.

**ترجمه:**

- 424 عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیہ السلام شنیدم که می فرمود: همانا آزار رساندن به پدر و مادر و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خداوند از گناهان کبیره است.

**حدیث:**

- 425 و قد روی اکبر الكبائر الشرك بالله.

**ترجمه:**

- 425 روایت شده است که بزرگترین گناهان کبیره شرك و زریدن به خداوند است.

**حدیث:**

- 426 عن حماد عن نعمان الرازی قال سمعت ابا عبدالله علیہ السلام یقول : من زنی خرج ما الايمان و من شرب الخمر خرج من الايمان و من افطر یوما من شهر رمضان متعمدا خرج من الايمان.

**ترجمه:**

- 426 حماد از نعمان رازی روایت کند که: از امام صادق علیہ السلام شنیدم که می فرمود: کسی که زنا کند از ایمان بیرون می رود و کسی که شراب بنوشد از ایمان بیرون می رود و کسی که از روی عمد یک روز ماه رمضان را روزه خواری کند از ایمان بیرون می رود.

**حدیث:**

- 427 عن محمد بن عبده قال : قلت لابی عبدالله علیہ السلام : لایزنی الزانی و هو مومن قال لا اذا كان علی بطنها سلب الايمان فاذا قام رد الیه فاذا عاد سلب قلت فانه یبید ان یعود فقال ما اکثر من یبید ان یعود فلا یعود الیه ابدا.

**ترجمه:**

- 427 محمد بن عبده گوید: به امام صادق علیہ السلام عرض کردم: آیا شخص زناکار در حالتی که ایمان داشته باشد مرتکب زنا نمی شود؟ فرمود: نه، چنین کسی در آن حالتی که بر روی شکم آن زن قرار می گیرد ایمانش سلب می شود و هنگامی که بر می خیزد دوباره ایمان به او باز می گردد و اگر دوباره به زنا بپردازد ایمانش سلب می گردد. عرض کردم: کسی که زنا می کند قصد دارد این عمل را دوباره مرتکب گردد (چگونه ایمانی که از او سلب شده دوباره باز می گردد؟) فرمود: چه بسیار کسانی که می خواهند باز گردند ولی هرگز (به ارتکاب این عمل شنیع) باز نمی گردند.

**حدیث:**

- 428 عن ابی عبدالله علیہ السلام فی قول الله عزوجل : (الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) فقال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل یلم بالذنب فیستغفر الله منه.

**ترجمه:**

- 428 امام صادق علیہ السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: آنانکه از گناهان بزرگ و ناشایسته ها دوری می گزینند مگر گناه کوچک<sup>(114)</sup> فرمود: مراد از ناشایسته ها زنا و دزدی است و مراد از گناه کوچک این است که کسی مرتکب گناهی می شود و در پی آن از خداوند به خاطر آن گناه طلب آمرزش می کند.

**حدیث:**

- 429 عن داود قال : سالت ابا عبدالله علیہ السلام عن قول رسول الله صلی الله علیه و آله اذا زنی

الرجل فارقه روح الايمان قال : فقال : هو مثل قول الله عزوجل : ( و لا تيمموا الخبيث منه تنفقون ) ثم قال غير هذا ابين منه ذلك قول الله عزوجل : ( و ايدهم بروح منه ) هو الذي فارقه.

ترجمه:

- 429 داود گوید: از امام صادق علیه السلام از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که فرموده است : هرگاه مردی مرتکب زنا شود روح ایمان از او جدا می شود پس حضرت فرمود: این سخن پیامبر همانند گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: ( و قصد مکنید ) مال ( پلید را که از آن انفاق کنید )<sup>(115)</sup> زیرا همچنانکه مال پلید و طیب دارد روح هم با قصد و عمل پلید، پلید می شود و روح طیب که همان روح ایمان است مفارقت می کند) آنگاه می فرماید: کلامی دیگر از خداوند واضح تر از این است و آن ، این سخن خدای عزوجل است) : و ایشان را با روحی از جانب خود یاری داد<sup>(116)</sup> این روح است که از شخص زانی جدا می شود.

حدیث:

- 430 عن مسعده بن صدقه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الكبائر القنوط من رحمه الله و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البيئه و التعرب بعد الهجرة و قذف المحصنه و الفرار بعد ازحف.

ترجمه:

- 430 مسعده بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گناهان کبیره عبارتند از: ناامیدی از رحمت خداوند و مایوسی گشتن از مهربانی خدا و ایمنی از مکر الهی و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانیده و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا خواری بعد از آگاهی ، و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت ، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار نمودن از جهاد.

- ۱۰ -

حدیث:

- 431 عن ابی بکیر قال قلت لابی جعفر علیه السلام فی قول رسول الله اذا زنی الرجل فارقه روح الايمان قال هو قوله و ايدهم بروح منه ذلك الذي يفارقه.

ترجمه:

- 431 ابن بکیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هرگاه مردی زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کننده به ( گفتار خداوند است که می فرماید) : و آنان را با روحی از خود قوت بخشید<sup>(117)</sup> که این روح همان روحی است که از آنان جدایی نموده بود .

حدیث:

- 432 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : يسلب منه روح الايمان مادام على بطنها فاذا نزل عاد الايمان . قال : ارايت ان هم قال : لا ارايت ان هم ان يسرق اتقطع يده ؟

ترجمه:

- 432 امام صادق علیه السلام فرمود: روح ایمان از شخص زناکار تا وقتی که در حال زناست گرفته می شود پس هنگامی که از عمل زشت خود فارغ شد (و پشیمان گشت ) ایمان باز می گردد. راوی گوید: عرض کردم : اگر کسی قصد زنا کند آیا باز هم ایمانش گرفته می شود؟ حضرت فرمود: خیر، آیا اگر کسی قصد دزدی کند دستش قطع می شود؟

حدیث:

- 433 عن ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام قال سمعته يقول الكبائر سبعة منها قتل النفس متعمدا و الشرك بالله العظيم و قذف المحصنه و اكل الربا بعد البيئه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجرة و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما قال و التعرب و الشرك واحد.

ترجمه:

- 433 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود : گناهان کبیره هفت تاست : کشتن کسی از روی عمد و شرك ورزیدن به خدای بزرگ و نسبت ناروا به زن شوهردار و رباخواری بعد از آگاهی و فرار از جهاد و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم . سپس فرمود: تعرب (بازگشتن به حالت اعرابی ) و شرك در يك درجه اند .

حدیث:

- 434 قال ابو عبدالله عليه السلام : و الذي اذا دعاه ابوه لعن اباه و الذي اذا اجابه ابنه يضره.

ترجمه:

- 434 امام صادق علیه السلام فرمود: ( دو کس نیز گناهانشان کبیره است ، یکی ) کسی که وقتی پدرش او را می خواند پدر خود را لعنت می فرستد و دیگری کسی که با اینکه پسرش ( خواسته ) او را اجابت می کند ولی او پسرش را کتک می زند .

حدیث:

435 عن محمد بن حکیم قال قلت لابی الحسن موسی علیه السلام الكبائر تخرج من الايمان ؟ فقال : نعم و ما دون الكبائر قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا يزني الزاني و هو مومن و لا يسرق السارق و هو مومن.

ترجمه:

435 محمد بن حکیم گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم: آیا گناهان کبیره آدمی را از ایمان بیرون می برد؟ حضرت فرمود: آری، گناهان پایین تر از کبیره هم (ایمان را از دل بیرون می برند) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن کسی که در معرض زنا کردن است در حالی که مومن باشد زنا نمی کند و آن کس که مشرف به دزدی کردن است در حالی که مومن باشد دزدی نمی کند.

حدیث:

436 عن عبید بن زراره فی حدیث ان ابا جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لا يزني الزاني و هو مومن و لا يسرق السارق و هو مومن.

ترجمه:

436 عبید بن زراره در حدیثی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مومن تا مومن است زنا نمی کند و مومن تا زمانی که مومن است دزدی نمی کند.

حدیث:

437 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اكبر الكبائر سبع الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل اموال اليتامى و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و انكار ما انزل الله عزوجل.

ترجمه:

437 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان بزرگ هفت گناهند: شرك آوردن به خدای بزرگ و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده مگر به سببی حق و خوردن اموال یتیم و آزار رساندن به پدر و مادر و نسبت ناروا دادن به زنان شوهر دار و گریختن از جهاد و انکار نمودن آنچه که خداوند عزوجل فرو فرستاده است.

حدیث:

438 علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام قال : سألته عن الكبائر التي قال الله عزوجل : ( ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه ) قال : التي اوجب الله عليها النار.

ترجمه:

438 علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که: از ایشان در مورد کبائر که در گفتار خدای عزوجل که می فرماید: اگر از کبائری که از آنها نهی شده اید خودداری کنید (آمده است پرسیدم که آن کبائر کدامند؟ حضرت فرمود: مراد از کبائر آن گناهانی است که خداوند بر ارتکاب آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است.

حدیث:

439 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الكبائر سبع فينا انزلت و منا استحللت فاولها الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله و اكل مال اليتيم و عقوق الوالدين و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و انكار حقنا.

ترجمه:

439 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گناه کبیره هفت گناهند که درباره ما نازل شده اند (ولی متأسفانه) همه آن گناهان را نسبت به خود ما روا داشته اند اولین آنها شرك آوردن به خدای بزرگ است و دیگری کشتن کسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده و دیگری خوردن مال یتیم و دیگری رنجاندن پدر و مادر و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و دیگری گریختن از میدان جنگ و دیگری انکار نمودن حق ما است. (118)

حدیث:

440 و روی ان الحيف فی الوصيه من الكبائر.

ترجمه:

440 و روایت شده است که: همانا ستم نمودن و بی عدالتی در وصیت از گناهان کبیره است.

حدیث:

441 عن عباد بن كثير النواء قال سألت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال كل ما اوعده الله عليه النار.

ترجمه:

441 عباد بن کثیر هسته خرما فروش گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم، حضرت فرمود: تمامی گناهانی که خداوند بر ارتکاب آنها وعده آتش دوزخ را داده است گناهان کبیره اند.

حدیث:

442 و باسناده عن ابی خدیجه سالم بن مكرم الجمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال الكذب على الله و على رسوله و على اوصياء عليه السلام من الكبائر.

ترجمه:

- 442 ابی خدیجه سالم بن مکرم شتریان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که : دروغ بستن بر خداوند و رسول و جانشینان رسول از گناهان کبیره است .

**حدیث:**

- 443 و قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من قال على ما لم اقل فليتبوا مقعده من النار.

**ترجمه:**

- 443 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد پس باید نشیمنگاهی از آتش را جایگاه و اقامتگاه خود سازد.

**حدیث:**

- 444 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام الكبائر خمسہ الشرك و عقوق الوالدين و اكل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجرة.

**ترجمه:**

- 444 امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که : گناهان کبیره پنج گناهند: شرك و آزار رساندن به پدر و مادر و رباخواری پس از آگاهی و گریختن از جهاد و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت نمودن .

**حدیث:**

- 445 عن عبید بن زرارہ قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : اخبرنی عن الكبائر فقال : هن خمس و هن مما اوجب الله عليهن النار قال الله تعالى : ( ان الله لا يغفر ان يشرك به ) و قال : ( ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلما انما ياكلون في بطونهم ناولا و سيصلون سعيرا ) و قال : ( يا ايها الذين آمنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الادبار ) الى آخر الايه و قال عزوجل : ( يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا ) الى آخر الايه و رمى المحصنات الغافلات المومنات و قتل مومن متعمدا على دينه.

**ترجمه:**

- 445 عبید بن زرارہ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که : مرا نسبت به گناهان کبیره آگاه ساز. حضرت فرمود: گناهان کبیره پنج گناهند و آنها گناهانی هستند که خداوند بر آنها آتش دوزخ را واجب گردانده و می فرماید: همانا خداوند شرك آوردن به خود را نمی بخشاید (119) و می فرماید: آنان که اموال یتیمان را ظالمانه می خورند به راستی که در شکمهایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند (120) و می فرماید: ای ایمان آورندگان هرگاه در میدان جنگ با کافران روبرو شدید به آنان پشت نکنید (121) تا آخر آیه . و فرمود: ای ایمان آورندگان از خدا بترسید و آنچه را که از ربا باقی مانده رها کنید (122) تا آخر آیه . و متهم ساختن زنان شوهردار ساده دل با ایمان و کشتن مومنی از روی عمد به خاطر دینداری اش .

**حدیث:**

- 446 عن الصادق علیه السلام قال : عقوق الوالدين من الكبائر لان الله جعل العاق عصيا شقيا.

**ترجمه:**

- 446 امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند آزار رساننده به پدر و مادر را نافرمان و تیره روز گردانده است.

**حدیث:**

- 447 و قال علیه السلام : و قتل النفس من الكبائر لان الله يقول : ( و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها و غضب الله عليه و لعنه و اعدله عذابا عظيما. )

**ترجمه:**

- 447 امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: و کسی که مومنی را عمداً به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن برای همیشه می ماند و خداوند بر او خشم گرفته و او را از رحمتش دور گردانده و برای وی عذابی بزرگ و آماده ساخته است. (123)

**حدیث:**

- 448 و قال علیه السلام : و قذف المحصنات من الكبائر لان الله يقول : ( لعنوا في الدنيا و الاخرة و لهم عذاب عظيم. )

**ترجمه:**

- 448 امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و کیفری بزرگ برای آنان می باشد (124)

**حدیث:**

- 449 عن احمد بن عمر الحلبي قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : ( ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم ) قال : من اجتنب ما اوعده الله عليه النار اذا كان مومنا كفر عنه سيئاته و ادخله مدخلا كريما و الكبائر السبع الموجبات : قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجرة و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف.

**ترجمه:**

- 449 احمد بن عمر حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید دوری کنید از دیگر گناهانتان چشم پوشی می کنیم (125) حضرت فرمود: کسی که از گناهانی که خداوند بر انجام آنها وعده آتش داده است دوری

کند اگر مومن باشد از دیگر گناهانش چشم پوشی می کند و او را به منزلگاهی گرامی وارد می سازد و گناهان کبیره هفتگانه که موجب آتش دوزخ اند عبارتند از: کشتن نفسی که احترام دارد و آزدن پدر و مادر و خوردن ربا و بازگشتن به حالت اعرابی بودن پس از هجرت کرده است و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

**حدیث:**

- 450 عن الرضا عليه السلام في كتابه الى المامون قال : الايمان هو اداء الامانه و اجتناب جميع الكبائر و هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان - الى ان قال - و اجتناب الكبائر و هي قتل النفس التي حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل الربا بعد البيئه و السحت و الميسر و هو القمار و اليخس في المكيا و الميزان و قذف المحصنات و الزنا و اللواط و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و معونه الظالمين و الركون اليهم و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و الكذب و الكبر و الاسراف و التبذير و الخيانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه لاولياء الله و الاشتغال بالملاهى و الاصرار على الذنوب.

**ترجمه:**

- 450 امام رضا عليه السلام در نامه ای به مامون چنین نوشت : ایمان همان امانتداری و دوری از همه گناهان بزرگ است و ایمان همان شناخت قلبی و اقرار و اعتراف زبانی و عمل نمودن به وسیله اعضا است - تا آنجا که فرمود: - و دوری از گناهان کبیره ، و آنها عبارتند از: قتل نفسی که کشتن او را خداوند حرام ساخته است و زنا نمودن و دزدی کردن و نوشیدن شراب و آزدن پدر و مادر و گریختن از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده است در صورتی که ضرورتی نباشد، و خوردن ربا بعد از آگاهی (از ربوی بودن معامله ) و خوردن حرام و قمار بازی و کاستن و کم گذاردن در پیمانها و وزن و نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار و زنا و لواط و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خدا و دلسردی از رحمت الهی و پاری رساندن به ستمکاران و تکیه و اعتماد بر آنان ، و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون اینکه سختی و ضرورتی موجب آن شده باشد، و دروغگویی و تکبر و خودبزرگ بینی ، و اسراف و ولخرجی ، و خیانت و ناراستی ، و سبک شمردن حج ، و ستیزه کردن با دوستان خدا، و مشغول بودن به خوشگذرانی های بیهوده ، و اصرار و پافشاری نمودن بر انجام گناهان .

**حدیث:**

- 451 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اجتنبوا السبع الموبقات قيل : و ما هن ؟ قال : الشرك بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل الربا و اكل مال اليتيم و التولى يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المومنات.

**ترجمه:**

- 451 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: از هفت چیز هلاک آور دوری کنید، به ایشان عرض شد : آن هفت چیز کدامند؟ حضرت فرمود: شرك ورزیدن به خداوند، و جادوگری ، و کشتن کسی که خداوند کشتن او را جز در صورتی که حق او باشد حرام گردانیده ، و ربا خواری ، و خوردن مال یتیم ، و پشت نمودن به دشمن در روز جهاد، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار ساده دل با ایمان .

**حدیث:**

- 452 عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قلت له : ما لنا نشهد على ما خالفنا بالكفر و ما لنا لانشهد لانفسنا و لاصحابنا انهم فى الجنه ؟ فقال : من ضعفكم ان لم يكن فيكم شىء من الكبائر فاشهدوا انكم فى الجنه قلت : فای شىء الكبائر؟ قال : اكبر الكبائر الشرك بالله و عقوق الوالدين و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و الربا بعد البيئه و قتل المومن فقلت له : الزنا و السرقة فقال : ليسا من ذلك.

**ترجمه:**

- 452 محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : چه شده است ما را که گواهی به کافر بودن مخالفین خود می دهیم ولی چرا خود و یاران مان گواهی به بهشتی بودن نمی دهیم ؟ حضرت فرمود : این به خاطر ضعف و ناتوانی شماست ، اگر در شما هیچیک از گناهان کبیره نبود پس گواه باشید که شما در بهشت هستید، عرض کردم : گناهان کبیره چه چیزهایی هستند؟ فرمود : بزرگترین آنها شرك ورزیدن به خداوند و آزدن پدر و مادر و پس روی نمودن به حالت اعرابی پس از هجرت و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و رباخواری بعد از آگاهی و کشتن مومن . پس عرض کردم : آیا زنا نمودن و دزدی کردن هم از گناهان کبیره است ؟ حضرت فرمود: نه این دو از گناهان کبیره شمرده نمی شوند .

**حدیث:**

- 453 عن جعفر بن محمد عليه السلام في حديث شرائع الدين قال : و الكبائر محرمة و هي الشرك بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البيئه و قذف المحصنات و بعد ذلك الزنا و اللواط و السرقة و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل السحت و اليخس في المكيا و الميزان و الميسر و شهادة الزور و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و ترك معاونه المظلومين و الركون الى الظالمين و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و استعمال التكبر و التجبر و الكذب و الاسراف



و التبیذیر و الخیانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه الاولیاء الله و الملاهی التی تصد عن ذکر الله عزوجل  
مکروهه کالغناء و ضرب الاوتار و الاصرار علی صغائر الذنوب.

ترجمه:

453 امام صادق علیه السلام در حدیث قوانین و دستورات دین فرمود: (ارتکاب ) گناهان کبیره حرام  
است و آنها عبارتند از: شرک آوردن به خداوند، و کشتن نفسی که خداوند آن را حرام ساخته ، و آزدن  
پدر و مادر، و گریختن از جهاد، و خوردن مال یتیم از روی ستم ، و ربا خواری بعد از آگاهی ، و نسبت  
ناروا به زنان شوهردار، و پس از اینها زنا و لواط و دزدی و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و  
گوشت هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده بدون هیچگونه ضرورتی ، و خوردن حرام و کم  
گذاردن در وزن و پیمان و قمار بازی و شهادت ساختگی و دروغ و مایوس شدن از رحمت خداوند و  
ایمنی از مکر الهی و ناامیدی از رحمت خدا و ترک پاری ستمدیدگان و تکیه و اعتماد بر ستمگران و  
سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون در سختی و فشار بودن ، و تکبر ورزیدن و خود بزرگ  
بینی و دروغ گویی و اسراف و ولخرجی و خیانت و سبک شمردن حج و ستیزه کردن با دوستان خدا و  
خوشگذرانی هایی که آدمی را از یاد خدای عزوجل باز می دارد و ناپسندی آنها آشکار است همانند:  
عنا و نواختن تارها، و اصرار و پافشاری بر گناهان کوچک .

حدیث:

454 قال علیه السلام : الكبائر تسع اعظمهن الاشرک بالله عزوجل و قتل النفس المومنه و اکل الربا  
و اکل مال الیتیم و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و عقوق الوالدین و استحلال البیت الحرام و  
السحر فمن لقی الله عزوجل و هو بری منهن کان معی فی جنه مصاریعها الذهب.

ترجمه:

454 امام صادق علیه السلام فرمود: گناهان کبیره نه گناهند که بزرگترین آنها شرک ورزیدن به خدای  
عزوجل ، و (پس از آن ) کشتن نفس مومن و رباخواری و خوردن مال یتیم و نسبت ناروا دادن به زن  
شوهر دار و گریختن از جنگ و جهاد و آزدن پدر و مادر و حلال ساختن بیت الله الحرام (یعنی رعایت  
نکردن احترام خانه خدا) و جادوگری پس هر کسی که خداوند عزوجل را دیدار کند در حالی که از این  
گناهان پاک باشد همراه با من در بهشتی خواهد بود که لنگه های در آن طلاست .

47 باب صحه التوبه من الكبائر

47 باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره

حدیث:

455 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : (ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء)  
الکبائر فما سواها قال : قلت دخلت الکبائر فی الاستثناء قال : نعم.

ترجمه:

455 امام صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود: به راستی کهخ خداوند شرک ورزیدن به خود را  
نمی بخشاید ولی غیر از شرک را برای هر کسی که بخواهد می بخشد (126) سپس فرمود: چه گناه  
کبیره باشد و چه صغیره . روای گوید: عرض کردم : اینکه در آیه آمده است که غیر شرک را می بخشد  
آیا شامل گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری.

حدیث:

456 عن اسحاق بن عمار قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : الکبائر فیها استثناء ان تغفر لمن  
یشاء؟ قال : نعم.

ترجمه:

456 اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره هم در این آیه  
از شرک استثنا شده اند؟ حضرت فرمود: آری.

حدیث:

457 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقارف فی یومه و لیلته اربعین کبیره فیقول و هو  
نادم استغفر الله الذی لا اله الا الله هو الحی القيوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله  
ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی الا غفرها الله له و لآخر فیمن یقارف فی یومه اکثر من  
اربعین کبیره.

ترجمه:

457 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست که در شبانه روز (حتی اگر) مرتکب چهل  
گناه کبیره شود و با حالت پشیمانی جمله استغفار زیر را بگوید جز اینکه خداوند گناهانش را می  
بخشاید و آن استغفار این است: استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القيوم بدیع السماوات و الارض  
ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی ( سپس فرمود: کسی که در روز  
مرتکب بیش از چهل گناه کبیره شود در وجودش خیری نیست.

حدیث:

458 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی.

ترجمه:

458 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا شفاعت من برای کسانی از امتم می باشد که  
مرتکب گناه کبیره شده اند .

حدیث:

459 و قال الصادق عليه السلام : شفاعتنا لاهل الكبائر من شيعتنا فاما التائبون فان الله يقول) : ما على المحسنين من سبيل.

ترجمه:

459 امام صادق عليه السلام فرمود: شفاعت ما برای شیعیانی است که اهل انجام گناهان کبیره اند ولی آنان که توبه کرده اند خداوند درباره آنان می فرماید: بر علیه نیکوکاران هیچ راهی نیست (127)

حدیث:

460 و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لا شفیع انجح من التوبه.

ترجمه:

460 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شفاعت کننده ای پیرومندتر از توبه نیست .

حدیث:

461 و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلك یشاء) دخلت الكبائر فی مشیه الله قال نعم ان شاء عذب علیها و ان شاء عفا.

ترجمه:

461 از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید: به راستی که خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشد ولی غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشد (128) پرسیده شد که آیا اینکه فرموده است: برای هر که بخواهد (شامل انجام دهندگان گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری . اگر خدا بخواهد آنان را عذاب می کند و اگر بخواهد می بخشد .

حدیث:

462 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و من یقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها) قال : جزاؤه جهنم ان جازاه.

ترجمه:

462 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: کسی که مومنی را از روی عمد به قتل برساند جزایش برای همیشه دوزخ است (129) فرمود: جزای چنین کسی دوزخ است اگر خداوند او را مجازات کند .

حدیث:

463 و عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث الاسلام و الایمان قال : و الایمان من شهد ان لا اله الا الله - الی ان قال : - و لم یلق الله بذنب اوعده علیه بالنار قال ابو بصیر: جعلت فداك و اینا لم یلق الله الیه بذنب اوعده الله علیه النار فقال : لیس هو حیث تذهب ، انما هو من لم یلق الله بذنب اوعده الله علیه بالنار و لم یتب منه.

ترجمه:

463 امام باقر علیه السلام در حدیث اسلام و ایمان می فرمود: و ایمان کسی دارد که شهادت به وحدانیت خداوند دهد و خداوند را با گناهی که خدا وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند. ابوبصیر عرض کرد: فدایت شوم کدامیک از ما خداوند را با چنین گناهی دیدار نمی کند؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو فکر می کنی بلکه مراد من این است که خداوند را با گناهی که او وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند در حالی که از آن گناه توبه نکرده باشد .

حدیث:

464 عن سهل بن یسع قال سمع الرضا علیه السلام بعض اصحابه یقول : لعن الله من حارب علیا علیه السلام فقال له : قل الا من تاب و اصلح ثم قال : ذنب من تخلف عنه و لم یتب اعظم من ذنب من قاتله ثم تاب.

ترجمه:

464 سهل بن یسع گوید: امام رضا علیه السلام شنید که یکی از یارانش می گوید: خداوند لعنت کند کسی را که با علی علیه السلام جنگید. حضرت به او فرمود: بگو: بجز کسی که توبه نمود و خود را نیکو کرد. سپس فرمود: گناه کسی که به علی علیه السلام پشت نمود و توبه نکرد از گناه کسی که با او جنگید و سپس توبه کرد بزرگتر است .

حدیث:

465 عن محمد بن ابی عمیر قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام یقول : من اجتنب الكبائر من المومنین لم یسال عن الصغائر قال الله تعالی : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سئياتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا) قال : قلت : فالشفاعة لمن تجب ؟ فقال حدثنی ابی عن آبائه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی فاما المحسنون فما علیهم من سبیل قال ابن ابی عمیر: فقلت له : یا ابن رسول الله فکیف تكون الشفاعة لاهل الكبائر و الله تعالی یقول : (و لا یشفعون الا لمن ارتضى ) و من یرتکب الكبائر لایکون مرتضى فقال : یا ابا احمد ما من مومن یدنب ذنبا الا ساءه ذلك و ندم علیه و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کفی بالندم توبه و قال : من شرته حسنته و ساءته سیئته فهو مومن فمن لم یندم علی ذنب یرتکبه فلیس بمومن و لم تجب له الشفاعة - الی ان قال - قال النبی صلی الله علیه و آله : لاکبیر مع الاستغفار و لاصغیر مع الاصرار.

ترجمه:

465 محمد بن ابی عمیر گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس

از مومنین از گناهان کبیره دوری کند در مورد گناهان صغیره از او بازخواست نمی شود خداوند تعالی می فرماید: اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی ارحمند وارد می سازیم (130) راوی گوید: عرض کردم پس شفاعت برای چه کسانی است؟ حضرت فرمود: پدرم از پدران بزرگوارش و آنان از علی علیه السلام، روایت نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که شفاعت من شامل کسانی از امت می گردد که اهل ارتکاب گناهان کبیره بوده اند اما نیکوکاران که چیزی بر علیه آنان نیست. ابن ابی عمیر گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا چگونه شفاعت اهل کبائر می گردد و حال اینکه خدای تعالی می فرماید: و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که برگزیده و مورد رضایت است (131) و کسی که مرتکب گناهان کبیره می گردد برگزیده نیست. حضرت فرمود: ای ابا احمد! هیچ مومنی نیست که گناهی انجام دهد جز اینکه آن گناه او را ناراحت می سازد و بر گناه خویش پشیمان می گردد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که: برای توبه کردن پشیمانی کافی است و فرمود: کسی که نیکی اش او را شادمان سازد و بدی اش وی را بد حال گرداند چنین کسی مومن است پس کسی که بر گناهی که انجام می دهد پشیمان نشود مومن نمی باشد و شفاعت نمودن او لازم نیست - تا آنجا که فرمود: - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: با وجود استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و در صورت اصرار و پافشاری صغیره ای نخواهد بود (زیرا اصرار بر گناه صغیره خود گناه کبیره است).

حدیث:

- 466 عن ابراهیم بن العباس قال : كنت فی مجلس الرضا علیه السلام فتذاكرنا الكبائر و قول المعتزله فیها انها لاتغفر فقال الرضا علیه السلام : قال ابو عبدالله : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله قال الله عزوجل : و ان ربك لذو مغفره للناس علی ظلمهم).

ترجمه:

- 466 ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا علیه السلام بودم و با یکدیگر درباره گناهان کبیره و نظر معتزله که گناهان کبیره بخشیده نمی شوند گفتگو می کردیم پس امام رضا علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام فرموده است که: قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است زیرا خداوند عزوجل فرموده است: و همانا پروردگارت دارای مغفرت است و مردمان را بر ظلم و ستمشان می بخشاید (132).

حدیث:

- 467 عن جنبد الغفاری ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ان رجلا قال یوما : و الله لا یغفر الله لفلان فقال الله عزوجل : من ذا الذی تالی علی ان لا اغفر لفلان ؟ فانی قد غفرت لفلان و احببت عمل الثانی بقوله لا یغفر الله لفلان.

ترجمه:

- 467 جنبد غفاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که روزی مردی گفت: سوگند به خدا که فلانی را خداوند نمی بخشاید پس خداوند عزوجل فرمود: این کیست که بر من سوگند می خورد که فلانی را نمی بخشم؟ من فلانی را بخشیدم و به خاطر سخن این شخص عملش را باطل و ناچیز نمودم.

حدیث:

- 468 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی : (و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء) دخلت الكبائر فی الاستثناء؟ قال علیه السلام : نعم.

ترجمه:

- 468 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: خداوند غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشاید (133) پرسیده شد که آیا گناهان کبیره هم در این استثنا داخل هستند؟ (یعنی خداوند آنها را نیز می بخشد؟) حضرت فرمود: آری.

- 48 باب تحریم الاصرار علی الذنب و وجوب المبادره بالتوبه و الاستغفار

- 48 باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

حدیث:

- 469 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : لا و الله لا یقبل الله شیئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه.

ترجمه:

- 469 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نه سوگند به خداوند که خدا در صورت اصرار و پافشاری (بنده اش) بر انجام معصیتی از معاصی هیچ طاعتی از طاعات وی را نمی پذیرد.

حدیث:

- 470 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من علامات الشقاء جمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنيا و الاصرار علی الذنب.

ترجمه:

- 470 از امام صادق علیه السلام روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه های شقاوت و تیره روزی عبارت است از: خشک شدن چشم از اشک (و نگرستن) و سنگدلی و زیادی حرص در طلب دنیا و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای

باقی نمی ماند .

**حدیث:**

- 471 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لاصغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار.

ترجمه:

- 471 امام صادق علیه السلام فرمود: با وجود اصرار و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند .

**حدیث:**

- 472 عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل : ( و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون ) قال : الاصرار ان یدنب الذنب فلا یستغفر الله و لا یحدث نفسه بالتوبه فذلک الاصرار.

ترجمه:

- 472 امام باقر علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: و اصرار نکردند بر آنچه انجام می دادند و آنان می دانند (134) فرمود: اصرار نمودن بر گناه این است که مرتکب گناهی شود و پس از آن نه استغفار کند و نه با خود درباره توبه کردن سخن گوید چنین کاری اصرار است .

**حدیث:**

- 473 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحک دخل النار و هو باک.

ترجمه:

- 473 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که : کسی که مرتکب گناهی شود در حالی که خنده بر لب دارد در قیامت با چشم گریان داخل آتش می شود.

- 49 باب جمله مما ینبغی تزکة من الخصال المحرمه و مکروهه

- 49 باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترک شوند

**حدیث:**

- 474 قال ابو عبدالله علیه السلام اصول الکفر ثلاثة الحرص و الاستکبار و الحسد.

ترجمه:

- 474 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و خودبزرگ بینی و حسد ورزیدن .

**حدیث:**

- 475 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله : ارکان الکفر اربعة الرغبه و الرهبه و السخط و الغضب.

ترجمه:

- 475 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : پایه های کفر چهار چیز است : میل و خواهش ، ترس و بیم ، و ناخشنودی و خشم .

**حدیث:**

- 476 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اول ما عصى الله به سنه حب الدنيا و حب الرئاسه و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب النساء.

ترجمه:

- 476 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا اولین چیزهایی که بوسیله آنها نافرمانی خداوند صورت گرفته است شش چیز است : دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوراک و دوستی خواب و دوستی آرامش و دوستی زنان .

**حدیث:**

- 477 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاث من کن فیہ کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم من اذا اوتمن خان و اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف ان الله عزوجل قال فی کتابه ( و ان الله لایحب الخائنین ) و قال ( ان لعنت الله علیه ان کان من الکاذبین ) و فی قوله ( و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا).

ترجمه:

- 477 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : سه چیز است که اگر در کسی باشد آن کس منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و به مسلمان بودن خود معتقد باشد : کسی که هنگامی که او را امین شمرند خیانت کند و هنگامی که سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلف وعده کند. به راستی که خداوند عزوجل در کتابش فرموده است: : همانا که خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد (135) و فرمود: لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد (136) و فرمود: و در کتاب ، اسماعیل را یادآور که او وعده اش راست بود و فرستاده و پیامبر بود (137)

**حدیث:**

- 478 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا اخبرکم بشرار رجالکم قلنا: بلی یا رسول الله قال : شرار رجالکم البهات الجریء الفحاش الاکل وحده و المانع رفته و الضارب عبده و الملجى عیاله الی غیره.

ترجمه:

- 478 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را نسبت به بدترین مردانتان آگاه سازم ؟ گفتیم :

آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بدترین مردان شما کسی است که دروغ باف ، گستاخ و بسیار هرزه گو باشد، به تنهایی بخورد و یاری اش را (از مردمان ) باز دارد و گماشته زیر دستش را کتک بزند و خانواده اش را به دیگری پناهنده سازد.

**حدیث:**

- 479 عن یزید الصائغ قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : رجل علی هذا الامر ان حدث كذب و ان وعد اخلف و ان اوتمن خان ما منزلته ؟ قال : هی ادنی المنازل من الكفر و لیس كافر.

**ترجمه:**

- 479 یزید بن صائغ گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: مردی هست که شیعه است ولی اگر سخن گوید دروغ می گوید و اگر وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند و اگر امینش شمرند خیانت می کند چنین کسی چه مقام و منزلتی دارد؟ حضرت فرمود: منزلت او نزدیکترین منزلتها به کفر است ولی کافر نیست .

**حدیث:**

- 480 عن ابی جعفر علیه السلام قال : خطب رسول الله صلی الله علیه و آله الناس فقال : الا اخبرکم بشرارکم ؟ قالوا: بلی یا رسول الله فقال : الذی یمنع رفته و یضرب عبده و یتزود وحده فظنوا ان الله لم یخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبرکم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : الذی لایرجی خیره و لایومن شره فظنوا ان الله لم یخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبرکم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلی قال : المتفحش اللعان الذی اذا ذکر عنده المومنون لعنهم و اذا ذکروه لعنوه

**ترجمه:**

- 480 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: آیا به شما خبر دهم که بدترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که یاری اش را از مردمان باز دارد و بنده زیر دستش را بزند و برای خودش تنها توشه تهیه کند - مردم از این سخن پیامبر چنین پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا شما را به بدتر از این کس خبردار سازم ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که امید خیر از او داشته نمی شود و از شرش ایمنی نیست - باز مردم پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا به شما به بدتر از این هم خبر دهم ؟ عرض کردند: آری . حضرت فرمود: کسی که بسیار هرزه گو و بد زبان است و هرگاه نام مومنی در نزد او برده می شود وی را لعنت می کند و هرگاه در نزد مومنین از او یاد شود آنان نیز او را لعنت می فرستند .

**حدیث:**

- 481 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا اخبرکم باعدکم منی شیها؟ قالوا بلی یا رسول الله قال : الفاحش المتفحش البذی البخیل المختال الحقود الحسود القاسی القلب البعید من کل خیر یرجی غیر المامون من کل شر یتقی.

**ترجمه:**

- 481 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: آیا شما را آگاه نسازم که کدامیک از شما شباهتتان به من کمتر و از من دورتر است ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: آنکه بدگو، بیهوده گو، رشت گفتار، تنگ چشم ، متکبر، کینه ورز، حسود و سنگدل باشد و از هر خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن پرهیز می شود در امان نباشند .

**حدیث:**

- 482 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله خمسہ لعنتهم و کل نبی مجاب : الزائد فی کتاب الله و التارك لسننتی و المكذب بقدر الله و المستحل من عترتی ما حرم الله و المستنثر بالفیء المستحل له.

**ترجمه:**

- 482 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: پنج کس را من و هر پیامبری که دعایش پذیرفته و مورد قبول درگاه الهی است لعنت می فرستیم: آنکه در کتاب خدا چیزی بیافزاید و آنکه سنت و روش مرا ترك گوید و آنکه قضا و قدر الهی را دروغ بداند و آن که خاندان من آنچه را که خداوند حرام ساخته است حلال بشمرد (احترام خاندان مرا رعایت نکند) و آنکه غنیمت را برای خود برگزیند و آن را بر خود حلال بداند .

**حدیث:**

- 483 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : بین الکفر علی اربع دعائم الفسق و الغلو و الشک و الشبهه و الفسق علی اربع شعب علی الجفاء و العمی و الغفله و العتو و الغلو علی اربع شعب علی التعمق

بالرای و التنازع فيه و الزیغ و الشقاق و الشك على اربع شعب على المریه و الهوى و التردد و الاستسلام و الشبهه على اربع شعب اعجاب بالزینه و تسویل النفس و تاول العوج و لبس الحق بالباطل و النفاق على اربع دعائم على الهوى و الهوینا و الحفیظه و الطمع و الهوى على اربع شعب على البغی و العدوان و الشهوه و الطغیان و الهوینا على اربع شعب على الغره و الامل و الهیبه و المماطله و الحفیظه على اربع شعب على الكبر و الفخر و الحمیه و العصبیه و الطمع على اربع شعب الفرح و المرح و اللجاجه و التكاثر.

ترجمه:

- 483 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پسر! کفر بر چهار ستون استوار است: یکی هرزگی و بیراهه رفتن، دیگری زیاده روی و دیگری دودلی و دیگری پوشیدگی و مبهم بودن کار. و هرزگی خود بر چهار بخش است: بر ستمگری و روی گردانی (از حق) و کوری و غفلت و سرکشی. و زیاده روی نیز بر چهار شاخه است: بر کنجکاو (ناصواب) و نزاع و درگیری در رای و انحراف (از حق) و دشمنی و زیر بار حق نرفتن. دو دلی نیز بر چهار پایه است: بر جدال (گفت و شنود باطل) و خواهش نفسانی و سرگردانی و خودباختن (گردن نهادن به گمراهی). و پوشیدگی و ابهام در کار نیز بر چهار بخش است: بر شگفت زده شدن به سبب زینت و آرایش ظاهری و آراستن نفس چیزی را و باز گرداندن (امور و آراء) به کجی و پوشاندن حق به باطل. و دو رویی بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفسانی و رفق و مدارا (ملایمت نایجا) و نخوت و شهوت و نافرمانی. و ملایمت (نایجا) بر چهار بخش است: بر امید بیهوده و آرزو و آهستگی و سهل انگاری. و نخوت و غرور بر چهار شاخه است: بر خود بزرگ بینی و به خود نازیدن و غیرت (بی جا) و سرسختی نمودن. و طمع نیز بر چهار بخش است: بر شادمانی و خوش خرامیدن و لجاجت و زیاده طلبی.

حدیث:

- 484 عن علی بن الحسین علیه السلام قال: ان المنافق ینهی و لاینهی و یامر بما لایاتی و اذا قام الی الصلاه اعترض قلت: یا ابن رسول الله و ما الاعتراض؟ قال: الالتفات و اذا رکع ریح، یمسی و همه العشاء و هو مفطر و یصبح و همه النوم و لم یسهر ان حدثك کذبك و ان ائتمنته خانك و ان غبت اغتابك و ان وعدك اخلفك.

ترجمه:

- 484 امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا که منافق (دیگران را از کار زشت) باز می دارد ولی خود باز نمی ایستد و چیزی امر می کند که خود انجام نمی دهد و هنگامی که برای نماز به پا می ایستد به حالت اعتراض است. - روای گوید: - عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! حالت اعتراض چگونه است؟ حضرت فرمود: یعنی به دور و بر خود نگاه می کند. و هنگامی که به رکوع رود گویی شتری است که زانو زده است (یعنی رکوع وی با تعظیم پروردگار همراه نیست)، شب می کند در حالی که همه همتش خوردن غذای شبانه است و حال اینکه روزه دار نبوده و ناشتا خورده است و صبح می کند در حالی که همه همتش خوابیدن است و حال اینکه شب زنده داری نکرده است، اگر با تو سخن گوید به تو دروغ می گوید و اگر او را در کاری امین گردانی به تو خیانت می کند و اگر حضور نداشته باشی از تو غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند.

حدیث:

- 485 عن عبدالمکک بن بحر رفعه مثل ذلك و زاد فيه و اذا رکع ریح و اذا سجد نقر و اذا جلس شغر.

ترجمه:

- 485 از طریق عبدالمکک بن بحر نیز شبیه این روایت آمده است و در آن دو جمله اضاف دارد: و هنگامی که به رکوع رود گوئیا شتری است که زانو زده است و هنگامی که به سجده رود گویی به زمین نوب می زند (یعنی با شتاب به سجده می رود و بر می خیزد) و هنگامی که می نشیند پای خود را باز می کند.

حدیث:

- 486 عن النبی صلی الله علیه و آله فی وصیه طویلہ قال: سیاتی اقوام یاکلون طیب الطعام و الوانها و یرکبون الدواب و یتزینون بزینة المراه لزوجها و یتبرجون تبرج النساء و زینتهن مثل زی الملوك الجابره هم منافقو هذه الامه فی آخر الزمان شاربون بالقهوات لاعبون بالکعب راکبون الشهوات تارکون الجماعات راقدون عن العتمة مفرطون فی الغدوات یقول الله تعالی: (فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا).

ترجمه:

- 486 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشی طولانی فرمود: به زودی گروه هایی می آیند که طعام پاکیزه و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و همانند زنی که برای همسرش خود را می آراید خویشتن را آرایش می کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می نمایانند و به مانند پادشاهان ستمگر رفتار می کنند آنان در آخر زمان منافقان این امت هستند قهوه ها می نوشند و زده بازی می کنند و بر مرکب شهوتها سوار می شوند و حضور در جماعت های مسلمین را ترک می کنند، شامگاهان را در خواب به سر می برند و بامداد را به سهل انگاری می گذرانند خداوند تعالی می فرماید: پس بعد از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع کردند و از خواهش ها پیروی نمودند پس زود باشد که شر را ببینند (138)

حدیث:

487 - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعل عليه السلام قال : يا علي خلق الله عزوجل الجنه لبتين لبنه من ذهب و لبنه من فضه - الى ان قال - فقال الله جل جلاله : و عزتي و جلالتي لا يدخلها مدمن خمر و لانمام و لاديوث و لا شرطي ولا مخنث و لانباش و لاعشار و لاقاطع رحم و لا قدرى يا علي كفر بالله العظيم من هذه الامه عشره الققات و الساحر و الديوث و الناكح المراه حراما في دبرهء ناكح البهيمة و من نكح ذات محررم و الساعى فى الفتنة و بائع السلاح من اهل الحرب و مانع الزكاه و من وجد سعه فمات و لم يحج - الى ان قال : - يا علي تسعه اشياء تورث النسيان اكل التفاح الحامض و اكل الكزبره و و الجبن و سور الفار و قراهه كتابه القبور و المشى بين امراتين و طرح القلمه و الحجامه فى النقره و البول فى الماء الراكد.

ترجمه:

487 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت كند كه در وصيت پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به علي عليه السلام آمده است كه فرمود: اي علي ! خدا عزوجل بهشت را خشتي از طلا و خشتي از نقره آفريد - تا آنجا كه فرمود: پس خداوند جل جلاله فرمود: به عزت و بزرگي ام سوگند كه چند گروه داخل بهشت نمى شوند: كسى كه مداومت بر خوردن شراب دارد، سخن چين ، كسى كه درباره زن خود غيرت نداشته باشد، پاسيان (ستمگران) ، مرد زن صفت ، كسى كه نيش قبر مى كند، باجگير، كسى كه با خويشان قطع رابطه كند، كسى كه منكر قضا و قدر الهى است . اي علي ! از اين امت ده گروه اند كه به خداوند بزرگ كافر گشته اند: تهمت زننده (يا بد زبان يا دروغگو) و جادوگر و مردى كه درباره زن خود غيرت و تعصب ندارد و مردى كه به حرام از عقب با زنى نزديكى كند و كسى كه با حيوانى مجامعت كند و كسى كه با محرم خود مباشرت كند و كسى كه در ايجاد فتنه سخن چينى كند و كسى كه به كسانى كه با مسلمانان در جنگ هستند اسلحه بفروشد و آنكه از پرداخت زكات خوددارى مى كند و كسى كه استطاعت رفتن به حج را بيابد ولى به حج نرود تا بميرد - تا آنجا كه فرمود - :اي علي ! نه چيز است كه باعث فراموشى مى شود: خوردن سيب ترش و خوردن خيار بزرگ و خوردن پنير و خوردن نيم خورده موش و خواندن نوشته روى سنگ قبرها و راه رفتن بين دو زن و انداختن و پرت كردن شپش و حجامت كردن در گودى بالاي پشت گردن و بول كردن در آب راكد .

حديث:

488 قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : من لم يبال ما قال و ما قيل فيه فهو شرك شيطان و من لم يبال ان يراه الناس نسيا فهو شرك شيطان و من اغتاب اخاه المومن من غير تره بينهما فهو شرك شيطان و من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرك شيطان ثم قال عليه السلام : ان لولد الزنا علامات احدها بغضنا اهل البيت و ثانيها ان يحن الى الحرام الذى خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدين و رابعها سوء المحضر للناس و لايسى ء محضر اخوانه الا من ولد على غير فراش ابيه او حملت به امه فى حيضها.

ترجمه:

488 امام صادق عليه السلام فرمود: كسى كه باكى ندارد كه چه مى گويد و چه درباره اش گفته مى شود چنين كسى شريك شيطان است و كسى كه باكى نداشته باشد كه مردم او را بى ارزش و بى مقدار بدانند شريك شيطان است و كسى كه بدون اينكه بين اينكه بين او و برادر مومنش بدى و امر ناپسندى باشد غيبت او را كند چنين كسى شريك شيطان است و كسى كه دلباخته و شيفته محبت حرام و شهوت زنا شود چنين كسى شريك شيطان است - سپس فرمود - :براى كسى كه از راه زنا متولد شده است نشانه هاى هست : يكى از آنها اينكه دشمن ما اهل بيت است و دوم اينكه به سوى همان عمل حرامى كه از ان زاده شده است (يعنى زنا) اشتياق و ميل دارد و سوم اينكه دين را سبك مى شمرد و چهارم اينكه حضور او براى مردمان بد و ناپسند است و كسى حضورش ماهه ناخرسندى برادرانش نمى شود مگر اينكه بر غير بستر پدرش (يعنى از راه زنا) متولد گشته باشد يا اينكه مادرش در حال حيض به او حامله شده باشد .

حديث:

489 و خطب اميرالمؤمنين عليه السلام فى عيدالفطر - الى ان قال - : اطيعوا الله فيما نهاكم عنه من قذف المحصنه و اتيان الفاحشه و شرب الخمر و بخش المكيال و شهاده الزور و الفرار من الزحف.

ترجمه:

489 اميرالمؤمنين عليه السلام در روز عيد فطر خطبه اى خواند... - تا آنجا كه فرمود: - خداوند را در امورى كه شما را از آنها نهى فرموده است اطاعت كنيد. آن امور عبارتند از: نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و انجام زشتكارى (زنا) و نوشيدن شراب و كم گذاردن پيمانه (كم فروشى) و شهادت دروغ و فراز از جهاد .

حديث:

490 عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله تبارك و تعالى كره لكم ايتها الامه اربعا و عشيرين خصله و نهاكم عنها كره لكم العبث فى الصلاه و كره المن فى الصدقه و كره الضحك بين القبور و كره التطلع فى الدور و كره النظر الى فروج النساء و قال يورث العمى و كره الكلام عند الجماع و قال يورث الخرس و كره النوم قبل العشاء الاخره و كره الحديث بعد العشاء الاخره و كره الغسل تحت السماء بغير منزر و كره المجامعه تحت المساء و كره دخول الانهار الا بمئزر و قال فى الانهار عمار و سكان من الملائكه و كره دخول الحمام الا بمئزر و كره الكلام بين الاذان و الاقامه فى صلاه الغداه حتى تنقضى الصلاه و كره ركوب البحر فى هيچانه و كره

النوم فوق سطح ليس بمحجر و قال من نام على سطح ليس بمحجر فقد برئت منه الذمه و کره ان ینام الرجل فی بیت وحده و کره للرجل ان یغشی امراته و هی حائض فان غشیها و خرج الولد مجذوما او ابرص فلا یلومن الا نفسه و کره ان یغشی الرجل امراته و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رای فان فعل و خرج الرجل مجنونا فلا یلومن الا نفسه و کره ان یکلم الرجل مجذوما الا ان یکون بینه و بینه قدر ذراع و قال فر من المجذوم فرارک من الاسد و کره البول علی شط نهر جار و کره ان یحدث الرجل تحت شجره مثمره قد اینعت او نخله قد اینتعت یعنی اثمرت و کره ان ینتعل الرجل و هو قائم و کره ان یدخل الرجل البیت المظلم الا ان یکون بین یدیه سراج او نار و کره النفخ فی الصلاه.

ترجمه:

490 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت فرموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : ای امت من ! خداوند تبارک و تعالی برای شما بیست و چهار خصلت ناپسند شمرده است و شما را از آنها باز داشته : بازی در نماز و منت گذاردن در پرداخت صدقه و در گورستان و بین قبرها خندیدن و چشم دوختن به خانه ها (نگاه کردن به درون خانه های مردم) و نظر کردن به فرج زنان که این باعث کوری می شود و سخن گفتن در هنگام جماع که این موجب گنگی (کودک) می شود و خوابیدن پیش از نماز عشاء و سخن گفتن بعد از نماز عشاء و بدون لنگ در زیر آسمان غسل کردن و جماع کردن در زیر آسمان و بدون لنگ به درون نهر آب وارد شدن زیرا در نهرها ساکنانی از ملائکه هستند و بدون لنگ وارد حمام شدن و سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز صبح مگر اینکه نماز به پایان برسد و سوار شدن بر کشتی در دریا زمانی که دریا نآرام است و خوابیدن بر بالای بامی که اطراف آن سنگ چین نشده و حفاظ ندارد زیرا کسی که بر چنین بامی بخوابد تعهد (اینکه سقوط نکند) از او برداشته می شود و تنها خوابیدن مرد در خانه و در نزدیکی کردن مرد با همسرش در حال حیض ، پس اگر در این حال با او مجامعت کرد و فرزندی مبتلا به جذام و پیسی از آنها به دنیا آمد پس تنها خودش را باید سرزنش کند، و نزدیکی کردن مرد با همسرش در حالت احتلام مگر اینکه از احتلامش غسل کند ولی اگر غسل نکرد و با حالت احتلام با همسرش مجامعت نمود و فرزندش دیوانه متولد شد هیچکس جز خود را سرزنش نکند، و سخن گفتن با شخصی که مبتلا به جذام است مگر اینکه بین او و جذامی به اندازه يك ذرع فاصل باشد - و فرمود: از جذامی بگریز همچنانکه از شیر می گریزی ، و بول کردن بر کناره جویی که آبش جاری است ، و قضای حاجت نمودن در زیر درختی یا نخلی که میوه دارد و هنگام چیدن میوه ها فرا رسیده ، و کفش پوشیدن مرد در حال ایستاده ، و داخل شدن در خانه تاریک مگر اینکه در دستش چراغی یا پاره ای آتش باشد، و دمیدن در حال نماز.

حدیث:

491 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی کره الله لامتی العبث فی الصلاه.

ترجمه:

491 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خداوند بر امت من بازی کردن در نماز را ناپسند شمرده است .

حدیث:

492 عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ثلاثه لا یدخلون الجنه مدمن خمر و مدمن سحر و قاطع رحم و من مات مدمن خمر سقاه الله من نهر العرطه قیل : و ما نهر العرطه ؟ قال : نهر یجری من فروج المومسات یوذی اهل النار بریحهن.

ترجمه:

492 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروه به بهشت داخل نمی شوند: کسی که مداومت در خوردن شراب دارد و کسی که پیوسته به سحر و جادوگری می پردازد و کسی که قطع رحم نموده (با خویشان خود رابطه اش را قطع نموده) و کسی که دائم الخمر باشد و از دنیا برود خداوند او را از (نهر عرطه) (سیراب می گرداند. عرض شد که): نهر عرطه (چیست؟ حضرت فرمود: نهری است که از (خونابه و چرک) فرج زنان تبهکار جاری است و بوی بد آن اهل آتش را آزار می دهد .

حدیث:

493 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام و ما یجدها عاق و لاقاطع رحم و لا شیخ زان و لا جار ازاره خیلاء و لافتان و لا منان ولا جعظری قلت : و ما الجعظری ؟ قال : الذی لایشیع من الدنیا قال : و فی حدیث آخر و لا حیوف و هو النباش و لانونق و هو المخنت و لاجراض و لاجعظری و هو الذی لایشیع من الدنیا.

ترجمه:

493 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار ساله فهمیده می شود و لی چند گروه بوی آن را نمی یابند: آزار دهنده به پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار و همسایه ای که جامه تکبر بر تن نموده (با همسایگان متکبرانه رفتار می کند) و سخن چین فتنه گر و منت گذارنده و جعظری (139) - روای گوید: - عرض کردم جعظری کیست؟ حضرت فرمود: کسی که از دنیا سیر نمی شود. - در حدیث دیگری آمده است که از جمله کسانی که بوی بهشت را در نمی یابند: کسی که نبش قبر می کند و کسی که خود را به هیئت زنان در آورد و کسی که سخت اندوهگین (بر دنیای



خوبش ) است (همواره آب دهان خود را با اندوه شدید بر دنیا فرو می برد) و کسی که از دنیا سیر نمی شود .

**حدیث:**

- 494 عن سعید بن علقه قال سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام يقول : ترك نسج العنكبوت فی البیت یورث الفقر و البول فی الحمام یورث الفقر و الاكل علی الجنابه یورث الفقر و التخلل بالطرفاء یورث الفقر و التمشیط من قیام یورث الفقر و ترك الفقر و الزنا یورث الفقر و اظهار الحرص یورث الفقر و النوم بین العشاءین یورث الفقر و النوم قبل طلوع الشمس یورث الفقر و اعتیاد الكذب یورث الفقر و كثرة الاستماع الی الغناء یورث الفقر و رد السائل الذکر باللیل یورث الفقر و ترك التقدير فی المعیشة یورث الفقر و قطیعه الرحم تورث الفقر ثم قال علیه السلام : الا انبئکم بعد ذلك بما یزید فی الرزق ؟ قالوا: بلی یا امیرالمؤمنین فقال : الجمع بین الصلاتین یزید فی الرزق و التعقیب بعد الغداء و بعد العصر یزید فی الرزق و صله الرحم تزید فی الرزق و كسح الغناء یزید فی الرزق و مواساه الاخ فی الله عزوجل یزید فی الرزق و البکور فی طلب الرزق یزید فی الرزق و الاستغفار یزید فی الرزق و استعمال الامانه یزید فی الرزق و قول الحق یزید فی الرزق و اجابه المودن ترید فی الرزق و ترك الكلام علی الخلاء یزید فی الرزق و ترك الحرص یزید فی الرزق و شكر المنعم یزید فی الرزق و اجتناب الیمین الكاذبه یزید فی الرزق و الوضوء قبل الطعام یزید فی الرزق و اكل ما یسقط من الخوان یزید فی الرزق و من سبح الله كل یوم ثلاثین مره دفع الله عنه سبعین نوعا من البلاء ایسرها الفقر.

**ترجمه:**

- 494 سعید بن علقه گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: چند چیز موجب فقر و ناداری می شود: باقی گذاردن تار عنکبوت در خانه ، و بول کردن در حمام ، و خوردن در حال جنابت ، و خلال نمودن دندان با چوب درخت گز ، و ایستاده شانه کردن ، و نهادن خاکروبه در خانه ، و سوگند دروغ ، و زنا کردن ، و آشکار نمودن حرص ، و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء ، و خوابیدن قبل از طلوع خورشید ، و عادت کردن به دروغگویی ، و زیاد گوش دادن به غناء ، و شبانه مرد سائل را رد کردن ، و ترك تدبیر و اندیشیدن در امور زندگانی ، و قطع کردن و بریدن پیوند خویشاوندی ، اینها اموری است که همگی موجب فقر و ناداری می شود ، - سپس فرمود: - آیا پس از این شما را نسبت به آنچه که باعث زیادی در رزق و روزی می شود آگاه نسازم ؟ عرض کردند: آری ای امیرمومنان ! حضرت فرمود: چند چیز موجب زیادی رزق و روزی می گردد: جمع نمودن بین دو نماز (ظهر و عصر و مغرب و عشاء) ، و خواندن تعقیبات نماز بعد از نماز صبح و نماز عصر ، و به جای آوردن صله رحم ، و جارو کردن و روفتن صحن حیاط خانه یا گرداگرد اطراف خانه ، و یاری رساندن به برادر دینی در راه خدای عزوجل و صبح زود در طلب رزق رفتن ، و استغفار نمودن ، و امانتداری کردن ، و گفتن سخن حق ، و اجابت نمودن (و تکرار نمودن اذان ) مودن ، و سخن نگفتن در مستراح ، و ترك کردن حرص ، و به جای آوردن شکر نعمت دهنده ، و دوری کردن از قسم دروغ ، و وضو گرفتن پیش از خوردن غذا ، و خوردن آنچه که از سفره می ریزد ، و کسی که خداوند را در هر روز سی مرتبه تسبیح گوید) به پاکی یاد کند) خداوند هفتاد نوع بلا و گرفتاری را از او دور می کند که آسانترین آنها فقر است .

**حدیث:**

- 495 عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال فی حجه الوداع : ان من اشراط القیامه اضاعه الصلاه و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظیم المال و بیع الدنیا بالدین فعندها یداب قلب المومن فی جوفه كما یداب الملح فی الماء مما یری من المنکر فلا یستطیع ان یغیره ثم قال : ان عندها یكون المنکر معروفا و المعروف منکرا و یوتمن الخائن و یخون الامین و یدصدق الکاذب و یکذب الصادق ثم قال : فعندها اماره النساء و مشاوره الاماء و قعود الصبیات علی المنابر و یكون الکذب طرفا و الزکاه مغرما و الفیء مغنما و یجفو الرجل والديه و یری صدیقه ثم قال : فعندها یتکفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یغار علی الغلمان كما یغار علی الجاریه فی بیت اهلها و یشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و یرکبن ذوات الفروج السروج فعلیهم من امتی لعنه الله ثم قال : ان عندها تزخوف المساجد كما تزخرف البیع و الکنائس و تحلی المصاحف و تطول النازات و تكثر الصفوف و القلوب متباعضه و الالسن مختلفه ثم قال : فعند ذلك تحلی ذکور امتی بالذهب و یلبسون الحریر و الدیبا و یتخذون جلود النمر صفافا ثم قال : فعندها یظهر الربا و یتعاملون بالغبیه و الرشا و یوضع الدین و ترفع الدنیا ثم قال : و عندها یكثر الطلاق فلا یقام لله حد و لن یضر الله شیئا ثم قال : و عندها تطهر القینات و المعازف و تلیهم شرار امتی ثم قال : و عندها حج اغنیاء امتی للنزهه و یحج اوساطها للتجاره و یحج فقرا و هم للربا و السمعه فعندها یكون اقوام یتعلمون القرآن لغير الله فیتخذونه مزامیر و یكون اقوام یتفقهون لغير الله و یكثر اولاد الزنا یتغنون بالقرآن و ینهاتون بالدنیا ثم قال : و ذلك اذا انتهکت المحارم و اکتسب المائمه و تسلط الاشرار علی الاحیاء و یفتشو الکذب و تظهر الحاجه و تفتشو الفاقه و ینباهون فی الناس و یستحسنون الکوبه و المعازف و ینکر الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الی ان قال : فاولئک یدعون فی ملکوت السماء الارجاس الانجاس.

**ترجمه:**

- 495 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین حج خود (حجه الوداع ) فرمود: همانا از نشانه ها و علامات (پایان دنیا و) بر پاشدن قیامت چند چیز است : مهمل گذاردن و واگذاردن نماز ، و پیروی نمودن از خواسته های نفسانی ، و میل نمودن به هواها و خواهشها و بزرگ شمردن مال و دارایی ، و فروختن دین در مقابل دنیا ، در آن زمان قلب مومن در درونش گداخته و ذوب می گردد همچنانکه نمک در آب حل

می شود زیرا) با چشم خویش ( منکر و ناروا را می بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام ، ناروا روا می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود و خیانتکار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت داده می شود و دروغگو را راستگو می دانند و به راستگو نسبت دروغ داده می شود. در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند و کودکان بر منبرها می نشینند و دروغگویی زیرکی و کیاست شمرده می شود و دادن زکات خسارت و تاوان دانسته می شود و فیء<sup>(140)</sup> را برای خود غنیمتی می دانند و شخص به پدر و مادر خود جفا و ستم می کند ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام ، مرد به مرد و زن به زن خوشنود است از غلامان همانگونه که از کنیزان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند، و مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را به هیئت مردان در آورند، و زنان بر زینها سوار شوند، پس بر چنین کسانی از امت من لعنت خدا باد. همانا در آن هنگام ، مسجدها به مانند کلسیای یهود و نصاری آذین بندی شوند و قرآنها به زینت آراسته گردند و مناره ها بلند ساخته شود و صفها زیاد شود ولی دلها با یکدیگر کینه و دشمنی و زبانها مختلف باشد. در آن هنگام ، مردان امت من خود را با طلا می آریند و لباس حریر و ابریشم می پوشند و پوست یوزپلنگ را پیش زین اسب خود قرار می دهند. در آن زمان ، ربا آشکارا گرفته می شود و با یکدیگر ندیده معامله می کنند و رشوه می ستانند و دین پایین آورده می شود و دنیا بالا برده می شود. در آن زمان ، طلاق زیاد می شود، پس حدی از حدود الهی اقامه نمی شود و این هرگز به خداوند ضرری نمی رساند. در آن هنگام ، زنان خواننده و آلات نواختن آشکار می شوند و بدترین های امت من به دنبال آنها راه می افتند. در آن زمان ، ثروتمندان امت من برای گردش و تفریح و طبقه متوسط برای تجارت نمودن فقیران برای ربا و خودنمایی به سفر حج می روند. در آن هنگام ، گروه هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می خوانند و گروه هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرا می گیرند، و نوازندگان زیاد می شوند، قرآن را به صورت غنا می خوانند و به دنیا هجوم می آورند، و این امور و نشانه ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می شود و نیازمندی و فقر آشکار می گردد و مردم به یکدیگر فخرفروشی می کنند و سازها و طبل را نیکو می دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می شود - تا آنجا که فرمود - : آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمانها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می شوند .

حدیث:

- 496 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سته لاتکون فی المومن العسر و النكد و اللجاجه و الکذب و الحسد و البغی (اقول : المراد المومن الکامل الايمان او هو نفی بمعنی النهی).

ترجمه:

- 496 امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز در مومن وجود ندارد: دشواری (بدخویی) و کم خیری و لجاجت و سرسختی و دروغگویی و حسد و ورزیدن و ستم کردن. (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: مراد از مومن در این حدیث ، مومنی است که در رتبه کمال ایمان قرار دارد یا اینکه نفی در این حدیث به معنای نهی است .)

- 50 باب تحریم طلب الرئاسه مع عدم الوثوق بالعدل

- 50 باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

حدیث:

- 497 عن ابی الحسن علیه السلام انه ذکر رجلا فقال : انه یحب الرئاسه فقال : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاوها باضر فی دین المسلم من الرئاسه.

ترجمه:

- 497 از امام رضا علیه السلام روایت است که ایشان نام شخصی را برد و فرمود: او ریاست را دوست دارد، سپس فرمود: دو گرگ وحشی شکاری در گله گوسفندی که چوپانهایش از آن جدا شده اند بر ضررتر نیستند از ریاست طلبی در دین مسلمان.

حدیث:

- 498 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من طلب الرئاسه هلك.

ترجمه:

- 498 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که طالب ریاست باشد هلاک می شود .

حدیث:

- 499 عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : ایاک و الرئاسه.

ترجمه:

- 499 او حمزه ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ناز ریاست طلبی بر حذر باش .

حدیث:

- 500 عن عبدالله بن مسکان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ایاکم و هولاء الروساء الذین یتراسون فو الله ما خفقت النعال خلف الرجل الا هلك و اهلك.

ترجمه:

- 500 عبدالله بن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از این روسا که به ریاست رسیده اند بر حذر باشید، سوگند به خدا که کفشها پشت سر کسی به صدا در نیامد جز اینکه آن شخص هلاک گشت و دیگران را نیز به هلاکت افکند .

حدیث:

501 - عن جويريه بن مسهر قال : اشتدت خلف اميرالمؤمنين عليه السلام فقال يا جويريه انه لم يهلك هولا الحمقى الا بخفق النعال خلفهم.

ترجمه:

501 - جويريه بن مسهر گوید: به تندی در پشت سر امیرالمؤمنین علیه السلام راه می رفتم که حضرت به من فرمود: ای جویریه! این نادانان هلاک نگشته اند مگر به سبب صدای کفشها در پشت سرشان.

حدیث:

502 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث نفسه بها.

ترجمه:

502 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که (بدون داشتن صلاحیت) مهتر و رئیس گردد ملعون است و کسی که برای ریاست هم گمارد و تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره رئیس شدن سخن گوید ملعون است.

حدیث:

503 - عن ابی میاح عن ابيه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من اراد الرئاسة هلك.

ترجمه:

503 - ابی میاح از پدرش روایت کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که ریاست را قصد کند هلاک می گردد.

حدیث:

504 - عن ابی الربیع الشامی عن ابی جعفر عليه السلام قال : لی یا ابا الربیع لا تطلین الرئاسة و لاتکن ذنبا ولا تاکل الناس بنا فیفقرک الله.

ترجمه:

504 - ابی ربیع شامی از امام باقر علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای ابی ربیع! ریاست را طلب مکن و دنباله رو (رئیس) هم مباش و به بهانه ما اهل بیت از مردم مخور که خداوند بیچاره و فقیرت خواهد کرد.

حدیث:

505 - عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اتری لا اعرف خيارکم من شرارکم بلی و الله ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لا بد من کذاب او عاجز الراي.

ترجمه:

505 - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا می پنداری که نیکان شما را از بدانتان باز نمی شناسم؟ آری سوگند به خدا بدترین شما کسی است که دوست دارد که در پشت سرش گام بردارند (پشت سرش راه بیفتند). چنین کسی به ناچار یا دروغگو است و یا اندیشه اش ناتوان است.

حدیث:

506 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : و اما قولک ان قومی کان لهم عریف فهلک فارادوا ان یعرفونی علیهم فان کنت تکره الجنه و تبعضها فتعرف علیهم یاخذ سلطان جائر بامری مسلم فیسفک ذمه فتشرك فی دمه و لعنک لاتنال من دنياهم شیئا.

ترجمه:

506 - امام باقر علیه السلام فرمود: و اما قولت که قوم من عریفی (141) داشته اند که مرده و می خواهند مرا عریف قوم کنند، پس اگر از بهشت کراهت داری و آن را دوست نداری پس عریف آنان شو. (در نتیجه اگر) سلطان ستمگر مرد مسلمانی را دستگیر کند و خونسش را بریزد تو در خون او شریک خواهی بود و شاید به چیزی از دنیای آنان هم نرسی (بهره ای از دنیا نبری).

حدیث:

507 - عن علی بن الحسین عليه السلام انه قال : ایاک ان تتراس فیضعک الله و ایاک ان تستنا کل فیزیدک الله فقرا و اعلم انک ان تکن ذنبا فی الخیر خیر لک من ان تكون راسا فی الشر.

ترجمه:

507 - امام سجاد علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه طلب ریاست و مهتری کنی که خداوند فقر و ناداری ات را افزون می کند و بدان که اگر در کار خیر دنباله رو باشی برای تو بهتر است از اینکه در کار شر سر (و پیشرو) باشی.

حدیث:

508 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ما لکم و للرتاسات ؟ انما المسلمون راس واحد ایاکم و الرجال فان الرجال للرجال مهلکه.

ترجمه:

508 - امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه به ریاست ها؟ همانا مسلمانان به منزله یک تن هستند، بر حذر باشید از اینکه به سردمداران (ستمگر) نزدیک شوید زیرا آنان مردان (حقجو و حفقو) را به هلاکت می افکنند.

حدیث:

509 - عن النبی صلی الله علیه و آله قال : لایومر احد علی عشره فما فوقهم الا حیء به یوم القیامه مغلوله یداه فان کان محسنا فک عنه و ان کان مسینا یزید غلا علی غله.

ترجمه:

509 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کس بر ده نفر یا بیشتر امیری و ریاست نمی کند مگر اینکه در روز قیامت با دستان غل و زنجیر شده آورده می شود پس اگر (در زمان ریاستش) نیکوکار بوده و غل و زنجیر از او برداشته می شود و اگر بدکار بوده و بر غل و زنجیرش افزوده می گردد .

حدیث:

510 عن الصادق عن آبائه عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث المناهي قال : الا و من تولى عرافه قوم اتى يوم القيامة و يده مغلولتان الى عنقه فان قام فيهم بامر الله اطلقه الله و ان كان ظالما هوى به في نار جهنم و بنس المصير.

ترجمه:

510 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث مناهي فرموده است : آگاه باشید که هر کس کارگزاری گروهی را به عهده گیرد در روز قیامت با دستانی به گردن زنجیر شده می آید پس اگر در بین آن گروه به دستور خدا قیام نموده باشد خداوند او را آزاد می سازد ولی اگر به ستم رفتار کرده باشد در آتش جهنم افکنده می شود و بد بازگشتگاهی است .

51 باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن يشق عليه اجتناب مفاسد العشرة

51 باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در

خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند

حدیث:

511 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لاتعرفوا فافعلوا و ما عليك ان لم یثن الناس عليك و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت عندالله محمودا - الی ان قال : - ان قدرت علی ان لا تخرج من بيتك فافعل فان عليك فی خروجك ان لاتغتاب و لا تكذب و لاتحسد و لاترائی و لاتتصنع و لاتداهن ثم قال : نعم صومعه المسلم بيته يكف فيه بصره و لسانه و نفسه و فرجه.

ترجمه:

511 امام صادق علیه السلام فرمود: اگر می توانید که شناخته نشوید پس چنین کنید، و وقتی که تو در نزد خداوند پسندیده و ستوده ای ، ثنا نکردن مردم بر تو، چه زبانی به تو می رساند و نکوهش نمودن مردم بر تو، چه ضرری برای تو دارد. - تا آنجا که فرمود: - اگر می توانی که از خانه ات بیرون نروی چنین کن زیرا بر تو سزاوار است که در بیرون رفتنت به غیبت نیفتی و دروغ نگویی و حسد نوزری و ربا و خودنمایی نکنی و ظاهر سازی ننمایی و چاپلوسی نکنی ، وه که خانه چه کنج عزلت خوبی برای مسلمان است که در آن جلو چشم و زبان و نفس و عورت خود را می گیرد (و آنها را از ارتکاب گناه باز می دارد).

حدیث:

512 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال له رجل : جعلت فداك رجل عرف هذا الامر لزم بيته و لم

تيعرف الی احد من اخوانه قال : كيف يتفقه هذا فی دینه ؟

ترجمه:

512 مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قدايت شوم ، مردی از شیعیان هست که به امامت شما آگاه است ولی پیوسته در خانه اش می ماند و طالب شناخت هیچ يك از برادرانش نیست . حضرت فرمود: چنین کسی چگونه در دینش فهم پیدا می کند؟

حدیث:

513 عن ابی الحسن موسى بن جعفر علیه السلام فی حدیث طويل انه قال : يا هشام الصبر علی الوحده علامه قوه العقل فمن عقل عن الله اعتزل اهل الدنيا و الراعین فیها و رغب فیما عندالله و كان الله انسه فی الوحشه و صاحبه فی الوحده و غناه فی العیله و معزه من غیر عشیره.

ترجمه:

513 امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ای هشام ! صبر نمودن بر تنهایی نشانه توانایی عقل است پس کسی که خداوند را درک کند از اهل دنیا و میل کنندگان به دنیا کناهرگیری می کند و به آنچه که در نزد خداوند است رغبت و میل پیدا می کند و خداوند مونس و حشمت او و همدم تنهایی او می شود و در هنگام فقر، غنای او به خداوند است و بدون اینکه قوم و قبیله ای داشته باشد خداوند عزت دهنده اوست .

حدیث:

514 عن الفضیل قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : طوبی لكل عبد لومه عرف الناس قبل ان

يعرفوه.

ترجمه:

514 فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خوشا به حال هر بنده ای نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد .

حدیث:

515 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث قال : طوبی لمن لزم بيته و اكل كسرتنه و بکی علی خطیئته و كان من نفسه فی تعب و الناس منه فی راحة.

ترجمه:

- 515 امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: خوشا به حال هر بنده نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد .

حدیث:

- 516 عن ابی عبدالله علیه السلام عن آباءه عن علی علیه السلام قال : ثلاث منجیات تکف لسانک و تبکی علی خطیئتک و یسعک بیتک.

ترجمه:

- 516 امام صادق علیه السلام از پدران و ایشان از علی علیه السلام روایت کنند که فرمود: سه چیز است که مایه نجات است : زبانت را نگاه دای و بر گناهت گریه کنی و خانه ات برای تو فراخ باشد (و به خاطر رفتار خود یا خانواده ات از خانه خود گریزان نباشی.)  
(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: وجه جمع بین این اخبار و اخباری که از رهبانیت و بریدن از مردم نهی می کنند این است که اخبار این باب چنانکه در عنوا باب گذشت بر مواردی حمل می شود که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای شخص دشوار است .)

- 52 باب تحریم اختال دنیا بالدین

- 52 باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین

حدیث:

- 517 عن یونس بن ظبیان قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله عزوجل یقول : ویل للذین یختلون دنیا بالدین و ویل للذین یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس و ویل للذین یسیر المومن فیهم بالتقیه اءبی یغترون ام علی یجترون ؟ فبی حلفت لا تیحن لهم فتنه تترك الحلیم منهم حیران.

ترجمه:

- 517 یونس بن ظبیان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که : همانا خداوند عزوجل می فرماید: وای بر کسانی که (مردمان) دنیا را به وسیله دین می فریبند و وای بر کسانی که مردمانی را که به عدل و داد فرمان می دهند می کشند و وای بر کسانی که مومن در میان آنان با حالت تقیه سیر می کند. آیا به خاطر (صبر و مدارای) من فریفته می گردند یا بر من دلیری می کنند؟ پس به خودم سوگند که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که آن فتنه شخص بردبار را هم سرگشته و حیران می گرداند .

حدیث:

- 518 عن رسول الله صلی الله علیه و آله انه قال فی آخر خطبه خطبها: و من عرضت له دنیا و آخره فاختار دنیا و ترك الاخره لقی الله و لیست له حسنه یتقی بها النار و من احد الاخره و ترك الدنيا لقی الله یوم القیامه و هو عنه راض.

ترجمه:

- 518 رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه ای که خواند فرمود: هر کس که دنیا و آخرت به او عرضه گردد و او دنیا را بر آخرت برگزیند خداوند را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به وسیله آن از آتش دوزخ حفظ شود همراه او نیست ولی کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند خداوند را در روز قیامت در حالتی دیدار خواهد کرد که از وی خوشنود است .

حدیث:

- 519 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی انزل کتابا من کتبه علی نبی من انبیائه و فیه انه سیکون خلق من خلقی یلحسون دنیا بالدین یلبسون مسوک الضان علی قلوب کفلوب الذئاب اشد مراره من الصبر و السننهم احلی من العسل و اعمالهم الباطنه اتن من الجیف افبی یغترون ام ایای یخادعون ام علی یجترون ؟ فبعزتی حلفت لا تیحن لهم فتنه تطا فی خطامها حتی تبلغ اطراف الارض تترك الحلیم منهم حیران.

ترجمه:

- 519 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود: همانا که خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتابهایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن کتاب آورد که : به زودی گروهی از آفریدگان من پا به عرصه وجود خواهند گذارد که دنیا را به وسیله دین می لبسند و پوستهای میش را بر خود می پوشند ولی قلبهایی همچون قلب گرگها دارند و دلهایی که از صبر زرد (هم تلخ ترند و زبانهایشان شیرین تر از عسل و کردارهای پنهانی آنان بدبوتر از مردار است آیا مرا فریب می دهند یا به من نیرنگ می زنند و یا اینکه بر من دلیری می کنند پس به عزتم سوگند می خوردم که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که مهارش رهاست تا آنجا که آن فتنه به اطراف و جوانب زمین می رسد و شخص بردبار را (نیز) سرگردان و حیران و می گذارد .

- 53 باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما یسکن به

- 53 باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف

می کند

حدیث:

- 520 قال ابو عبدالله علیه السلام : انما المومن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق و اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا قدر لم یأخذ اکثر مما له.

ترجمه:

- 520 امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که مومن کسی است که در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش وی را به باطل داخل نکند و در هنگام قدرت و توانایی بیش از آنچه که متعلق به خود اوست را نگیرد .

حدیث:

- 521 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : الغضب يفسد الايمان كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

- 521 امام صادق علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خشم ایمان را تباه می کند همچنانکه سرکه باعث تباهی و فساد عسل می گردد .

حدیث:

- 522 قال ابو عبدالله علیه السلام : الغضب مفتاح كل شر.

ترجمه:

- 522 امام صادق علیه السلام فرمود: خشم کلید هر بدی است .

حدیث:

- 523 عن میسر قال ذكر الغضب عند ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیغضب فما یرضی ابدا حتی یدخل النار فایما رجل غضب علی قوم و هو قائم فلیجلس من فوره ذلك فانه یدهب عنه رجز الشیطان و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیدن منه فلیمسه فان الرحم اذا مست سکت.

ترجمه:

- 523 میسر گوید: در نزد امام باقر علیه السلام سخن از خشم به میان آمد، حضرت فرمود: همانا (گاه باشد که ) مرد خشمگین می شود و هرگز خوشنود نمی شود مگر اینکه داخل دوزخ شود. پس هر مردی که بر قومی خشم گرفت اگر در حالت ایستاده است سریعاً بنشیند زیرا این نشستن ، پلیدی شیطان را از او می زداید و هر مردی که بر خویشاوند خود خشمگین شد باید به او نزدیک شود و با او تماس حاصل کند زیرا اگر با خویشاوندان تماس حاصل شود آرامش پیدا می کند .

حدیث:

- 524 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رجل للنبی صلی الله علیه وآله : یا رسول الله علمنی فقال : اذهب فلا تغضب.

ترجمه:

- 524 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! چیزی به من بیاموز، حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو .

- ۱۲ -

حدیث:

- 525 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من كف نفسه عن اعراض الناس اقال الله نفسه يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس كف الله تبارك و تعالی عنه عذاب يوم القيامة.

ترجمه:

- 525 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : کسی که خود را از (ریختن ) آبروی مردمان نگهداری کند خداوند نیز در روز قیامت از (عذاب ) او خودداری می کند و کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت عذابش را از وی باز می دارد .

حدیث:

- 526 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : سمعت ابی یقول : اتی رسول الله صلى الله عليه وآله و آله رجل بدوی فقال انی اسکن البادية فعلمنی جوامع الکلم فقال : امرک ان لا تغضب فاعاد علیه الاعرابی المساله ثلاث مرات حتی رجع الرجل الی نفسه فقال : لاسال عن شیء بعد هذا ما امرنی رسول الله صلى الله عليه وآله الا بالخیر قال و کان ابی یقول : ای شیء اشد من الغضب ؟ ان الرجل لیغضب فیقتل النفس التي حرم الله و یقذف المحصنه.

ترجمه:

- 526 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: مردی بیابانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من در بیابان زندگی می کنم به من سخنی بیاموز که الفاظ آن اندک و معانی آن بسیار باشد. حضرت فرمود: تو را امر می کنم که خشمگین نشوی . پس آن بیابان نشین سوال خود را تا سه مرتبه تکرار کرد تا اینکه آن مرد به خود بازگشت و با خود گفت : دیگر پس از این چیزی نمی پرسم زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله جز به خیر مرا دستور نداده است . امام صادق علیه السلام فرمود: پدر می فرمود: چه چیزی از غضب کردن سخت تر و بدتر است ؟ زیرا شخص

غضب می کند و در نتیجه نفسی را که خداوند آن را محترم دانسته می کشد و یا در حالت غضب ، به زن شوهردار نسبت ناروا می دهد .

**حدیث:**

- 527 عن عبد الاعلی قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : علمنی عظه اتعظ بها فقال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله اتاه رجل فقال : یا رسول الله صلی الله علیه و آله علمنی عظه اتعظ بها فقال : انطلق فلا تغضب ثم عاد الیه فقال انطلق فلا تغضب ثلاث مرات .

**ترجمه:**

- 527 عبدالاعلی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مرا موعظه ای بیاموز تا از آن اندرز گیرم و عبرت پذیرم . حضرت فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و همین درخواست را از ایشان نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برو و خشمناک مشو. سپس آن مرد تا سه مرتبه درخواست خود را تکرار نمود و حضرت نیز در هر بار فرمود: برو و خشمگین مشو .

**حدیث:**

- 528 عن سیف بن عمیره عن سمع ابا عبدالله علیه السلام یقول : من کف غضبه ستر الله عورته .

**ترجمه:**

- 528 سیف بن عمیره از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده بود روایت کند که حضرت فرمود: کسی که جلو خشمش را بگیرد خداوند نقصها و کاستی های او را می پوشاند .

**حدیث:**

- 529 عن ابی جعفر علیه السلام قال : مکتوب فی التوراه فیما ناجی الله به موسی علیه السلام یا موسی بن امسک غضبک عن ملکتک علیه اکف عنک غضبی .

**ترجمه:**

- 529 امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب تورات در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! جلو خشمش را درباره کسی که تو را صاحب اختیار او گردانیده ام بگیر تا من نیز خشمم را از تو باز دارم .

**حدیث:**

- 530 قال ابو عبدالله : الغضب ممحقه لقلب الحکیم و قال : من لم یملک غضبه لم یملک عقله .

**ترجمه:**

- 530 امام صادق علیه السلام فرمود: خشم ، قلب شخص حکیم را تباه می کند و فرمود: کسی که مالک خشم خود نباشد مالک عقل خود نیست .

**حدیث:**

- 531 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان هذا الغضب جمره من الشیطان توقد فی قلب ابن آدم و ان احدکم اذا غضب احمرت عیناه و انتفخت اوداجه و دخل الشیطان فیه فاذا خاف احدکم ذلك من نفسه فلیلزم الارض فان رجز الشیطان لیذهب عنه عند ذلك .

**ترجمه:**

- 531 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا این خشم ، پاره آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود و همانا کسی از شما آنگاه که خشمگین می شود چشمانش سرخ و رگهایش بر آمده می شود و شیطان در درون او وارد می گردد پس هرگاه یکی از شما درباره خود از این حالت خشم ترسان باشد به زمین بنشیند زیرا پلیدی شیطان در این هنگام از وجود او می رود .

**حدیث:**

- 532 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کف غضبه عن الناس کف الله عنه عذاب یوم القیامه .

**ترجمه:**

- 532 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می دارد .

**حدیث:**

- 533 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : مر رسول الله صلی الله علیه و آله بقوم یتشایلون حجرا فقال : ما هذا؟ فقالوا: نختبر اشدنا و اقوانا فقال : الا اخبرکم باشدکم و اقواکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : اشدکم و اقواکم الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و اذا سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و اذا ملک لم یتعاط ما لیس له بحق .

**ترجمه:**

- 533 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به گروهی گذر کرد که سنگی را بلند کرده و حمل می کردند، حضرت فرمود: این چیست ؟ عرض کردند: با این کار مقاوم ترین و قوی ترین را می آزمایشیم . حضرت فرمود: آیا شما را خبردار سازم که مقاوم ترین و قوی ترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا . حضرت فرمود: مقاوم ترین و تواناترین شما کسی است که هرگاه خوشنود باشد خوشنودی اش او را به گناه و باطل نیفکند و هرگاه خشمگین باشد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و هرگاه استیلا و تسلط پیدا کند چیزی را که حق او نیست به ناحق نگیرد .

**حدیث:**

- 534 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الحواریون لعیسی علیه السلام : ای الاشیاء اشد؟ قال : اشد الاشیاء غضب الله عزوجل . قالوا: بما تنقی غضب الله؟ قال : بان لاتغضبوا . قالوا: و بدء الغضب؟

قال : الكبر و التجبر و محقره الناس.

ترجمه:

- 534 امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند: سخت ترین چیز چیست ؟ حضرت فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند عزوجل است . عرض کردند: به چه وسیله ای از خشم خدا در امان باشیم ؟ فرمود: به اینکه بر دیگران خشم مگیرید. عرض کردند: آغاز و قطع شروع خشم چیست ؟ فرمود: خود بزرگ بینی و تکبر و کوچک شمردن مردمان .

حدیث:

- 535 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كف نفسه عن اعراض الناس كف الله عنه عذاب يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس اقاله الله نفسه يوم القيامة.

ترجمه:

- 535 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خود را از (ریختن ) آبروی مردمان باز دارد خداوند عذاب روز قیامت را از او باز خواهد داشت و کسی که خشمش را از مردم نگاه دارد خداوند در روز قیامت او را حفظ می کند .

حدیث:

- 536 عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام اله ذكر عنده الغضب فقال : ان الرجل لیغضب حتی ما یرضی ایدا و یدخل بذلك النار فایما رجل غضب و هو قائم فلیجلس فانه سیذهب عنه رجس الشیطان و ان كان جالسا فلیقم و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیقم الیه و لیدن منه و لیمسه فان الرحم اذا مست الرحم سکت.

ترجمه:

- 536 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که در نزد ایشان درباره غضب سخن به میان آمد و ایشان فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود تا جایی که هرگز خشمش فرو نمی نشیند و خوشنود نمی شود و به خاطر آن به دوزخ داخل می گردد پس هر مردی که در حال ایستاده به خشم آمد باید بنشیند زیرا در این صورت به زودی پلیدی شیطان از او بیرون می رود و اگر نشسته بود باید بایستد و هر مردی که بر خویشاوند خود خشم گرفت باید به سوی او رود و به او نزدیک شود و با او تماس گیرد زیرا خویشاوند هنگامی که خویشاوند خود را لمس کند آرامش می یابد .

حدیث:

- 537 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاث من کن فیه یستکمل خصال الایمان الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه غضبه من الحق و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له.

ترجمه:

- 537 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه چیز در او باشد خصلتهای ایمان را به صورت کامل دارا گشته است : اینکه کسی در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش او را در باطل وارد نکند و اینکه در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و اینکه در هنگام قدرت و توانایی چیزی را که از آن او نیست به ناحق نگیرد .

- 54 باب وجوب ذکر الله عند الغضب

- 54 باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم

حدیث:

- 538 قال ابو عبدالله علیه السلام : اوحی الله عزوجل الی بعض انبیا ته یا ابن آدم اذکرنی فی غضبک اذکرنی فی غضبی لا امحکک فیمن امحق و ارض بی منتصرا فان انتصاری لك خیر من انتصاری لنفسک.

ترجمه:

- 538 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمتم یاد کن تا من نیز تو را در هنگام خشمم یاد کنم و تو را در زمره کسانی که نابودشان می سازم نابود نگردانم و به اینکه من انتقامت را از دشمنانت بستانم راضی و خوشنود باشد زیرا انتقام گیری من برای تو بهتر است از اینکه خودت دست بکار شوی و انتقام خود از وی بستانی .

حدیث:

- 539 و فی حدیث آخر زاد: و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خیر من انتصاری لنفسک.

ترجمه:

- 539 و در حدیث دیگری اضافه نموده است که : و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام گیری من از آن ستمکار خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می گیرم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

حدیث:

- 540 عن اسحاق بن عمار قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان فی التوراه مکتوبا یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرنک عند غضبی فلا امحکک فیمن امحق و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خیر من انتصاری لنفسک.

ترجمه:

- 540 اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا در تورات نوشته شده است که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمتم به یاد آور تا تو را در هنگام خشمم به یاد آورم



پس تو را در زمره هلاك شونندگان به هلاکت نمی رسانم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من از دشمنت خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو از وی می کشم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری.

- 55 باب تحريم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغيظه

- 55 باب حرام بودن حسد و وجوب دوري از حسد و عدم حرمت غيظه

حديث:

- 541 قال ابو جعفر عليه السلام : ان الرجل لياتي باذني بادره فيكفر و ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 541 امام باقر عليه السلام فرمود: همانا (گاه باشد که) مردم کوچکترین تندی و تیزی خشم را به جای می آورد و در نتیجه کارش به کفر می انجامد و همانا حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیزم را می خورد .

حديث:

- 542 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 542 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا که حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد .

حديث:

- 543 عن داود الرقي قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اتقوا الله و لا يحسد بعضكم بعضا.

ترجمه:

- 543 داود رقی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و کسی از شما بر دیگری حسد نرزد.

حديث:

- 544 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كاد الفقر ان يكون كفرا كاد الحسد ان يغلب القدر.

ترجمه:

- 544 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد و نزدیک است که حسد بر قضا و قدر چیره شود .

حديث:

- 545 قال ابو عبدالله عليه السلام : آفه الدين الحسد و العجب و الفخر.

ترجمه:

- 545 امام صادق عليه السلام فرمود: آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است .

حديث:

- 546 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله عزوجل لموسى بن عمران : يا ابن عمران لا تحسدن الناس على ما اتيهم من فضلى و لا تمدن عينيك الى ذلك و لا تتبعه نفسك فان الحاسد ساخط لنعمتى صاد لقسمى الذى قسمت بين عبادى و من يك كذلك فليست منه و ليس منى.

ترجمه:

- 546 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خداوند عزوجل به حضرت موسی بن عمران عليه السلام فرمود: این پسر عمران ! بر مردم به آنچه که من از فضل خود به آنان داده ام حسد مبر و بر داشته های آنان چشم مدوز و نفست را در پی آنها نفرست زیرا شخص حسود بر نعمت من خشمگین و ناخشنود است و از آن قسمتی که بین بندگانم روا داشته ام روی گردان است و کسی که چنین باشد نه من از آن اویم و نه او از برای من است .

حديث:

- 547 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان المومن يغبط و لا يحسد و المنافق يحسد و لا يغبط.

ترجمه:

- 547 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا مومن غبطه (142) می خورد ولی حسد نمی ورزد و منافق حسد می ورزد ولی غبطه نمی خورد .

حديث:

- 548 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ثلاثه لم ينج منها نبى فمن دونه التفكر فى الوسوسه فى الخلق و الطيره و الحسد الا ان المومن لا يستعمل حسده.

ترجمه:

- 548 امام صادق عليه السلام سه چیز است که هیچ پیامبر و پابین تر از پیامبری از آن سه چیز خلاصی ندارد: یکی اندیشیدن در تحریکات شیطانى درباره امر آفرینش و دیگری فال بد زدن و دیگری حسد، جز اینکه مومن حسدش را اعمال نمی کند .

حديث:

- 549 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه و آله لعلی عليه

السلام قال : يا على انهاك عن ثلاث خصال الحسد و الحرص و الكبر.

ترجمه:

- 549 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! تو را از داشتن سه خصلت نهی می کنم : حسد ورزیدن و حرص و خودبزرگ بینی .

حدیث:

- 550 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصول الکفر ثلاثه الحرص و الاستکبار و الحسد.

ترجمه:

- 550 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و بزرگ منشی نمودن و حسد ورزیدن .

حدیث:

- 551 عن ابی الحسن علی به موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : دب الیکم داء الامم قلبکم البغضاء و الحسد.

ترجمه:

- 551 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درد امت های پیشین به شما هم سرایت کرده است که آن درد دشمنی نمودن و حسد ورزیدن است .

حدیث:

- 552 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : حسد الصدیق من سقم الموده.

ترجمه:

- 552 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسد ورزیدن دوست ، ناشی از ناسلام بودن دوستی است .

حدیث:

- 553 و قال علیه السلام : صحه الجسد من قله الحسد.

ترجمه:

- 553 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سلامت بدن نشانه کمی حسد است .

حدیث:

- 554 علی بن جعفر عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام عن ابیه عن جده قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم لاصحابه : الا انه قد دب الیکم داء الامم من قلبکم و هو الحسد لیس بحالق الشعر لکنه خالق الدین و ینجی فیہ ان یکف الانسان یده و یخزن لسانه و لایکون ذا غمر علی اخیه المومن.

ترجمه:

- 554 علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش و ایشان از جدش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش فرمود: آگاه باشید که مرض امتهای گذشته به شما نیز سرایت کرده و آن مرض حسد است این مرض موی را نمی سترد (نمی تراشد) بلکه دین را می تراشد و چیزی که در حال حسد نجات بخش است این است که آدمی دستش را (از تجاوز به محسود) باز دارد و زبانش را نگاه دارد و نسبت به برادر مومن خود کینه نداشته باشد .

- 56 باب جمله مما عفی عنه

- 56 باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند

حدیث:

- 555 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : رفع عن امتی تسعه اشیاء الخطا و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لایعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرو الیه و الحسد و الطیره و التفکر فی الوسوسه فی الخلق ما لم ینطقوا بشقه.

ترجمه:

- 555 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه چیز برداشته شده است : خطا و فراموشی و کاری که بر انجام آن مجبور شوند و آنچه که نمی دانند و آنچه که از توان و طاقت آنان بیرون است و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و حسد (تا زمانی که در دل باشد و آن را اعمال نکنند) و فال بد زدن و تفکر در اندیشه های پریشان در امر آفرینش تا زمانی که بر زبان نیاورند (و در حد فکر باقی بماند).

حدیث:

- 556 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : رفع عن امتی اربع خصال خطوها و نسیانها و ما اکرهوا علیه و ما لم یطیفوا و ذلك قول الله عزوجل : (ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرار کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقه لنا به ) و قوله : (الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان).

ترجمه:

- 556 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) چهار خصلت برداشته شده است : خطای آنان و فراموش نمودنشان و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و آنچه که طاقت آن را ندارند و گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: ای

پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم ما را مواخذه مکن . ای پروردگار ما! بار آنگونه که بر پیشینیان ما حمل نمودی بر ما حمل مکن و آنچه را که طاقت و توان آن را نداریم بر گرده ما مگذار (143) و گفتار خدا که می فرماید: مگر کسی که مجبور شده است در حالی که قلبش به ایمان آرمیده است (144).

**حدیث:**

- 557 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : وضع عن امتی تسع خصال الخطا و النسیان و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرروا الیه و ما استکروهوا علیه و الطیره و الوسوسه فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او ید.

ترجمه:

- 557 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه خصلت برداشته شده است : خطا و فراموشی و آنچه که نمی دانند و آنچه که طاقتش را ندارند و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و فال بد زدن و اندیشه های پریشان در امر آفرینش و حسد تا زمانی که آثار حسد بر زبان یا دست آشکار نگردد .

- 57 باب تحریم التعصب علی غیر الحق  
- 57 باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق

**حدیث:**

- 558 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب او تعصب له فقد خلع ربقه الايمان من عنقه.

ترجمه:

- 558 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نایجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نایجا شود (و او خوشنود باشد) محققا که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است .

**حدیث:**

- 559 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من كان فی قلبه حبه من خردل من عصبیه بعثه الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه.

ترجمه:

- 559 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه ای خردل تعصب کورکورانه و نایجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت بر می انگیزد .

**حدیث:**

- 560 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب عصبه الله بعصابه من نار.

ترجمه:

- 560 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تعصب و طرفداری کورکورانه و نایجا بورزد خداوند او را به دستاری از آتش می پیچد.

**حدیث:**

- 561 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : لم یدخل الجنه حمیه غیر حمیه حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حین اسلم غضبا للنبی صلی الله علیه و آله فی حدیث السلی الذی القی علی النبی صلی الله علیه و آله.

ترجمه:

- 561 امام سجاد علیه السلام فرمود: هیچ حمیت و خشمی داخل بهشت نمی شود بجز خشمی که حمزه بن عبدالمطلب اعمال نمود و آن زمانی بود که در جریان انداخته شدن بچه دان گوسفند بر سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف مشرکین ، حضرت حمزه به خشم آمد و اسلام آورد .

**حدیث:**

- 562 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الملائکه کانوا یحسیون ان ابلیس منهم و کان فی علم الله انه لیس منهم فاستخرج ما فی نفسه بالحمیه و الغضب و قال خلقتنی من نار و خلقته من طین.

ترجمه:

- 562 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فرشتگان می پنداشتند که ابلیس از آنان است ولی در علم خداوند ابلیس از فرشتگان نبود و او به خاطر غیرت نایجا و خشم ، آنچه را که در درون داشت بیرون ریخت و گفت : خدایا تو مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل (بنابراین من از او برترم و در مقابل او سجده نمی کنم .)

**حدیث:**

- 563 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الله یعذب السنه بالسنه العرب بالعصبیه و الدهاقین بالکبر و الامراء بالجور و الفقهاء بالحسد و التجار بالخیانه و اهل الرساتیق بالجهل.

ترجمه:

- 563 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت عذاب می کند: عرب را به خاطر تعصب نایجا و روسا را به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی و امیران را به خاطر ستمکاری و دانشمندان را به خاطر حسد و بازرگانان را به خاطر خیانت و ناراستی و روستائیان را به خاطر نادانی .

حدیث:

564 - سنل علی بن الحسین علیه السلام عن العصبیه فقال : العصبیه التي یأثم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیرا من خیار قوم آخرین و لیس من العصبیه ان یحب الرجل قومه و لکن من العصبیه ان یعین الرجل قومه علی الظلم.

ترجمه:

564 - از امام سجاد علیه السلام درباره تعصب سوال شد. حضرت فرمود: آن تعصبی که دارنده آن گناهکار است این است که مردی بدان قوم خود را بهتر از خوبان قوم دیگران بیندارند اما اینکه مردی قوم خود را دوست بدارد از تعصب نیست بلکه تعصب آن است که مردی قوم خود را بر انجام ستم یاری کند .

حدیث:

565 - عن العمی رفعه قال : من تعصب حشره الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه.

ترجمه:

565 - از معصوم علیه السلام روایت کند که : کسی که تعصب نایجا داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت محشور خواهد ساخت .

58 - باب تحریم التکبر

58 - باب تحریم خود بزرگ بینی

حدیث:

566 - عن حکیم قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن اذنی الالحاد قال : ان الکبر اذناه.

ترجمه:

566 - حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه کفر و بی دینی پرسیدم . حضرت فرمود: همانا پایین ترین درجه کفر تکبر ورزیدن است .

حدیث:

567 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال ابو جعفر علیه السلام العز رداء الله و الکبر ازاره فمن تناول شیئا منه اکبه الله فی جهنم.

ترجمه:

567 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : امام باقر علیه السلام فرمود: ارجمندی بالا پوش خدا و بزرگ منشی زیر پوش اوست پس هر کس چیزی از آن دو را برای خود برگیرد خداوند او را به رو در آتش جهنم می افکند .

حدیث:

568 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الکبر رداء الله فمن نازع الله شیئا من ذلك اکبه الله فی النار.

ترجمه:

568 - امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ منشی بالا پوش خداست پس کسی که با خداوند در این باره به کشمکش برخیزد خداوند او را به رو در آتش خواهد افکند .

حدیث:

569 - عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام قال: لا یدخل الجنه من فی قلبه مثقال ذره من کبر.

ترجمه:

569 - از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت است که : کسی که در قلبش به اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود .

حدیث:

570 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر رداء الله و المتکبر ینزع الله رداءه.

ترجمه:

570 - امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگ منشی بالا پوش خداوند است و کسی که تکبر می ورزد با خداوند درباره آن به کشمکش بر می خیزد .

حدیث:

571 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی جهنم لوادیا للمتکبرین یقال له سفر شکا الی الله عزوجل شده حره و ساله عزوجل ان یاذن له ان یتنفس فتنفس فاحرق جهنم.

ترجمه:

571 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که در جهنم صحرایی برای متکبران است که به آن سقر ( گفته می شود که این صحرا از شدت گرمایش به خداوند عزوجل شکایت می کند و از خداوند درخواست می کند که به او اجازه دهد که نفسی بکشد پس چون نفس می کشد جهنم شعله ور می گردد .

حدیث:

572 - عن داود بن فرقد عن اخیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان المتکبرین یجعلون فی صور الذر تنوطوهم الناس حتی یفرغ الله من الحساب.

ترجمه:

572 - داود بن فرقد از برادرش روایت کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا افراد متکبر در روز قیامت به صورت مورچه در می آیند و مردم آنان را پایمال می کنند تا اینکه خداوند از

حساب خلائق فارغ شود.

**حدیث:**

- 573 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی راسه حکمه و ملک یمسکها فاذا تکبر قال له : اتضع وضعک الله فلا یزال اعظم الناس فی نفسه و اصغر الناس فی اعین الناس و اذا تواضع رفعها الله عزوجل ثم قال له : انتعش نعشک الله فلا یزال اصغر الناس فی نفسه و ارفع الناس فی اعین الناس

**ترجمه:**

- 573 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست جز اینکه در سر او دهانه و لگامی هست که فرشته ای آن را نگاهداشته است پس هرگاه بنده ای تکبر نمایند آن فرشته به وی می گوید (نفرین کند): (فرود آی که خداوند تو را فرومایه و پست کند، پس او پیوسته در نفس خودش خود را بلند مرتبه ترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان کوچکترین مردم است . و هنگامی که تواضع و فروتنی نماید خداوند عزوجل او را بلند مرتبه می گرداند سپس فرشته به او می گوید (دعا می کند): فراز آی که خداوند تو را بلند مرتبه گرداند، پس وی پیوسته در درون خود خود را کوچکترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان بلند پایه ترین مردم است .

**حدیث:**

- 574 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم و العظمه و الکبر فان الکبر رداء الله عزوجل فمن نزع الله رداءه قصمه الله و اذله یوم القیامه.

**ترجمه:**

- 574 امام صادق علیه السلام در سفارشی به اصحابش فرمود: از بزرگی نمودن و کبر بر حذر باشید زیرا بزرگ منشی بالاپوش خداوند عزوجل است پس کسی که در بزرگ منشی با خداوند به کشمکش برخیزد خداوند او را درهم می شکند و در روز قیامت وی را خوار می سازد .

**حدیث:**

- 575 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام : ان علیا علیه السلام قال : ما احد من ولد آدم الا و ناصته بید ملک فان تکبر جذبہ بناصتیه الی الارض ثم قال له : تواضع وضعک الله و ان تواضع جذبہ بناصتیه ثم قال له ارفع راسک رفعک الله و لاوضعک بتواضعک لله.

**ترجمه:**

- 575 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که : همانا علی علیه السلام فرمود: هیچکس از فرزندان آدم نیست جز اینکه موی پیشانی اش در دست فرشته ای است پس اگر تکبر ورزد وی را با موی پیشانی اش به زمین می کشد سپس به او می گوید: فروتن باش ، خدا فرودت آورد. و اگر فروتنی کند موی پیشانی اش را می کشد سپس به او می گوید: سرت را بلند کن ، خدا تو را بالا برد و تو را به خاطر فروتنی ات فرود نیاورد .

**حدیث:**

- 576 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لابلیس کحلا و لعوقا و سعوطا فکحله النعاس و لعوقه الکذب و سعوطه الکبر.

**ترجمه:**

- 576 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا شیطان سرمه ای دارد (که در چشم می ریزد) و داروی لیسیدنی دارد (که در دهان می ریزد) (و دارویی دارد که در بینی می ریزد، اما سرمه او چرت زدن است و داروی لیسیدنی او دروغ است و دارویی که در بینی مردمان می ریزد کبر و بزرگی نمودن است .

**حدیث:**

- 577 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثه لاینظر الله الیهن ثانی عطفه و مسبل ازاره خیلاء و المنفق سلعتہ بالایمان و الکبر ان الکبریاء لله رب العالمین.

**ترجمه:**

- 577 امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروهند که خداوند به آنها نظر (رحمت) نمی افکند: یکی آنکه متکبرانه روی خود را از دیگران بر می گرداند و دیگری آنکه از روی تکبر جامه بلند خویش بر زمین می کشد و دیگری آنکه کالای خود را با سوگند خوردن و بزرگی نمودن رواج می دهد. همانا بزرگ منشی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .

**حدیث:**

- 578 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر مطایا النار.

**ترجمه:**

- 578 امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگی نمودن (به منزله) مرکبی است که سوار خود را به سوی آتش می برد .

**حدیث:**

- 579 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یحشر المتکبرون یوم القیامه فی خلق الذر فی صور الناس یوطنون حتی یفرغ الله من حساب خلقه ثم یسلک بهم الی النار یسفون من طینه خیال من عصاره اهل النار.

**ترجمه:**

- 579 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: افراد متکبر در روز قیامت به صورت انسانهایی به کوچکی مورچه محشور می گردند و مردم آنان را پایمال می کنند تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ گردد سپس آنان به سوی آتش روانه می شوند و از چرك تن دوزخیان که عصاره اهل دوزخ است به آنان نوشانده می شود .

**حدیث:**

- 580 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اکثر اهل جهنم المتكبرون.

**ترجمه:**

- 580 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین اهل جهنم متکبران هستند.

**حدیث:**

- 581 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان احبکم الی و اقربکم منی یوم القیامه مجلسا احسنکم خلقا و اشدکم تواضعا و ان ابعدکم منی یوم القیامه الثرثارون و هم المستکبرون.

**ترجمه:**

- 581 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی خود روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : همانا دوست داشتنی ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت کسی است که اخلاقش نیکوتر و فروتنی اش بیشتر باشد و همانا دورترین شما از من در روز قیامت پاره گوین که همان خود خواهانند می باشند .

**حدیث:**

- 582 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کانت لرسول الله صلی الله علیه و آله ناقه لاتسبق فسابق اعرابیا بناقته فسبقها فاكتب لذلك المسلمون فقال : رسول الله صلی الله علیه و آله : انها ترفعت و حق علی الله ان لا یرتفع شیء الا وضعه الله.

**ترجمه:**

- 582 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماده شتری (تندرو) داشت که شتری بر او پیشی نمی گرفت پس (روزی) در مسابقه با شتر عربی از شتر آن عرب عقب ماند، مسلمین از این واقعه افسرده خاطر شدند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا این شتر ماده خود را برتر شمرد<sup>(145)</sup> و بر خداند سزاوار است که هیچ چیزی خود را برتر از دیگری نشمرد جز اینکه خداوند او را فرود آورد.

- 59 باب تحريم التجرير و التيه و الاختيال

- 59 باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی

**حدیث:**

- 583 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاثة لا یکلهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم شیخ زان و ملک جبار و مقل مختال.

**ترجمه:**

- 583 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نگوید و در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی برای آنان می باشد: یکی پیرمرد زناکار و دیگری پادشاه ستمگر و دیگری فقیر متکبر .

**حدیث:**

- 584 قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من احد یتیه الا من ذله یجدها فی نفسه.

**ترجمه:**

- 584 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کسی نیست که لاف بزرگی بزند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

**حدیث:**

- 585 و فی حدیث آخر عن ابی عبدالله علیه السلام ما من رجل تکبر او تجبر الا لذله یجدها فی نفسه

**ترجمه:**

- 585 و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمرد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

**حدیث:**

- 586 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : الکبر قد یکون فی شرار الناس من کل جنس و الکبر رداء الله فمن نازع الله رداء لم یزده الا سفالا ان رسول الله صلی الله علیه و آله مر فی بعض طرق المدینه و سوداء تلفظ السرقین فقیل لها: تنحی عن طریق رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت : ان الطريق لمعرض فهم بها بعض القوم ان یتناولها فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : دعوها فانها جباره

**ترجمه:**

- 586 راوی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کبر در وجود بدترین کسان از هر جنسی می باشد و کبر بالاپوش خداوند است پس هر کس در آن با خداوند په ستیز پردازد جز پستی و فرومایگی چیزی بر او افزوده نمی گردد. همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از یکی از کوچه های

مدینه عبور می کرد و زنی سیاه سرکین حیوانات را از روی زمین جمع می کرد. به آن زن گفته شد: از جلو راه رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار رو. زن گفت: کوچه پهن و عریض است. برخی از اطرافیان پیامبر قصد کنار زدن زن را نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را واگذارید زیرا او متکبر و سرکش است.

**حدیث:**

- 587 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه انه قال : و ایاکم و التجیر علی الله و اعلموا ان عبدا لم یبتل بالتجیر علی الله الا تجیر علی دین الله فاستقیموا لله و لاتریدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خاسرین اجارنا الله و ایاکم من التجیر علی الله.

**ترجمه:**

- 587 امام صادق علیه السلام در توصیه به اصحابش فرمود: از تکبر و سرکشی نمودن در برابر خداوند بر حذر باشید و بدانید که هیچ بنده ای گرفتار تکبر و وزیدن بر خدا نمی شود جز اینکه بر دین خدا تکبر و وزیده است پس به خاطر خدا پایداری کنید و عقبگرد نکنید که زیانکار می گردید، خداوند ما و شما را از تکبر و وزیدن بر خدا برهاند.

**حدیث:**

- 588 عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی لیبغض البیت اللحم و اللحم السمین فقال له بعض اصحابنا: یا ابن رسول الله انا لنحب اللحم و ما تخلو بیوتنا عنه فکیف ذلك فقال : لیس حیث تذهب انما البیت اللحم الذی توکل لحوم الناس فیہ بالغبیه و اما اللحم السمین فهو المتجیر المتکبر المختال فی مشیته.

**ترجمه:**

- 588 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی خانه پر گوشت و شخص پر گوشت چاق را دشمن می دارد. راوی گوید: یکی از اصحاب ما به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! ما هم گوشت را دوست داریم و خانه های ما از گوشت خالی نیست پس چگونه است؟ آیا این گفته شما شامل ما هم می شود؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو می پنداری بلکه مراد از خانه پرگوشت ( خانه ای است که در آن گوشت مردمان با غیبت نمودن آنان خورده می شود و مراد از پرگوشت چاق ) سرکش متکبر است که در راه رفتنش با خودپسندی راه می رود.

**حدیث:**

- 589 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الجبارون ابعده الناس من الله عزوجل یوم القیامه.

**ترجمه:**

- 589 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت سرکشان متکبر هستند.

**حدیث:**

- 590 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان فی جهنم لجبلا یقال له الصعدا ان فی الصعدا لوادیا یقال له سقر و ان فی سقر لجبا یقال له هبهب کلما کشف عطاء ذلك الجب ضج اهل النار من حره ذلك منازل الجبارین.

**ترجمه:**

- 590 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا در جهنم کوهی است که به آن صعدا (گفته می شود و در آن کوه دره ای است که به آن سقر (گویند و به راستی که در آن دره چاهی است که آن را هبهب ) گویند که هرگاه در آن چاه برداشته شود اهل دوزخ از گرمای آن به ناله و فریاد آیند، آن چاه منزلگاه متکبران است.

**حدیث:**

- 591 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من مشی فی الارض اختیالا لعنته الارض و من تحتها و من فوقها.

**ترجمه:**

- 591 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با تکبر بر روی زمین گام بردارد زمین و آنچه در زیر و زیر آن است او را لعنت می کنند.

**حدیث:**

- 592 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ویل لمن یختال فی الارض یعانده جبار السماوات و الارض.

**ترجمه:**

- 592 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای به حال کسی که با حالت تکبر بر روی زمین گام بردارد چنین کسی با خدای آسمانها و زمین به دشمنی پرداخته است.

**حدیث:**

- 593 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تجبر وضعاه.

**ترجمه:**

- 593 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در آسمان فرشته هستند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر کسی که تکبر ورزد فرودش می آورند .

### -۱۳-

**حدیث:**

- 594 عن بشیر النبال قال : کنا مع ابی جعفر علیه السلام فی المسجد اذ مر علینا اسود و هو یزعم فی مشیه فقال ابو جعفر علیه السلام انه الجبار قلت ، انه سائل قال : انه جبار و قال ابو عبدالله علیه السلام : کان علی به الحسین علیه السلام یمشی مشیه کان علی راسه الطیر لایسق یمینه شماله.

**ترجمه:**

- 594 بشیر نبال گوید: همراه با امام باقر علیه السلام در مسجد بودیم که سیاهی بر ما گذر نمود در حالی که با گردن فرازی و کشیدن اندام راه می رفت امام باقر علیه السلام فرمود: او متکبر است . عرض کردم: او سائلی بیش نیست (و سائل چگونه می تواند متکبر باشد؟! ) حضرت فرمود: او متکبر است (زیرا اینگونه راه رفتن ، راه رفتن متکبران است ) و فرمود: امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت گویی که بر سر او پرنده ای نشسته است ، در راه رفتن جانب راستش بر چپش پیشی نمی گرفت .

**حدیث:**

- 595 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان النبی صلی الله علیه و آله اوصی رجلا من بین تمیم فقال له : ایاک و اسبال الزار و القمیص فان ذلك من المخیله و الله لایحب المخیله.

**ترجمه:**

- 595 امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی از بنی تمیم را توصیه می فرمود که: از فرو گذاردن شلوار و جامه (به گونه ای که متکبرانه بر زمین کشیده شود) بر حذر باش زیرا این کار ناشی از تکبر است و خداوند تکبر را دوست نمی دارد .

**حدیث:**

- 596 و قال ابو عبدالله علیه السلام : ما حاذی الکعبین من الثوب ففی النار.

**ترجمه:**

- 596 امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه از جامه که محاذی و برابر دو غوزک پا برسد (جایگاهش ) در آتش است .

**حدیث:**

- 597 و قال علیه السلام : ثلاث اذا کن فی الرجل فلا تتخرج ان تقول انها فی جهنم البذاء و الخیلاء و الفخر.

**ترجمه:**

- 597 امام صادق علیه السلام فرمود: سه خصلت هست که هرگاه آن سه در کسی باشد اگر بگویی آن خصلتها جهنمی است گناهکار نیستی : یکی بد زبانی و هرزه گویی و دیگری تکبر و دیگری فخر فروشی و به خود نازیدن.

- 60 باب حد التکبر و التجبر المحرمین

- 60 باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام

**حدیث:**

- 598 عن محمد بن مسلم عن احدهما علیه السلام قال : لایدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال حبه من خردل من الکبر قال : فاسترجعت فقال : ما لك تسترجع ؟ فقلت : لما سمعت منك فقال : لیس حیث تذهب انما اعنی الجحود انما هو الجحود.

**ترجمه:**

- 598 محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت کند که : کسی که در قلبش به اندازه دانه ای خردل کبر و بزرگ منشی باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: با شنیدن این سخن ، من استرجاع نمودم (یعنی) انا لله و انا الیه راجعون ( گفتم ) حضرت فرمود: چرا استرجاع می کنی ؟ عرض کردم : به خاطر سخنی که از شما شنیدم . حضرت فرمود: اینگونه که می پنداری نیست بلکه مراد من انکار و بی اعتقادی است (یعنی کبری که از روی انکار کبریایی خداوند و بی اعتقادی باشد .)

**حدیث:**

- 599 عن ابی عبدالله علیه السلام قال الکبر ان تغمص الناس و تسفه الحق.

**ترجمه:**

- 599 امام صادق علیه السلام فرمود: کبر آن است که مردمان را خوار و کوچک بشمیری و حق را ناچیز بدانی .



حدیث:

600 قال ابو عبدالله عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان اعظم الكبر عمص الخلق و سفه الحق قلت و ما عمص الخلق و سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهليه فمن فعل ذلك فقد نازع الله عزوجل رداءه.

ترجمه:

600 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا بزرگترین کبر، کوچک شمردن مردم و ناچیز دانستن حق است - راوی گوید: عرض کردم : معنای این سخن رسول خدا صلى الله عليه وآله چیست ؟ امام صادق فرمود: یعنی از حق بی خبر باشد و از خانواده و خاندان خود بدگویی کند، پس کسی که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر کبرپایی اش به ستیز برخاسته است .

حدیث:

601 عن عبد الاعلى عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قلت له ما اكبر؟ قال عليه السلام : اعظم الكبر ان تسفه الحق و تغمص الناس قلت : و ما سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهله.

ترجمه:

601 عبدالاعلی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم : که کبر چیست ؟ فرمود: بزرگترین کبر آن است که حق را ناچیز و مردمان را کوچک بشمرد ، عرض کردم : ناچیز شمردن حق چیست ؟ فرمود: یعنی حق را نداند و بر خاندان خود افترا بزند .

حدیث:

602 عن محمد بن عمر بن يزيد عن ابيه قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : اننى أكل الطعام الطبي و اشم الرائحة الطيبة و اركب الدابة الفارحه و يتعنى الغلام فترى فى هذا شيئا من التجبر فلا افعله فاطرق ابو عبدالله عليه السلام ثم قال : انما الجاز المعلون من غمص الناس و جهل الحق قال عمر فقلت : اما الحق فلا اجهله و الغمص لا ادرى ما هو قال : من حقر الناس و تجبر عليهم فذلك الجبار.

ترجمه:

602 محمد بن عمر بن يزيد از پدرش روایت کند که : به امام صادق عليه السلام عرض کردم : همانا من غذای پاکیزه می خورم و بوی های خوش می بویم و بر چهارپایان خرامنده سوار می شوم و نوکر پشت سر من راه می افتد پس آیا شما در این امور چیزی از تکبر می بینید تا آنها را به جای نیاورم ؟ امام صادق عليه السلام قدری سکوت فرموده و سر به زیر افکند سپس فرمود: همانا آن متکبر که ملعون است کسی است که مردم را کوچک شمرد و از حق بی خبر باشد. عمر گوید: عرض کردم : اما من نسبت به حق نادان نیستم ولی کوچک شمردن مردم را نمی دانم یعنی چه ؟ حضرت فرمود: کسی که مردم را کوچک بشمرد و بر آنان تکبر ورزد (خود را از آنان بالاتر و برتر بداند) چنین کسی متکبر است .

حدیث:

603 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لن يدخل الجنة من فى قلبه مثقال حبه من خردل من كبر و لا يدخل النار من فى قلبه مثقال حبه من خردل من الايمان قلت : جعلت فداك ان الرجل ليلبس الثوب او يركب الدابة فيكاد يعرف منه الكبر فقال : ليس بذلك انما الكبر انكار الحق و الايمان الاقرار بالحق.

ترجمه:

603 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که به اندازه دانه خردل کبر و بزرگ منشی در قلبش باشد هرگز به بهشت وارد نمی شود و کسی که قلبش به اندازه دانه ای از خردل ایمان باشد داخل دوزخ نمی گردد - راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم همانا (گاه باشد که ) مرد جامه ای (فاخر) بر تن می پوشد یا اینکه بر مرکبی (رهوار) سوار می شود پس (در این حالت ) نزدیک است که از (هیئت ) او کبر و بزرگ منشی فهمیده شود (آیا چنین کسی به بهشت وارد نمی شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست بلکه کبر انکار نمودن حق و ایمان اعتراف نمودن به حق است .

حدیث:

604 عن احدهما يعنى ابا جعفر و ابا عبدالله عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان فى قلبه مثقال حبه من خردل من كبر قال : قلت : انا نلبس الثوب الحسن فيدخلنا العجب فقال : انما ذلك فيما بينه و بين الله عزوجل.

ترجمه:

604 از امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در دلش به اندازه خردلی کبر باشد به بهشت وارد نمی شود - راوی گوید: - عرض کردم : همانا جامه ای نیکو به بر می کنیم پس دچار عجب و خودبینی می شویم (آیا این حالت ، مانع بهشت رفتن ماست ؟) حضرت فرمود: (خیر) بلکه این حالت بین شخص و خدای عزوجل است (و موجب پایمال شدن حق دیگران نیست).

61 باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها

61 باب تحريم دوستى دنيا و وجوب دشمن داشتن دنيا

حدیث:

- 605 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : راس كل خطيئه حب الدنيا.  
ترجمه:

- 605 امام صادق علیه السلام فرمود: سر هر گناهی دوستی دنیاست .  
حدیث:

- 606 عن محمد بن مسلم قال : سئل علی بن الحسین علیه السلام ای الاعمال افضل ؟ قال : ما من عمل بعد معرفه الله و معرفه رسول الله صلى الله عليه و آله افضل من بغض الدنيا فان لذلك شعبا كثيره و للمعاصی شعبا فاول ما عصى الله به الكبر الى ان قال ثم الحرص ثم الحسد و هی معصیه ابن آدم حيث حسد اخاه فقتله فتشعب من ذلك حب النساء و حب الدنيا و حب الرئاسة و حب الراحة و حب الكلام و حب العلو و والثروه فصرن سبع خصال فاجتمعن كلهن فی حب الدنيا فقال الانبياء و العلماء بعد معرفه ذلك حب الدنيا راس كل خطيئه و الدنيا دنيوان دنیا بلاغ و دنیا ملعونه.  
ترجمه:

- 606 محمد بن مسلم گوید: از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد که کدامیک از کارها برتر و با فضیلت تر است ؟ فرمود: پس از معرفت خدا و رسولش هیچ کاری با فضیلت تر از دشمن داشتن دنیا نیست زیرا دنیا دارای شعبه هایی است و گناهان نیز شعبه ها و شاخه هایی دارند، پس اولین گناهی که به وسیله آن خداوند مورد نافرمانی قرار گرفت کبر و بزرگ منشی بود سپس حرص و سپس حسد، و حسد گناه فرزند آدم بود آنجا که به برادر خود حسد ورزید و او را به قتل رساند پس گناهایی که از حسد منشعب می شوند عبارتند از: دوستی زنان و دوستی دنیا و ریاست طلبی و راحت طلبی و علاقه به حرف زدن و برتری حویلی و دوستی مال و ثروت پس اینها هفت خصلت اند که همگی در دوستی دنیا جمع شده اند پس پیامبران و دانشمندان پس از شناخت آن فرموده اند که : دوستی دنیا سر هر گناهی است و دنیا دو گونه است : یکی دنیایی که در حد کفایت و بسندگی است و دیگری دنیایی که مورد لعن و دوری از رحمت خداوند است .  
حدیث:

- 607 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی مناجاه موسى علیه السلام یا موسى ان الدنيا دار عقوبه عاقبت فیها آدم عند خطيئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فیها الا ما كان فیها لی یا موسى ان عبادی الصالحین زهدوا فی الدنيا بقدر علمهم و سائر الخلق رغبوا فیها بقدر جهلهم و ما من احد عظمها فقرت عینه بها و لم يحقرها احد الا انتفع بها.  
ترجمه:

- 607 امام صادق علیه السلام فرمود: در راز گویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است که : ای موسی ! همانا که دنیا سرای عقوبت و شکنجه است ، در همین دنیا آدم را به خاطر خطایش عقوبت نمودم و دنیا را مستحق لعن گرداندم و هر چه در دنیاست ملعون است بجز آنچه که برای من است . ای موسی ! همانا بندگان شایسته من به اندازه علم و آگاهی خود به دنیا بی رغبتند و دیگران به اندازه نادانی شان به دنیا میل دارند و هیچکس نیست که دنیا را بزرگ شمرده باشد و دنیا مایه روشنی چشم او شود و هیچکس دنیا را کوچک نشمرده است جز اینکه از آن بهره مند گردیده است .  
حدیث:

- 608 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : حب الدنيا راس كل خطيئه.  
ترجمه:

- 608 امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا سر هر گناهی است .  
حدیث:

- 609 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من احب دنياه اضر بأخرته.  
ترجمه:

- 609 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر کس دنیایش را دوست داشته باشد به آخرت خود زیان می رساند .  
حدیث:

- 610 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه سئل عن الزهد فی الدنيا فقال : (ويحك حرامها فتنكبه).  
ترجمه:

- 610 از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زهد و بی رغبتی به دنیا پرسیده شد و حضرت فرمود: وای بر تو از حرام دنیا، از حرام دنیا دوری کن .  
62 باب استحباب الزهد فی الدنيا و حد الزهد  
62 باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد  
حدیث:

- 611 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : منزهد فی الدنيا اثبت الیه الحکمه فی قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنيا داءها و دواءها و اخرجه مننها سالما الی دارالسلام.  
و رواه الصدوق فی ثواب الاعمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من لم یستحی من طلب المعاش خفت مثنوته و رخا باله و نعم عیاله و من زهد فی الدنيا... و ذکر مثله.  
ترجمه:

- 611 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نسبت به دنیا بی رغبت باشد خداوند فهم حقیقت را در قلب او پا بر جا می گرداند و زبانش را به گفتن سخنان حکیمانه گویا می کند و دواى عیبهای

دنیا را به او می نمایند و او را سالم و بدون نقص از دنیا به سوی بهشت که سرای سلامت است بیرون می برد.

(این حدیث را مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) در کتاب (ثواب الاعمال) از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و پیش از آن چند جمله اضافه دارد که حضرت فرمود: کسی که در طلب معاش شرم نکند روزی اش سبک و خاطرش فراخ و خانواده اش در آسودگی قرار می گیرند و کسی که به دنیا بی رغبت باشد...

**حدیث:**

612 عن ابی حمزه قال : ما سمعت باحد من الناس كان ازهد من علی بن الحسین علیه السلام الا ما بلغنی عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال : و كان علی بن الحسین علیه السلام اذا تكلم فی الزهد و وعظ ابکی من بحضرتہ قال ابوحمزه : و قرأت صحیفه فیها کلام زهد من کلام علی بن الحسین علیه السلام فکتبت ما فیها ثم اتیت علی بن الحسین علیه السلام فعرضت ما فیها علیه فعرفه و صححه و كان ما فیها بسم الله الرحمن الرحيم كفانا الله و اياکم کید الظالمین و بغی الحاسدین و بطش الجبارین ایها المومنون لا یفتنکم الطواغیت و اتباعهم من اهل الرغبه فی هذه الدنيا و احذروا ما حذرکم الله منها و ازهدوا فیما زهدکم الله فیہ منها و لاترکونوا الی ما فی هذه الدنيا رکون من اتخذها دار قرار و منزل استیطان الی ان قال و لیس یعرف تصرف ایامها و تقلب حالاتها و عاقبه ضرر فتنها الا من عصمه الله و نهج سبیل الرشده و سلك طریق القصد ثم استعان علی ذلك بالزهد فکفر الفکر و اتعظ بالصبر و زهد فی عاجل بهجه الدنيا و تجافی عن لذتها و رغب فی دائم نعيم الاخره و سعی لها سعیها.

(الحدیث)

**ترجمه:**

612 ابی حمزه گوید: نشنیده ام که کسی از امام سجاد علیه السلام زاهدتر باشد به جز آنچه که درباره علی بن ابی طالب علیه السلام به من رسیده است ، امام سجاد علیه السلام هرگاه درباره زهد و بی رغبتی به دنیا سخن می فرمود و موعظه می کرد حاضران به گریه می افتادند - ابی حمزه در ادامه گوید: - و من نوشته ای را که در آن سخنی از سخنان امام سجاد علیه السلام درباره زهد نوشته شده بود خواندم و آن را برای خود نوشتم سپس به خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام آمدم و آن را به حضرت عرضه نمودم حضرت آن را شناخت و تصدیق فرمود و در آن نوشته آمده بود: به نام خداوند بخشنده و مهربان ( خداوند ما و شما را از نیرنگ ستمگران و ستم حسودان و سخت گیری زورگویان کفایت کند، ای ایمان آورندگان ! طاغوتها و پیروانشان که اهل میل به این دنیا هستند شما را به فتنه نیفکنند، از آنچه که خداوند شما را از آن حذر داده دوری کنید و نسبت به آنچه از دنیا که خداوند شما را درباره آن به زهد و بی رغبتی فرمان داده زهد را پیشه سازید به آنچه که در این دنیاست به گونه کسی که دنیا را سرای ماندن و استراحتگاه برای خود گرفته است تکیه و اعتماد مکنید - تا آنجا که فرمود: - و دست به کار شدن روزهای دنیا و دگرگونی حالات و سرانجام ضرر فتنه های دنیا را نمی شناسد مگر کسی که خداوند او را حفظ کرده و راه هدایت را پیش گرفته و روش میانه روی را پیموده است سپس در این راه از زهد کمک خواسته است پس در پی اندیشیده است و با صبر و بردباری پذیرای موعظ گردیده است و به این دنیای زودگذر بی رغبت شده و لذت های آن را فرو نهاده و به نعمت های همیشگی آخرت رغبت یافته و تمام سعی و کوشش خود را صرف به دست آوردن آن نعمتها نموده است.

**حدیث:**

613 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان علامه الراغب فی ثواب الاخره زهد فی عاجل زهره الدنيا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنيا لا ینقصه مما قسم الله له فیها و ان زهد و ان حرص الحریص علی عاجل زهره الحیاة الدنيا لایزیده فیها و ان حرص فالمغبون من غبن حظه من الاخره.

**ترجمه:**

613 امام صادق علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا نشانه کسی که به ثواب آخرت رغبت دارد این است که درباره خوشی زودگذر این دنیا زهد و بی رغبتی پیشه می کند، آگاه باشید که زهد ورزیدن شخص زاهد در این دنیا چیزی از قسمتی که خداوند در این دنیا برای او معین ساخته کم نمی کند اگر چه او زهد ورزد و همانا حرص شخصی که بر بدست آوردن خوشی های زودگذر دنیا زندگانی دنیا حریص است چیزی به او نمی افزاید اگر چه حرص بورزد پس زیانکار کسی است که درباره بهره اخروی اش دچار زیان شده باشد .

**حدیث:**

614 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان من اعون الاخلاق علی الدین الزهد فی الدنيا.

**ترجمه:**

614 امام باقر علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که یکی از یاری کننده ترین اخلاق بر دینداری ، بی رغبتی به دنیاست .

**حدیث:**

615 عن ابی عبدالله علیه السلام قال جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنيا ثم قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یجد الرجل حلاوه الايمان حتی لا یبالی من اکل الدنيا ثم قال

ابوعبدالله عليه السلام : حرام على قلوبكم ان تعرف حلاوه الايمان حتى تزهد فى الدنيا.

ترجمه:

615 امام صادق عليه السلام فرمود: تمام خير و خوبى در خانه اى قرار داده شده و كليلد آن خانه ، زهد داشتن در دنياست . - سپس فرمود: - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است كه ) : كسى شيرينى ايمان را در نمى يابد مگر اينكه اعتنايى نداشته باشد كه چه كسى دنيا را مى خورد (سپس امام صادق عليه السلام فرمود: فهم و درك شيرينى ايمان بر دلهاى شما حرام مى گردد مگر اينكه دلهايتان در دنيا زهد و بى رغبتى را پيشه خود كنند .

حديث:

616 ان رجلا سال على بن الحسين عليه السلام عن الزهد فقال عشرة اشياء فاعلى درجة الزهد اذنى درجة الورع و اعلى درجة الورع اذنى درجة اليقين و اعلى درجات اليقين اذنى درجات الرضا الا و ان الزهد فى آيه من كتاب الله (لكيلا تاسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم).

ترجمه:

616 مردى از امام سجاد عليه السلام درباره زهد سوال كرد، حضرت در جواب فرمود: ده چيز وجود دارد (كه هر كدام مراتبى دارند) پس بالاترين زهد پايين ترين درجه ورع (پارسايى) است و بالاترين درجه يقين است و بالاترين درجات يقين پايين ترين درجات رضا) خوشنود بودن به خواست الهى) است ، آگاه باشيد كه زهد در يك آيه از كتاب خدا تفسير و معنا شده ( است آنجا كه خداوند فرمود) : تا بر آنچه كه از دست داده ايد غمگين نشويد و بر آنچه كه به شما داده شادمان نگرديد .(146)

حديث:

617 عن سفيان بن عيينه قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : كل قلب فيه شك او شرك فهو ساقط و انما ارادوا بالزهد فى الدنيا لتفرغ قلوبهم للاخرة.

ترجمه:

617 سفيان بن عيينه گوید: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: هر دلى كه در آن شكى يا شركى باشد ناسالم و بى اعتبار است و راستى كه به زهد و بى رغبتى به دنيا دستور داده اند تا دلهاى مردمان براى آخرت (از هر چيزى) فارغ شود.

حديث:

618 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اذا اراد الله بعبد خيرا زهده فى الدنيا و فقهه فى الدين و بصره عيوبها و من اوتيهن فقد اوتى خير الدنيا و الاخرة و قال : لم يطلب احد الحق بباب افضل من الزهد فى الدنيا و هو ضد لما طلب اعداء الحق قلت : جعلت فداك مما ذا؟ قال : من الرغبه فيها و قال الا من صبار كريم فانما هى ايام قلائل الا انه حرام عليكم ان تجدوا طعم الايمان حتى تزهدوا فى الدنيا قال و سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول اذا تخلقى المومن من الدنيا سما و وجد حلاوه حب الله فلم يشتغلوا بغيره قال : و سمعته يقول : ان القلب اذا صفا ضاقت به الارض حتى يسمو.

ترجمه:

618 امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامى كه خداوند خير بنده اى را بخواهد او را به دنيا بى رغبت مى گرداند و در دين دانايى مى سازد و نسبت به عيبهايش او را بينا مى نمايد و كسى كه اين سه چيز به او داده شده حقيقتا كه خير دنيا و آخرت به او بخشيده شده است ، - و فرمود - : هيچكس حق را از راهى بهتر و با فضيلت تر از زهد در دنيا طلب نكرده است و زهد ضد آن چيزى است كه دشمنان حق طلب مى كنند - راوى گويد: عرض كردم : فدايت شوم آن چيزى كه دشمنان حق طالب آن هستند چيست ؟ فرمود: رغبت و ميل به دنيا، و فرمود: بهوش باشيد و بر حذر باشيد از خداوند بسيار شكيباي بخشنده ، جز اين نيست كه دنيا روزهاى اندك است ، آگاه باشيد كه چشيدن طعم ايمان بر شما حرام است مگر اينكه در دنيا زاهدانه زندگى كنيد - راوى گويد: - و از امام صادق عليه السلام شنيدم كه فرمود: هرگاه مومن از دنيا دست بكشد و چشم پوشى كند بالا مى رود و شيرينى دوستى خداوند را مى يابد پس به غير خدا مشغول نمى شود - راوى گويد: - و باز از ايشان شنيدم كه فرمود: همانا كه قلب هرگاه با صفا گردد زمين برايش تنگ مى گردد تا اينكه بلندى و ارتفاع مى يابد .

حديث:

619 عن ابي جعفر عليه السلام فى حديث ان على بن الحسين عليه السلام قال : الا و كونوا من الزاهدين فى الدنيا الراغبين فى الاخرة الا ان الزاهدين فى الدنيا قد اتخذوا و الارض بساط و التراب فراشا و الماء طيبا و قرضوا من الدنيا تقريبا. (الحديث)

ترجمه:

619 امام باقر عليه السلام روايت كند كه امام سجاد عليه السلام فرمود: به هوش باشيد از بى رغبتان به دنيا و رغبت كندگان در آخرت باشيد، آگاه باشيد كه بى رغبتان به دنيا زمين را فرش خود و خاك را بستر خود و آب را مایه خوش بوى خود گرفته اند و خود را به نيكو بريدنى از دنيا بريده اند .

حديث:

620 عن عمرو بن سعيد بن هلال قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : انى لا القاك الا فى النين فاونصنى بشئى ء حتى آخذ به قال : اوصيك بتقوى الله و الورع و الاجتهاد و اياك ان تطمح الى من فوقك و كفى بما قال الله عزوجل لرسول الله صلى الله عليه و آله (و لا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجنا منهم زهره الحياه الدنيا) و قال (فلا تعجبك اموالهم و لا اولادهم) فان خفت ذلك فاذكر عيش رسول الله صلى الله عليه و آله فانما كان قوته من الشعير و حلواه من التمر و وقوده من السعف اذا وجده و اذا اصبت

بمصيبة في نفسك او مالك او ولدك فاذكر مصابك برسول الله صلى الله عليه و آله فان الخلائق لم يصابوا بمثله قط.

ترجمه:

620- عمر بن سعيد بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چند سال يك بار شما را دیدار می کنم پس به من سفارشی فرما تا به آن عمل کنم. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بر حذر باش از اینکه به کسی که (از نظر مال و دارایی) از تو بالاتر است نظر کنی و گفتار خدای عزوجل به پیامبرش (برای تو و همه) کفایت می کند که فرمود: دو چشمت را به سوی آنچه که به وسیله آن اصنافی از مردمان را کامیاب ساختیم مگشای که آن خوشی زندگی دنیاست (147) و فرمود: پس مالها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد (148) پس اگر (از متنعم بودن کفار) بر خود ترسیدی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که نان او از جو و غذای شیرین او از خرما و اگر می یافت هیزم او شاخه بی برگ خرما بود و هرگاه به مصیبتی جانی یا مالی یا مصیبت فرزندان دچار شدی مصیبتی را که به واسطه آن دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دچار گشته ای یاد آور زیرا مردمان هرگز به مصیبتی همانند مصیبت فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفتار نشده اند.

حدیث:

621- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قيل لاميرالمؤمنين عليه السلام ما الزهد في الدنيا؟ قال : تنكب حرامها.

ترجمه:

621- امام صادق علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین پرسیده شد که: زهد در دنیا چیست؟ فرمود: اعراض و دوری کردن از حرام دنیا.

حدیث:

622- عن ابی الطفیل قال : سمعت اميرالمؤمنين عليه السلام يقول : الزهد في الدنيا قصر الامل و شكر كل نعمه و الورع عما حرم الله عليك.

ترجمه:

622- ابی الطفیل گوید: از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: زهد در دنیا عبارت است از کوتاه نمودن آرزو و به جا آوردن شکر هر نعمتی و باز ایستادن از هر چیزی که خداوند بر تو حرام ساخته است.

حدیث:

623- قال ابو عبدالله عليه السلام ليس الزهد في الدنيا باضاعة المال و لا بتحريم الحلال بل الزهد في الدنيا ان لاتكون بما في يدك اوثق منك بما في يد الله عزوجل.

ترجمه:

623- امام صادق علیه السلام فرمود: زهد در دنیا تلف کردن مال و حرام ساختن حلال نیست بلکه زهد این است که اعتماد و اطمینان تو به آنچه که در دست توست بیشتر از اعتماد به آنچه که در دست خدای عزوجل است نباشد.

حدیث:

624- عن حفص بن غياث قال : سمعت موسى بن جعفر عليه السلام عند قبر و هو يقول : ان شيئا هذا آخرة لحقيق ان يزهد في اوله و ان شيئا هذا اوله لحقيق ان يخاف من آخرة.

ترجمه:

624- حفص بن غیاث گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که در کنار قبری می فرمود: به راستی چیزی که (دنیاپی که) آخرش این است سزاوار است که در آغازش نسبت به آن زهد پیشه شود و راستی چیزی که آغازش چنین است سزاوار است که از سرانجامش ترسیده شود.

حدیث:

625- عن فاطمه بنت الحسين عن ابیها عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله ان صلاح اول هذه الامة بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الامل.

ترجمه:

625- فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: همانا نیکی و شایستگی اول این امت به داشتن زهد و یقین است و هلاکت و نابودی آخر این امت به بخیل بودن و داشتن آرزو (آرزوی طولانی) است.

حدیث:

626- عن الحسن بن علی العسكري عليه السلام هن أبائه عليه السلام عن الصادق عليه السلام انه سئل عن الزاهد في الدنيا قال : الذي يترك حلالها مخافة حسابه و يترك حرامها مخافة عقابه.

ترجمه:

626- امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا پرسیده شد که زاهد کیست؟ فرمود: زاهد کسی است که در حلال دنیا را از ترس حساب آن و حرام دنیا را از ترس کیفر و عقاب آن ترک کند.

63- باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضرورة من الدنيا

63- باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است

حدیث:

627 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما لى و للدنيا انما مثلى كراكب رفعت له شجره فى يوم صائف فقال تحتها قم راح و تركها.  
ترجمه:

627 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مرا با دنیا چه کار است ؟ همانا مثل من همانند سوارکاری است که در يك روز گرم برای او درختی بر پا شده باشد و او در زیر آن درخت در وسط روز به خواب رود سپس استراحتی کند (یا بادی بوزد) و آن درخت را ترك کند (و برود).

حدیث:

628 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : فى طلب الدنيا اضرار بالآخره و فى طلب الاخره اضرار بالدنيا فاضروا بالدنيا فانها احق بالاضرار.

ترجمه:

628 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: در طلب کردن دنیا به آخرت زیان می رسد و در طلب کردن آخرت به دنیا زیان می رسد پس به دنیا زیان برسانید که دنیا سزاوار زیان است.

حدیث:

629 عن ابی عبدالله علیه السلام : ان فى كتاب على علیه السلام انما مثل الدنيا كمثل الحيه ما الين مسها و فى جوفها السم الناقع يحذرهما الرجل العاقل و يهوى اليها الصبى الجاهل.

ترجمه:

629 امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده است که : مثل دنیا همانند مار است که چقدر لمس و سودن آن نرم است در حالی که در درون آن زهر کشنده است ، مرد عاقل از چنین ماری حذر می کند و کودک نادان به سوی آن مایل می شود .

حدیث:

630 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فى وصيته النبى صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام قال : يا على ان الدنيا سجن المومن و جنة الكافر يا على اوحى الله الى الدنيا اخدمى من خدمنى و اتعبى من خدمك يا على ان الدنيا لو عدلت عندالله جناح بعوضه لما سقى الكافر منها شربه من ماء يا على ما احد من الاولين و الاخرين الا و هو يتمنى يوم القيامة انه لم يعط الدنيا الا قوتا.

ترجمه:

630 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! همانا که دنیا زندان مومن و بهشت کافر است ، ای علی ! خداوند به دنیا وحی فرستاد که : خدمتگزار کسی باش که در خدمت من است و به رنج و سختی بیفکن کسی را که در خدمت توست ، ای علی ! راستی که اگر ارزش دنیا در نزد خدا با بال پشه ای برابری می کرد هرگز به کافر جرعه ای از آب آن را نمی نوشاند، ای علی ! هیچکس از خلق اولین و آخرین نیست جز اینکه در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا تنها به اندازه خوراکی به او داده می شد .

حدیث:

631 قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما قل و كفى خير مما كثر و الهى.

ترجمه:

631 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آنچه که اندک باشد و کفایت کند از آنچه که فراوان باشد و (آدمی را به خود) مشغول سازد بهتر است.

حدیث:

632 و باسناده عن اميرالمؤمنين عليه السلام فى وصيته لمحمد بن الحنفية قال : و لا مال اذهب للفاقه من الرضا بالقوت و من اقتصر على بلغه الكفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعاه ، الحرص داع الى التفحيم فى الذنوب.

ترجمه:

632 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: و هیچ مالی بهتر از خوشنود بودن به خوراک ، فقر را بر طرف نمی کند و کسی که به مقدار کفاف روزانه اکتفا کند راحتی و آسایشش را سامان بخشیده است و در فراخی و آسودگی زندگانی مقیم گشته است ، حرص (آدمی را) به سوی سرنگونی در گناهان فرا می خواند.

حدیث:

633 عن ابی الدرداء قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من اصبح معافى فى جسده آمنأ فى سربه عنده قوت يومه فكانما خیرت له الدنيا يا ابن جعشم يكفیک منها ما سد جوعتك و وارى عورتك فان یكن بیت یكنك فذاك و ان یكن دابه تركبها فیخ یخ و الا فالخبز و ماء الجرہ و ما بعد ذلك حساب عليك او عذاب.

ترجمه:

633 ابو درداء گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که صبح کند در حالی که تندرست و سالم باشد و درباره مرکب سوارى اش ایمن باشد و در نزد او خوراک روزانه اش موجود باشد گونیا خیر دنیا به او بخشیده شده است ، ای پسر جعشم ! در این دنیا آنچه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و

عورت را بپوشاند برایت کافی است پس اگر خانه ای باشد که سایبان شود نیکوست و اگر چهارپایی باشد که بر آن سوار شوی پس بسی نیکوتر و گزنه نانی و آب سبویی (بس است) و بیش از اینها یا موجب حساب بر توست یا باعث عذاب و کیفر توست .

**حدیث:**

- 634 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا ابن آدم ما کسبت فوق قوتک فانت فیه خازن لغيرک .

**ترجمه:**

- 634 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! آنچه که بیش از خوراک روزانه ات کسب کرده ای تو در آن نگاهبانی دهنده برای دیگران گشته ای .

**حدیث:**

- 635 و قال علیه السلام : کل مقتصر علیه کاف .

**ترجمه:**

- 635 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر مقداری که بتوان بر آن اکتفا نمود کافی است .

**حدیث:**

- 636 و قال علیه السلام : الزهد بین کلمتین من القرآن قال الله تعالی لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم ) و من لم یأس علی الماضی و لم یفرح بالآتی فقد استکمل الزهد بطرفیه .

**ترجمه:**

- 636 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زهد بین دو جمله از قرآن (تعریف شده) است آنجا که خداوند تعالی فرموده است: تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شده است شادمان نگردید (149) پس کسی که بر گذشته اندوه نخورد و به آینده شادمان نباشد هر دو جانب زهد را به صورت کامل دریافته است .

**حدیث:**

- 637 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال ابو جعفر علیه السلام : مثل الحرص علی الدنیا مثل دوده القز كلما ازدادت علی نفسها لفا کان ابعدها من الخروج حتی تموت غما قال : و قال ابو عبدالله علیه السلام : اغنی الغنی من لم یکن للحرص اسیرا و قال : لاتشعروا قلوبکم الا شغالا بما قد فات فتشغلوا اذهانکم عن الاستعداد لما لم یات .

**ترجمه:**

- 637 امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: مثل شخصی که بر دنیا حرص است همانند کرم ابریشم است که هر چه پیله را بیشتر به دور خود می پیچد خارج شدنش از دورن آن بعیدتر می شود تا اینکه از (شدت) اندوه می میرد - راوی گوید: - و امام صادق علیه السلام فرمود: بالاترین ثروت (حالت) کسی است که اسیر حرص نباشد. و فرمود: مشغول گشتن به آنچه که از دست رفته است را در دلها پتان وارد نسازید (به آنچه که فوت شده نپردازید) که در نتیجه ذهنهای خود را از آمادگی برای آنچه که نیامده است از می دارید .

**حدیث:**

- 638 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ابعده ما یكون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الا بطنه و فرجه .

**ترجمه:**

- 638 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین حالتی که بنده از خدای عزوجل دارد آن هنگامی است که چیزی جز شکم و زیر شکمش برای او اهمیت نداشته باشد .

**حدیث:**

- 639 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من کثر اشتبا که فی الدنیا کان اشد لحسرتة عند فراقها .

**ترجمه:**

- 639 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زیاد با دنیا گره خورده باشد حسرت و اندوهش هنگام جدایی از آن زیادتر خواهد بود .

**حدیث:**

- 640 عن احمد بن ابی عبدالله البرقی عن ابیه رفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : حرم الحرص خصلتین و لزمته خصلتان حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الله الرضا فافتقد الیقین .

**ترجمه:**

- 640 احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: شخص حرص از دو خصلت محروم است و دو خصلت ملازم با اوست از قناعت محروم است پس در نتیجه ، راحتی و آرامش را گم کرده است و از خوشنود بودن (به داده الهی) محروم است پس در نتیجه ، یقین و باور را گم کرده است .

- 65 باب کراهه حب المال و الشرف

- 65 باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی

**حدیث:**

- 641 عن حماد بن بشیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ذنبان ضاریان فی غنم قد غاب عنها رعاوها احدهما فی اولها و الاخر فی آخرها باضر فیها من حب المال و الشرف فی دین المسلم .

**ترجمه:**

641- حماد بن بشیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دو گرگ درنده در گله ای که چوپانی به همراه ندارد در حالی که يك گرگ در اول گله و دیگری در آخر گله باشد ضررشان به آن گله بیشتر نیست از ضرری که دوستی با دارایی و ارجمندی به دین مسلمانان می زند .  
**حدیث:**

642- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته.  
**ترجمه:**

642- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیطان فرزند آدم را در هر چیزی کاملاً زیر نظر می گیرد پس هنگامی که وی شیطان را درمانده و عاجز کرد (و شیطان نتوانست او را فریب دهد) شیطان در برابر مال و دارایی سینه اش را برای او بر زمین می نهد و گردنش را می گیرد .  
**حدیث:**

643- عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الدینار و الدرهم اهلکا من کان قلبکم و هما مهلکاکم.  
**ترجمه:**

643- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا دینار و درهم پیشینیان شما را به هلاکت رساند و همین دو نیز هلاک کننده شماست .  
- 66 باب کراهه الضجر و الکسل  
- 66 باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن  
**حدیث:**

644- عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام انه قال فی وصیته لبعض ولده : و ایاک و الکسل و الضجر فانهما یمنعانک حظک من الدنیا و الاخره.  
**ترجمه:**

644- امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به یکی از فرزندان خود فرمود: از سستی کردن و بی قراری نمودن بر حذر باش زیرا این دو جلو بهره دنیوی و اخروی تو را می گیرند .  
**حدیث:**

645- عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی لاتمزح فیذهب بهاوک و لاتکذب فیذهب نورك و ایاک و خصلتین الضجر و الکسل فانک ان ضجرت لم تصبر علی حق و ان کسلت لم تود حقا یا علی من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحه.  
**ترجمه:**

645- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرد که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! شوخی مکن که خوبی و نیکی تو را می برد و دروغ مگو که نور تو را از بین می برد و از دو خصلت بر حذر باش یکی نالیدن و بی قراری نمودن و دیگری سستی زیرا اگر بی قراری کنی بر حق نمی توانی شکویا باشی و اگر سستی کنی حقی را نمی توانی به دست آوری ، ای علی ! کسی که بی تابی و بی قراری بر او مسلط شود راحتی و آسایش از وجود او کوچ می کند .  
**حدیث:**

646- عن عمر بن علی عن ابیه علی بن ابی طالب علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : علامه الصابر فی ثلاث اولها ان لایکسل و الثانیه ان لایضجر و الثالثه ان لایشکو من ربه عزوجل لانه اذا کسل فقد ضیع الحقوق و اذا ضجر لم یود الشکر و اذا شکا من ربه عزوجل فقد عصاه.  
**ترجمه:**

646- عمر بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کند که فرمود: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : نشانه شخص صابر و شکویا در سه چیز است : اول اینکه سستی نمی کند و دوم اینکه بی قراری نمی کند و سوم اینکه از پروردگار عزیز بزرگوارش شکایت نمی کند زیرا اگر سستی کند قطعاً حقوقی را ضایع می کند و اگر بی قراری کند شکر و سپاس (پروردگارش) را به جای نیاورده است و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است.  
**حدیث:**

647- عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث انه قال لبعض ولده : ایاک و المزاج فانه یذهب بنور ایمانک حظک من الدنیا و الاخره.  
**ترجمه:**

647- امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: از شوخی کردن پرهیزد که نور ایمان تو را از بین می برد و مروت و مردانگی تو را سبک می کند و از بی قراری و سستی حذر کن که این دو بهره دنیوی و اخروی تو را مانع می شوند.  
- 67 باب کراهه الطمع  
- 67 باب کراهت طمع ورزیدن  
**حدیث:**

648- عن ابی عبدالله قال : ما اقبح بالمومن ان تکون له رغبه تذله.  
**حدیث:**



ترجمه:

- 648 امام صادق علیه السلام فرمود: برای مومن چقدر زشت است که میل و رغبتی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بکشاند .

-۱۴-

حدیث:

- 649 عن ابی جعفر علیه السلام قال : بنس العبد عبد یكون له طمع یقوده و بنس العبد عبد له رغبه تذله .

ترجمه:

- 649 امام باقر علیه السلام فرمود: بد بنده ای است که بنده ای که طمعکاری اش او را رهبری کند و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد .

حدیث:

- 650 قال علی بن الحسین علیه السلام رایت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی ایدی الناس .

ترجمه:

- 650 امام سجاد علیه السلام فرمود: دانسته ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است .

حدیث:

- 651 عن سعدان عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت : الذی یثبت الایمان فی العبد قال : الورع و الذی یخرجه منه الطمع .

ترجمه:

- 651 سعدان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آن چیزی که ایمان را در درون بنده ثابت و پا بر جا می کند چیست؟ حضرت فرمود: باز ایستادن از گناه، و آن چیزی که ایمان را از دل او بیرون می کند طمع است .

حدیث:

- 652 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : اذا احببت ان تجمع خیر الدنیا و الاخره فاقطع طمعك مما فی ایدی الناس .

ترجمه:

- 652 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: اگر دوست داری که خیر دنیا و آخرت را برای خود گرد آوری پس طمع و چشم داشتنت را به آنچه که در دستان مردمان است قطع کن .

حدیث:

- 653 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمنی یا رسول الله شیئا فقال : علیک بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنی الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر .

ترجمه:

- 653 امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد که از آنچه که در دستان مردمان است مایوس باشی که این چنین روحیه ای ثروتی حاضر و آماده است . مرد دوباره عرض کرد: ای رسول خدا! بیش از این بفرما. فرمود: از طمع بر حذر باش که طمع، فقری حاضر و آماده است.

حدیث:

- 654 عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام ما ثبات الایمان ؟ قال : الورع . فقیل : ما زواله ؟ قال : الطمع .

ترجمه:

- 654 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد که : چه چیزی مایه ثبات و پابرجایی ایمان است؟ فرمود: باز ایستادن از گناه، پرسیده شد: چه چیز باعث زوال ایمان است؟ فرمود: طمع .

حدیث:

- 655 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع .

ترجمه:

- 655 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بیشترین جایی که عقلا به زمین می خورد در زیر درخشیدن طمعکاری ها است .

حدیث:

656 عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : جاء خالد الى رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : يا رسول الله اوصني و اقله لعلني احفظ فقال : اوصيك بخمس بالباس مما في ايدي الناس فانه الغنى الحاضر و اياك و الطمع فانه الفقر الحاضر و صل صلاه مودع و اياك و ما تعتذر منه و احب لاختك ما تحب لنفسك.

ترجمه:

656 امام رضا عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدراناش روایت کند که : علی علیه السلام فرمود بن خالد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما و کوتاه باشد شاید بتوانم آن را به خاطر بسپرم . حضرت فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می کنم : یاس و ناامیدی نسبت به آنچه که در اختیار مردم است زیرا اینگونه یاس ثروتی حاضر و آماده است ، و از طمع بر حذر باش که آن فقری حاضر و آماده است ، و نماز چنان به جای آور که گوئیا در حال وداع هستی (و این آخرین نماز توست ) ، و از چیزی که از به جای آوردنش باید عذرخواهی کنی بر حذر باش ، و برای برادر خود چیزی را که برای خود دوست می داری دوست بدار.

- 68 باب کراهه الخرق

- 68 باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری )

حدیث:

657 عن ابي جعفر عليه السلام قال : من قسم له الخرق حجت عنه الايمان.

ترجمه:

657 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که درشتی کردن برایش مقدر و قسمت شده است ایمان از او باز داشته شده و پوشانده شده است.

حدیث:

658 عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لو كان الخرق خلقا يري ما كان في شىء من خلق الله اقبح منه.

ترجمه:

658 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : اگر درشتی (ناسازگاری ) به صورت یکی از آفریدگان دیده می شد هیچ چیز از آفریدگان خداوند زشت تر از او نبود .

- 69 باب تحريم اساءه الخلق

- 69 باب تحريم بد اخلاقي

حدیث:

659 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد العمل كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

659 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که بد اخلاقی عمل را تباه می کند همچنانکه سرکه عسل را فاسد می سازد .

حدیث:

660 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال النبي صلى الله عليه و آله : ابي الله لصاحب الخلق السيى بالتوبه قيل : و كيف ذاك يا رسول الله ؟ قال : اذا تاب من ذنب وقع فى ذنب اعظم منه.

ترجمه:

660 امام صادق علیه السلام روایت کند که : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند از توبه شخصی که دارای اخلاق بد است کراهت دارد. عرض شد که : ای رسول خدا! این چگونه است ؟ فرمود: (زیرا) هنگامی که از گناهی توبه می کند در گناهی بزرگتر از گناه گذشته واقع می شود .

حدیث:

661 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد الايمان كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

661 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث:

662 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من ساء خلقه عذب نفسه.

ترجمه:

662 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث:

663 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى بعض انبيائه الخلق السيى يفسد العمل كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

663 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : اخلاق بد عمل را فاسد می کند همچنانکه سرکه باعث فاسد شدن عسل می گردد.

حدیث:

664 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبي صلى الله عليه و آله لعلنى عليه السلام قال : يا على لكل ذنب توبه الا سوء الخلق فان صاحبه كلما خرج من ذنب دخل فى ذنب.

ترجمه:

- 664 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! هر گناهی توبه ای دارد به جز بد اخلاقی زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می رود در گناهی دیگر وارد می شود .

حدیث:

- 665 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : علیکم بحسن الخلق فان حسن الخلق فی الجنه لامحاله و ایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لا محاله.

ترجمه:

- 665 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : بر شما باد به خوش اخلاقی زیرا اخلاق نیکو حتما جایگاهش در بهشت است و از بد اخلاقی بر حذر باشید زیرا اخلاق بد حتما جایگاهش در دوزخ است .

حدیث:

- 666 عن جعفر عن ابیه علیه السلام قال : قال علی علیه السلام : ما من ذنب الا و له توبه و ما من تائب الا وقد تسلم له توبته ما خلا السیئ الخلق لانه لا يتوب من ذنب الا وقع فی غیره اشر منه.

ترجمه:

- 666 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرد که : علی علیه السلام فرمود: هیچ گناهی نیست جز اینکه توبه ای دارد و هیچ توبه کننده ای نیست جز اینکه توبه اش برای او سالم و دست نخورده می ماند مگر کسی که بد اخلاق است زیرا چنین کسی از هیچ گناهی توبه نمی کند جز اینکه در گناهی بدتر از آن وارد می شود .

- 70 باب تحریم السفه و کون الانسان ممن یتقی شره

- 70 باب تحریم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود

حدیث:

- 667 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی رجلین یتسابان فقال : الیادی منهما اظلم و وزره و وزر صاحبه علیه ما لم یتعد المظلوم.

ترجمه:

- 667 امام موسی کاظم علیه السلام درباره دو مرد به یکدیگر دشنام می دادند فرمود: آنکه آغاز نموده ستمکارتر است و گناه خود و طرف مقابلش به گردن اوست البته در صورتی که آنکه مظلوم واقع شده از حد خود تجاوز نکند .

حدیث:

- 668 ابی عبدالله علیه السلام قال : لاتسفهوا فان ائمتکم لیسوا بسفهاء و قال ابو عبدالله علیه السلام : من کافا السفیه بالسفه فقد رضی بمثل ما اتی الیه حیث احتذی مثاله.

ترجمه:

- 668 امام صادق علیه السلام فرمود: خود را به نادانی و بی خردی نزید (و بی خردی را پیشه نکنید) زیرا پیشوایان شما نادان نبوده و نیستند. و فرمود: کسی که با شخص نادان به نادانی مقابله کند تحقیقا به شبیه همان عملی که با وی صورت گرفته است خوشنود گردیده است زیرا به شخص نادان اقتدا و از وی پیروی کرده است .

حدیث:

- 669 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایکون السفه و الغره فی قلب العالم.

ترجمه:

- 699 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نادانی و ناشی گری در دل شخص دانشمند نیست .

حدیث:

- 670 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان السفه خلق لئیم یستطیل علی من دونه و یخضع لمن فوقه.

ترجمه:

- 670 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که نادانی خصلت شخص فرومایه و پست است ، فرومایه بر زیر دست خود تکبر می ورزد و برای بالا دست خود فروتنی می کند .

حدیث:

- 671 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث ان النبی صلی الله علیه و آله قال : ان من شر عبادالله من تکره مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 671 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر پلیدی اش همنشین با او ناپسند شمرده می شود .

حدیث:

- 672 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان ابغض خلق الله عبد اتقی الناس لسانه.

ترجمه:

- 672 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای است که مردم از

(شر) زبان او پرهیز می کنند .

حدیث:

- 673 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : شر الناس يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 673 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بدترین مردم در روز قیامت کسانی هستند که (این دنیا را) از ترس شرشان مورد اکرام و احترام واقع می شوند .

حدیث:

- 674 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : شر الناس عند الله يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 674 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بدترین مردم در نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که (در دنیا) برای پرهیز از شرشان مورد احترام واقع می شوند .

حدیث:

- 675 قال ابو عبدالله عليه السلام : من خاف الناس لسانه فهو فى النار.

ترجمه:

- 675 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که مردم از زبانش بترسند جایگاهش در آتش است .

- 71 باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان

- 71 باب تحريم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان

حدیث:

- 676 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من علامات شرك الشيطان الذى لا يشك فيه ان يكون فحاشا لايبالى ما قال و لا ما قيل فيه.

ترجمه:

- 676 امام صادق عليه السلام فرمود: از نشانه های شراکت نمودن شیطان که بی گمان این نشانه بیانگر شریک شدن شیطان در روحیه و اعمال شخص است این است که شخصی بد زبان باشد و باکی نداشته که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود .

حدیث:

- 677 عن ابى جعفر عليه السلام قال : ان الله يبغض الفاحش المتفحش.

ترجمه:

- 677 امام باقر عليه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص بد زبان بیهوده گوی را دشمن می دارد .

حدیث:

- 678 قال ابو عبدالله عليه السلام : ان الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 678 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا دشنام دادن و هرزه گویی و زبان درازی ناشی از نفاق و دو رویی است .

حدیث:

- 679 عن ابى جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله يبغض الفاحش البذى ء السائل الملحف.

ترجمه:

- 679 امام باقر عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: راستی که خداوند شخص دشنام دهنده و هرزه گو و در خواست کننده سمج و لجوج را دشمن می دارد .

حدیث:

- 680 عن ابى جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعائشه : يا عائشه ان الفحش لو كان مثالا لكان مثال سوء.

ترجمه:

- 680 امام باقر عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه و آله به عایشه فرمود: ای عایشه ! راستی که اگر بد زبانی در قالب و شکلی در آمده بود حتما صورتی بد و زشت داشت .

حدیث:

- 681 عن احمد بن محمد عن بعض رجاله قال : قال : من فحش على اخيه المسلم نزع الله منه برقه رزقه و وكله الى نفسه و افسد عليه معيشتة.

ترجمه:

- 681 احمد بن محمد از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، روایت کند که : معصوم علیه السلام فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود دشنام دهد خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خود وا می گذارد و زندگی اش را بر او تباه می سازد .

حدیث:

- 682 عن سماعة قال : دخلت على ابى عبدالله عليه السلام فقال لى ميتدئا: يا سماعة ما هذا الذى كان بينك و بين جمالک ؟ اياك ان تكون فحاشا او سخبا او لعانا. فقلت : و الله لقد كان انه ظلمنى

فقال : ان كان ظلمك لقد اربيت عليه ان هذا ليس من فعالي و لا امر به شيعتى استغفر ربك و لا تعد قلت استغفر الله و لا اعود.

ترجمه:

- 682 سماعه گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، حضرت بدون اینکه من چیزی گفته باشم فرمود: ای سماعه ! بین تو و شترداریت چه گذشته است ؟ بر حذر باش از اینکه دشنام دهنده یا داد و فریاد کننده یا لعن کننده باشی . عرض کردم : سوگند به خدا که او به من ظلم کرد. حضرت فرمود: اگر او به تو ستم کرد تو که بیشتر به او ستم کردی (تو که در ستم کردن از او پیشی گرفتی ) راستی که اینگونه رفتار نه با کردار من سازگار است و نه پیروان خود را به چنین رفتاری امر می کنم ، از پروردگارت طلب مغفرت کن و دیگر تکرار نکن . من گفتم : از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر چنین عملی را تکرار نمی کنم .

حدیث:

- 683 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان من اشر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 683 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر بد زبانی اش همنشین با او ناپسند شمرده می شود .

حدیث:

- 684 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب الحيى الحليم الغنى المتعفف الا و ان الله يبغض الفاحش البذى ء السائل الملحف.

ترجمه:

- 684 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص صاحب شرم و بردبار و ثروتمند پاکدامن را دوست دارد، آگاه باشید که خداوند شخص دشنام دهنده هرزه گو و سائلی را که سماجت می کند دشمن می دارد .

حدیث:

- 685 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان الحياء و العفاف و العى اعنى عن اللسان لاعى القلب من الايمان و الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 685 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که حیا و پاکدامنی و درمانده بودن از ایمان است البته مراد من درمانده بودن زبان است نه درمانده بودن قلب (یعنی زبان دراز نباشد)، و دشنام و هرزه گوئی و زبان درازی از نفاق است .

حدیث:

- 686 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبى صلی الله علیه و آله لعلى علیه السلام قال : يا على افضل الجهاد من اصبح لايهم بظلم احد يا على من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار يا على شر الناس من اكرمه الناس اتقاء فحشه و شره يا على شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنياه غيره.

ترجمه:

- 686 امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بالاترین جهاد (عمل ) کسی است که مردم از زبانش در بیم و هراس باشند اهل دوزخ است . ای علی ! بدترین مردم کسی است که مردم او را از ترس بدزبانی و بدکاری اش اکرام و احترام کنند، ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیاپیش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگران بفروشد .

- 72 باب تحريم البذاء و عدم المبالاه بالقول

- 72 باب تحريم هرزه گوئی و بدون مبالات سخن گفتن

حدیث:

- 687 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا رايتم الرجل لايبالى ما قال و لا ما قيل له فهو شرك الشيطان.

ترجمه:

- 687 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هرگاه دیدید که مردی باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شريك شيطان است .

حدیث:

- 688 عن اميرالمؤمنين علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله حرم الجنه على كل فحاش بذي ء قليل الحياء لايبالى ما قال و لا ما قيل له فانك ان فتشنته لم تجده الا لغيه او شكر شيطان قيل : يا رسول الله و فى الناس شرك شيطان فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : اما تقر قول الله عزوجل : ( و شاركهم فى الاموال و الاولاد ) (الحديث).

ترجمه:

- 688 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که

خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار کم حیا که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است به راستی که اگر درباره چنین کسی جستجو و کاوش کنی او را گمراه یا شریک شیطان می یابی . عرض شد: ای رسول خدا! آیا در بین مردم شریک شیطان وجود دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **آیا سخن خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: و با آنان در دارایی ها و فرزندانشان شراکت کن (150)**

**حدیث:**

- 689 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه:

- 689 امام صادق علیه السلام فرمود: زشت گفتاری ناشی از ستمکاری است و ستمکاری در آتش است .

**حدیث:**

- 690 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی حرم الله الجنة علی کل فاحش بذی : لا یبالی ما قال و لا ما قیل یا علی طویب لمن طال عمره و حسن عمله.

ترجمه:

- 690 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است ، ای علی ! خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و کردارش نیکو باشد .

**حدیث:**

- 691 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنة و البذاء من الجفاء و الجفا و فی النار.

ترجمه:

- 691 امام صادق علیه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است و زشت گفتاری از ستمکاری است و ستمکاری جایگاهش آتش است .

- 73 باب تحریم القذف حتی للمشرك مع عدم الاطلاع

- 73 باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرك

**حدیث:**

- 692 عن عمرو بن نعمان الجعفی قال : کان لابی عبدالله علیه السلام صدیق لایکاد یفارقه - الی ان قال - فقال یوما لغلامه : یا ابن الفاعله این کنت ؟ قال فرجع ابو عبدالله علیه السلام یده ففک بها جبهه نفسه ثم قال : سبحان الله تقذف امه قد کنت اری ان لك ورعا فاذا لیس لك ورع فقال : جعلت فداك ان امه سندیه مشرکه فقال : اما علمت ان لكل امه نکاحا؟ تنح عنی فما رایته یمشی معه حتی فرقی بینهما الموت.

ترجمه:

- 692 عمر بن نعمان جعفی گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره در کنار حضرت بود و از ایشان جدایی نمی کرد روزی به غلام خود گفت : ای زنا زاده کجا بودی ؟ امام صادق علیه السلام دستش را بالا برد و محکم به پیشانی خود کوبید سپس فرمود: سبحان الله ! آیا به مادر او نسبت زنا می دهی ؟ من معتقد بودم که تو دارای ورع و پرهیزکاری هستی ولی اکنون پرهیزکاری در تو نیست . عرض کرد: فدایت گردم ، مادر این غلام اهل سند و مشرک بوده . حضرت فرمود: آیا نمی دانی که هر امتی برای خود نکاحی دارد؟ از من دور شو - . راوی گوید: - من دیگر آن مرد را همراه حضرت ندیدم تا اینکه مرگ بین او و حضرت جدایی افکند .

**حدیث:**

- 693 قال و فی رویه اخری ان لكل امه نکاحا یحتجزون به عن الزنا.

ترجمه:

- 693 راوی گوید: در روایت دیگری آمده است که : همانا برای هر امتی نکاحی هست به وسیله آن از زنا محفوظ می شوند .

**حدیث:**

- 694 عن ابی حمزه ، عن ابی جعفر علیه السلام قال : قلت له : ان بعض اصحابنا یفترون و یقذفون من خالفهم فاق : الکف عنهم اجمل ثم قال : یا ابا حمزه و الله ان الناس کلهم اولاد بغایا ما خلا شیعتنا ثم قال : نحن اصحاب الخمس و قد حرمناه علی جمیع الناس ما خلا شیعتنا. (الحدیث)

ترجمه:

- 694 ابی حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که : برخی از اصحاب ما افترا می زنند و به مخالفین خود نسبت زنا می دهند (آیا این کار سزاوار است ؟) حضرت فرمود: نیکوتر این است که از دادن نسبت بد به آنان دست بکشند - سپس فرمود: - ای ابا حمزه ! به خدا سوگند که این مردم همگی (در واقع ) فرزندان فحشا هستند به جز شیعیان ما (151) - سپس فرمود: - ما اصحاب خمس هستیم و آن را بر همه مردم بجز شیعیانمان حرام کرده ایم .

**حدیث:**

- 695 عن ابی بکر الحضرمی ، عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سألته عن الرجل یفتري علی الرجل من جاهله العرب فقال : یضرب حدا قلت : یضرب حدا؟ قال : نعم ان ذلك یدخل علی رسول الله صلی الله علیه و آله.

ترجمه:

- 695 ابی بکر حضرمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی بر مردی از جاهلیت عرب افترا می زند (حکمش چیست؟) حضرت فرمود: باید به آن افترا زنده حد زده شود. عرض کردم: آیا باید حد زده شود؟ فرمود: آری. به راستی که این کار او باعث عیب نمودن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود.

- 74 باب تحریم البغی

- 74 باب تحریم تعدی و تجاوز

حدیث:

- 696 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ایها الناس ان البغی یقود اصحابه الی النار و ان اول من بغی علی الله عناق بنت آدم فاول قتیل قتله الله عناق و كان مجلسها جریبا فی جریب و كان لها عشرون اصیعا فی کل اصبع ظفران مثل المنجلین فسلط الله علیها اسدا کالفیل و ذئبا کالبعیر و نسرا مثل البغل و قد قتل الله الجبابره علی افضل احوالهم و آمن ما كانوا.

ترجمه:

- 696 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: ای مردم! راستی که ستم، یاران خود را به سوی آتش رهنمون می کند و همانا اولین کسی که ستم و تعدی بر خدا نمود عناق دختر آدم علیه السلام بود پس اولین کسی هم که خداوند او را به قتل رساند همین عناق بود، جایگاه نشستن او به اندازه جریب در یک جریب بود و دارای بیست انگشت بود و در هر انگشت دو ناخن همانند دو داس داشت پس خداوند بر او شیری همانند فیل و گرگی همانند شتر و کرکسی همانند قاطر مسلط ساخت و خداوند ستمکاران را با وجود بهترین حالاتی که داشتند و امن و امانی که در آن بودند به قتل رساند.

حدیث:

- 697 عن مسمع ابی سیار ان ابا عبدالله علیه السلام كتب الیه فی کتاب : انظر ان لاتکلمن بکلمه بغی ابدًا و ان اعجتک نفسک و عشیرتک.

ترجمه:

- 697 مسمع ابی سیار گوید که: امام صادق علیه السلام برای وی در نامه ای چنین نوشت: توجه داشته باش که هرگز سخنی به ستم بر زبان نیاوری (دروغ نگوئی) اگر چه مورد پسند خودت و خانواده ات باشد.

حدیث:

- 698 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یقول ابلیس لجنوده : القوا بینهم الحسد و البغی فانهما بعدلان عند الله الشریک.

ترجمه:

- 698 امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس به لشکر خود می گوید: در بین فرزندان آدم حسد و ستم را بیافکنید زیرا این دو در نزد خداوند با شریک برابرند.

حدیث:

- 699 عن ابی عبدالله علیه السلام ان اعجل الشر عقوبه البغی.

ترجمه:

- 699 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که عقوبت و کیفر ستم از عقوبت هر بدی دیگر زودتر و با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث:

- 700 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقوبه البغی و کفی بالمرء عیبا ان ینصر من الناس ما یعمی عنه من نفسه او یعیر الناس بما لایستطیع ترکه او یوذی جلیسه بما لایعینیه.

ترجمه:

- 700 امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که ثواب نیکی کردن از هر خوبی دیگری زودتر فرا می رسد و کیفر ستمکاری از کیفر هر بدی دیگری زودتر دامنگیر آدمی می شود، و برای مرد همین عیب بس است که از مردم نقصی را ببیند که از دیدن آن نقص در وجود خود عاجز است یا اینکه مردم را بر چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترک آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان بیهوده آزار دهد.

حدیث:

- 701 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان ینبغی بعضکم علی بعض فانها لیست من خصال الصالحین فانه من بغی صیر الله بغیه علی نفسه و صارت نصره الله لمن بغی علیه و من نصره الله غلب و اصاب الظفر من الله.

ترجمه:

- 701 امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه برخی از شما بر برخی دیگر ستم روا دارد زیرا ستمکاری از خصلتهای شایستگان نیست، همانا کسی که ستم کند

خداوند ستمش را به خود او باز می گرداند و نصرت و یاری خداوند شامل شخص ستم دیده می گردد و کسی که خداوند یاری اش کند حتما غلبه پیدا می کند و پیروزی اش از جانب خداوند فرا می رسد .

**حدیث:**

- 702 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی اریعه اسرع شیء عقوبه رجل احسنت الیه فکافک بالاحسان اساءه و رجل لاتبغی علیه و هو یبغی علیک و رجل عاهدته علی امر فوفیت له و غدر بک و رجل و صل قرابته فقطعوه .

**ترجمه:**

- 702 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار کس است که کیفر کردارشان به سرعت فرا می رسد: کسی که به او نیکی کرده ای و نیکی تو را با بدی پاسخ گفته است ، و کسی که به او ستم نمی کنی و او بر تو ستم روا می دارد، و کسی که با او در کاری پیمان بسته ای و به عهد و پیمانت وفا کرده ای ولی او به تو خیانت کرده است ، و کسی که با خویشانش پیوند برقرار کرده است اما آنان با او رابطه شان را قطع نموده اند .

**حدیث:**

- 703 قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : لو بغی جبل علی جبل لجعله الله دکا اعجل الشر عقوبه البغی و اسرع الخیر ثوابا البر .

**ترجمه:**

- 703 امام صادق علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرموده است : اگر کوهی بر کوهی ستم کند خداوند آن را ویران می سازد، کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد و ثواب نیکی کردن از ثواب هر خوبی دیگری زودتر به دست می آید .

**حدیث:**

- 704 عن ابی حمزه الثمالی قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : ان اسرع الشر عقوبه البغی .

**ترجمه:**

- 704 ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا عقوبت ستم از عقوبت هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد.

**حدیث:**

- 705 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله لو بغی جبل علی جبل لجعل الله الباغی منهما دکا .

**ترجمه:**

- 705 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدرانش : روایت نمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کوهی بر کوهی ستم روا دارد خداوند آن کوه ستمکار را خرد و ویران می سازد .

**حدیث:**

- 706 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اعجل الشر عقوبه البغی .

**ترجمه:**

- 706 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری با شتاب تر فرا می رسد.

**حدیث:**

- 707 و بهذا الاسناد قال : دعا رجل بعض بنی هاشم الی البراز فابی ان یبارزه فقال له علی علیه السلام : ما منعك ان تبارزه ؟ فقال : کان فارس العرب و خشیت ان یغلبنی فقال : انه بغی علیک و لو بارزته لقتلته و لو بغی جبل علی جبل لهلك الباغی .

**ترجمه:**

- 707 و به سند روایت گذشته فرمود: مردی یکی از بنی هاشم را در جنگ به مبارزه طلبید مرد هاشمی از مبارزه کردن با وی خودداری کرد، پس علی علیه السلام به مرد هاشمی فرمود: چه چیز تو را از مبارزه با او بازداشت ؟ مرد عرض کرد: او یکی از سوارکاران عرب است و ترسیدم که بر من پیروز شود. حضرت فرمود: او بر تو تعدی نموده بود و اگر با او به مبارزه می پرداختی هر آینه او را به قتل می رساندی ، و اگر کوهی بر کوهی تعدی کند، تعدی کننده به هلاکت می رسد .

- 75 باب کراهه الافتخار

- 75 باب کراهت به خود بالیدن و مباهات کردن

**حدیث:**

- 708 قال علی بن الحسین علیه السلام : عجا للمتکبر الفخور الذی کان بالامس نطفه ثم هو غدا جیفه .

**ترجمه:**

- 708 امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که تکبر می ورزد و به خود می نازد و مباهات می کند در حالی که این کس دیروز نطفه ای بود سپس فردا مرداری (گنبدیده) خواهد شد .

**حدیث:**



709 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : آفة الحسب الافتخار و العجب.

ترجمه:

709 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : آفت شرافت و بزرگی ، به خود نازیدن و خود بزرگ بینی است.

حدیث:

710 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله : آفة الحسب الافتخار.

ترجمه:

710 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آفت گوهر مرد، مباحات و به خود نازیدن است .

حدیث:

711 اتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجل فقال : يا رسول الله انا فلان بن فلان حتى عد تسعه فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : اما انك عاشرهم فى النار.

ترجمه:

711 مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلان بن فلان ... هستم و تا هفت پشت خود را شمرد. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آگاه باش که تو دهمین آنها هستی که در آتش خواهی بود .

حدیث:

712 قال ابو جعفر عليه السلام : عجبا للمختال الفخور و انما خلق من نطفه ثم يعود جيفة و هو فيما بين ذلك لا يدري ما يصنع به.

ترجمه:

712 امام باقر عليه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که متکبر و فخر فروش است و (آیا نمی داند که ) از نطفه ای آفریده شده سپس مرداری می شود و او در بین دو حالت نمی داند که چه بر سرش می آید .

حدیث:

713 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام قال : يا على آفة الحسب الافتخار ثم قال يا على ان الله قد اذهب بالاسلام نخوه الجاهليه و تفاخرها بأبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اكرمهم عندالله انتقاهم.

ترجمه:

713 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آفت بزرگی مرد، فخر فروشی است . ای علی ! راستی که خداوند به وسیله اسلام تکبر و جاهلیت و مباحات نمودن به پدرانشان را از بین برد، به هوش باشید که مردم از حضرت آدم اند و آدم از خاک آفریده شده و گرامی ترین مردم در نزد خدا پرهیزکارترین آنان است .

حدیث:

714 عن ابى جعفر محمد بن على الباقر عليه السلام قال : ثلاثه من عمل الجاهليه الفخر بالانساب و الطعن بالاحساب و الاستسقاء بالانواء.

ترجمه:

714 امام باقر عليه السلام فرمود: سه چیز است که از کارهای زمان جاهلیت است : نازیدن به نسب ها (ی پدران ) و طعنه زدن به نژادها و طلب باران نمودن از ستارگان (نسبت دادن باران به ستارگان )

(152)

حدیث:

715 عن اسماعيل بن ذبيان يرفعه الى ابى عبدالله عليه السلام قال : افتخر رجلان عند اميرالمؤمنين عليه السلام فقال : اتفتخران باجساد باليه و ارواح فى النار ان يكن لك عقل فان لك خلقا و ان يكن لك تقوى فان لك كرما و الا فالحمار خير منك و لست بخير من احد.

ترجمه:

715 از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: دو مرد در نزد امیرالمؤمنین عليه السلام به یکدیگر فخر فروشی می کردند، حضرت فرمود: آیا به جسدهای پوسیده و روحهایی که در آتش دوزخ اند فخر می کنید، اگر عقلی داری مروتی داری و اگر دارای تقوا هستی کرم و بزرگواری داری و گرنه پس الاغ از تو بهتر است و تو از هیچ کس بهتر نیستی.

حدیث:

716 عن الحسين بن المختار رفعه الى اميرالمؤمنين عليه السلام قال : من وضع شيئا للمفاخره حشره الله يوم القيامة اسود.

ترجمه:

716 از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت است که فرمود: هر کس چیزی را برای مباحات و نازیدن قرار دهد خداوند او را در روز قیامت رو سیاه محشور خواهد کرد .

حدیث:

717 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : ما لابن آدم و الفخر؟ اوله نطفه و آخره جيفة و لا يرزق

نفسه و لا یدفع حتفه.

ترجمه:

- 717 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فرزند آدم کجا و فخر کردن کجا؟ آغازش نطفه ای است و سرانجامش مرداری خواهد بود و روزی اش به دست خودش نیست و مرگش را از خود نمی تواند دفع کند.

- 76 باب تحریم قسوه القلب

- 76 باب تحریم قساوت قلب

حدیث:

- 718 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لمتان لمة من الشیطان و لمة من الملك فلهما الملك الرقة و الفهم و لمة الشیطان السهو و القسوه.

ترجمه:

- 718 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : دو گونه نزدیک شدن هست : یکی نزدیک شدن شیطان و دیگری نزدیک شدن فرشته ، اما نزدیک شدن فرشته مایه دل نازکی و درک کردن است و نزدیک شدن شیطان باعث فراموشی و سنگدلی است .

حدیث:

- 719 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا خلق الله العبد فی اصل الخلق كافرا لم یمت حتی یحیب الیه الشر فیقرب منه فابتلاه بالکبر و الجبریه فقسا قلبه و ساء خلقه و غلظ وجهه و ظهر فحشه و قل حیاه و کشف الله ستره و ركب المحارم فلم یزنع عنها (الحدیث).

ترجمه:

- 719 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده ای را در اصل آفرینشش کافر بیافریند نمی میرد مگر اینکه او را دوستدار شر می گرداند و به شر نزدیک می شود پس او را به تکبر و سرکششی دچار می کند پس سنگدل می شود و اخلاقش بد و چهره اش زنده می گردد و زشتی او آشکار می شود و حیالش کم می گردد و خداوند پرده او را می درد و او مرتکب امور ناروا می شود و از آن امور دست بر نمی دارد .

حدیث:

- 720 عن علی بن عیسی رفعه قال : فیما ناجی الله به موسی : یا موسی ! لاتطول فی الدنیا املك فیقسو قلبك و القاسی القلب منی بعید.

ترجمه:

- 720 علی بن عیسی از امام معصوم علیه السلام روایت کند که : در ضمن رازگویی خداوند با موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! در دنیا آرزویت را طولانی و دراز مگردان که اگر چنین کنی سنگدل می شوی و سنگدل از من دور است .

حدیث:

- 721 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام یا علی : اربع خصال من الشقاء جمود العین و قساوه القلب و بعد الامل و حب البقاء.

ترجمه:

- 721 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار خصلت ناشی از شقاوت و تیره روزی است : خشکی چشم (چشم) یعنی که چشم نگرید) و سنگدلی و آرزوی دور و دراز و دوستی بفا و جاودانگی (در دنیا).

حدیث:

- 722 قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما جفت الدموع الا لقسوه القلوب و ما قست القلوب الا لکثرة الذنوب.

ترجمه:

- 722 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اشک چشمها خشک نمی شود مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت نمی شود مگر به خاطر زیادی گناهان .

حدیث:

- 723 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من الشقاء جمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنیا و الاصرار علی الذنب.

ترجمه:

- 723 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : از (نشانه های) بدبختی و تیره روزی ، خشک شدن (اشک) چشم و سخت دلی و حرص زیاد در طلب دنیا و اصرار و پافشاری بر انجام گناه است .

- 77 باب تحریم الظلم  
- 77 باب تحریم ظلم

حدیث:

- 724 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مظلّمه اشد من مظلّمه لایجد صاحبها علیها عونا الا الله.

ترجمه:

- 724 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ ظلمی بدتر و سخت تر از آن ظلمی نیست که شخص نامظلوم یار و یوری جز خدا برای دفع آن نیابد .

حدیث:

- 725 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اتقوا الظلم فانه ظلمات یوم القیامه.

ترجمه:

- 725 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : از ظلم کردن بپرهیزید زیرا ظلم ، تاریکی ها و ظلمت های روز قیامت را در پی دارد .

حدیث:

- 726 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من احد یظلم مظلّمه الا اخذع الله بها فی نفسه و ماله فاما الظلم الذی بینه و بین الله فاذا تاب غفرله.

ترجمه:

- 726 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که ستمی به دیگران روا دارد جز اینکه خداوند او را به خاطر ستمش از نظر جانی یا مالی گرفتار می سازد و اما ستمی که بین بنده و خداست اگر بنده توبه کند خداوند بر او می بخشد .

حدیث:

- 727 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ظلم مظلّمه اخذ بها فی نفسه او فی ماله او فی ولده.

ترجمه:

- 727 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ستمی کند به سبب آن ستم ، در جانش یا مالش یا فرزندانش به گرفتاری می افتد .

حدیث:

- 728 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ان ربك لبالمرصاد قال : قنطره علی الصراط لایجوزها عبد بمظلّمه.

ترجمه:

- 728 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : همانا پروردگار تو در کمینگاه است ( <sup>153</sup>) فرمود: پلی بر صراط وجود دادر که هر بنده ای که ستمی نموده است از آن نمی تواند گذر کند .

حدیث:

- 729 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما حضر علی بن الحسین علیه السلام الوفاة ضمنی الی صدره ثم قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرته الوفاة و بما ذکر ان اباه اوصاه به قال یا بنی ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصرا الا الله.

ترجمه:

- 729 امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند، سپس فرمود: ای پسر دلبندم ! تو را وصیت می کنم به وصیتی که پدرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هنگام حضور وفاتش به من وصیت نمود و فرمود که پدرش علی علیه السلام این وصیت را به او فرموده است : ای پسر عزیزم ! بر حذر باش از ظلم کردن به کسی که در برابر تو هیچ یار و یوری جز خدا نمی یابد.

حدیث:

- 730 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من خاف القصاص کف عن ظلم الناس.

ترجمه:

- 730 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : کسی که از قصاص بترسد از ظلم کردن به مردم خودداری می کند .

حدیث:

- 731 عن ابو عبدالله علیه السلام : من اصبح لاینوی ظلم احد غفرالله له ما اذنب ذلك الیوم ما لم یسفک دما او یاکل مال یتیم حراما.

ترجمه:

- 731 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صبح کند و ظلم کردن به هیچ کس را در نیت نداشته باشد خداوند گناهان آن روز او را می بخشد مادامی که خونی نریزد یا مال یتیمی را به حرام نخورد .

حدیث:

732 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : اما انه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم اما ان المظلوم یاخذ من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من مال المظلوم ثم قال : من یفعل الشر بالناس فلا ینکر الشر اذا فعل به . (الحدیث)

ترجمه:

732 امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: آگاه باشید: آنکس که با ستم به پیروزی ظاهری رسیده به خیر دست نیافته، به هوش باشید که همانا آنچه که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ستمگر از دارایی ستمدیده بر می گیرد - سپس فرمود: - کسی که به مردم بدی می کند هرگاه به او بدی شد نباید آن بدی را ناپسند بشمرد. (زیرا این بدی نتیجه عمل اوست).

حدیث:

733 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم فی الدنیا هو الظلمات فی الآخرة.

ترجمه:

733 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم در دنیا همان ظلمتها و تاریکی های آخرت است .

حدیث:

734 - عن علی بن سالم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و جلالی لاجیب دعوه مظلوم دعانی فی مظلمه ظلمها و لاحد عنده مثل تلك المظلمه.

ترجمه:

734 - علی بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدای عزوجل می فرماید: به عزت و بزرگی ام سوگند، دعای مظلومی را که مرا در ظلمی که به او شده است بخواند اجابت نمی کنم اگر او شبیه آن ظلم را در حق دیگری روا داشته باشد.

حدیث:

735 - عن زید بن علی بن الحسین عن آبائه علیه السلام قال : یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم.

ترجمه:

735 - زید بن علی بن الحسین از پدران بزرگوارش : روایت کرد که : آنچه که مظلوم از دین ظالم می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ظالم از دنیای مظلوم می ستاند .

حدیث:

736 - عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : من ارتکب احدا بظلم بعث الله من ظلمه مثله او علی ولده او علی عقبه من بعده.

ترجمه:

736 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بر احدی ستمی کند خداوند کسی را بر می انگیزد که همانند همان ستم را بر او یا فرزندان او یا نسل بعد از او روا دارد.

حدیث:

737 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : اعظم الخطایا اقتطاع مال امری مسلم بغير حق.

ترجمه:

737 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان گرفتن قسمتی از مال مسلمانی به ناحق است.

حدیث:

738 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یبغض الغنی الظلوم.

ترجمه:

738 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل ثروتمند ستمگر را دشمن می دارد.

حدیث:

739 - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یقول الله عزوجل اشتمد غضبی علی من ظلم من لایجد ناصرا غیری.

ترجمه:

739 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خدای عزوجل می فرماید: خشم و غضب من بر کسی بسیار شدید است که بر بنده ای ظلم می کند که یاورى جز من برای خود نمی یابد.

حدیث:

740 - عن ابی عبدالله قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انی لعنت سیعا لعنهم الله و کل نبی مجاب قیل : و من هم یا رسول الله ؟ قال : الزائد فی کتاب الله و المكذب بقدر الله و المخالف لسنتی و المستحل من عترتی ما حرم الله و المسلط بالجبروت لیعز من اذل الله و یدل من اعز الله و المستأثر علی المسلمین بقیئهم منتحلا له و المحرم ما احل الله عزوجل.

ترجمه:

740 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که

من هفت گروه را لعنت می فرستم که آنان را خداوند و هر پیامبری که دعایش را مورد اجابت است لعنت نموده اند. عرض شد: آنان چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمود: آنکه بر کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنکه قضا و قدر الهی را تکذیب کند و آنکه با سنت من مخالفت ورزد و آنکه درباره عترت من آنچه را که خداوند حرام ساخته برای خود حلال بشمرد (حق عترت مرا نادیده گیرد و به آنان ستم کند) و کسی که با سرکشی قدرت یافته تا کسانی را که خداوند آنان را خوار نموده به عزت برساند و کسانی را که خداوند آنان را عزیز دانسته به ذلت بکشانند و کسی که غنائم مسلمین را برای خود برگزیند و مالک آنها شده و آنها را به خود نسبت دهد و کسی که حلال خدای عزوجل را حرام سازد.

- 78 باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلك فی التوبه منها فان عجز الستغفر الله للمظلوم  
- 78 باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ،  
بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستم دیده طلب  
مغفرت کند

حدیث:

- 741 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم ثلاثه ظلم یغفره الله و ظلم لا یغفر الله و ظلم لا یدعه الله  
فاما الظلم الذی لا یغفره فالشرك و اما الظلم الذی یغفره فظلم الرجل نفسه فیما بینه و بین الله و اما  
الظلم الذی لا یدعه فالمداینه بین العباد.

ترجمه:

- 741 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه گونه است : ظلمی که خداوند آن را می بخشد و  
ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد و ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند (و پیگیری می کند) اما  
ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد شرك است و اما ظلمی که آن را می بخشد ظلمی است که  
شخص بین خود و خدایش به خویشتن می کند و اما ظلمی که خداوند آن را وا نمی گذارد و پی گیری  
میکند ظلمی است که بندگان در وام دادن و وام خواستن (و معاملات ) به یکدیگر روا می دارند.

حدیث:

- 742 و رواه الصدوق مثله و زاد و قال علیه السلام : ما یأخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یأخذ  
الظالم من دنیا المظلوم.

ترجمه:

- 742 روایت گذشته را مرحوم شیخ صدوق ( ره ) روایت فرموده با این تفاوت که در آن جمله زیر را اضافه  
دارد که حضرت فرمود: آنچه را که ستم دیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر از چیزی است که  
ستمگر از دنیای ستم دیده می ستاند.

حدیث:

- 743 عن شیخ من النخع قال : قلت لابی جعفر علیه السلام : انی لم ازل والیا منذ زمن الحجاج الی  
یومی هذا فهل لی من توبه ؟ قال : فسکت ثم اعدت علیه فقال : لاحتی تودی الی کل ذی حق حقه.

ترجمه:

- 743 پیرمردی از نخع گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: من پیوسته از زمان حجاج تاکنون  
والی و کارگزار بوده ام آیا برای من نیز توبه ای هست؟ (آیا توبه ام پذیرفته می شود؟) حضرت سکوت  
نمود و من دوباره پرسشتم را تکرار کردم. حضرت فرمود: خیر مگر اینکه حق هر صاحب حقی را به او باز  
گردانی.

حدیث:

- 744 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اکل من مال اخیه ظلما و لم یرده  
الیه اکل جذوه من النار یوم القیامه.

ترجمه:

- 744 ابی بصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که با ظلم و ستم از مال برادر  
خود بخورد و آن را به او بازگرداند در روز قیامت پاره ای آتش را می خورد.

حدیث:

- 745 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ظلم احدا و فاته  
فلیستغفر الله له فانه کفار له.

ترجمه:

- 745 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس به  
کسی ستمی کند و او را از دست بدهد (دیگر به او دسترسی نداشته باشد) پس باید برای آن مظلوم  
از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کند و همین مطلب مغفرت کفار ستمی که بر او نموده می گردد.

حدیث:

- 746 قال ابو جعفر علیه السلام قال : رسول الله صلی الله علیه و آله : من اقتطع مال مومن غصبا بغیر  
حقه لم یزل الله معرضا عنه ما قتا لاعماله الی یعملها من البر و الخیر لایثبتها فی حسناته حتی یتوب و  
یرد المال الذی اخذه الی صاحبه.

ترجمه:

- 746 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا فرموده است: کسی که با قسمتی از مال مومنی را  
به ناحق غصب کند و برای خود بگیرد پیوسته خداوند از او روی گردان است و اعمالی را که او انجام  
میدهد (حتی ) اعمال نیک و خیر او را بد می داند و آنها را در حسنات و نیکی های او ثبت نمی کند تا

زمانی که توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته به صاحبش برگرداند.

- 79 باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الى الحق

- 79 باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند  
حدیث:

- 747 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رجل فی الزمن الاول طلب الدنيا من حلال فلم يقدر علیها و طلبها من حرام فلم يقدر علیها فاتته الشیطان فقله له : الا ادلك علی شیء ۛ تكثر به دنیاك و تكثر به تبعك ؟ فقال : بلی قال : تبتدع دینا و تدعو الناس الیه ففعل فاستجاب له الناس و اطاعوه فاصاب من الدنيا ثم انه فكر فقال : ما صنعت ابتدعت دینا و دعوت الناس الیه ما اری لی من توبه الا ان اتی من دعوتیه الیه فارده عنه فجعل یاتی اصحابه الذین اجابوه فیقول ان الذی دعوتکم الیه باطل و انما ابتدعته فجعلوا یقولون کذبت هو الحق و لکنک شککت فی دینک فرجعت عنه فلما رای ذلك عمد الی سلسله فوتلدھا و تدا ثم جعلها فی عنقه و قال : لا احلها حتی یتوب الله عزوجل علی فاحی الله عزوجل الی نبی من النبیا قل لفلان و عزتی لو دعوتنی حتی تنقطع اوصالك ما استجبت لك حتی ترد من مات علی ما دعوتیه الیه فیرجع عنه.

ترجمه:

- 747 امام صادق علیه السلام فرمود: در زمانهای نخستین مردی بود که دنیا را از راه حلال طلب کرد و به آن نرسید و از راه حرام آن را جست اما باز هم به آن نرسید، پس شیطان به نزد او آمد و گفت: آیا تو را به چیزی رهنمون سازم که به سبب آن هم دنیایت زیاد شود و هم پیروانت؟ مرد گفت: آری. شیطان گفت: دین تازه ای به وجود بیاور و مردم را به سوی آن فرا خوان. آن مرد چنین کرد و مردم نیز به وی پاسخ مثبت دادند و از او فرمانبرداری نمودند و او به دنیا رسید پس از چندی به فکر فرو رفت و با خود گفت: ای چه کاری بود که دین نو به وجود آوردم و مردم را به سوی آن خواندم؟! گمان نمی کنم توبه ام پذیرفته شود مگر اینکه آنانی را که به این دین ساختگی دعوت کرده ام بیاورم و از این دین برگردانم، پس اصحاب خود را که دعوت او را اجابت نموده بودند فرا خواند و به آنان گفت: دینی که شما را به سوی آن خواندم دین باطلی بود و آن را من خود به خود به وجود آوردم. آنان گفتند: تو دروغ می گویی، این دین حق است ولی تو در دین خود به شک افتاده ای، و از پیش وی بیرون رفتند. پس چون چنین دید به زنجیری پناه برد و بر آن میخی کوفت سپس آن را به گردن انداخت و گفت: این زنجیر را نمی گشایم مگر اینکه خدای عزوجل توبه ام را بپذیرد. خداوند عزوجل نیز به پیامبری از پیامبران وحی فرستاد که: به وی بگو: به عزتم سوگند اگر به قدری مرا بخوانی که مفصلهایت از هم جدا شوند دعایت را اجابت نمی کنم مگر اینکه آن کسانی را که به دعوت تو گمراه شدند و در گمراهی مردند برگردانی و از عقیده باطل خود باز گردند.

حدیث:

- 748 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله غافر كل ذنب الا من احدث دینا و من اغتصب اجیرا اجره او رجل باع حرا.

ترجمه:

- 748 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: راستی که خداوند همه گناهان را می بخشد به جز گناه کسی که دین جدیدی به وجود آورده و کسی که مزد کارگری را به زور و ستم برای خود گرفته است و کسی که آزاده ای را فروخته است (انسانی آزاد و غیر اسیر را به فروش رسانده است).

- 80 باب تحریم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذرہ

- 80 باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او

حدیث:

- 749 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله علیه من یظلمه فان دعالم یتسجب له و لم یاجرہ الله علی ظلامته.

ترجمه:

- 749 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای ظلم ظالمی بهانه آورد (او را در ظلم کردنش معذور دارد) خداوند کسی را بر او مسلط می سازد که به وی ظلم کند پس چنین کسی اگر دعا کند خداوند دعایش را بر آورده نمی سازد و بر ستمی که می بیند به او اجر و پاداشی نمی دهد.

حدیث:

- 750 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان تعینوا علی مسلم مظلوم فیدعو علیکم فیستجاب له فیکم فان ابانا رسول الله صلی الله علیه و آله کان یقول : ان دعوه المسلم المظلوم مستجابہ و لعین بعضکم بعضا فان ابانا رسول الله صلی الله علیه و آله کان یقول : ان معونه المسلم خیر و اعظم اجرا من صیام شهر و اعتکافه فی المسجد الحرام.

ترجمه:

- 750 امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه ستمکاری را بر علیه مسلمان مظلومی یاری کنید اگر چنین کنید آن مظلوم شما را نفرین می کند و دعایش درباره شما اجابت می شود، همانا پدر و ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: به راستی که دعای مسلمان مظلوم بر آورده می شود، و باید برخی از شما برخی دیگر را یاری کند زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: یاری کردن مسلمانانی، پاداشش بهتر و بزرگتر از یک ماه روزه و اعتکاف

در مسجد الحرام است .

حدیث:

751 - عن جعفر به محمد علیه السلام عن آباءه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله  
لعلی علیه السلام قال : یا علی شر الناس من باع آخرته بدنیاه و شر منه من باع آخرته بدنیا غیره.

ترجمه:

751 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه  
و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش  
بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگری بفروشد .

حدیث:

752 - عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اعان ظالما علی مظلوم  
لم یزل الله علیه ساخطا حتی ینزع عن معوته.

ترجمه:

752 - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که ظالمی را بر  
علیه مظلومی یاری کند پیوسته خداوند از او خشمگین است تا اینکه دست از یاری او بردارد .

حدیث:

753 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصیه  
و من دونه بالغلبه و یظاهر القوم الظلمه.

ترجمه:

753 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای مردمان ستمگر سه نشانه وجود دارد: با نافرمانی کردن  
بر مافوق خود ستم می کند و با غلبه و چیره شدن بر زیر دست خود ستم روا می دارد و ستمکاران را  
یاری و پشتیبانی می کند .

81 - باب تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع

81 - باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است

حدیث:

754 - عن ابی محمد الوابشی قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : احذروا اهواءکم کما  
تحذرون اعداءکم فلیس بشیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السننهم.

ترجمه:

754 - ابی محمد وابشی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانگونه که از  
دشمنانتان حذر می کنید از خواهشهای نفسانی خود حذر کنید زیرا هیچ چیزی برای مردمان دشمن تر  
از پیروی خواهشهای نفسانی و درو شده های زیانها نیست .

حدیث:

755 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما اخاف علیکم اثنتین اتباع الهوی و طول الامل اما اتباع الهوی  
فانه یصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره.

ترجمه:

755 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از دو چیز بر شما ترسانم : یکی پیروی از خواهشهای  
نفس و دیگری درازی آرزو، اما پیروی خواهشهای نفس ؛ زیرا آدمی را از راه حق باز می دارد و اما درازی  
آرزو؛ زیرا آخرت را فراموش انسان می سازد .

حدیث:

756 - عن عبدالرحمن بن الحجاج قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : اتق المرتقی السهل اذا کان  
منجدره و عرا قال : و کان علیه السلام یقول : لاتدع النفس و هواها فان هواها فی رداها و ترک النفس و  
ما تهوی اذاها و کف النفس عما تهوی دواها.

ترجمه:

756 - عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: از اوج گرفتن و بالا رفتنی که  
آسان است بپرهیزید آنگاه که سراشیبی آن دشوار باشد - و فرمود: - نفس و خواهش نفس را به حال  
خود وامگذار زیرا خواسته نفس در هلاکت آن است و به حال خود گذاردن نفس یا آنچه که دوست دارد  
مایه آزار نفس است و باز داشتن نفس از پرداختن به آنچه که دوست می دارد دواي نفس است .

82 - باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب

باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه  
مستحق کیفر است

حدیث:

757 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : و الله ما ینجو من الذنب الا من اقر به و قال ابو جعفر علیه  
السلام : کفی بالندم توبه.

ترجمه:

757 - امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که رهایی و خلاصی از (عقوبت) گناه برای کسی  
حاصل نمی شود مگر کسی که (در پیشگاه خداوند) به آن اقرار و اعتراف کند - و فرمود: - پشیمانی از  
گناه برای توبه کفایت می کند .

حدیث:

- 758 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا والله ما اراد الله من الناس الا خصلتين ان یقروا له بالنعم فیزیدهم و بالذنوب فیغفرها لهم.

ترجمه:

- 758 امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند از مردمان جز دو خصلت را نخواسته است: یکی اینکه به نعمتهایی که به آنان بخشیده است اعتراف کنند تا او نیز بر نعمتهایشان بیفزاید و دیگر اینکه به گناهان خویش (در پیشگاه او) اقرار و اعتراف کنند تا او نیز از گناهانشان درگذرد.

حدیث:

- 759 عن معاویه بن عمار قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : انه والله ما خرج عبد من ذنب باصرار و ما خرج عبد من ذنب الا باقرار.

ترجمه:

- 759 معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا سوگند به خدا که هیچ بنده ای با اصرار و پافشاری بر گناه از گناه بیرون نرفته است و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف بر گناهش از گناه خارج نگشته است.

حدیث:

- 760 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اذنب ذنبا فعلم ان الله مطلع علیه ان شاء عذبه و ان شاء غفرله و ان لم یستغفر.

ترجمه:

- 760 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مرتکب گناهی شده باشد پس از آن بداند که خداوند بر گناه او واقف است اگر بخواهد می تواند او را کیفر دهد و اگر بخواهد می تواند او را ببخشد، چنین کسی اگر چه طلب مغفرت هم نکند خداوند از گناهش در می گذرد.

حدیث:

- 761 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله یحب العبد ان یطلب الیه فی الجرم العظیم و یتغص العبد ان یتستخف بالجرم الیسیر.

ترجمه:

- 761 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بنده ای را که پس از ارتکاب گناهی بزرگ دست خواهش بخشایش به سوی او دراز کند دوست می دارد و بنده ای را که انجام گناهی کوچک را سبک می شمارد دشمن می دارد.

حدیث:

- 762 عن الصادق جعفر به محمد علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله عن جبرئیل علیه السلام قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا صغیرا کان او کبیرا و هو لا یعلم ان لی ان اعذبه او اعفو عنه لا غفرت له ذلك الذنب ابدا و من اذنب ذنبا صغیرا کان او کبیرا و هو یعلم ان لی ان اعذبه او اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 762 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام و ایشان از پدران خود: و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان از جبرئیل علیه السلام روایت فرمود که: خدای عزوجل فرموده است: کسی که مرتکب گناهی خواه کوچک یا بزرگ گردد در حالی که نداند که می توانم او را عذاب کنم یا ببخشم هرگز آن گناه را بر او نمی بخشم و کسی که گناهی کوچک یا بزرگ مرتکب شود و بداند که عذاب نمودن یا چشم پوشی از او در دست من است از گناهش در می گذرم و او را می بخشیم.

حدیث:

- 763 عن ابی جعفر الباقر علیه السلام انه قال : لقد غفر الله لرجل من اهل البادية بکلمتین دعا بهما قال : اللهم ان تعذبنی فاهل ذلك انا و ان تغفرلی فاهل ذلك انت فغفر الله له.

ترجمه:

- 763 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند مردی صحرائین را به خاطر دو جمله که در دعایش به خداوند عرض کرد، آمرزید آن دو جمله این بود: خداوند اگر مرا عذاب کنی من سزاوار عذابم و اگر بر من ببخشایی تو اهل بخششی ( خداوند نیز بر او بخشید).

حدیث:

- 764 عن ابی عبدالله علیه السلام یرفعه الی النبی صلی الله علیه و آله قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا فعلم ان لی ان اعذبه و ان لی ان اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 764 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: خداوند عزوجل فرمود: کسی که مرتکب گناهی شود پس بداند که عذاب کردن و عفو کردنش تنها به دست من است، او را مشمول عفو خود قرار می دهم.

- 83 باب وجوب التدم علی الذنوب

- 83 باب وجوب پشیمانی بر گناهان

حدیث:

- 765 قال ابو عبدالله علیه السلام من سرته حسنه و ساءته سیئته فهو مومن.

ترجمه:



- 765 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نیکوکاری اش او را شادمان کند و بدی اش وی را بدحال گرداند چنین کسی مومن است .

حدیث:

- 766 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدخله الله به الجنة قلت ، یدخله الله بالذنب الجنة ؟ قال : نعم ، انه یذنب فلا یزال خائفا ماقتا لنفسه فیرحمه الله فیدخله الجنة.

ترجمه:

- 766 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد که) مردی مرتکب گناهی می شود پس خداوند او را به سبب گناهش وارد بهشت می کند - راوی گوید: - عرض کردم: خداوند او را به سبب گناه وارد بهشت می کند؟! فرمود: آری، او کسی است که گناه می کند ولی پیوسته از گناهش ترسان است و از خود (به خاطر گناهکاری اش) نفرت دارد، پس خداوند به او رحم می آورد و او را وارد بهشت می سازد .

حدیث:

- 767 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الندم علی الشر یدعو الی ترکہ.

ترجمه:

- 767 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است: همانا پشیمانی از بدی، آدمی را به سوی ترک بدی فرا می خواند .

حدیث:

- 768 عن ابان بن تغلب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما من عبد اذنب ذنبا فندم علیه الاغفر الله له قبل ان یتستغفر و ما من عبد انعم الله علیه نعمه فعرف انها من عند الله الا اغفر الله له قبل ان یحمده.

ترجمه:

- 768 ابان بن تغلب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس از آن پشیمان گردد جز اینکه خداوند او را می بخشد پیش از اینکه طلب آمرزش کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند نعمتی به او ببخشد پس بشناسد که این نعمت از جانب خداست جز اینکه خداوند پیش از اینکه او شکر خدای را به جا آورد او را مشمول آمرزش خویش قرار می دهد .

حدیث:

- 769 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الندامه توبه.

ترجمه:

- 769 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: پشیمانی توبه است .

حدیث:

- 770 عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالندم توبه.

ترجمه:

- 770 امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند .

حدیث:

- 771 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال علی بن الحسین علیه السلام : اربع من کن فیه کمل ایمانه و محصت عنه ذنوبه من وفی الله بما جعل علی نفسه للناس و صدق لسانه مع الناس و استحیا من کل قبیح عند الله و عند الناس و یحسن خلقه مع اهله.

ترجمه:

- 771 امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است: چهار چیز است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک و آمرزیده می گردد: کسی که به خاطر خدا به آنچه که (به آن عهد و پیمانی که) برای مردم بر خود قرار داده است وفا کند، و زبانش با مردم راست بگوید، و از هر زشتی در نزد خدا و مردم شرم کند، و با اهل و خانواده خود خوش اخلاق باشد .

حدیث:

- 772 عن الحسین بن سلیمان الزاهدی قال : سمعت ابا جعفر الطائی الواعظ یقول سمعت و هب بن منبه یقول : قرأت فی زبور داود اسطرا منها ما حفظت و منها ما نسیت فمما حفظت قوله : یا داود اسمع منی ما اقول و الحق اقول من اتانی و هو مستحی من المعاصی الی عصانی بها غفرتها له و انسیتها حافظیه . (الحدیث)

ترجمه:

- 772 حسین بن سلیمان زاهدی گوید: از ابا جعفر طایبی واعظ شنیدم که می گفت: از وهب بن منبه شنیدم که می گفت: در زبور حضرت داود علیه السلام چند سطر خواندم که برخی از آنها را حفظ نموده و برخی را فراموش کرده ام، از جمله از آنچه حفظ کرده ام گفتار خدای تعالی است که فرمود: ای داود! آنچه می گویم از من بشنو و حق را می گویم: هر کسی به نزد من آید در حالی که از گناهانی که به وسیله آنها نافرمانی ام نموده شرمگین باشد آن گناهان را بر او می بخشایم و آن گناهان را از خاطر دو فرشته نگهبان او فراموش می سازم .

- 84 باب وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها  
- 84 باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحريم آشکارا گناه کردن

حدیث:

- 773 عن العباس مولى الرضا عليه السلام قال : سمعته يقول : المستتر بالحسنه يعدل سبعين حسنه و المذيع بالسيئه مخذول و المستتر بالسيئه مغفور له.

ترجمه:

- 773 عباس بنده امام رضا عليه السلام گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که پوشاننده نیکی خود باشد آن نیکی با هفتاد نیکی برابری می کند و آن کس که آشکارا بدی می کند به خود واگذارده شده است و آن کس که پوشاننده بدی است مورد غفران و بخشش الهی است .

حدیث:

- 774 عن فضيل بن عثمان المزادي قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اربع من كن فيه لم يهلك على الله بعدهن الا هالك يهم العبد بالحسنه فيعملها فان هو لم يعملها كتب الله له حسنه بحسن نيته و ان هو عملها كتب الله له عشرا و يهم السيئه ان يعملها فان لم يعملها لم يكتب عليه شىء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات و هو صاحب الشمال لاتعجل عسى ان يتبعها بحسنه تمحوها فان الله قال استغفر الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و الشهاده العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاكرام و اتوب اليه لم يكتب عليه شىء و ان مضت سبع ساعات و لم يتبعها بحسنه و استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات اكتب على الشقى المحروم.

ترجمه:

- 774 فضيل بن عثمان مرادی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : (در مواجهه با عمل ) چهار حالت وجود دارد که پس از رفتار به آن چهار حالت تنها کسی که تیره روز و شقاوتمند است به فرمان خدای تعالی به هلاکت می رسد: بنده ای قصد می کند که کار خیری انجام دهد پس آن را انجام می دهد پس اگر آن را انجام نداد خداوند به خاطر نیت نیکویش برای او يك نیکی ثبت می کند و اگر آن را انجام داد برایش ده نیکی می نویسد و بنده ای قصد می کند که بدی کند پس اگر بدی را به جا نیاورد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر آن بدی را انجام داد تا هفت ساعت مهلت داده می شود و فرشته ای که نیکی ها را می نگارد به فرشته دیگر که نگارنده بدیها و همان فرشته سمت چپ است می گوید: شتاب مکن امید است که این بنده در پی بدی اش نیکی ای انجام دهد و با نیکوکاری اش بدی را محو و نابود کند زیرا خدای عزوجل می فرماید : (همانا نیکی ها بدیها را از بین می برد (154) یا شاید استغفار کند زیرا اگر بگوید) : استغفر الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و الشهاده العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاكرام و اتوب اليه ( بر علیه او چیزی نوشته نمی شود، و اگر هفت ساعت بگذرد و در پی بدی اش نه کار نیکی انجام دهد و نه استغفار کند فرشته ای که نگارنده نیکی هاست به نویسنده بدیها می گوید: بر علیه این تیره روز محروم از رحمت بنویس .

حدیث:

- 775 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من عمل سيئه اجل فيها سبع ساعات من النهار فان قال : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه ثلاث مرات لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 775 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که کار بدی انجام دهد هفت ساعت از روز به او مهلت داده می شود پس اگر سه مرتبه بگوید) : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه ( آن بدی بر او نوشته نمی شود .

حدیث:

- 776 عن احمد بن محمد بن خالد عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال عليه السلام : لكل شىء ء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 776 احمد بن محمد بن خالد از عده ای از شیعیان روایت کند و آنان این حدیث را به معصوم علیه السلام رسانده اند، گفته اند: معصوم علیه السلام فرمود : برای هر چیزی (دردی ) دواپی هست و دواى گناهان استغفار نمودن است .

حدیث:

- 777 عن زراره قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العبد اذا اذنب ذنبا اجل من عدوه الى الليل فان استغفر الله لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 777 زراره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: به راستی که هرگاه بنده مرتکب گناهی شود از صبحگاهان تا شامگاه به او فرصت داده می شود پس از خداوند طلب مغفرت نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود .

حدیث:

- 778 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : العبد المومن اذا اذنب اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم تكتب عليه شىء و ان مضت الساعات و لم يستغفر كتب سيئه . (الحدیث)

ترجمه:

778 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بنده مومن مرتکب گناهی گردد خداوند به او هفت ساعت مهلت می دهد پس اگر از خداوند طلب بخشش نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و او استغفار نکرد يك گناه بر او نوشته می شود .

حدیث:

779 عن حفص قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من مومن يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فان هو تاب لم يكتب عليه شيء و ان هو لم يفعل كتب عليه سيئه فاتاه عباد البصرى فقال له : بلغنا انك قلت : ما من عبد يذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فقال : ليس هكذا قلت و لكنى قلت : ما من مومن و كذلك كان قولى.

ترجمه:

779 حفص گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مومنی نیست که مرتکب گناهی شود جز اینکه خداوند هفت ساعت از روز را به او فرصت می دهد پس اگر توبه کرد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر توبه نکرد يك گناه برایش نوشته می شود، پس از این عباد بصری به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به ما خبر رسیده است که شما فرموده اید: هیچ بنده ای نیست که ... حضرت فرمود: خیر من چنین نگفته ام بلکه گفته ام : هیچ مومنی نیست که .

حدیث:

780 عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : لما نزلت هذه الايه) و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ( صد ايليس جيلابمكه يقال له ثور فرسخ باعلى صوته يعفاريته فاجتمعوا اليه فقال : نزلت هذه الايه فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين فقال : انا لها بكذا و كذا فقال : لست لها ثم قام آخر فقال مثل ذلك فقال : لست لها فقال الواسواس الخناش : انا لها قال : بماذا؟ قال : اعدهم و امنيهم حتى يوافقوا الخطيئه فاذا وافقوا الخطيئه انسيتهم الاستغفار فقال : انت لها فو كله بها الى يوم القيامة.

ترجمه:

780 امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد که می فرماید: آن کسانی که هرگاه کار زشتی انجام می دهند یا هرگاه به خود ستمی می کنند خدای را به یاد می آورند و از او طلب بخشش گناهانشان را می نمایند (155) ایلیس به بالای کوه ثور واقع در مکه رفت و با بلندترین صدایش شیطانهایش را فریاد زد پس همگی گرد آمدند، پس گفت : چه کسی برای این آیه چاره ای می اندیشد؟ پس هر يك از شیاطین برخاسته و سخنی گفتند و ایلیس راه حل آنها را نپذیرفت تا اینکه وسوسه گر خناس برخاسته و گفت : من چاره ساز این آیه ام . گفت : به وسیله چه چیزی ؟ گفت : به مردمان وعده می دهم و در دل آنان آرزو می افکنم (آرزومندشان می کنم ) تا در گناه بیافتند پس هنگامی که در گناه افتادند استغفار را از یادشان می برم پس ایلیس رای او را پسندید و تا روز قیامت کار این آیه را به او سپرد .

حدیث:

781 عن ابي جعفر محمد بن عبي الباقر عليه السلام قال : سئل رسول الله صلى الله عليه و آله عن خيار العباد فقال : الذين اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شكروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه:

781 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بهترین بندگان پرسیده شد، حضرت فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که هنگامی که نیکی می کنند شادمان می شوند و هنگامی که بدی می کنند استغفار می کنند و هنگامی که به آنان عطا می شود شکر آن را به جای می آورند و هنگامی که گرفتار می شوند صبر پیشه می کنند و هنگامی که خشمگین می شوند می بخشایند .

حدیث:

782 عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ما من مومن يقترف فى يوم و ليله اربعين كبيره فيقول و هو نادم : (استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يتوب على ) الا غفرها الله له . ثم قال : و لآخر فيمن يقارف كل يوم و ليله اربعين كبيره.

ترجمه:

782 امام صادق علیه السلام : هیچ مومنی نیست که شبانه روز مرتکب چهل گناه کبیره شود و پس از آن با حالت پشیمانی بگوید : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم بديع السموات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يتوب على ( جز اینکه خداوند بر او می بخشاید - سپس فرمود: - در کسی که هر شبانه روزی مرتکب چهل گناه کبیره شود خیری نیست .

حدیث:

783 قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد الله عزوجل بعبد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و يذكره الاستغفار و اذا اراد الله عزوجل بعبد شرا فاذنب ذنبا اتبعه بنعمه فينسيه الاستغفار و يتمادى به و هو قول الله عزوجل (سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ) بالنعم عند المعاصى.

ترجمه:

783 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند عزوجل خیره بنده گنه کاری را بخواهد پس از

گناهایش از او انتقام می کشد بد بخواهد پس از گناهایش به او نعمتی می بخشد و استغفار را فراموش می سازد و این حالت را طولانی می کند و معنای گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید :  
(اندک اندک آنان را از جایی که نمی دانند به شقاوت می رسانیم (156) یعنی به وسیله نعمتهایی که در هنگام گناهانشان به آنان می دهیم .

## -۱۶-

**حدیث:**

- 784 عن جعفر عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

**ترجمه:**

- 784 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرماید که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر دردی دواپی دارد و دواي گناهان استغفار کردن است .

**حدیث:**

- 785 عن عبدالله بن محمد الجعفي عن ابي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول : كان رسول الله صلى الله عليه وآله والاستغفار لكم حصنين حصنين من العذاب فمضى اكبر الحصنين و بقى الاستغفار فاكثروا منه فانه ممحاه للذنوب قال الله عزوجل) : و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون.

**ترجمه:**

- 785 عبدالله بن محمد جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و استغفار برای شما به منزله دو قلعه و حصار محکم در برابر عذاب الهی بودند، بزرگترین این دو حصار (رسول خدا صلی الله علیه و آله) درگذشت و استغفار باقی مانده است پس زیاد استغفار کنید زیرا استغفار پاک کننده گناهان است ، خدای عزوجل فرموده است) : ای پیامبر تا زمانی که تو در میان آنان هستی خداوند ایشان را عذاب نخواهد کرد و تا زمانی که آنان از خداوند طلب مغفرت می کنند خداوند عذاب کننده آنان نخواهد بود (157)

**حدیث:**

- 786 عن اسماعيل بن سهل قال : كتبت الى ابي جعفر الثاني عليه السلام علمني شيئاً اذا انا قلته كنت معكم في الدنيا و الاخرة فقال : فكتب بخطه اعرفه : اكثر من تلاوه انا انزلناه و رطب شفئك بالاستغفار.

**ترجمه:**

- 786 اسماعیل بن سهل گوید: به خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم که : به من چیزی بیاموز که هرگاه آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم . حضرت با خط شریف خود که آن را می شناختم نوشت : سوره مبارکه) انا انزلناه ( را زیاد تلاوت کن و دو لب خود را با گفتن استغفار تر کن (نیروی تازه بخش .

**حدیث:**

- 787 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله طوبى لمن وجد فى صحيفه عمله يوم القيامة تحت كل ذنب استغفر الله .

**ترجمه:**

- 787 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی) استغفر الله ( بیاید .

**حدیث:**

- 788 عن الشعبي قال : سمعت على بن ابي طالب عليه السلام يقول : العجب ممن يقنط و معه الممحاء قيل و ما الممحاء ؟ قال الاستغفار.

**ترجمه:**

- 788 شعبی گوید از امام علی علیه السلام شنیدم که فرمود: شگفت آور است کسی که در حالی که پاک کننده ( همراه او هست باز هم ناامید می شود. پرسیده شد: پاک کننده چیست ؟ فرمود: استغفار .

**حدیث:**

- 789 عن جعفر بن محمد عن ابيه عن جده قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : صاحب اليمين امير على صاحب الشمال فاذا عمل العبد سيئه قال صاحب اليمين لصاحب الشمال : لاتعجل و انظره سبع ساعات فان مضت سبع ساعات و لم يستغفر قال : اكتب فما اقل حياء هذا العبد.

**ترجمه:**

- 789 امام صادق علیه السلام از پدر و جد بزرگوارش روایت فرموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرموده است : فرشته سمت راست بر فرشته سمت چپ امیر است پس هرگاه بنده ای گناهی کند فرشته سمت راست به سمت چپی گوید : شتاب مکن و او را هفت ساعت مهلت ده . پس اگر هفت ساعت بگذرد و او استغفار نکند به فرشته سمت چپ گوید: بنویس ، چقدر بنده کم حیایی است !

**حدیث:**

- 790 عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : تعظروا بالاستغفار لاتفضحنکم روائح الذنوب.

**ترجمه:**

- 790 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : به وسیله استغفار خود را خوش بو کنید، مبادا بوی بد گناهان شما را رسوا کند .

**حدیث:**

- 791 عن ابی عبدالله عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اربع من کن فیه کان فی نور الله الاعظم من کان عصمه امره شاهده ان لا اله الا الله و انی رسول الله صلی الله علیه و آله و من اذا اصابته مصیبه قال : انا لله و انا الیه راجعون و من اذا اصاب خیرا قال : الحمد لله رب العالمین و من اذا اصاب خطیئه قال : استغفر الله و اتوب الیه.

**ترجمه:**

- 791 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : چهار چیز هست که هر کس آنها را دارا باشد او در نور پر عظمت الهی قرار دارد: کسی که حافظ و نگهدار کار او شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت من باشد، و کسی که هرگاه مصیبتی به او برسد بگوید: انا لله و انا الیه راجعون ( و کسی که هرگاه خیری به او برسد بگوید): الحمد لله رب العالمین( ، و کسی که هرگاه مرتکب خطا و گناهی شود بگوید): استغفر الله و اتوب الیه .

- 86 باب وجوب التوبه من جمیع الذنوب و العزم علی ترک العود ابدا  
- 86 باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد

**حدیث:**

- 792 عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اذا تاب العبد توبه نصوحا احبه الله فستر علیه فی الدنيا و الاخره قلت و کیف یستر علیه ؟ قال : ینسی ملکیه ما کتبا علیه من الذنوب و یوحی الی جوارحه اکتمی علیه ذنوبه و یوحی الی بقاع الارض اکتمی ما کان یعمل علیک من الذنوب فیلقى الله حین یلقاه و لیس شیء یشهد علیه بشیء من الذنوب.

**ترجمه:**

- 792 معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه بنده توبه ای خالص و پاک کند خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت (گناهان وی را) بر او می پوشاند، - راوی گوید: - عرض کردم : چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود: گناهانی را که دو فرشته بر علیه او نوشته اند فراموششان می سازد و به اعضای بدنش وحی می فرستد که گناهان او را پوشیده کنید و به مکانهایی از زمین که در آنجا مرتکب گناه شده است وحی می کند که گناهانی را که بر روی تو انجام داده است پنهان دارید، پس او زمانی که خدای را ملاقات می کند شاهدهی بر علیه او نیست که بر گناهانش گواهی دهد .

**حدیث:**

- 793 عن محمد بن مسلم عن احدهما علیه السلام فی قول الله عزوجل (فمن جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ما سلف ) قال : الموعظه التوبه.

**ترجمه:**

- 793 محمد بن مسلم از امام صادق یا امام باقر علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید): پس کسی که او را موعظه ای از جانب پروردگارش آمد و او باز ایستاد پس آنچه که گذشته است برای اوست ، به نفع اوست (158) فرمود: مراد از موعظه ، توبه است .

**حدیث:**

- 794 عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیه ابدا قلت : و اینالم یعد فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المفتن التواب.

**ترجمه:**

- 794 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مراد در آیه چیست که می فرماید): ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص (159) فرمود: مراد آن گناهی است که شخص هرگز به آن بازگشت نمی کند و تا ابد مرتکب آن نمی شود، عرض کردم : کدامیک از ماست که به انجام گناه باز نگردد؟ فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن بنده ای را که آزموده شده و بسیار توبه کننده است را دوست دارد .

**حدیث:**

- 795 عن ابی الصباح الكنانی قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : یتوب العبد من الذنب ثم لا یعود فیه . قال محمد بن الفضیل : سألت عنها ابا الحسن علیه السلام فقال : یتوب من الذنب ثم لا یعود فیه و احب العباد الی الله المفتنون التوابون.

ترجمه:

795- ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند پرسیدم که می فرماید : ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص (160) فرمود: توبه خالص این است که بنده از گناه خویش توبه کند سپس دیگر آن گناه را مرتکب نشود. محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام همین پرسش را نمودم حضرت فرمود: بنده از گناه توبه کند سپس دیگر به آن گناه باز نگردد و دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خداوند بندگان هستند که بسیار آزموده شده و توبه کننده اند .

حدیث:

796- عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا رفعه قال : ان الله اعطى التائبين ثلاث خصال لو اعطى خصله منها جميع اهل السماوات و الارض لنجوا بها قوله عزوجل : ( ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين ) فمن احبه الله لم يعذبه و قوله) فاغفر للذين تابوا و اتبعوا سبيلك و فهم عذاب الجحيم ) و ذکر الايات و قوله ( الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاؤلئك يبدل الله سيئاتهم حسنات ) الابه.

ترجمه:

796- ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند به توبه کنندگان سه خصلت عطا کرده است که اگر یکی از آنها را به همه اهل آسمانها و زمین عطا کند به وسیله آن نجات می یابد: یکی گفتار خدای عزوجل) : همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد (161) پس کسی که خداوند دوستش می دارد به عذاب الهی گرفتار نمی شود. و دیگری گفتار خداوند) : پس بیخشا بر کسانی که توبه می کردند و راه تو را پیروی نمودند و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار (162) و آیات بعد از این آیه ، و دیگری گفتار خداوند) : مگر آن کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردار شایسته نمود پس آنان کسانی هستند که خداوند بدیهایشان را به نیکی بدل می کند .(163)

حدیث:

797- عن ابی عبیده قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : ان الله تبارك و تعالی اشد فرحا بتوبه عبده من رجل اضل راحلته و زاده فی ليله ظلما فوجده ها فالله اشد فرحا بتوبه عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها.

ترجمه:

797- ابی عبیده گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا شادمانی خداوند تبارک و تعالی به سبب توبه بنده اش بسیار بیشتر از شادمانی کسی است که مرکب و توشه خود را در شبی تارک گم کرده و سپس آن را یافته است پس خداوند به خاطر توبه بنده اش شادمانی اش از شادمانی چنین کسی در هنگام یافتن مرکب خود بیشتر است .

حدیث:

798- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يفرح بتوبه عبده المومن اذا تاب كما يفرح احدكم بضالته اذا وجدها.

ترجمه:

798- امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل به خاطر توبه بنده مومنش شادمان می شود همانند شادمانی یکی از شما زماين که گمشده خود را می یابد .

حدیث:

799- عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعته يقول : التائب من الذنب كمن لا ذنب له و المقيم على الذنب و هو مستغفر منه كالمستهزئ.

ترجمه:

799- جابر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناهی ندارد و آن کس که استغفار می کند ولی بر گناه خویش را پا برجاست مانند کسی که مسخره کننده است (خویش را به مسخره و ریشخند گرفته است .)

حدیث:

800- عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : اوحى الله الى داود النبي عليه السلام يا داود! ان عبدی المومن اذا اذنب ذنبا ثم رجع و تاب من ذلك الذنب و استحيا منى عند ذكره غفرت له و انسيته الحفظه و ابدلته الحسنه و لا ابالي و انا ارحم الراحمين.

ترجمه:

800- ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به داود پیامبر علیه السلام وحی فرستاد که : ای داود! همانا بنده مومن من هرگاه مرتکب گناهی شود سپس باز گردد و از آن گناه توبه کند و هر وقت به یاد آن گناه می افتد از من شرم کند، او را می بخشایم و فرشتگان نگاهبان او را به فراموشی می اندازم و آن گناهش را به حسنه و نیکی بدل می کند و (از این کار) باکی ندارم و من مهربان ترین مهربانانم .

حدیث:

801- قال اميرالمؤمنين عليه السلام : من تاب تاب الله عليه و امرت جوارحه ان تستر عليه و بقاع الارض ان تكتم عليه و نسيت الحفظه ما كانت كتبت عليه.

ترجمه:

- 801 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد و به اعضای بدنش دستور داده می شود که بر گناه او پرده ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می شود که بر گناه او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگاهبان او آنچه را که بر علیه او نوشته اند فراموش می کنند .

**حدیث:**

- 802 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله فضولا من رزقه ينحله من شاء من خلقه و الله باسط يده عند كل فجر لمذنب لليل هل يتوب فيغفرله ؟ و يبسط يده عند مغيب الشمس لمذنب النهار هل يتوب فيغفرله ؟

**ترجمه:**

- 802 امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که برای خداوند از روزی اش (که به مردمان می بخشد) زیادتى و فزونى وجود دارد که آن زیادتى را به هر کس از مخلوقش که بخواهد عطا می کند و خداوند هر سپیده دم دست خود را برای کسی که در شبانگاه مرتکب گناهی شده می گشاید (که ببیند) آیا توبه کرده است تا او را ببخشاید؟ و هنگام غروب آفتاب نیز برای کسی که در روز گناهی انجام داده است دست خود را می گشاید (که ببیند) آیا توبه نموده است تا او را ببخشاید؟

**حدیث:**

- 803 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ثم تاب علیهم ) قال : هى الاقاله.

**ترجمه:**

- 803 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند که می فرماید) : سپس توبه آنان را پذیرفت (164) فرمود: این توبه (از جانب خداوند به معنای ) پذیرفتن توبه است .

**حدیث:**

- 804 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مثل المومن عند الله تعالى كمثل ملك مقرب و ان المومن عند الله لاعظم من ذلك و ليس شىء ا احب الى الله تعالى من مومن تائب و مومنه تائبه.

**ترجمه:**

- 804 امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : مثل مومن در نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مومن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشند محبوبتر نیست .

**حدیث:**

- 805 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : التائب من الذنب كمن لا ذنب له.

**ترجمه:**

- 805 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آن کس که از گناه توبه کند همانند کسی است که گناهی نکرده است .

**حدیث:**

- 806 قال ابو عبدالله علیه السلام : لاخیر فی الذنبا الا لرجلین رجل یزداد فی کل یوم احسانا و رجل یتدارک ذنبه بالتوبه و انى له بالتوبه ؟ و الله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه الا بولایتنا اهل البيت.

**ترجمه:**

- 806 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ خیری در دنیا نیست مگر برای دو مرد: یکی مردی که هر روز بر نیکوکاری اش بیفزاید و دیگری مردی که گناه خویش را با توبه نمودن جبران کند، و او کجا و توبه کجا؟ به خدا سوگند اگر به قدری سجده کند که گردنش قطع شود خداوند از او نمی پذیرد مگر به سبب ولایت ما اهل بیت .

**حدیث:**

- 807 عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اعترفوا بنعم الله ربکم و توبوا الى الله من جميع ذنوبکم فان الله يحب الشاکرین من عباده.

**ترجمه:**

- 807 امام رضا علیه السلام از پدرانش علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به نعمتهای خداوند که پروردگار شماست اعتراف و اقرار کنید و از همه گناهانتان به درگاه خداوند توبه آورید زیرا خداوند بندگان شکر گزار خود را دوست می دارد .

- 87 باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها

- 87 باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن

**حدیث:**

- 808 عن محمد بن احمد بن هلال قال : سألت ابا الحسن الاخير علیه السلام عن التوبه النصوح ما هى ؟ فکتب علیه السلام : ان يكون الباطن كالظاهر و افضل من ذلك.

**ترجمه:**

- 808 محمد بن احمد بن هلال گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم که : توبه نصوح (خالص)

چيست ؟ حضرت در پاسخ من نوشت : اينکه باطن و دورن (در مقام توبه ) همانند ظاهر باشد و بلکه باطن از ظاهر برتر باشد .

**حدیث:**

- 809 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : التوبه النصح ان يكون باطن الرجل كظاهرة و افضل.

**ترجمه:**

- 809 امام صادق عليه السلام فرمود: توبه پاک و خالص آن است که باطن مرد (در مقام توبه ) همانند ظاهرش و برتر از ظاهرش باشد.

**حدیث:**

- 810 قال الصدوق : و قد روی ان التوبه النصح هو ان يتوب الرجل من ذنب و ينوی ان لا يعود اليه ابدا.

**ترجمه:**

- 810 شيخ صدوق ( ره ) گوید: روایت شده است که : توبه خالص آن است که مرد از گناهی توبه کند و قصد کند که دیگر هرگز به سوی آن گناه باز نگردد .

**حدیث:**

- 811 عن اميرالمؤمنين عليه السلام : ان قائلا قال بحضرته : استغفرالله فقال : ثكلتك امك اتدري ما الاستغفار؟ الاستغفار درجة العليين و هو اسم واقع على سته معان اولها الندم على ما مضى و الثاني العزم على ترك العود اليه ابدا و الثالث ان تودى الى المخلوقين حقوقهم حتى تلقى الله عزوجل املس ليس عليك تبعه و الرابع ان تعمد الى كل فريضه عليك ضيعها فتودى حقها و الخامس ان تعمد الى اللحم الذى نبت على السحت فتذيبه بالاحزان حتى يلقى الجلد بالعظم و ينشأ بينهما لحم جديد و السادس ان تذيب الجسم الم الطاعه كما اذفته حلاوه المعصيه فعند ذلك تقول : استغفر الله.

**ترجمه:**

- 811 از اميرالمؤمنين عليه السلام روایت شده است که کسی در حضور ایشان گفت : استغفر الله . حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی استغفار چیست ؟ استغفار مرتبه برتران است و آن اسمی است که بر شش معنا ثابت گردیده است:

اول : پشیمانی بر آنچه که گذشته است

دوم : عزم و قصد جزمی نمودن بر اینکه هرگز به سوی گناه باز نگردد

سوم : اینکه حقوق مردم را (که در اثر گناه تو ضایع گردیده است ) به آنان باز گردانی تا اینکه خداوند عزوجل را (با روپی ) تابناک دیدار کنی و بر گردن تو گناهی نباشد.

چهارم : اینکه به سوی هر امر واجبی که بر گردن تو بوده و آن را ضایع ساخته ای مصمم شوی و حق آن را به جا آوری

پنجم : اینکه تصمیم جدی بگیری که آن گوشتی را که بر اساس حرام بر بدن تو روییده است با حزن و اندوه بگذاری تا آنجا که پوست به استخوان بچسبید و بین آن دو، گوشتی جدید برود.

ششم : اینکه بر بدن خود سختی طاعت و بندگی را بچشانی همانگونه که شیرینی معصیت را به او چشاندی بودی ، پس در این هنگام است که می توانی بگویی : استغفر الله (مرتبه برتر استغفار پس از طی این مراحل است .)

**حدیث:**

- 812 عن كميل بن زياد انه قال لاميرالمؤمنين عليه السلام : العبد يصيب الذنب فيستغفر الله فقال : يا ابن زياد التوبه قلت : ليس قال : لا قلت : كيف ؟ قال : ان العبد اذا اصاب ذنبا قال : استغفر الله بالتحريك قلت : و ما التحريك ؟ قال : الشفتان و اللسان يبردا ان يتبع ذلك بالحقيقه قلت : و ما الحقيقه ؟ قال : تصديق القلب و اضرار ان لا يعود الى الذنب الذى استغفر منه قلت ، فاذا فعلت ذلك فانا من المستغفرين ؟ قال : لا لانه لم تبلغ الى الاصل بعد قلت : فاصل الاستغفار ما هو؟ قال : الرجوع الى التوبه عن الذنب الذى استغفرت منه و هى اول درجه العابدين و ترك الذنب و الاستغفار اسم واقع لسته معان ثم ذكر الحديث نحوه.

**ترجمه:**

- 812 كميل بن زياد گوید به اميرالمؤمنين عليه السلام عرض کردم : بنده مرتکب گناه می شود پس استغفار نموده و از خداوند طلب بخشایش می کند. حضرت فرمود: ای ابن زياد! آیا مراد تو، توبه است ؟ عرض کردم : آیا همین استغفار توبه نیست ؟ حضرت فرمود: خیر، عرض کردم : چگونه ؟ فرمود: همانا بنده هرگاه مرتکب گناهی بشود با تحريك بگوید: استغفر الله.

عرض کردم ، تحريك چیست ؟ فرمود : یعنی دو لب و زبان حقیقتا اراده پیروی از استغفار را داشته

باشند. عرض کردم : حقیقتا یعنی چه ؟ فرمود: یعنی قلب استغفار را تصدیق کند و در نهن خود

بازنگشتن به آن گناهی را که از آن استغفار نموده است را داشته باشد. عرض کردم : آیا اگر من چنین که فرمودید کنم از مستغفرین خواهم بود؟ فرمود: خیر، زیرا هنوز به اصل و ریشه استغفار نرسیده ای .

عرض کردم : اصل استغفار چیست ؟ فرمود: یکی مراجعه کردن به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین درجه و رتبه) عبادت کنندگان ( است ، و دیگری ترك نمودن گناه ، و

استغفار اسمی است که برای شش معنا ثابت گردیده است سپس حضرت حدیث گذشته را فرمود .

- 88 باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب الغسل و الصلاة لها

- 88 باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه



حدیث:

813 عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قول الله عزوجل : (توبوا الى الله توبه نصوحا) قال : هو صوم يوم الاربعاء و الخميس و الجمعة.

ترجمه:

813 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل می فرماید: به سوی خداوند توبه آورید (باز گردید) توبه ای (بازگشتنی) خالص<sup>(165)</sup>

حدیث:

814 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما اهمنى ذنب امهلت بعده حتى اصلى ركعتين.

ترجمه:

814 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گناهی که پس از آن ، مهلت به جا آوردن دو رکعت نماز به من داده شود مرا اندوهگین و بی آرام نمی سازد.

حدیث:

815 و قال علیه السلام : ما من عبد اذنب ذنبا فقام فطهر و صلى ركعتين و استغفر الله الا غفر له و كان حقا على الله ان يقبله لانه سبحانه قال : (و من يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحیما).

ترجمه:

815 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس برخیزد و طهارت گیرد و دو رکعت نماز به جای آورد و از خداوند طلب مغفرت کند جز اینکه مغفرت الهی شامل حالش می شود و بر خداوند سزاوار است که استغفار او را بپذیرد زیرا خدای سبحان فرموده است: و هر کس کار بدی به جای آورد یا به خویشتن ستم کند سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند را آمرزنده و مهربان می باید<sup>(166)</sup>

89 باب جواز تجديد التوبه و صحتها مع الاتيان بشرائطها و ان تكرر نقضها

89 باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه

شکستن آن توبه تکرار گردد

حدیث:

816 عن ابی جعفر علیه السلام قال : يا محمد بن مسلم ذنوب المومن اذا تاب منها مغفوره له فليعمل المومن لما يستأنف بعد التوبه و المغفره اما و الله انها ليست الا لاهل الايمان قلت : فان عاد بعد التوبه و الاستغفار من الذنوب و عاد فى التوبه قال يا محمد بن مسلم اترى العبد المومن يندم على ذنبه و يستغفر منه و يتوب ثم لايقبل الله توبته ؟ قلت : فانه فعل ذلك مرارا يذنب ثم يتوب و يستغفر فقال : كلما عاد المومن بالاستغفار و التوبه عاد الله عليه بالمغفره و ان الله غفور رحيم يقبل التوبه و يعفو عن السيئات فياك ان تقنط المومنين من رحمه الله.

ترجمه:

816 امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم ! گناهان مومن هرگاه از آنها توبه کند آمرزیده می شود، پس مومن باید برای آنچه که بعد از توبه و مغفرت آغاز می کند عمل کند. هان ، به خدا سوگند که توبه جز برای اهل ایمان نیست . محمد بن مسلم گوید: عرض کردم : پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان ، دوباره به گناه باز گردد و دوباره توبه کند چگونه است ؟ فرمود: ای محمد بن مسلم ! آیا تو می پنداری بنده مومنی که بر گناهش پشیمان می گردد و از آن استغفار و توبه می کند خداوند توبه اش را نمی پذیرد؟ عرض کردم : آخر او این کار را بارها انجام داده است گناه می کند سپس توبه و استغفار می کند. حضرت فرمود: تا زمانی که مومن با استغفار و توبه به سوی خداوند باز می گردد خداوند نیز با مغفرتش به سوی او می آید و راستی که خداوند آمرزنده مهربان است ، توبه را می پذیرد و از گناهان در می گذرد پس بر حذر باش از اینکه مومنین را از رحمت خداوند مایوس کنی .

حدیث:

817 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الله يحب العبد المفتن التواب و من لا يكون ذلك منه كان افضل.

ترجمه:

817 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند بنده ای که بوسیله گناه آزموده و آزمایش شده سپس توبه نموده است را دوست می دارد و بنده ای که اصلا به گرد گناه نگشته از بنده ای که گناه کرده و توبه نموده برتر است .

حدیث:

818 قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من مومن الا وله ذنب يهجره زمانا ثم يلتم به و ذلك قول الله عزوجل (الا اللمم) و سألته عن قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) قال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل يلتم بالذنب فيستغفر الله منه.

ترجمه:

818 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست جز اینکه برای وی گناهی است که مدتی از آن گناه بریده و از آن دوری نموده سپس آن را دوباره انجام می دهد و این همان است که در گفتار خدای عزوجل از آن (به) لمم) (گناه کوچک نسبت به گناه بزرگ) تعبیر شده است . روای گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید: آنان که از گناهان بزرگ و زشتی ها

دوری می کنند مگر از لیم گناهان کوچکی که پیش می آید (167) حضرت فرمود: مراد از فواحش و زشتی ها، زنا نمودن و دزدی است و لیم آن است که کسی مرتکب گناهی (که در مسیر او قرار گرفته) شود پس از آن از خداوند طلب بخشایش کند .

**حدیث:**

819 عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قوله تعالی (توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیہ ابدًا قلت : و اینا لم یتب و بعد؟ فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المفتح التواب.

**ترجمه:**

819 ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه (168) فرمود: توبه نصوح و خالصانه آن است که شخص هرگز دوباره به گناهی که مرتکب شده است باز نگردد. عرض کردم: کدامیک از ما توبه نمی کند و (به گناه) باز نمی گردد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن کسی که به گناه دچار شده و توبه نموده است را دوست می دارد .

**حدیث:**

820 الحسن بن محمد الدیلمی فی (الارشاد) قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یستغفر الله فی کل یوم سبعین مره یقول استغفر الله ربی و اتوب الیه و كذلك اهل بیته علیه السلام و صالح اصحابه یقول الله تعالی (و استغفوا ربکم ثم توبوا الیه ) قال : و قال رجل : یا رسول الله انی اذنب فما اقول اذا تبت ؟ قال : استغفر الله فقال : انی اتوب ثم اعود فقال : كلما اذنبت استغفر الله فقال : اذن تكثر ذنوبی فقال : عفو الله اکثر فلا تزال تتوب حتی یتوب الیه المذحور.

**ترجمه:**

820 حسن بن محمد دیلمی در کتاب (الارشاد) گوید: رسول خدا - در هر روز هفتاد مرتبه به درگاه خداوند استغفار می نمود و می گفت: استغفر الله ربی و اتوب الیه (همچنین اهل بیت او علیه السلام و اصحاب شایسته اش چنین سیره ای داشتند، خداوند تعالی می فرماید): از پروردگارتان طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه آورید (169) - راوی گوید: - مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من مرتکب گناه می شوم هنگامی که توبه می کنم چه بگویم؟ حضرت فرمود: به درگاه خداوند استغفار کن . عرض کرد: توبه می کنم و سپس دوباره به گناه باز می گردم (در این حال چه بگویم؟) فرمود: هر زمان مرتکب گناه شدی از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کن . عرض کرد: بنابراین گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو و بخشایش خداوند زیادتر و بیشتر است پس پیوسته توبه می کنی تا اینکه شیطان تار و مار و رانده می گردد .

- 90 باب استحباب تذكّر الذنب و الاستغفار منه كلما ذکره

- 90 باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد

**حدیث:**

821 عن ابی عبدالله فی حدیث قال : ان المومن لیذکر ذنبه بعد عشرين سنه حتی یستغفر ربه فیغفر له و ان الکافر لینساه من ساعته.

**ترجمه:**

821 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که شخص مومن گناه خود را پس از بیست سال به یاد می آورد تا به درگاه پروردگارش استغفار کند پس پروردگار او را مشمول غفران خود قرار می دهد ولی شخص کافر گنااهش در همان دم که مرتکب آن می شود فراموشش می گردد .

**حدیث:**

822 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن لیذنب الذنب فیذکر بعد عشرين سنه فیستغفر منه فیغفرله و انما یذکره لیغفر له و ان الکافر لیذنب الذنب فینساه من ساعته.

**ترجمه:**

822 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مومن گناهی می کند پس بعد از بیست سال آن را به یاد می آورد و از آن استغفار می کند و مورد آمرزش و بخشایش قرار می گیرد و این یادآوری اش برای این است که مشمول غفران واقع شود و کافر در همان ساعتی که گناه می کند آن را به فراموشی می سپارد .

**حدیث:**

823 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الله اذا اراد بعبد خیرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و یذکره الاستغفار. (الحديث).

**ترجمه:**

823 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی هرگاه که خداوند خیر بنده ای را اراده کند و آن بنده مرتکب گناهی گردد پیرو آن گناه خداوند او را عقوبتی می کند و انتقامی از او می کشد و استغفار را به یاد او می آورد .

**حدیث:**

824 قال ابو عبدالله علیه السلام عن الاستدراج فقال : هو العبد یذنب الذنب فیملی له و یجدد له عندها النعم فیلهیه عن الاستغفار فهو مستدرج من حیث لا یعلم.

**ترجمه:**

- 824 از امام صادق علیه السلام درباره) استدراج ( <sup>(170)</sup> پرسیده شد (که چیست ؟) حضرت فرمود: استدراج آن است که بنده گناهی کند پس به او مهلت داده شود و همزمان با ارتکاب گناه به او نعمت های جدیدی عطا شود و از استغفار باز ماند و سرگرم شود چنین کسی از جایی که نمی داند اندک اندک به شقاوت نزدیک گشته است .

- 91 باب استحباب انتهاز فرص الخیر و المبادره به عند الامکان

- 91 باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

حدیث:

- 825 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی بادر باریع قبل اریع : شبابک قبل هرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل موتک .

ترجمه:

- 825 امام صادق علیه السلام از پدرانش : روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - آمده است : ای علی ! پیش از چهار چیز به چهار چیز مبادرت کن : جوانیت را پیش از پیر شدن دریاب و سلامتت را پیش از بیماریت غنیمت شمر و از ثروتمندیت قبل از اینکه فقیر شوی استفاده خیر کن و پیش از مردنت زندگی ات را غنیمت دان .

حدیث:

- 826 عن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام فی قول الله عزوجل و لاتنس نصیبک من الدنیا قال : لاتنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک ان تطلب بها الاخره .

ترجمه:

- 826 موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : علی علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : نصیب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن ( <sup>(171)</sup> فرمود: فراموش مکن که از سلامتی و توانایی و بیکاری و جوانی و نشاطی که داری برای طلب آخرت بهره ببری .

حدیث:

- 827 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قرن الهیبه لایبیه و الحیاء بالحرمان و الفرصه تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخیر .

ترجمه:

- 827 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترس با نامرادی و به مقصود نرسیدن مقرون است و حیا با محرومیت همراه است و فرصت مانند ابر گذرنده می گذرد پس فرصتهای نیکو را غنیمت شمرید .

حدیث:

- 828 و قال علیه السلام : اضاعه الفرصه غصه .

ترجمه:

- 828 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر باد دادن و تلف کردن فرصت (موجب) غصه و اندوه است .

حدیث:

- 829 و قال علیه السلام : من الخرق المعاجله قبل الامکان و الاناه بعد الفرصه .

ترجمه:

- 829 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شتاب کردن (در کاری) پیش از (به دست آوردن) توانایی ، و بردباری (سستی کردن) بعد از (به دست آوردن) فرصت (این هر دو) از نادانی است .

- 92 باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و لیله من غیر ذنب و وجوبه مع الذنب

- 92 باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد

حدیث:

- 830 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله : یتوب الی الله عزوجل فی کل یوم سبعین مره قلت : اکان یقول : استغفر الله و اتوب الیه ؟ قال لا و لکن کان یقول : اتوب الی الله قلت : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب و لایعود و نحن نتوب و نعود . فقال : الله المستعان .

ترجمه:

- 830 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا - چنین بود که در هر روز به درگاه خدای عزوجل هفتاد مرتبه توبه می نمود - راوی گوید: عرض کردم : آیا رسول خدا می گفت) : استغفر الله و اتوب الیه) ؟ فرمود: خیر، بلکه می گفت) : اتوب الی الله ( عرض کردم : همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه می نمود و بازگشت نمی کرد (همواره در حال تکامل و تعالی بود) ولی ما توبه می کنیم و دوباره به حالت گذشته ( باز می گردیم . حضرت فرمود: خداوند یاری کننده است (و در این راه باید از او یاری جست .)

حدیث:

- 831 و عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار .

ترجمه:

- 831 عده ای از اصحاب ما این سخن را به معصوم علیه السلام نسبت داده اند که فرمود: برای هر دردی دواپی است و دوا گناهان استغفار کردن است .

حدیث:

- 832 قال ابو عبدالله عليه السلام : من قال : استغفر الله مائه مره فى يوم غفر الله له سبعمائنه ذنب و لاخير فى عبد يذنب فى يوم سبعمائنه ذنب.

ترجمه:

- 832 امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس که در هر روز صد مرتبه ( استغفر الله ) بگوید خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد و بنده ای که در روز مرتکب هفتصد گناه شود خیری در او نیست .

حدیث:

- 833 عن ابى عبدالله عليه السلام فى حديث قال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله كل يوم سبعين مره من غير ذنب.

ترجمه:

- 833 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که رسول خدا صلى الله عليه و آله در هر روز بدون اینکه گناهی داشته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می آورد .

حدیث:

- 834 عن ابى عبدالله عليه السلام فى حديث قال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله و يستغفره فى كل يوم و ليله مائه مره من غير ذنب ان الله يحص اولياء بالمصائب ليوجرهم عليها من غير ذنب.

ترجمه:

- 834 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا روش رسول خدا صلى الله عليه و آله چنین بود که هر شبانه روز بدون اینکه گناهی داشته باشد به سوی خداوند توبه و استغفار می کرد؛ به راستی که خداوند مصائب و سختی ها را به اولیاء و دوستان خویش اختصاص دهد بدون اینکه گناهی نموده باشند تا به آنها به خاطر شکیبایی نمودشان بر دشواری ها پاداش دهد .

حدیث:

- 835 عن ابى عبدالله عليه السلام فى حديث قال : رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتوب الى الله فى كل يوم سبعين مره من غير ذنب.

ترجمه:

- 835 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلى الله عليه و آله را سیره چنین بود که هر روز بدون اینکه گناهی از آن حضرت صورت گرفته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می نمود .

حدیث:

- 836 قال ابو جعفر عليه السلام : انه كان يقال : من احب عباد الله الى الله المحسن الثواب.

ترجمه:

- 836 امام باقر عليه السلام فرمود: یکی از محبوبترین بندگان خدا در نزد خداوند کسی است که نیکوکار و بسیار توبه کننده باشد.

حدیث:

- 837 عن ابراهيم بن ابى البلاد قال : قال لى ابوالحسن عليه السلام : انى استغفر الله فى كل يوم خمسه الاف مره ثم قال لى : خمسه الاف كثير.

ترجمه:

- 837 ابراهیم بن ابی البلاد گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: همانا من در هر روز پنج هزار مرتبه از خداوند طلب مغفرت می کنم - سپس به من فرمودند: پنج هزار زیاد است .

- 93 باب صحه التوبه فى آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعايه و كذا الاسلام

- 93 باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و همچنین است اسلام آوردن

حدیث:

- 838 عن ابى عبدالله عليه السلام او عن ابى جعفر عليه السلام فى حديث : ان الله عزوجل قال لادم عليه السلام : جعلت لك ان من عمل من ذريتك سيئه ثم استغفر غفرت له قال : يا رب زدنى قال : جعلت لهم التوبه او بسطت لهم التوبه حتى تبلغ النفس هذه قال : يا رب حسبى.

ترجمه:

- 838 از امام صادق عليه السلام یا از امام باقر عليه السلام در حدیثی آمده است : همانا خداوند عزوجل به حضرت آدم علیه السلام فرمود: این مزیت را برای تو قرار دادم که هر کس از فرزندان مرتکب گناهی شود سپس استغفار کند او را می بخشایم . حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من مرا بیش از این ده . خداوند فرمود: برای فرزندان توبه را قرار دادم یا برای آنان باب توبه را گشودم و گستراندم تا آن هنگام که جان به گلویشان رسد. حضرت عرض کرد: ای پروردگار من مرا بس است .

حدیث:

- 839 عن ابى جعفر عليه السلام قال : اذا بلغت النفس هذه و اهوى بیده الى حلقه لم يكن للعالم

توبه و كانت للجاهل توبه.

ترجمه:

- 839 امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که جان به اینجا برسد - و دست مبارکش را به سوی حلق خود کشید - توبه شخص عالم پذیرفته نیست ولی توبه جاهل پذیرفته می شود .

-۱۷-

حدیث:

- 840 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تاب قبل موته بسنه قبل الله توبته ثم قال : ان السنه لكثير من تاب قبل موته بشهر قبل الله توبته ثم قال : ان الشهر لكثير ثم قال : من تاب قبل موته بجمعه قبل الله توبته ثم قال : و ان الجمعه لكثير من تاب قبل موته بيوم قبل الله توبته ثم قال : ان يوما لكثير من تاب قبل ان يعابن قبل الله توبته.

ترجمه:

- 840 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که يك سال به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك سال زیاد است ؛ هر کس يك ماه به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك ماه زیاد است ؛ کسی که يك جمعه به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك جمعه زیاد است ؛ کسی که يك روز پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: به راستی که يك روز هم زیاد است ؛ کسی که پیش از آنکه مرگ را به چشم خود ببیند توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد .

حدیث:

- 841 عن معاوية بن وهب في حديث ان رجلا شيخا كان من المخالفين عرض عليه ابن اخيه الولايه عند موته فاقربها و شق و مات قال : فدخلنا على ابی عبدالله علیه السلام فعرض على بن السرى هذا الكلام على ابی عبدالله علیه السلام فقال : هو رجل من اهل الجنة قال له على بن السرى : انه لم يعرف شيئا من هذا غير ساعته تلك قال : فتريدون منه ماذا؟ قد و الله دخل الجنة.

ترجمه:

- 841 معاوية بن وهب در حدیثی روایت کند که : بر پیرمردی از مخالفین در هنگام مرگش توسط پسر برادرش ولایت ائمه علیه السلام عرض شد و آن پیرمرد به ولایت معصومین علیه السلام اقرار نموده و نعره ای بر کشید و جان داد - راوی گوید: - پس از آن ما بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و علی بن سری این قضیه را به حضرت عرضه داشت . حضرت فرمود: آن پیرمرد مردی از اهل بهشت است . علی بن سری عرض کرد: او که چیزی از ولایت شما را جز همان ساعت مردنش در نیافته بود (چگونه او از اهل بهشت است ؟) حضرت فرمود: شما از او چه می خواهید؟ به خدا سوگند که او وارد بهشت شد .

حدیث:

- 842 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما اعطى الله ابليس ما اعطاه من القوه قال آدم : يا رب سلط ابليس على ولدى و اجرته منهم مجرى الدم فى العروق و اعطيته ما اعطيته فما لى و لولدى ؟ قال : لك و لولدك السئيه بواحدة و الحسنه بعشر امثالها قال : يا رب زدنى قال : التوبه مبسوطه لى ان تبلغ النفس الحلقوم قال : يا رب زدنى قال : اغفر و لا ابالى قال : حسبي.

ترجمه:

- 842 امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند به ابلیس آن قدرت را (قدرت اغواگری و فریب مردم را) بخشید حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من ! ابلیس را بر فرزندان من مسلط نمودی و همانند خون که در رگها جریان دارد او را با آنان همراه ساختی و به او آن نیروی آنچنانی را بخشیدی پس برای من و فرزندانم چه گذارده ای ؟ خداوند فرمود: برای تو و فرزندانم مقرر ساخته ام که يك گناهانتان يك عقوبت داشته باشد ولی يك نيکی شما ده برابر پاداش داده شود. عرض کرد: ای پروردگار من ! مرا بیش از این ده . فرمود: (باب) توبه را برای شما تا زمانی که جان به گلویتان برسد گسترانده و گشوده ام . عرض کرد: ای پروردگار! مرا بیش از این ده . فرمود: می بخشم و مرا باکی نیست . عرض کرد: مرا بس است .

حدیث:

- 843 محمد بن علی بن الحسين علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تاب قبل موته بسنه تاب الله عليه ثم قال : و ان شهرا لكثير من تاب قبل موته بساعه تاب الله عليه ثم قال : و ان ساعه لكثير من تاب و قد بلغت نفسه هاهنا و اشار بيده الى حلقه تاب الله عليه.

ترجمه:

- 843 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است : کسی که يك سال پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: همانا يك سال زیاد است ؛

کسی که يك ماه به مرگش مانده توبه کند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك ماه هم زیاد است ؛ کسی که يك روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: يك روز هم زیاد است ؛ کسی که ساعتی پیش از مرگش توبه کند توبه اش پذیرفته می گردد، سپس فرمود: يك ساعت هم زیاد است ؛ کسی که توبه کند در حالی که جاننش به اینجا رسیده باشد و با دست مبارکش به گلویش اشاره فرمود: خداوند توبه اش را می پذیرد .

**حدیث:**

- 844 و سنن الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل) و لیست التوبه للذین یعلمون السیئات حتی اذا حضر احدهم الموت قال انی تبت الان ( قال علیه السلام : ذاك اذا عاین امر الاخره.

**ترجمه:**

- 844 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: برای آن کسانی که گناهان را مرتکب می شوند تا آنجا که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید: اکنون توبه نمودم ، توبه ای در کار نیست - توبه آنان پذیرفته نیست (-) (172) پرسیده شد. حضرت فرمود: این پذیرفته نشدن توبه مربوط به آن هنگامی است که شخص امر آخرت را به چشم خود می بیند .

**حدیث:**

- 845 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان رسول الله صلی الله علیه و آله دعا رجلا من الیهود و هو فی السیاق الی الاقرار بالشهادتین فاقربهما و مات فامر الصحابه ان یغسلوه و یكفونوه ثم صلی علیه و قال : الحمد لله الذی انجی بی الیوم نسمة من النار.

**ترجمه:**

- 845 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از یهود را که در حال جان کندن و احتضار بود به سوی اقرار به شهادتین (وحدانیت خدا و رسالت پیامبر) فرا خواند او نیز اقرار نمود و از دنیا رفت پس رسول خدا صلی الله علیه و آله صحابه اش را دستور داد او را غسل داده و کفن کنند سپس خود بر او نماز خوانده و فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که امروز به وسیله من موجودی را از آتش دوزخ رهایی بخشید .

**حدیث:**

- 846 عن ابراهیم بن محمد الهمذانی قال قلت لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام : لای علیه اغرق الله عزوجل فرعون و قد آمن به و اقر بتوحیده ؟ قال : لانه آمن عند رویه الباس و الایمان عند رویه الباس غیر مقبول و ذلك حکم الله تعالی ذکره فی السلف و الخلف قال الله تعالی : (فلما راوا باسنا قالوا امنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشرکین فلم يك ینفعهم ایمانهم لما راوا باسنا) و قال عزوجل : (یوم یاتی بعض آیات ربك لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا) (الحدیث )

**ترجمه:**

- 846 ابراهیم بن محمد همدانی گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: به چه علتی خداوند عزوجل فرعون را در دریا غرق کرد در حالی که او به خداوند ایمان آورد و به یگانگی او اقرار نمود؟ حضرت فرمود: زیرا او در هنگام دیدن عذاب الهی ایمان آورد و ایمان آوردن در وقت دیدن عذاب ، پذیرفته نمی شود و این حکم خداوندی است که ذکر او در میان گذشتگان و آیندگان بلند مرتبه است . خدای تعالی می فرماید: پس آنگاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به آنچه پیش از این شرک می ورزیدیم کافر گشتیم ، پس ایمان آنان به حالشان سودمند نبود چرا که آنان عذاب ما را به چشم دیدند (173) و خدای عزوجل می فرماید: روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت می آید در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نداشته یا در ایمان خود خیری را کسب نکرده ، به او سودی نمی بخشد . (174)

**حدیث:**

- 847 عن محمد بن ابی عمیر قال : قلت لابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام : اخبرنی عن قول الله عزوجل لموسی علیه السلام (اذهبنا الی فرعون انه طغی ) فقال علیه السلام اما قوله (فقولا له قولنا لینا) الی ان قال : و قد علم الله ان فرعون لایتذکر و لایخشى الا عند رویه الباس الا تسمع الله یقول : (حتی اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین ) فلم یقبل الله ایمانه و قال : (ألان و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین).

**ترجمه:**

- 847 محمد بن ابی عمیر گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: مرا درباره گفتار خدای عزوجل آگاه ساز که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: ای موسی و ای هارون! بریود به سوی فرعون که او طغیان و سرکش می نموده است (175) چرا با اینکه خداوند در آیه بعد توصیه می فرماید که با فرعون به نرمی سخن گوید اما سرانجام وی را در دریا غرق می سازد؟ (حضرت پس از بیان و تفسیر آیه بعد فرمود: زیرا خداوند دانست که فرعون پند نمی پذیرد و خدا ترس نمی گردد مگر زمانی که عذاب الهی را به چشم خود ببیند آیا نشنیده ای که خداوند فرموده است) : تا هنگامی که غرقه شدن او را فرا گرفت گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من تسلیم اویم (176) پس خداوند ایمانش را نپذیرفت و فرمود: آیا اکنون ایمان می آوری در حالی که پیش از این عصیانگر و از فساد کنندگان بودی (177)

حدیث:

848 عن رسول الله صلى الله عليه و آله فى حديث قال : انى نازلت رب فى امتى فقال لى ان باب التوبه مفتوح حتى ينفخ فى الصور ثم اقبل علينا رسول الله صلى الله عليه و آله فقال : انه من تاب قبل موته بسنه تاب الله عليه ثم قال : و ان السنه لكثير من تاب قبل موته بشهر تاب الله عليه ثم قال : و شهر كثير من تاب قبل موته بجمعه تاب الله عليه ثم قال : و جمعه كثير من تاب قبل ان يموت بيوم تاب الله عليه ثم قال : و يوم كثير من تاب قبل ان يموت بساعه تاب الله عليه ثم قال : و ساعه كثيره من تاب و قد بلغت نفسه هذه و اوما بيده الى حلقه تاب الله عليه.

ترجمه:

848 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: من درباره امت خود با پروردگارم روى رو شدم ، پروردگار به من فرمود: همانا باب توبه تا زمانى كه در صور دمیده شود باز گذاشته مى شود - سپس بعد از سخن رسول خدا صلى الله عليه و آله بر ما رو آورد و فرمود: به راستى كه كسى كه يك سال پيش از مرگش توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: يك سال زياد است ، كسى كه يك ماه قبل از مردنش توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود، يك ماه هم زياد است ، هر كسى كه يك جمعه از مرگش مانده توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: جمعه هم زياد است ، كسى كه يك روز پيش از مرگش توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: يك روز هم زياد است ، كسى كه ساعتى به مردنش مانده توبه كند خداوند توبه اش را مى پذيرد، سپس فرمود: ساعت هم زياد است ، كسى كه توبه كند در حالى جان به گلوپش رسیده باشد خداوند توبه اش را قبول مى كند .

94 باب استحباب الاستغفار فى السحر

94 باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

حدیث:

849 عن موسى بن جعفر عليه السلام عن ابيه عليه السلام عن على عليه السلام قال : ان الله عزوجل اذا اراد ان يصيب اهل الارض بعذاب قال : لو لا الذين يتحابون بجلالى و يعمرون مساجدى و يستغفرون بالاسحار لانزلت عذابى.

ترجمه:

849 امام موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش و ايشان از على عليه السلام روايت فرمود كه : به راستى كه هرگاه خداوند عزوجل اراده مى كند كه به اهل زمين عذابى برساند مى گويد: اگر آن كسانى كه به خاطر جلالت و بزرگى من يكدیگر را دوست دارند و مساجد مرا آباد مى كنند و در سحرگاهان به استغفار مى پردازند نبودند عذاب خود را بر زمينيان فرو فرستاديم .

حدیث:

850 عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : قال ابى عليه السلام قال اميرالمؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ان الله جل جلاله اذا راى اهل قرية قد اسرفوا فى المعاصى و فيها ثلاثه نفر من المومنين ناداهم جل جلاله يا اهل معصيتى لو لا من فيكم من المومنين المتحابين بجلالى العامرين بصلاتهم ارضى و مساجدى و المستغفرين بالاسحار خوفا منى لانزلت بكم عذابى ثم لا ابالى.

ترجمه:

850 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ايشان از على عليه السلام روايت فرمود كه : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود : همانا خداوند جل جلاله هرگاه ببيند كه اهل قريه اى در انجام گناهان زياده روى مى كنند در حالى كه در آن قريه سه نفر از مومنين وجود دارند به آن اهل زمين قريه خطاب مى كند كه : اى اهل نافرمانى من ! اگر در بين شما مومنين نبودند همان مومنينى كه به خاطر جلال و بزرگى من يكدیگر را دوست دارند و به وسيله نمازشان زمين من و مساجد مرا آباد مى كنند و از خوف من سحرگاهان به استغفار مى پردازند، عذاب خود را بر شما نازل مى ساختم سپس باكى ندارم (كه چه مى شود).

حدیث:

851 عن عبدالله بن جعفر عن ابيه مثله و زاد قال : و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ساءته سيئته و سرته حسنته فهو مومن.

ترجمه:

851 روايتى ديگر شبيه به روايت گذشته از عبدالله بن جعفر روايت شده است با اين اضافه كه فرموده است : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: كسى كه زشتكارى اش او را بد حال كند و نيكو كارى اش او را شادمان سازد چنين كسى مومن است .

95 باب انه يجب على الانسان ان يتلافى فى يومه ما فرط فى امسه و لا يوخر ذلك الى غده

95 باب اينكه بر انسان واجب است كه در روز آنچه را كه در روز گذشته درباره آن كوتاهى کرده است تلافى كند و اين كار را به فردا موکول نکند

حدیث:

852 عن على بن الحسين عليه السلام قال : كان اميرالمؤمنين عليه السلام يقول : انما الذهر ثلاثه ايام انت فيما بينهن مضى امس بما فيه فلا يرجع ابدان فان كنت عملت فيه خيرا لم تحزن لذهابه و فرحت بما استقبلته منه و ان كنت فرطت فيه فحسرتك شديده لذهابه و تفرطك فيه و انت من غد فى غره لاتدرى لعلك لاتبلغه و ان بلغته لعل حظك فيه التفریط مثل حظك فى المس الى ان قال : و انما هو

يومك الذي اصيحت فيه و قد ينبغي لك ان عقلت و فكرت فيما فرطت في الامس الماضي مما فاتك فيه من حسنات ان لاتكون اكتسبتها و من سيئات ان لاتكون اقصرت عنها الى ان قال : فاعمل عمل رجل ليس يامل من الايام الا يومه الذي اصبح فيه و ليلته فاعمل او دع و الله المعين على ذلك.

ترجمه:

- 852 امام علي بن حسين زين العابدين عليه السلام فرمود: اميرالمؤمنين علي عليه السلام مي فرمود: همانا روزگار سه روز است که تو (ای انسان خواه ناخواه) در میان این سه روز خواهی بود، دیروز با هر آنچه در آن بود گذشت پس هرگز باز نمی گردد، پس اگر تو کار خیری در آن انجام داده ای از رفتنش اندوهگین نیستی و از روی آوردن آن روز بر خودت شادمانی، و اگر در آن روز (در انجاك وظایف خود) کوتاهی کرده ای به خاطر رفتن آن روز کوتاهی خودت حسرت زیادی خواهی داشت، و تو از فردای خودت در امیدی بیهوده به سر میبری، نمی دانی شاید به فردا نرسی و اگر هم بررسی شاید همانند دیروزت بهره ای در آن جز تفریط و کوتاهی کردن (در انجام وظایف) نداشته باشی - تا آنجا که فرمود: همانا امروزت را دریاب همین روزی که در آن صبح کرده ای و حقیقتا بر تو سزاوار است که اندیشه کنی و در کوتاهی های دیروز گذشته ات تفکر کنی که چه نیکی هایی از دست تو رفت و آنها را برای خود کسب نکردی و از چه بدیهایی باز نایستادی - تا آنجا که فرمود: - پس عمل کن یا (از بدیها) باز ایست و خداوند در این راه یاور توست .

حدیث:

- 853 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان النهار اذا جاء قال : يا ابن آدم اعمل في يومك هذا خيرا اشهد لك به عند ربك يوم القيامة فانی لم آتیک فیما مضى و لا آتیک فیما بقى فاذا جاء الليل قال مثل ذلك.

ترجمه:

- 853 امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که روز فرا می رسد (خطاب به انسان) می گوید: ای فرزند آدم! تو در این روزت کار خیر کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت به نفع تو گواهی دهم زیرا من در گذشته بر تو نیامده ام و در باقی مانده عمرت نیز دیگر نخواهم آمد. و هنگامی که شب فرا می رسد شب نیز همین سخنان را می گوید .

حدیث:

- 854 عن حفص بن غياث قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان قدرت ان لاتعرف فافعل و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت محمودا عند الله ثم قال : قال ابی علی بن ابی طالب.

ترجمه:

- 854 حفص بن غیاث گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: اگر بتوانی (به گونه ای رفتار کنی) که شناخته نشوی این کار را انجام ده و اگر در نزد خداوند نیکنام باشی بر تو عیبی نیست که در نزد مردم از تو به خوبی یاد نشود - سپس فرمود: پدرم علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: خیری در زندگانی نیست مگر برای دو نفر: یکی کسی که در هر روز خیری را (بر خیرهای خود) بیفزاید و دیگری کسی که به وسیله توبه مرگ خود را اصلاح کند .

حدیث:

- 855 عن ابی عبدالله عليه السلام انه قال : المغبون من غبن عمره ساعه بعد ساعه.

ترجمه:

- 855 امام صادق عليه السلام فرمود: فریب خورده (حقیقی) کسی است که درباره ساعت به ساعت عمرش فریب خورده باشد .

حدیث:

- 856 عن ابی عبدالله عليه السلام انه قال : من استوی یوماه فهو مغبون و من كان آخر یومیه خیرهما فهو مغبوط و من كان آخر یومیه شرهما فهو ملعون و من لم یر الزیاده فی نفسه فهو الی النقصان و من كان الی النقصان فالموت خیر له من الحیاة.

ترجمه:

- 856 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که دو روزش با هم مساوی باشد (و در روز دوم پیشرفتی معنوی ننموده باشد) چنین کسی فریب خورده است و کسی که پایان دو روزش (برای او) بهترین ساعات و حالات آن دو روز باشد سعادت مند است و کسی که پایان دو روزش بدترین حالات آن دو روز باشد ملعون است (و از رحمت الهی دور است) و کسی که در نفس خود (نسبت به گذشته) زیادتی مشاهده نکند چنین کسی به سوی کمبود و نقصان پیش می رود و کسی که همواره در حال نقصان است مرگ برایش از زندگانی بهتر است .

- 96 باب وجوب محاسبه النفس کل یوم و ملاحظتها و حمد الله علی الحسنات و تدارك السيئات

- 96 باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

حدیث:

- 857 عن ابی الحسن الماضي عليه السلام قال : ليس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل حسنا استزاد الله و ان عمل سيئا استغفر الله منه و تاب اليه.

ترجمه:

- 857 امام موسی کاظم عليه السلام فرمود: کسی که در هر روز از نفس خود حساب نکشد از ما



نیست (کسی که محاسبه نفس می کند) اگر عمل نیکی به جای آورده است از خداوند طلب زیادتی آن را کند و اگر کردار بدی از او سر زده است از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آورد .

**حدیث:**

- 858 قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد احدكم ان لا يسال الله شيئا الا اعطاه فليياس من الناس كلهم و لا يكون له رجاء الا من عند الله جل ذكره فاذا علم الله حل و عز ذلك من قلبه لم يسال الله شيئا الا اعطاه فحاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا عليها فان للقيامه خمسين موقفا كل موقف مقداره الف سنه - ثم تلا قوله تعالى - ( في يوم كان مقداره الف سنه مما تعدون ).

**ترجمه:**

- 858 امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد که از خداوند چیزی را درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن چیز را به او عطا کند پس باید از تمامی مردم نومید گردد و امید او جز به خداوند جل ذکره نباشد پس هرگاه خداوند بزرگ و عزتمند دانست که او از ته قلبش چنین اراده ای را نموده هیچ چیزی را آن بنده از خدا نمی خواهد مگر اینکه خداوند به وی عطا می کند پس شما بیش از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید از نفسهایتان حساب بکشید زیرا قیامت پنجاه توقفگاه دارد که مقدار هر کی از آنها هزار سال است - سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود - : در روزی که مقدار آن برابر با هزار سال از سالهایی است که شما در این دنیا می شمارید (178)

**حدیث:**

- 859 عن ابي حمزه الثمالي قال : كان علي بن الحسين عليه السلام يقول : ابن آدم انك لاتزال بخير ما كان لك واعظ من نفسك و ما كانت المحاسبية من همك و ما كان الخوف لك شعارا و الحزن لك دثارا ابن آدم انك ميت و مبعوث و موقوف بين يدي الله فاعد جوابا.

**ترجمه:**

- 859 ابو حمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام می فرمود: ای فرزند آدم! راستی که تو پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود تا زمانی که:  
- 1 واعظ و پند دهنده ای از درون خود داشته باشی  
- 2 سعی و کوشش در محاسبه نفس خود کنی  
- 3 خوف و ترسی از خداوند را زیر پوش خود قرار دهی  
- 4 حزن و اندوه را روپوش خود کنی.  
ای فرزند آدم! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در پیشگاه خداوند خواهی ایستاد پس جوابی را (برای خداوند) آماده ساز .

**حدیث:**

- 860 عن ابي ذر في حديث قال : قلت : يا رسول الله فما كانت صحف ابراهيم ؟ قال : كانت امثالا كلها. ايها الملك المبتلى المغرور اني لم ابعثك لتجمع الدنيا بعضها على بعض و لكن بعثتك لترد عنى دعوه المظلوم فاني لا اردھا و ان كانت من كافر. و على العاقل ما لم يكن مغلوبا ان تكون له ساعات ساعه ينجح فيها ربه و ساعه يحاسب فيها نفسه و ساعه يتفكر فيها صنع الله اليه و ساعه يخلو فيها بحظ نفسه من الخلال فان هذه الساعه عون لتلك الساعات و استجمام للقلوب و تفرغ لها. (الحديث)

**ترجمه:**

- 860 ابو ذر روایت کند که : به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم : ای رسول خدا! صحف ابراهیم چه بود؟ فرمود: همه آن مثلهایی بود (از جمله : ) ای پادشاهی که گرفتار گشته و فریب خورده ای من تو را برای اینکه دنیا را بخش بخش گرد آوری کنی برنیانگیختم بلکه تو را بر انگیختم تا دعای ستمدیده را از من بازگردانی (ستمدیده ای نباشد تا از درگاه من فریاد رسی خواهد) زیرا من دعای ستمدیده را اگر چه کافر باشد باز نمی گردانم (دعایش را اجابت می کنم). (مثلی دیگر اینکه : ) بر شخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشته است) و سرگرم دنیاطلبی نشده ( سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند: ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب کشد و در ساعتی به نیکویی هایی که خداوند با او نموده است اندیشه کند و ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت کند زیرا این ساعت یاری گر بقیه ساعات است و دلها را نیرویی تازه می بخشد و جدیت در کار را در پی دارد (دلها را فارغ و آسوده می سازد ).

**حدیث:**

- 861 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لذكر الله بالغدو و الاصال خير من حطم السيوف في سبيل الله عزوجل يعني من ذكر الله بالغدو و تدكرما كان منه في ليله من سوء عمله و استغفر الله و تاب اليه انتشر و قد حطت سيئاته و غفرت ذنوبه و من ذكر الله بالاصال و هي العشيات و راجع نفسه فيما كان منه يومه ذلك من سرفه على نفسه و اضاعته لامر ربه فذكر الله و استغفر الله تعالى و اناب راج الى اهله و قد غفرت له ذنوبه.

**ترجمه:**

- 861 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا یاد کردن خداوند در صبحگاهان و شامگاهان از شکستن شمشیرها در راه خدای عزوجل بهتر است یعنی کسی که خداوند را در هنگام بامداد یاد کند و کردار بد شبانگاهانش را به یاد آورد و از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آرد آن روز در حالتی بر روز زمین سیر می کند که بدی هایش پاک شده و گناهانش بخشیده گردیده است و کسی که شبانگاه خدای را یاد کند و درباره غفلتی که از نفس خویش در طول روز داشته و ضایع نمودن فرمان

پروردگارش به نفس خود مراجعه کند پس خدای را به یاد آورد و از او طلب مغفرت کند و به سوی خدا باز گردد آن شب در حالتی به سوی خانواده اش می رود که گناهانش بخشیده شده است .

**حدیث:**

- 862 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر و من خاف امن و من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم.

**ترجمه:**

- 862 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از نفس خود مواظبت کند و از او حساب کشد سود می برد و کسی که از او غافل شود زیان می بیند و کسی که (از نفس خود) بیمناک باشد در سلامت و امان قرار می گیرد و کسی که عبرت گیرد بینا شود و کسی که بینا باشد هوشیار و زیرک است و کسی که زیرکی دارد آگاهی می یابد .

**حدیث:**

- 863 عن ابی ذر فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله انه قال : یا ابا ذر حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غذا و زن نفسك قبل ان توزن و تجهز للعرض الاکبر یوم تعرض لانتخفی علی الله خافیه - الی ان قال : - یا ابا ذر لایکون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه فیعلم من این مطعمه و من این مشربه و من این ملیسه امن حلال او من حرام ؟ یا ابا ذر من لم یبال من این اکتسب المال لم یبال الله من این ادخله النار.

**ترجمه:**

- 863 پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیتش به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از نفس خود حساب بکش پیش از اینکه از تو حساب کشیده شود زیرا حساب رسی امروزت بسی آسانتر از حسابی است که فردا از تو کشند و به نفس خود رسیدگی کن پیش از آنکه در ترازوی سنجش نهاده شوی و برای آن روز بزرگی که کردارها نمایان می شود خود را مهیا و آماده ساز همان روزی که اعمال هویدا می شود و هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست ، ای ابوذر! کسی از گروه پرهیزکاران شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد حسابرسی و دقتی شدید، شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می کشد، پس باید بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشاکش از کجاست ؟ آیا از حلال است یا از حرام ؟ ای ابوذر! کسی که باکی ندارد که از کجا و چه راهی مال به دست می آورد خداوند نیز درباره او باکی ندارد که وی را از چه راهی وارد آتش سازد .

**حدیث:**

- 864 الحسن بن علی العسکری علیه السلام فی تفسیره عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : اکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت فقال رجل : یا امیرالمؤمنین کیف یحاسب نفسه ؟ قال : اذا اصبح ثم امسی رجع الی نفسه و قال : یا نفسی ان هذا یوم مضی علیک لایعود الیک ابدًا و الله یشالک عنه بما افئیته فما الذی عملت فیہ اذکرت الله ام حمدته اقصیت حوائج مومن فیہ انفست عنه کرهه احفظتیه بظهر الغیب فی اهله و ولده احفظتیه بعد الموت فی مخلقیه اکففت عن غیبیه اخ مومن اعنت مسلما ما الذی صنعت فیہ ؟ فیذکر ما کان منه فان ذکر انه جرى منه خیر حمدالله و کبره علی توفیقه و ان ذکر معصیه او تقصیرا استغفر الله و عزم علی ترک معاودته.

**ترجمه:**

- 864 امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر خود از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از علی علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت فرمود که : زیرک ترین زیرکان کسی است که نفس خود را به پای حساب کشد و برای بعد از مرگ خویش کار کند، مردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین ! چگونه از نفس خود حساب کشد؟ فرمود: هرگاه صبح می کند سپس وارد شب می شود به نفس خود مراجعه کند و بگوید: ای نفس من ! این روزی بود که بر تو گذشت و دیگر هرگز باز نمی گردد و خداوند از تو درباره این روز می پرسد که چگونه آن را گذراندی و چه کاری در آن انجام دادی ؟ آیا خداوند را یاد کردی یا ستایش نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در نبود مومنی در میان خانواده و فرزندان او را محافظت کردی ؟ آیا بعد از مرگ مومنی در میان بازماندگانش (حق) او را محفوظ داشتی ؟ آیا از غیبت نمودن برادر دینی ات دست برداشتی که مسلمانی را یاری کرده باشی ؟ در این روز چه کردی ؟ پس هر آنچه از خود می داند به یاد آورد پس اگر به یاد آورد که خیری از او صادر شده خداوند را سپاس گوید و او را بر توفیقی که به وی بخشیده تعظیم کند و اگر به یاد آورد که گناهی یا کوتاهی کردنی از او سر زده از خداوند طلب مغفرت کند و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه باز نگردد .

**حدیث:**

- 865 علی بن موسی بن طاوس فی کتاب محاسبه النفس قال : روینا فی الحدیث النبوی المشهور: حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر.

**ترجمه:**

- 865 علی بن موسی بن طاوس در کتاب محاسبه النفس ( گوید: در حدیث نبوی مشهور برای ما نقل شده است که فرمود: از نفسهایتان حساب بکشید پیش از آنکه شما را به پای حساب بکشند و آنها را با دقت بسنجید پیش از اینکه با دقت بازرسی شوید و برای روز بزرگ قیامت خود را مهیا سازید .

حدیث:

- 866 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لا يكون العبد مومنا حتى يحاسب نفسه اشد من محاسبه الشريك شريكه و السيد عبده . (الحدیث)

ترجمه:

- 866 رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بنده ای مومن (حقیقی) (شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیقتر از حسابی باشد که شريك از شريك خود و آقا از بنده خود می کشد .

حدیث:

- 867 و عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : ما من يوم ياتي على ابن آدم الا قال له ذلك اليوم : يا ابن آدم انا يوم جديد و انا عليك شهيد فافعل في خيرا و اعمل في خيرا اشهد لك يوم القيامة فانك لن ترانى بعدها ابدا.

ترجمه:

- 867 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی اش : روایت فرمود: هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهدم پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید .

حدیث:

- 868 عن الصادق عن ابيه عليه السلام قال : الليل اذا اقبل نادى مناد بصوت يسمعه الخلائق الا النقلين يا ابن آدم انى خلق جديد انى على ما فى شهيد فخذ منى فانى لو طلعت الشمس لم ارجع الى الدنيا و لم تردد فى من حسنه و لم تستعبت فى من سيئه و كذلك يقول النهار اذا ادبر الليل.

ترجمه:

- 868 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام روایت فرمود ن هرگاه شب روی می آورد ندا دهنده ای با صدایی که همه مخلوقات به جز جن و انس آن را می شنوند ندا در می دهد که : ای فرزند آدم! من مخلوق جدیدی هستم ، به راستی که من بر آنچه در من انجام می شود گواهم پس (فرستهایم را) از من بستان زیرا اگر خورشید طلوع کند دیگر من به سوی دنیا باز نمی گردم و تو نمی دانی در من بر نیکی ات نیکی ای بیافزایی و نمی توانی از بدی ای باز گردی (پس مرا غنیمت شمار) و همچنین هرگاه شب پشت می کند و روز می آید روز نیز این سخنان را می گوید .

حدیث:

- 869 عن على بن الحسين عليه السلام قال : ان الملك الحافظ على العبد يكتب فى صحيفه اعماله فاملوا فى اولها خيرا و فى آخرها خيرا يغفر لكم ما بين ذلك.

ترجمه:

- 869 امام سجاد عليه السلام فرمود: به راستی که فرشته ای که نگاهبان بنده است در نامه اعمال او (کارهایش را) می نویسد پس شما در اول و آخر آن نامه ، نیکی را بر او دیکته کنید (که بنویسد) تا آنچه که در بین اول و آخر است بر شما بخشیده شود .

- 97 باب وجوب زاده التحفظ عند زاده العمر خصوصا ابنا، الاربعين فصاعدا

- 97 باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا

بیشتر رسیده اند

حدیث:

- 870 قال ابو عبدالله عليه السلام : ان العبد لفى فسحة من امره ما بينه و بين اربعين سنة فاذا بلغ اربعين سنة اوحى الله عزوجل الى ملكيه قد عمرت عبدي هذا عمرا فغلظا و شددنا و تحفظنا و اکتبا عليه قليل عمله و كثيره و صغيره و كبيره.

ترجمه:

- 870 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که بنده (از آغاز تکلیف) تا چهل سالگی در فراخی و وسعت است (و جبران لغزشها و خطاهایش آسانتر است) پس زمانی که به چهل سالگی رسید خداوند عزوجل به دو فرشته نگاهبان او وحی می فرستد که به این بنده ام چنین عمری دادم پس از این بر او سخت بگیرد و با دقت او را زیر نظر داشته باشید و عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگ وی را بنویسد .

حدیث:

- 871 عن ابى جعفر عليه السلام قال : اذا اتت على الرجل اربعون سنة قيل له خذ حذرك فانك غير معذور و ليس ابن الاربعين احق بالحذر من ابن العشرين فان الذى يطلبها واحد و ليس براقده فاعمل لما امامك من الهول و دع عنك فصول القول.

ترجمه:

- 871 امام باقر عليه السلام فرمود: هرگاه مرد به چهل سالگی برسد به او گفته می شود که احتیاط پیشه کن که دیگر عذری نخواهی داشت و شخص چهل ساله از شخص بیست ساله به احتیاط کردن سزاوارتر نیست زیرا آن خدایی که از هر دو طالب عمل است یکی است و خواب نیست پس برای آن هراسی که در قیامت در پیش روی توست کار کن و سخن زیادی را واگذار .

حدیث:

872 قال ابو عبدالله عليه السلام : خذ لنفسك خذ منها فى الصحه قبل السقم و فى القوه قبل الضعف و فى الحياه قبل الممات.

ترجمه:

872 امام صادق عليه السلام فرمود: برای نفس خود (توشه) بگیر، در زمان سلامتی پیش از بیماری و در زمان توانایی پیش از ناتوانی و در زندگانی پیش از مردن.

حدیث:

873 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : العمر الذى اعذر الله فيه الى ابن آدم ستون سنه.

ترجمه:

873 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: آن مدت عمری که خداوند برای فرزندان آدم جای عذر و بهانه را باقی گذارده است شصت سال است.

حدیث:

874 محمد بن على بن الحسين قال : سئل الصادق عن قول الله عزوجل : (اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكركم فقال : تويخ لابن ثمانية عشر سنه.

ترجمه:

874 محمد بن على بن حسين گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: آیا به شما آن مقدار عمر ندادیم که در آن پند می گیرد کسی که پندپذیر است؟ (حضرت فرمود: این آیه در بردارنده سرزنش و توبیخ کسی است که به هجده سالگی رسیده است (179)

حدیث:

875 عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : ثلاث من لم تكن فيه فلا يرجى خيره ابدًا من لم يبخش الله فى الغيب و لم يرع فى الشيب و لم يستح من العيب.

ترجمه:

875 امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه در او نباشد درباره او هرگز امید خیر و خوبی برده نمی شود: کسی که در نهان از خدا نترسد و در پیری ورع و پارسایی نداشته باشد و از عیب و نقص شرمگین نباشد.

حدیث:

876 قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا بلغ العبد ثلاثا و ثلاثين سنه فقد بلغ اشدّه و اذا بلغ اربعين سنه فقد بلغ منتهاه فاذا طعن فى واحد و اربعين فهو فى النقصان و ينبغى لصاحب الخمسين ان يكون كمن كان فى النزاع.

ترجمه:

876 امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که بنده به سی و پنج سالگی رسید به دوران قوت و توانایی خود رسیده است و آنگاه که به چهل سالگی برسد (گوئیا) به انتهای عمر خود رسیده است پس هنگامی که وارد چهل و يك سالگی شود چنین کسی در (سراشویی) نقصان است و کسی که عمرش به پنجاه رسیده سزاوار است همانند کسی باشد که در حال نزاع و جان کندن است .

98 باب وجوب عمل الحسنه بعد السينه

98 باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

حدیث:

877 قال ابو عبدالله عليه السلام فى حديث : من احب ان يعلم ما له عند الله فلينظر ما لله عنده و من خلا بعمل فلينظر فيه فان كان حسنا جميلا فليمض عليه و ان كان سيئا فبيحا فليجتنبه فان الله اولى بالوفاء و الزيادة و من عمل سيئه فى السر فليعمل حسنه فى السر و من عمل سيئه فى العلانيه فليعمل حسنه فى العلانيه.

ترجمه:

877 امام صادق عليه السلام در ضمن حدیثی فرمود : هر کس دوست دارد که بداند چه (منزلی) در نزد خدا دارد پس باید بنگرد که خداوند چه منزلتی در نزد او دارد و کسی که با عمل خود خلوت کرد (در پنهانی عملی انجام داد) پس در آن نظر کند اگر آن عمل نیکو و زیبا بود به آن ادامه دهد و اگر بد و زشت بود از آن اجتناب و دوری کند زیرا خداوند از هر کس دیگری سزاوارتر است به اینکه (به وعده ای که درباره نیکوکاران داده) وفا کند و به آنان زیادتی بخشد، و کسی که در پنهانی عمل بدی انجام دهد باید عمل نیکی نیز در پنهانی انجام دهد و کسی که عمل زشتی آشکارا به جای آورد باید کار نیکی نیز آشکارا انجام دهد.

حدیث:

878 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : كان على بن الحسين عليه السلام يقول : و يل لمن غلبت أحاده اعشاره فقلت له و كيف هذا؟ قال : اما سمعت الله عزوجل يقول (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسئنه فلا يجزى الا مثلها) فالحسنه الواحده اذا عملها كتبت له عشرا و السئنه الواحده اذا عملها كتبت له واحده فنعود بالله ممن يرتكب فى يوم واحد عشر سيئات و لا يكون له حسنه واحده فتغلب حسناته سيئاته.

ترجمه:

878 امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام می فرمود: وای بر کسی که یکی یکی

های او بر ده تایی های او غالب شود - راوی گوید: - عرض کردم: این چگونه باشد؟ فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل می فرماید: کسی که کار نیکی انجام دهد پاداش او ده برابر آن است و کسی که مرتکب کار بدی شود تنها به همان اندازه جزایش را خواهد دید (180) پس هرگاه يك نیکی انجام دهد برای او ده نیکی نوشته می شود و هرگاه يك بدی به جای آورد برایش يك بدی ثبت می شود پس به خدا پناه می بریم از کسی که در يك روز مرتکب ده گناه می شود ولی يك کار نيك انجام نمی دهد تا در نتیجه بدیهایش بر نیکی هایش غالب می شود.

حدیث:

- 879 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل اوحى الى عيسى عليه السلام ما اكرمت خليفه بمثل دينى و لانا نعمت عليها بمثل رحمتى اغسل بالماء منك ما ظهر و داو بالحسنات ما بطن فانك الى راجع شمر فكل ما هو آت قريب و اسمعنى منك صوتا حزينا.

ترجمه:

- 879 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به عیسی علیه السلام وحی فرستاد که: هیچ مردمی را به چیزی همانند دین خود گرامی نداشته ام و بر هیچ مردمی به چیزی همانند رحمت خود نعمت نبخشیده ام، به وسیله آب ظاهر خود را بشوی (و پاکیزه کن) و به کمک نیکوکاری ها (بیماری های) درون خود از درمان کن زیرا تو با شتاب به سوی من باز می گردی، پس آینده نزدیک است، و از خود صدایی غمناک به من بشنوان (راز و نیازی با صوتی حزین با من داشته باش تا از تو چنین صدایی بشنوم).

حدیث:

- 880 عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال سمعته يقول : ما احسن الحسنات بعد السيئات و ما اقبح السيئات بعد الحسنات.

ترجمه:

- 880 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: چه نیکوست نیکی ها بعد از بدیها و چه زشت است بدیها پس از نیکی ها.

حدیث:

- 881 عن ابی ذر قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اتق الله حيثما كنت و خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سيئه فاعمل حسنه تمحوها.

ترجمه:

- 881 ابوذر گوید: رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: در هر جا و هر حالی از خدا بترس و با مردمان با اخلاق نیکو معاشرت کن و هرگاه مرتکب گناهی شدی پس از آن کار نیکی انجام ده تا آن گناه را از بین ببرد.

- 99 باب صحه التوبه من المرتد

- 99 باب صحيح بودن توبه شخص مرتد

حدیث:

- 882 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كان مومنا فعمل خيرا فى ايمانه ثم اصابته فتنه فكفر ثم تاب بعد كفره كتب له و حسب له كل شىء كان عمله فى ايمانه و لا يبطله الكفر اذا تاب بعد كفره.

ترجمه:

- 882 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که با ایمان باشد و در زمان ایمانش کار خیری انجام دهد سپس فتنه ای به او برسد و کافر شود پس از آن از کفر خویش توبه کند و مومن گردد آن عمل خیر و هر کاری که در وقت ایمانش انجام داده برای او نوشته شده و حساب می گردد و هرگاه پس از کفر توبه کند کفر او کار خیر او را (که در زمان مومن بودنش به جای آورده) باطل نمی کند.

## - ۱۸ -

- 100 باب وجوب الاستغفال بصالح الاعمال عنالاهل و المال

- 100 باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال بپردازد

حدیث:

- 883 قال اميرالمؤمنين عليه السلام : ان ابن آدم اذا كان فى آخر يوم من ايام الدنيا و اول يوم من ايام الاخره مثل له ماله و ولده و عمله فيلتفت الى ماله فيقول : و الله اين كنت عليك حريضا شحيحا فما لى عندك ؟ فيقول : خذ منى كفنك قال : فيلتفت الى ولده فيقول : و الله انى كنت لكم محبا و انى كنت عليك محاميا فما ذا عندكم ؟ فيقولون : نوديك الى حفرتك نواريك فيها قال : فيلتفت الى عمله فيقول : و الله انى كنت فيك لزاهدا و ان كنت لثقيلا فيقول : انا قرينك فى قبرك و يوم نشرك حتى اعرض انا و انت على ربك.

ترجمه:

- 883 اميرالمؤمنين علیه السلام فرمود: به راستی که فرزند آدم آنگاه که در آخرین روز از روزهای دنیا و

اولین روز از روزهای آخرت قرار می گیرد مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می شود پس به سوی مال و دارایی خود رو می کند و می گوید: سوگند به خدا که من بر تو حریص و بخیل بودم پس چه چیزی برای من در نزد توست ؟ مال خطاب به او می گوید: از من تنها کفن خود را بگیر، پس به فرزندان خود رو می کند و می گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره حمایت و پشتیبانی شما را می نمودم پس حال چه چیزی در نزد شما برای من هست ؟ فرزندان گویند: (پس از مرگت) تو را به (کنار) قبرت می رسانیم و در آن پوشیده و پنهان می سازیم ، پس رو به سوی عملش می کند و می گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنائی نداشتم اگر چه تو سنگین (و ارزشمند) بودی ، عمل خطاب به او گوید: من در قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا اینکه من و تو بر پروردگارت عرض شویم.

**حدیث:**

- 884 عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال علي عليه السلام : ان للمرء المسلم ثلاثه اخلاء فخليل يقول له : انا معك حيا و ميتا و هو عمله و خليل يقول له : انا معك حتى تموت و هو ماله فاذا مات صار للوارث و خليل يقول له : انا معك الى باب قبرك ثم اخليك و هو ولده.

**ترجمه:**

- 884 امام صادق علیه السلام از پدرانش که درود و سلام بر آنان باد روایت فرمود که : علی علیه السلام فرمود : همانا شخص مسلمان سه دوست دارد یکی دوستی که به وی می گوید: من در زندگی و مرگ با تو هستم ، و آن دوست عمل اوست . و دیگری دوستی که به وی می گوید: من تا زمان مرگ با تو هستم ، و آن مال و دارایی اوست که زمانی که مرد به وارث منتقل می شود. و سوم دوستی که به وی می گوید: من تا در قبرت با تو هستم سپس تو را تنها می گذارم ، و او فرزند وی است.

- 101 باب وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمة عليه السلام

- 101 باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه علیه السلام

**حدیث:**

- 885 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : تعرض الاعمال على رسول الله صلى الله عليه و آله اعمال العباد كل صباح ابرارها و فجارها فاحذروها و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون ) و سكت.

**ترجمه:**

- 885 امام صادق علیه السلام فرمود: اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه ناپکاران در هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس ، از اعمال خود بیمناک باشید و گفتار خدای عزوجل که می فرماید: و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش عمل شما را می بیند<sup>(181)</sup> همین است ، و حضرت با خواندن این آیه تا اینجا سکوت فرمود.

**حدیث:**

- 886 عن الوشاء قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : ان الاعمال تعرض على رسول الله صلى الله عليه و آله ابرارها و فجارها.

**ترجمه:**

- 886 وشاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا اعمال بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود چه اعمال نیکوکاران و چه اعمال ناپکاران.

**حدیث:**

- 887 عن يعقوب بن شعيب قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل (اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون ) قال : هم الائمة عليه السلام.

**ترجمه:**

- 887 يعقوب بن شعيب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید: عمل کنید به زودی خداوند و رسولش و مومنان عمل شما را خواهند دید<sup>(182)</sup> پرسیدم که مراد از مومنان کیانند؟ فرمود: آنان ائمه علیه السلام هستند.

**حدیث:**

- 888 عن سماعه عن ابی عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : ما لكم تسوءون رسول الله صلى الله عليه و آله ؟ فقال له رجل : كيف نسووه ؟ فقال : اما تعلمون ان اعمالكم تعرض عليه فاذا رای فيها معصيه ساءه ذلك فلا تسوءوا رسول الله صلى الله عليه و آله و سره.

**ترجمه:**

- 888 سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه شده است که رسول خدا صل الله علیه و آله را اندوهگین می سازید؟ مردی به حضرت عرض کرد: چگونه رسول الله را اندوهگین می کنیم ؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید که اعمال شما بر او عرضه می شود؟ پس هرگاه در اعمال شما گناهی مشاهده کند اندوهگینش می سازد، پس رسول خدا صل الله علیه و آله را غمگین نسازید و او را (با اعمال خوب خود) خوشحال بگردانید.

**حدیث:**

- 889 عن عبدالله بن ابان الزيات و كان مكينا عند الرضا عليه السلام قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لي و لاهل بيتي فقال : او لست افعل ؟ ان اعمالكم لتعرض على في كل يوم و ليله قال :

فاستعظمت ذلك فقال لي : اما تقرا كتاب الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون ) قال هو و الله على بن ابي طالب عليه السلام.

ترجمه:

- 889 عبدالله بن ابان روغن فروش که در نزد امام رضا علیه السلام صاحب مقام و منزلتی بود گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خدای را برای من و خانواده ام بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود. عبدالله گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: و بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را ببینند<sup>(183)</sup> به خدا سوگند که مراد از مومنان در این آیه علی بن ابي طالب عليه السلام و ائمه طاهرين ( هستند.

حدیث:

- 890 عن ابي جعفر عليه السلام انه ذكر هذه الاية فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون قال : هو و الله على بن ابن ابي طالب عليه السلام.

ترجمه:

- 890 امام باقر عليه السلام این آیه را ذکر نمود و فرمود: سوگند به خدا که مراد از (مومنون) علی بن ابي طالب عليه السلام (و امامان پس از ایشان) است.

حدیث:

- 891 محمد بن علی بن الحسین عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : حياتي خير لكم و مماتي خير لكم الى ان قال و اما مفارقتي اياكم فان اعمالكم تعرض على كل يوم فما كان من حسن استزدت الله لكم و ما كان من قبيح استغفرت الله لكم . (الحدیث)

ترجمه:

- 891 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صل الله عليه و آله فرموده است: زندگانی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است - تا آنجا که فرمود: - اما اینکه جدایی من از شما برایتان مایه خیر است زیرا اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود پس آن اعمالتان که نیکوست از خداوند برای شما طلب زیادتی آنها را می نمایم و برای آن اعمالی از شما که زشت است از خداوند طلب آمرزش می کنم.

حدیث:

- 892 و روی ان اعمال العباد تعرض على رسول الله صلى الله عليه و آله و على الائمة عليه السلام كل يوم ابرارها و فجارها فاحذروا و ذلك قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون).

ترجمه:

- 892 و روایت شده است که: اعمال بندگان در هر روز بر رسول خدا صل الله عليه و آله و ائمه عليه السلام عرضه می شود اعمال نیکو کاران و ناپکاران، پس بترسید و این روایت معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را خواهند دید.<sup>(184)</sup>

حدیث:

- 893 عن ابي بصير قال قلت لابي عبدالله عليه السلام : ان ابا الخطاب كان يقول : ان رسول الله صلى الله عليه و آله تعرض عليه اعمال امته كل خميس فقال ابو عبدالله عليه السلام : ليس هكذا و لكن رسول الله صلى الله عليه و آله تعرض عليه اعمال امته كل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسيرى الله عملكم و رسوله و المومنون ) و سكت قال ابوبصير : انما عنى الائمة عليه السلام.

ترجمه:

- 893 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: همانا ابا الخطاب می گوید که: بر رسول خدا صل الله عليه و آله اعمال امتش در هر روز پنجشنبه عرضه می شود، امام صادق علیه السلام فرمود: چنین نیست بلکه اعمال امت پیامبر اکرم صل الله عليه و آله چه نیکوکاران و چه بدکاران در هر صبحگاه بر ایشان عرضه می گردد و معنای گفتار خدای عزوجل نیز همین است که می فرماید: (و بگو عمل کنید که زود باشد عمل شما را خدا و رسول او و مومنان ببینند)<sup>(185)</sup> و حضرت صادق علیه السلام سکوت فرمود. ابوبصیر گوید: همانا از مومنون (ائمه عليه السلام) را قصد کرده است.

حدیث:

- 894 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : حياتي خير لكم و مماتي خير لكم اما حياتي فتحذثوني و احذثكم و اما موتي فتعرض على اعمالكم عشية الاثنين و الخميس فما كان من عمل صالح حمدت الله عليه و ما كان من عمل سيئ استغفرت الله لكم.

ترجمه:

- 894 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: زندگی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است، اما خیر زندگی ام برای شما این است که با من سخن می گوید و من نیز با شما سخن می گویم (و دینتان را از من می آموزید) و اما خیری که در مرگ من برای شماست این است که اعمال شما غروب دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود پس بر عمل شایسته شما خدای را سپاس می گویم و از عمل ناشایست شما برایتان از خداوند طلب مغفرت می نمایم.

**حدیث:**

- 895 و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من ضمن لى ما بين لحييه و ما بين رجليه ضمانت له الجنة.

**ترجمه:**

- 895 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: هر کس برای من ضمانت ما بین دو فك خود (یعنی دهان) خود و ما بین دو پای خود (یعنی فرج خود) را کند من نیز ضامن بهشت او خواهم بود.

**حدیث:**

- 896 و عن الرضا عليه السلام عن آباءه عليه السلام عن على بن الحسين عليه السلام قال : ان اعمال هذه الامه ما من صباح الا و تعرض على الله تعالى.

**ترجمه:**

- 896 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : امام سجاد عليه السلام فرمود: به راستی که هیچ صبحی نیست جز اینکه اعمال این امت بر خداوند تعالی عرضه می شود.

**حدیث:**

- 897 عن ابى جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله و هو فى نفر من الصحابه : ان مقامى بين اظهركم خير لكم و ان مفارقتى اياكم خير لكم الى ان قال : اما مقامى بين اظهركم خير لكم فان الله يقول (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون ) يعنى يعذبهم بالسيف و اما مفارقتى اياكم خير لكم فان اعمالكم تعرض على كل اثنين و خميس فما كان من حسن حمدت الله عليه و ما كان من سبى استغفرت لكم.

**ترجمه:**

- 897 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صل الله عليه و آله در حالی که در میان چند تن از اصحابش بود فرمود: به راستی که اقامت من در بین شما برایتان مایه خیر است و جدا شدن من نیز از شما خیر شما را در بر دارد. اما (اینکه گفتم) اقامت من در بین شما مایه خیر شماست ، زیرا خداوند می فرماید: خداوند آنان را تا زمانی که تو در بین آنان هستی عذاب نمی کند و خداوند تا زمانی که آنان استغفار می کنند آنان را به عذاب نمی رساند<sup>(186)</sup> یعنی آنها را با شمشیر (جنگ و خونریزی) عذاب می کند (نه اینکه مانند اقوام گذشته بر آنان عذاب بفرستد) و اما (اینکه گفتم) جدایی من از شما موجب خیر برای شماست ، زیرا عملهای شما هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود پس هر عملی از عملهای شما نیکو باشد خدای را بر آن سپاس می گویم و هر عملی بد باشد برای شما درباره آن از خداوند طلب مغفرت می کنم .

**حدیث:**

- 898 عن ابن اذینه قال : كنت عند ابى عبدالله عليه السلام فقلت له : قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) قال : ايانا عنى.

**ترجمه:**

- 898 ابن اذینه گوید: در نزد امام صادق عليه السلام بودم که به ایشان عرض کردم : (مراد از مومنون در) گفتار خدای عزوجل (چيست؟) (که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند<sup>(187)</sup> حضرت فرمود: مراد از مومنون مايمم و خداوند ما را قصد کرده است .

**حدیث:**

- 899 عن داود بن كثير الرقى قال : كنت جالسا عند ابى عبدالله عليه السلام اذ قال مبتدئا من قبل نفسه : يا داود لقد عرضت على اعمالكم يوم الخميس فرأيت فيما عرض على من عملك صلتك لابن عمك فلان فسرنى ذلك انى علمت ان صلتك له اسرع لفناء عمره و قطع اجله قال داود: و كان لى ابن عم معاندا ناصبيا خبيثا بلغنى عنه و عن عياله سوء حال فصككت له نفقه قبل خروجى الى مكة فلما صرت فى المدينة اخبرنى ابو عبدالله عليه السلام بذلك.

**ترجمه:**

- 899 داود بن كثير رقی گوید: در نزد امام صادق عليه السلام نشسته بودم که ناگهان ایشان بدون مقدمه و از جانب خود آغاز سخن نمود و فرمود: ای داود! در روز پنجشنبه عملهای شما بر من عرضه می شود و من در بین اعمال تو که بر من عرضه شد دیدم که صله و رابطه با پسر عمویت را به جا آوردی و این کار تو مرا خوشحال کرد و من دانستم که این عمل تو عمر او را زودتر و سریعتر فانی می سازد و مرگش را فرا می رساند. داود گوید: من پسر عمویی داشتم که با اهل بیت عليه السلام دشمنی داشت و فرد خبیثی بود و به من خبر رسیده بود که او و خانواده اش در وضعیت بدی به سر می برند و من پیش از بیرون آمدن به سوی مکه هزینه ای برای زندگی آنان قرار دادم و زمانی که به مدینه بازگشتم امام صادق عليه السلام مرا از عمل خودم خبردار ساخت.

**حدیث:**

- 900 على بن موسى بن طاوس فى رساله محاسبه النفس قال : رایت و رویت فى عده روايات متفقات ان يوم الاثنين و يوم الخميس تعرض فيهما الاعمال على الله و على رسوله و على الأئمة عليه السلام.

**ترجمه:**



- 900 (ابن طاوس در رساله) محاسبه النفس (گوید: در عده ای از روایات موافق با هم دیده ام و برابرم روایت شده است که در روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال مردمان بر خداوند و رسولش و ائمه علیه السلام عرضه می شود .

**حدیث:**

- 901 عن احمد بن عمر عن ابی الحسن علیه السلام قال : سنئل عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) قال : ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا.

**ترجمه:**

- 901 احمد بن عمر روایت کندن که از حضرت رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند<sup>(188)</sup> حضرت فرمود: به راستی که اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه بدکاران هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس بترسید و بر حذر باشید.

**حدیث:**

- 902 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اعمال العباد تعرض علی نبیکم کل عشیة خمیس فلیستحی احدکم ان یرض علی نبیه العمل القبیح.

**ترجمه:**

- 902 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که اعمال بندگان هر شامگاه پنجشنبه بر پیامبر شما عرضه می شود پس هر کس از شما از اینکه بر پیامبرش عمل زشتی از او عرضه شود باید شرم داشته باشد.

**حدیث:**

- 903 عن حفص بن البختری و غیر واحد قال : تعرض الاعمال یوم الخمیس علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمة علیه السلام.

**ترجمه:**

- 903 از حفص بن بختری و عده ای دیگر از راویان روایت است که : اعمال در روز پنجشنبه بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه علیه السلام عرضه می شود.

**حدیث:**

- 904 عن برید العجلی قال : کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فسألته عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) قال : ایانا عنی.

**ترجمه:**

- 904 برید عجلی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که از ایشان درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را می بینند<sup>(189)</sup> حضرت فرمود: خداوند در این آیه از مومنون ( ما را اراده کرده است.

**حدیث:**

- 905 عن ابی عبدالله علیه السلام قال فی قوله تعالی اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هم الائمة علیه السلام.

**ترجمه:**

- 905 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: عمل کنید که زود باشد خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را ببینند<sup>(190)</sup> فرمود: مراد از مومنون ( ائمه علیه السلام می باشند.

**حدیث:**

- 906 عن برید العجلی قال : قلت لابی جعفر علیه السلام (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) فقال : ما من مومن یموت و لا کافر فیوضع فی قبره حتی یرض عمله علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علی و هلم جرا الی آخر من فرض الله طاعته علی العباد.

**ترجمه:**

- 906 برید عجلی گوید: برای امام باقر علیه السلام این آیه را خواندم که: عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش و مومنین عمل شما را می بینند<sup>(191)</sup> حضرت فرمود: هیچ مومن و کافر نیست که بمیرد و در قبرش نهاده شود مگر اینکه عملش بر رسول خدا صل الله علیه و آله و بر علی علیه السلام و همینطور تا آخر بر همه آنانی که خداوند طاعت آنان را بر بندگان واجب ساخته است عرضه می شود.

**حدیث:**

- 907 عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : یقول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) ما المومنون ؟ قال : من عسی ان یكون الا صاحبك ؟

**ترجمه:**

- 907 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : در گفتار خداوند عزوجل که می فرماید : (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند<sup>(192)</sup> مراد از مومنان چه کسانی است ؟ حضرت فرمود: چه کسی جز همین همدم تو امید آن می رود که مقصود از مومنون (باشد؟) یعنی مراد از مومنون ما اهل بیت پیامبر هستیم.

**حدیث:**

- 908 عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لي و لمواليك فقال : و الله اني  
لاعرض اعمالهم على الله في كل خميس.

ترجمه:

- 908 عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خداوند را برای من و دوستداران  
بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: به خدا سوگند که من اعمال شما را در هر پنجشنبه به پیشگاه  
خداوند عرضه می‌کنم.

حدیث:

- 909 عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام ان قوما من مواليك سالوني ان تدعوا لله لهم  
فقال و الله اني لاعرض اعمالهم على الله في كل يوم.

(ثم كتاب الجهاد بقلم مولفه محمد الحر)

ترجمه:

- 909 عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: همانا گروهی از دوستداران شما از  
من درخواست نموده‌اند که (به شما عرض کنم) برای آنان در درگاه خداوند دعا کنی، حضرت فرمود:  
به خدا سوگند که من در هر روز اعمال آنها را بر خداوند عرضه می‌کنم.

والسلام./